



۶۰۲۰-۲۲۲۸: شاپا چاپی
۴۳۱۸-۲۶۷۶: شاپا الکترونیکی

دوره ۳۱، شماره ۲ (تابستان ۱۴۰۵)

هنر زیبا

معماری و شهرسازی

فصلنامه علمی

دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی/دوره ۳۱/شماره ۲/تابستان ۱۴۰۵

HONAR-HA-YE-ZIBA: Memari-Va-Shahrsazi / Volume 31 / No. 2 / Summer 2026

HONAR-HA-YE-ZIBA
Memari-Va-Shahrsazi
Architecture and Urban Planning
Quarterly Journal of Fine Arts

Volume 31, No. 2
(Summer 2026)



university of
TEHRAN

P. ISSN: 2228-6020
E. ISSN: 2676-4318

- ۵ سرمقاله مهمان: معماری و پژوهش در روزگار بحران: از پاسداشت حافظه تا پرورش امید
محمد قاری‌پور
- ۹ ارزیابی در پژوهش‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای ایران: مرور نظام‌مند
محمدعلی حیدری، ناصر برک‌پور
- ۲۹ تدوین چارچوب مفهومی جامع عوامل کلیدی موفقیت در پروژه مشارکت عمومی - خصوصی
امیر امیری دība، مجید پرچمی جلال
- ۴۵ مقوله معماری در اسناد مردمی دوره قاجار: تحلیلی مبتنی بر معنی‌شناسی ساخت‌گرا
علی اسدپور
- ۶۱ واکاوی ساخت‌وساز شهری غیرمجاز از منظر مفهوم نوموتروپیسیم: نمونه شهرک احمدیه در منطقه ۱۹ شهر تهران
پارسا ارباب، مسعود رحیمی، محمد صالح شکوهی بیدهندی
- ۷۹ تبیین سازوکارهای اجتماعی شکل‌گیری سلیقه معماری
فاطمه میرزائی، نادیه ایمانی، حسام سلامت
- ۹۳ از کالبد منقطع تا ادراک یکپارچه: تدوین چارچوب «انسجام فضایی» در محیط‌های آموزشی کودکان
دارای اوتیسم بر پایه هندسه توالی فضا
مریم کلامی، فائزه فضائلی

- Guest Editorial: Architecture and Research in Times of Crisis: From Preserving Memory to Cultivating Hope 5
Mohammad Gharipour
- Evaluation In Iran Urban and Regional Planning Research; A Systematic Review 9
Mohammadali Heydari, Naser Barakpour
- Developing a Comprehensive Conceptual Framework of Critical Success Factors in Public-Private Partnership Projects 29
Amir Amiri Diba, Majid Parchamijalal
- The Category of Architecture in Private Documents of the Qājār Period: A Structural Semantic Analysis 45
Ali Asadpour
- Exploring Unauthorized Urban Construction Considering the Concept of Nomotropism: The Case of Ahmadiyeh Town in District 19 of Tehran 61
Parsa Arbab, Masoud Rahimi, Mohammad Saleh Shokouhi Bidhendi
- Explaining the Social Mechanisms of Architectural Taste Formation 79
Fateme Mirzaie, Nadieh Imani, Hesam Salamat
- From Fragmented Space to Integrated Perception: A Framework for "Spatial Coherence" in Educational Environments for Children with Autism Utilizing Spatial Sequencing Geometry 93
Maryam Kalami, Faezeh Fazaeli





راهنمای نویسندگان

معماری و
شهرسازی

راهنمای تهیه و شرایط ارسال نوشتارهای علمی در “نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی”



معماری و
شهرسازی

INSTRUCTIONS To CONTRIBUTORS

The Journal of “Honar – ha – ye – Ziba: Memari-Va-Shahrsazi” aims at publishing the results of scientific research and experiences in architecture and urban planning and design. Research and analytical papers as well as scientific reports and book reviews on architecture and urban planning are accepted for publication after review by referees and the editorial board.

- The paper should have neither been previously published nor be under consideration elsewhere.
- The manuscript should include an abstract, introduction, literature review, methodology, research body covering the results, endnotes, and references. The manuscript should be approximately 7,000–10,000 words in length.
- The abstract should be in both English and Farsi. It should be about 200 words in Farsi and about 800 words in extended English, typed on two separate pages.
- The “introduction” should point to the research questions, objectives and a general overview of the paper.
- The “results” section should succinctly and logically clear out the research findings.
- The guidance and contributions of others can be acknowledged briefly in a separate section.
- The endnotes should be numbered and included before the references.
- Citations should follow the international convention as follows:
 - (a) Author’s name, date, and page should be referenced in parenthesis, following the related text.
 - (b) If the paper is in Farsi but the literature cited is in Latin, The above information should be in Farsi and the Latin equivalent can be included in the footnote on the same page.
- Full references should be included at the end of the paper in alphabetical order.
- References should follow the following style:
 - Articles: Author (s)(year of publication), full article title, journal’s name, volume, number, Pages.
 - Books: Author (s)(year of publication), book title, translator, Publisher and location.
- The first page should include Author’s full name, title and affiliation, Address, telephone, Fax, and E-mail. Also, if the paper is based on a grant or a student thesis, it should be noted accordingly on the first page. The second page should begin with the paper’s title, abstract, and keywords. Note that the title should be short, succinct, and relevant to the text.
- The keywords should include five major terms that are relevant to the article and should be listed in alphabetical order.
- The number of figures, graphs, and tables should be minimal.
- If the paper has more than one author, one must be represented as the author correspondin.
- Manuscripts, not following the above guidelines, will be returned to the author(s).
- The editorial board reserve the right to accept or reject any article after reviewed by referees.
- The sole responsibility for views and statements expressed in the article remains with the author(s).
- All rights reserved. No part of this publication may be published elsewhere without the Journal of “Honar-ha-ye-Ziba: Memari-Va-Shahrsazi”’s permission.

Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning

- هدف نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، انتشار نتیجه پژوهش‌ها و تجربه‌های علمی در زمینه‌های معماری و شهرسازی است.
- نوشتارهای علمی- پژوهشی و تحلیلی در زمینه‌های معماری و شهرسازی برای درج در نشریه پذیرفته‌شده و پس از داوری و تصویب هیأت تحریریه به چاپ می‌رسند. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، از چاپ مقاله‌های غیرعلمی- پژوهشی (ترجمه، گردآوری، مروری و یادداشت‌های تحقیقاتی) معذور است.
- نوشتارهای ارسالی نباید قبل از درج هیچ نشریه‌ای به چاپ رسیده باشند.
- مقاله‌های ارایه شده به نشریه هنرهای زیبا برای بررسی و چاپ نباید هم‌زمان به نشریه‌های دیگر ارایه شده باشند.
- مقاله باید دارای بخش‌های چکیده، مقدمه، روش تحقیق، بدنه تحقیق شامل موضوعات مختلف، نتیجه، پی‌نوشت‌ها و فهرست منابع باشد. اندازه این نوشتارها باید حدود ۷۰۰ تا ۱۰,۰۰۰ کلمه باشد.
- نوشتارها باید دارای چکیده فارسی و انگلیسی باشند. چکیده مقاله باید شامل بیان مسئله، هدف، چگونگی پژوهش، موضوعات مقاله و یافته‌های مهم و نتیجه باشد. این بخش باید به تنهایی بیان‌کننده تمام مقاله و به ویژه نتایج به‌دست آمده باشد. اندازه چکیده فارسی ۲۰۰ کلمه و چکیده انگلیسی مبسوط حدود ۸۰۰ کلمه است.
- مقدمه نوشتار، ارایه‌کننده مسئله، هدف تحقیق و معرفی کلی مقاله است.
- نتیجه نوشتار باید به‌گونه‌ای منطقی و مفید که روشن‌کننده بحث و ارایه یافته‌های تحقیق باشد، ارایه گردد.
- در بخش تشکر و قدردانی، راهنمایی و کمک‌های دیگران یادآوری شده و به‌طور خلاصه از آن‌ها سپاسگزاری می‌گردد.
- پی‌نوشت‌های مقاله (اصطلاحات و معادل‌های واژه‌ها، توضیحات و غیره) می‌باید در متن به ترتیب شماره‌گذاری شده و در پایان مقاله و قبل از فهرست منابع نیز تحت عنوان پی‌نوشت‌ها گنجانده شوند.
- ارجاعات مربوط به منابع، در متن و داخل پرانتز، شامل نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار و شماره صفحه، پس از نقل مطلب می‌آید.
- فهرست منابع به ترتیب الفبایی نام خانوادگی یا نام اشهر نویسندگان در انتهای مقاله می‌آید.
- ترتیب عناصر اطلاعات کتاب‌شناختی در مورد مقالات، کتب، گزارش‌ها و سایر مراجع به شرح زیر است؛
- مقالات: نام خانوادگی و نام نویسنده مقاله (سال انتشار)، عنوان کامل مقاله، نام نشریه، جلد، شماره، شماره صفحات مقاله در نشریه.
- کتب: نام خانوادگی و نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح، نام ناشر، محل انتشار.
- صفحه اول مقاله باید شامل نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان)، عنوان (رتبه علمی)، آدرس، تلفن، نمابر و پست الکترونیکی نویسنده (نویسندگان) باشد. همچنین چنانچه مقاله مستخرج از طرح پژوهشی یا رساله باشد، عنوان طرح پژوهشی یا رساله نیز در صفحه اول درج گردد. صفحه دوم باید بدون نام و مشخصات نویسنده (نویسندگان) و فقط شامل عنوان مقاله، چکیده فارسی و واژه‌های کلیدی باشد. عنوان نوشتار باید کوتاه، گویا و بیان‌کننده محتویات نوشتار باشد.
- واژه‌های کلیدی مربوط به متن و عنوان مقاله بلافاصله بعد از چکیده ۵ کلمه و به ترتیب حروف الفبا نوشته شود.
- تعداد عکس‌ها، نگاره‌ها، جداول و غیره حداکثر ۱۵ عدد و با کیفیت مناسب تهیه شوند. شماره و مأخذ عکس‌ها، نگاره‌ها و غیره به ترتیبی که در متن به آن اشاره می‌شود در ذیل آنها قید گردد. همچنین می‌بایست فایل تصویری تمام عکس‌ها، نگاره‌ها و جداول، خارج از Word با فرمت JPG یا TIFF نیز ارائه گردد.
- چنانچه مقاله دارای چند نویسنده باشد، مکاتبه برای ارائه مقاله می‌بایست توسط تمام نویسندگان انجام شود. نویسندگان می‌بایست کتبا یک نفر را به عنوان نماینده جهت انجام مکاتبات بعدی به دفتر نشریه معرفی نمایند.
- چنانچه مقاله‌ای خارج از ضوابط راهنمای تهیه نوشتارهای علمی نشریه به طریق مزبور باشد، قبل از ارایه به هیأت تحریریه و داوران به نویسنده برگشت داده خواهد شد.
- نوشتارها برای بررسی و داوری می‌بایست در سامانه نشریه بارگذاری شوند.
- تأیید نهایی نوشتارها برای چاپ در نشریه پس از نظرات داوران با هیئت تحریریه نشریه است.
- صحت نوشتارهای علمی با نویسنده / نویسندگان است.
- چاپ نوشتارهای نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی بدون ذکر مأخذ در نشریه‌های دیگر ممنوع می‌باشد.

نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی





هنر زیبا معماری و شهرسازی

نشریه علمی هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی

زمینه انتشار: معماری و شهرسازی

قالب انتشار: چاپی- الکترونیکی

دوره ۳۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۵

صاحب امتیاز: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

مدیر مسئول: حامد مظاهریان

سردبیر: اسفندیار زبردست

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

هیأت تحریریه

بهناز امین زاده گوهریزی استاد گروه شهرسازی، دانشکده شهرسازی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

محمد تقی پیربائنی استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

محمود رضا ثقفی استاد گروه آموزشی معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

پیروز حناچی استاد گروه مرمت و احیاء بناها و بافت های تاریخی، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

شاهین حیدری استاد گروه فناوری معماری، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

محمد حسین شریف زادگان استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

علیرضا عینی فر استاد گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

علی عمرانی پور دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

علی غفاری استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

محمد طالقانی مدرسه بانکداری جهانی (Global Banking School [GBS])

محمد قاری پور استاد برجسته، انجمن مدارس دانشگاهی معماری، دانشگاه مریلند، ایالات متحده آمریکا

مدیر داخلی: نرگس یارچینی

ویراستار تخصصی: مهدی فلاحی تکان تپه

طرح روی جلد: مرتضی ممیز

طرح بسم ا... و خوشنویسی عنوان نشریه: صداقت جباری

نشانی نشریه: دانشگاه تهران، دانشکده‌گان هنرهای زیبا - تلفن: ۶۶۴۱۵۲۸۲، نمابر: ۶۶۴۱۵۲۸۲، کد پستی: ۱۴۱۵۵-۶۴۵۸۳

پست الکترونیکی: fineartj@ut.ac.ir

وبسایت نشریه: <http://JFAUP.ut.ac.ir>

■ داوری مقالات این شماره بنا به موضوع، به وسیله اعضای هیأت داوران نشریه انجام شده است.

■ مقالات مندرج لزوماً نقطه نظرات نشریه نبوده و مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان محترم می باشد.

درجه علمی - پژوهشی نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی طی نامه شماره ۳/۱۱/۹۸۵ مورخ ۱۳۸۸/۰۶/۰۴

دبیرخانه کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

■ نشریه هنرهای زیبا از تاریخ ۸۲/۵/۳ در نمایه بین المللی Ulrich's Periodical Directory ایندکس شده است.

فهرست مقالات پژوهشی

- ۵ سرمقاله مهمان: معماری و پژوهش در روزگار بحران: از پاسداشت حافظه تا پرورش امید
محمد قاری پور
- ۹ ارزیابی در پژوهش‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای ایران؛ مرور نظام‌مند
محمدعلی حیدری، ناصر برک پور
- ۲۹ تدوین چارچوب مفهومی جامع عوامل کلیدی موفقیت در پروژه مشارکت عمومی - خصوصی
امیر امیری دیبا، مجید پرچمی جلال
- ۴۵ مقوله معماری در اسناد مردمی دوره قاجار: تحلیلی مبتنی بر معنی‌شناسی ساخت‌گرا
علی اسدپور
- ۶۱ واکاوی ساخت‌وساز شهری غیرمجاز از منظر مفهوم نوموتروپیسیم: نمونه شهرک احمدیه در منطقه
۱۹ شهر تهران
پارسا ارباب، مسعود رحیمی، محمدصالح شکوهی بیدهندی
- ۷۹ تبیین سازوکارهای اجتماعی شکل‌گیری سلیقه معماری
فاطمه میرزائی، نادیه ایمانی، حسام سلامت
- ۹۳ از کالبد منقطع تا ادراک یکپارچه: تدوین چارچوب «انسجام فضایی» در محیط‌های آموزشی کودکان
دارای اوتیسم بر پایه هندسه توالی فضا
مریم کلامی، فائزه فضائلی

Contents of Research Articles

Guest Editorial: Architecture and Research in Times of Crisis: From Preserving Memory to Cultivating Hope	5
Mohammad Gharipour	
Evaluation in Iran Urban and Regional Planning Research; A Systematic Review	9
Mohammadali Heydari, Naser Barakpour	
Developing a Comprehensive Conceptual Framework of Critical Success Factors in Public-Private Partnership Projects	29
Amir Amiri Diba, Majid Parchamijalal	
The Category of Architecture in Private Documents of the Qājār Period: A Structural Semantic Analysis	45
Ali Asadpour	
Exploring Unauthorized Urban Construction Considering the Concept of Nomotro- pism: The Case of Ahmadiyeh Town in District 19 of Tehran	61
Parsa Arbab, Masoud Rahimi, Mohammad Saleh Shokouhi Bidhendi	
Explaining the Social Mechanisms of Architectural Taste Formation	79
Fatemeh Mirzaie, Nadieh Imani, Hesam Salamat	
From Fragmented Space to Integrated Perception: A Framework for "Spatial Coherence" in Educational Environments for Children with Autism Utilizing Spatial Sequencing Geometry	93
Maryam Kalami, Faezeh Fazaeli	

Architecture and Research in Times of Crisis: From Preserving Memory to Cultivating Hope

Guest Editorial

Writing this editorial is a profound honor, as my own academic journey began as a student in the School of Fine Arts; A place where I learned that architecture is as much about understanding society, culture, and history as it is about designing physical structures. Contributing this essay serves as a meaningful return to the scholarly community that shaped my early intellectual development.

Lately, I have been reflecting on a question that resonates with academics worldwide: What is the purpose of scholarship when society faces times of war, crisis, and exhaustion? This query is not unique to any single nation. Across the globe, scholars operate within societies marked by conflict, political polarization, economic instability, and widespread disillusionment. In such moments, publishing another research paper or academic monograph may feel detached from everyday realities, leading us to question whether architecture still matters, whether our research remains relevant, or whether our voices are truly heard.

History, however, suggests that we should reframe the question.

During periods of stability, architecture rarely dominates our social discourse. Yet, it matters most precisely when we -and those who preceded us- struggle to envision the future. Every admired city today is a product of destruction and renewal. Buildings may perish, but ideas endure. The knowledge accumulated through scholarship frequently forms the foundation upon which societies reconstruct themselves.

Regrettably, research cannot halt war, conflict, or suffering. A journal article will not rebuild a neighborhood, nor can a book restore lost monuments, landscapes, or communities. Nevertheless, scholarship performs an indispensable role: it preserves memory, documents knowledge, and challenges simplistic answers to complex problems that demand rigorous, thoughtful solutions. Perhaps this is our primary responsibility as academics: to safeguard complexity, propose alternatives, and educate within a world governed by uncertainty.

Our collective scholarly endeavors cultivate imagination. Architecture has always been an act of hope; by its very nature, it manifests confidence in the future. Every structure anticipates tomorrow's inhabitants. Every school, hospital, library, or public space reflects the conviction that society remains worth investing in. Scholarship embodies the same assumption. Every presentation, lecture, article, and book expresses faith that future generations will sustain the discourse. Hope, however, must not be conflated with optimism. Where optimism assumes that conditions will inevitably improve, hope examines whether our work retains meaning even when the trajectory of change remains uncertain.

I believe our scholarship does retain meaning. We write not because we expect our work to transform the world overnight, but because knowledge enables societies to recover when tomorrow finally arrives. These responsibilities are not abstract; they are most vital in times like the present.

The devastation witnessed across our beloved country is heartbreaking. It represents the profound loss of cherished human lives, vibrant communities, homes, heritage, and collective memory. Yet, history reminds us that reconstruction is never merely about replacing what was lost; it offers an opportunity to reevaluate the values that shape our urban environments. Moments of rupture compel us to address questions that periods of tranquility often postpone: How can we design cities that are healthier, more resilient, inclusive, sustainable, and responsive to their communities? How can architecture once again occupy a central position in public life and discourse?

If reconstruction merely reproduces past mistakes, tragedy has taught us nothing. Conversely, if tragedy inspires the creation of more humane cities and stronger communities, architecture reclaims its essential relevance. The same applies to scholarship. While our duty often involves documenting the past, our broader responsibility is to expand society's capacity to imagine better futures.

Published: 22 Jun 2026

Mohammad Gharipour* (Guest Editor)

Professor, Architecture Program, School of Architecture,
Planning and Preservation, University of Maryland.

E-mail: mgr@umd.edu

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.108376>

Citation: Gharipour, Mohammad. (2026). Architecture and research in times of crisis: From preserving memory to cultivating hope. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 31(2), 5-8. (In Persian)



© Authors retain full copyright and publishing rights.

Publisher: University of Tehran Press.

*Mohammad Gharipour is a Professor and Director of the Architecture Program at the School of Architecture, Planning and Preservation, University of Maryland, and a Distinguished Professor of the Association of Collegiate Schools of Architecture (ACSA). He is the Former President of the Society of Architectural Historians, Director and Founder of the *International Journal of Islamic Architecture*, and Director and Co-Founder of the Epidemic Urbanism Initiative.

Academic journals are integral to this mission. Far more than repositories of research papers, they foster communities that sustain intergenerational dialogue. In challenging times, the decision to continue researching, teaching, writing, and questioning is in itself an act of hope. Architecture cannot eliminate all suffering, nor can scholarship resolve every crisis. Yet, both disciplines resist other forms of depletion: the loss of memory, imagination, and the conviction that the future remains worth building.

It is for this reason that contributing to this journal—rooted in the very community where my architectural journey began—feels like both a privilege and a duty. As we begin to rebuild our cherished home, we can draw strength from our shared ideas, historical knowledge, design training, and the better future we will collectively help shape.

Keywords: architectural scholarship, collective memory, post-crisis reconstruction, social responsibility, urban resilience

معماری و پژوهش در روزگار بحران: از پاسداشت حافظه تا پرورش امید

سرمقاله مهمان

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

محمد قاری پور* (سرمدیر مهمان): استاد برنامه معماری، دانشکده معماری، برنامه‌ریزی و حفاظت، دانشگاه مریلند، مریلند، آمریکا.

E-mail: mgr@umd.edu

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.108376>

نگارش سرمقاله حاضر برای من افتخاری بس بزرگ است؛ چراکه سیروسلوک آکادمیک خود من نیز از دوران دانشجویی در دانشکده هنرهای زیبا آغاز شد؛ جایی که آموختم معماری همان قدر که به طراحی سازه‌های کالبدی می‌پردازد، به همان اندازه نیز با درک جامعه، فرهنگ و تاریخ در پیوند است. نگارش این جستار، بازگشتی پرمعنا به همان جامعه

علمی و آکادمیکی است که شالوده رشد و بالندگی فکری اولیه مرا شکل داد.

اخیراً ذهن من درگیر پرسشی شده که در میان دانشگاهیان سراسر جهان نیز طنین‌انداز است: در روزگاری که جامعه با جنگ، بحران و فرسودگی مواجه است، رسالت و کارکرد پژوهش علمی چیست؟ این پرسش منحصر به یک کشور خاص نیست. در سراسر جهان، پژوهشگران در جوامعی فعالیت می‌کنند که با مناقشات، قطبی‌شدن‌های سیاسی، بی‌ثباتی اقتصادی و سرخوردگی فراگیر دست‌به‌گریبان‌اند. در چنین برهه‌هایی، انتشار مقاله‌ای دیگر یا تک‌نگاشتی (مونوگراف) آکادمیک ممکن است گسسته از واقعیت‌های ملموس روزمره به نظر برسد و ما را به تردید بیندازد که آیا معماری هنوز اهمیتی دارد، آیا پژوهش‌های ما همچنان کارآمد و معتبرند و آیا اصلاً صدای ما شنیده می‌شود؟

باین حال، تاریخ به ما یادآور می‌شود که باید این پرسش را در چارچوبی دیگر بازتعریف کنیم.

در دوران ثبات و آرامش، معماری به‌ندرت بر گفتمان اجتماعی ما سایه می‌افکند؛ اما درست در لحظاتی که ما - و پیشینیان ما - در ترسیم و تصور آینده به بن‌بست می‌رسیم، ارزش و اهمیت آن بیش از هر زمان دیگری نمایان می‌شود. هر شهر تحسین‌برانگیزی که امروز می‌بینیم، حاصل چرخه‌ای از ویرانی و نوزایی است. بناها ممکن است از بین بروند، اما اندیشه‌ها پابرجا می‌مانند. دانش انباشته‌شده از طریق پژوهش‌های علمی، غالباً شالوده‌ای را می‌سازد که جوامع بر بستر آن دست به بازسازی خود می‌زنند.

متأسفانه پژوهش نمی‌تواند مانع جنگ، مناقشه یا آلام بشری شود. یک مقاله علمی محله‌ای ویران‌شده را از نو نخواهد ساخت و یک کتاب نمی‌تواند بناهای تاریخی، منظرها یا جوامع از دست‌رفته را احیا کند. باین همه، پژوهش علمی ایفاگر نقشی انکارناپذیر است: حافظه را پاس می‌دارد، دانش را ثبت و مستند می‌سازد و پاسخ‌های سطحی به مسائل پیچیده‌ای را که نیازمند راهکارهای دقیق و اندیشمندانه هستند، به چالش می‌کشد. شاید نخستین و اصلی‌ترین رسالت ما دانشگاهیان همین باشد: پاسداشت پیچیدگی، ارائه بدیل‌ها (گزینه‌های جایگزین) و آموزش در جهانی که عدم قطعیت بر آن حاکم است.

تلاش‌های علمی جمعی ما، قوه تخیل را بارور می‌سازد. معماری همواره کنشی از جنس امید بوده است؛ چراکه به حکم ماهیت خود، تجلی‌بخش اعتماد به آینده است. هر بنایی با فرض حضور ساکنان فردا برپا می‌شود. هر مدرسه، بیمارستان، کتابخانه یا فضای عمومی، نشان‌دهنده این باور راسخ است که جامعه همچنان ارزش سرمایه‌گذاری دارد. پژوهش علمی نیز واجد همین فرض بنیادین است. هر ارائه، سخنرانی، مقاله و کتابی، بیانگر ایمانی است به اینکه نسل‌های آینده این گفتمان را ادامه خواهند داد. باین حال، نباید «امید» را با «خوش‌بین بودن» اشتباه گرفت. خوش‌بینی بر این فرض استوار است که شرایط خودبه‌خود بهبود خواهد یافت؛ اما امید معنایی دیگر دارد: امید به سنجش این امر می‌پردازد که آیا کار و تلاش ما، حتی زمانی که سمت و سوی تغییرات نامشخص است، همچنان معنا و اصالت دارد یا خیر.

من باور دارم که پژوهش‌های ما همچنان معنابخش هستند. ما نه به این امید می‌نویسیم که کارمان یک‌شبه جهان را دگرگون کند، بلکه از آن رو می‌نویسیم که دانش، توان‌بازایی و بهبود را به جوامع می‌بخشد؛ آنگاه که فردای موعود سرانجام فرامی‌رسد. این مسئولیت‌ها انتزاعی و ذهنی نیستند؛ بلکه درست در برهه‌هایی همچون زمانه حاضر، حیاتی‌ترین کارکرد خود را بازیابی‌اند.

ویرانی‌هایی که در سراسر سرزمین محبوبمان شاهد آن بوده‌ایم، عمیقاً جان‌سوز و اندوه‌بار است. این ویرانی‌ها نشان‌دهنده از دست رفتن اندوه‌بار انسان‌های عزیز، جوامع پرنشاط، خانه‌ها، محله‌ها، میراث فرهنگی و حافظه جمعی ماست. باین حال، تاریخ به یادمان می‌آورد که بازسازی هر گز به معنای جایگزینی ساده‌ای آنچه از دست‌رفته نیست؛ بلکه فراداشت فرصتی است برای بازآرایی ارزش‌هایی که محیط‌های شهری ما را شکل می‌دهند. لحظات گسست و بحران،

استناد: قاری پور، محمد (۱۴۰۵). معماری و پژوهش در روزگار بحران: از پاسداشت حافظه تا پرورش امید. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۳۱(۲)، ۵-۸.

ما را به مواجهه با پرسش‌هایی فرامی‌خوانند که دوران ثبات غالباً طرح آن‌ها را به تأخیر می‌اندازد: چگونه می‌توانیم شهرهایی بسازیم که سلامت‌تر، تاب‌آورتر، فراگیرتر، پایدارتر و پاسخگوتر به نیازهای جوامع ساکن خود باشند؟ چگونه معماری می‌تواند بار دیگر جایگاهی محوری در زندگی و گفتمان عمومی پیدا کند؟

اگر بازسازی تنها به تکرار اشتباهات گذشته بیانجامد، بدان معناست که فاجعه هیچ درسی به ما نیاموخته است؛ اما اگر فاجعه ما را به آفرینش شهرهایی انسانی‌تر و جوامعی مقاوم‌تر ترغیب کند، آنگاه معماری جایگاه و اعتبار بنیادین خود را باز می‌یابد. همین امر در مورد پژوهش علمی نیز صادق است. اگرچه وظیفه ما اغلب مستندسازی گذشته است، اما رسالت فراگیرتر ما، گسترش ظرفیت جامعه برای تصور آینده‌های بهتر است.

مجلات علمی بخشی ناگسستنی از این رسالت هستند. آن‌ها بسی فراتر از آرشیو مقالات پژوهشی، مجامعی را می‌پرورانند که گفتگوی میان‌نسلی را زنده نگه می‌دارند. در روزگار سختی و بحران، استمرار پژوهش، آموزش، نگارش و پرسشگری، خودکنشی سرشار از امید است. معماری نمی‌تواند تمام رنج‌ها و دردمندی‌ها را بزدايد و پژوهش نیز توان حل تمام بحران‌ها را ندارد؛ از همین روست که نگارش این سرمقاله، در صفحات نشریه‌ای که ریشه در همان جامعه علمی دارد که مسیر معماری من از آنجا آغاز شد، هم یک افتخار است و هم یک خویشکاری و وظیفه. همان‌گونه که بازسازی خانه محبوبمان را آغاز می‌کنیم، می‌توانیم از اندیشه‌های مشترک، دانش تاریخی، آموزش‌های طراحی و آینده بهتری که دست در دست هم به شکل‌گیری آن کمک خواهیم کرد، نیرو و توان بگیریم.

واژه‌های کلیدی: بازسازی پس از بحران، تاب‌آوری شهری، پژوهش معماری، حافظه جمعی، مسئولیت اجتماعی

Evaluation in Iran Urban and Regional Planning Research; A Systematic Review*

Abstract

Evaluation is not a new phenomenon; humans have always engaged in judging and assessing their actions. Over the past six decades, significant attention has been paid to the theoretical foundations of evaluation in urban and regional planning, leading to the development of a wide array of concepts, theories, approaches, and methodologies. However, this diversity has led to significant theoretical and practical ambiguities. In response, various studies have emerged to classify and analyze the evolution of evaluation in urban and regional planning. The purpose of these studies is to identify the boundaries of evaluation knowledge in urban and regional planning and to identify the challenges facing evaluation. These classifications are typically based on the timing of evaluation, underlying planning theories, and the mechanisms of evaluation methods. Given this complexity, a systematic review of research in the field of urban and regional planning evaluation is essential for identifying strengths, existing challenges, and future research directions. Despite the global academic engagement with this topic, there has been a noticeable lack of systematic investigation within the national context. This article, therefore, seeks to fill that gap through a systematic quantitative and qualitative review of academic literature to address two main questions: which evaluation approaches have been most frequently employed by researchers, and what challenges does the field currently face. The study analyzes 86 selected scholarly articles using a systematic review approach. The research methodology is based on the model proposed by Xiao and Watson, which includes three main phases—planning the review, conducting the review, and reporting the findings—structured into eight steps—formulate the problem, develop the review protocol, search the literature, screen for inclusion, assess quality, extract data, analyze and synthesize data and report the findings—and adapted specifically for the field of urban and regional planning. The Findings indicate that evaluation is often treated merely as a technical tool rather than as a topic of critical inquiry. Most evaluation methods applied in the reviewed articles are repetitive and lack theoretical grounding. Furthermore, evaluation in urban and regional planning is predominantly quantitative in nature, physical oriented, subject-driven (focused on specific plans and programs), and heavily reliant on statistical analysis. The main weaknesses of urban and regional planning evaluation in Iran are: (1) Weakness in theoretical foundations and qualitative-oriented methodology and performance-oriented approach: Among ex-post evaluation approaches, performance-based approach has received limited attention. This is largely due to the blueprint nature of comprehensive plans, which align with conformance-based approaches. However, given their long-term role in guiding subsequent plans, their evaluation is essential. Weak qualitative methodologies and neglect of higher-level plan evaluation further constrain performance-based assessment; (2) Weakness in the theoretical foundations and methodology of on-going evaluation and quality measurement: Most studies assess the extent to which proposed land uses are realized, requiring the implementation period to be completed before evaluating success or failure. Consequently, on-going evaluation is often neglected, especially in comprehensive plans. Plan quality evaluation is recommended, as it enables content-based judgment, supports long term evaluation, and relies on well-established global methodologies; (3) Weakness in the theoretical foundations of the

Received: 04 Aug 2025

Received in revised form: 11 Dec 2025

Accepted: 26 May 2026

Mohammadali Heydari¹ 

PhD Candidate in Urban Planning, Department of Urban Planning, College of Architecture and Urban Planning, Iran University of Art, Tehran, Iran.

E-mail: mohammadaliheydari757@gmail.com

Naser Barakpour²  (Corresponding Author)

Professor, Department of Urban Planning, College of Architecture and Urban Planning, Iran University of Art, Tehran, Iran.

E-mail: barakpoo@art.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.399127.673104>

conformance-oriented approach: Although conformance-based evaluation dominates methodologies, its theoretical foundations remain weak, creating methodological challenges. Defining success and attributing outcomes to plans is complex due to external factors and uncertainty. Despite global advances refining conformance methods, including permit-based measures and mismatch classifications, limited theoretical development has constrained methodological diversity in national studies; (4) Weakness in spatial, social and political dimensions: Despite the widespread use of remote sensing, few studies employ GIS tools, relying mainly on land use comparisons. GIS can better reveal spatial mismatches and their drivers. Social aspects are also narrowly addressed, focusing on population forecasts. Moreover, evaluations are often topic-based rather than policy-oriented, weakening analysis of decision-making processes and policy impacts; (5) Weakness in establishing a relationship between planning theory and evaluation and, as a result, weakness in process-oriented evaluation: Planning encompasses process, plan, and outcome. Neglecting their interrelations has created gaps in process-oriented evaluation. Strengthening links between planning theory and evaluation approaches, alongside developing systematic frameworks, are essential for realistic assessment of urban and regional planning; and (6) Quantitativeness and excessive focus on statistical methods: Qualitative approaches offer deeper understanding and stronger theoretical sensitivity than quantitative methods, which dominate existing studies. Overreliance on statistics limits evaluative judgment. Methods such as grounded theory can better explain success or failure, addressing causes of mismatches. Excessive quantification neglects critical dimensions influencing urban and regional planning evaluation. As a suggestion to strengthen the evaluation steps in the theoretical foundations of urban and regional planning, evaluation itself should be recognized as a problem and challenge. Therefore, the view of the nature of evaluation should change from a methodological and instrumental perspective to a process-oriented, theory-oriented perspective, to provide an opportunity to develop methodologies appropriate to the country's planning system.

Keywords: evaluation in urban and regional planning, outcome evaluation, plan evaluation, process evaluation, systematic review

Citation: Heydari, Mohammad, & Barakpour, Naser. (2026). Evaluation in Iran urban and regional planning research; A systematic review. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 31(2), 9-28. (In Persian)



© Authors retain full copyright and publishing rights.

Publisher: University of Tehran Press.

*This article is derived from the first author's doctoral dissertation, entitled "Explaining the Theory and practice of evaluation in urban development planning in Iran", under the supervision of the second author at the Iran University of Art.

ارزیابی در پژوهش‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای ایران؛ مرور نظام‌مند*

چکیده

ارزیابی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای شامل مفاهیم، نظریه‌ها و روش‌های متنوعی است. این تنوع باعث گستردگی ابهامات نظری و عملی شده است. بررسی پژوهش‌ها در زمینه ارزیابی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای می‌تواند نقاط قوت، چالش‌ها و جهت‌گیری‌های آتی مطالعاتی را مشخص کند. برخلاف آنچه در سطح جهانی رخ داده،

در ایران از بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه ارزیابی غفلت شده است. این مقاله با تکیه بر مرور نظام‌مند کمی و کیفی مقاله‌های علمی، سعی دارد به پرسش کدام رویکردها بیشتر مورد توجه محققان بوده، چه چالش‌هایی پیش‌روی ارزیابی است پاسخ دهد و جهت‌گیری مطالعات آتی را نشان دهد. این مقاله بر اساس مرور ۸۶ مقاله در زمینه ارزیابی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای شکل گرفته است. شیوه انجام تحقیق بر مبنای مدل مرور نظام‌مند جدیدی است که شامل سه مرحله اصلی برنامه‌ریزی مرور، انجام مرور و گزارش مرور است. این مدل متناسب با رشته برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای توسعه یافته است. با بررسی مقاله‌های انتخابی مشخص شد ارزیابی نه به عنوان یک مسئله قابل بحث بلکه به عنوان یک ابزار در نظر گرفته می‌شود. ضعف نظری، عدم تشریح تحولات و رویکردهای ارزیابی، ارزیابی کمی محور (۷۷ درصد)، کالبد محور (۶۱ بار تکرار)، موضوع محور (موضوعات طرح) و متکی بر تحلیل‌های آماری (۲۱ بار تکرار) از ویژگی‌های اصلی مطالعات ارزیابی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای کشور است.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی برنامه، ارزیابی پیامد، ارزیابی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، ارزیابی فرایند، مرور نظام‌مند

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

محمدعلی حیدری^۱: دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

E-mail: mohammadaliheydari757@gmail.com

ناصر برک‌پور^۲: (نویسنده مسئول): استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

E-mail: barakpoo@art.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.399127.673104>

استناد: حیدری، محمدعلی و برک‌پور، ناصر. (۱۴۰۵). ارزیابی در پژوهش‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای ایران؛ مرور نظام‌مند. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۳۱(۲)، ۲۸-۹.

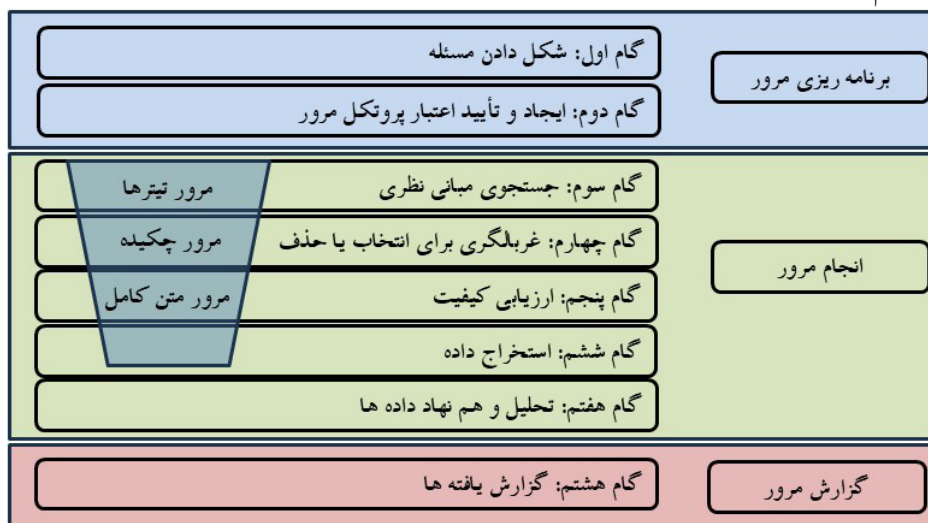
نقش مهمی در به‌روز نگه‌داشتن موضوع (Baker, 2016) و برطرف کردن شکاف‌های نظری و عملی (Hong & Pluye, 2018) ایفا می‌کند. در مطالعات کشور فقدان چنین مطالعه‌ای سبب شده چالش‌ها و شکاف‌های نظری حوزه ارزیابی مبهم باقی بماند و قضاوت درباره پیشرفت نظری در این زمینه دشوار شود. در این مقاله از چارچوب مرور نظام‌مند ارائه‌شده توسط ژائو و واتسون (Xiao & Watson, 2019) که چارچوب مروری مختص به حوزه شهرسازی است، جهت مشخص نمودن وضعیت ارزیابی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای کشور استفاده شده است.

این مقاله سعی دارد با انجام مرور نظام‌مند مقاله‌های علمی در زمینه ارزیابی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای رویکردها، روش‌ها و ابعاد غالب مورد استفاده در ارزیابی شناسایی و مرز دانش ارزیابی را تعیین نماید. منظور از مرز دانش این است که مشخص شود ارزیابی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در چه وضعیتی قرار دارد. تعیین وضعیت ارزیابی نیازمند بررسی کمی و کیفی توأمان است. در مرور نظام‌مند کمی وضعیت ارزیابی بر مبنای میزان و توزیع بررسی می‌شود. میزان و توزیع انتشار در سالها، مجلات، مقیاس‌ها، رویکردها، روش‌شناسی‌ها، روش‌ها و داده‌ها نشان داده می‌شود. در مرور کیفی جوهره و تعریف ارزیابی و تشریح رویکردها در مطالعات جهت‌شناسایی مفهوم ارزیابی نزد محققان مورد توجه قرار می‌گیرد. مرور کیفی نشان می‌دهد که در کدام بخش از حوزه وسیع ارزیابی توجه نظری بیشتری وجود داشته و کدام مورد غفلت بوده است. همچنین پس از تعیین مرز دانش ارزیابی می‌توان بر اساس نقاط قوت و ضعف، جهت‌گیری‌های آتی به‌منظور برطرف نمودن خلأها ارائه نمود و در نتیجه پیشرفت علمی دانش ارزیابی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای را راقب زد.

رویکرد مورد استفاده جهت انجام مرور نظام‌مند کمی-کیفی است. مرور نظام‌مند بر اساس چارچوب ارائه‌شده توسط ژیاو و واتسون (Xiao & Watson, 2019) انجام شده است. این چارچوب از یک سو دربرگیرنده مدل‌های دیگر مرور نظام‌مند است و از سوی دیگر چارچوبی مختص شهرسازی و به‌منظور تقویت مطالعات مروری در این حوزه است (تصویر ۱). این چارچوب از سه مرحله اصلی و هشت گام تشکیل شده است. مرحله

ارزیابی موضوع جدیدی نیست و انسان‌ها همیشه نسبت به فعالیت‌های خود قضاوت انجام می‌دهند (Alexander, 2006). پس از گذشت شش دهه از توجه نظری به ارزیابی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای (Guyadeen & Seasons, 2016)، برای پاسخگویی به این گستردگی و جلوگیری از شکل‌گیری ابهامات نظری و عملی، مطالعاتی به‌منظور دسته‌بندی و بررسی تحولات ارزیابی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای شکل گرفت. دسته‌بندی ارائه‌شده در مطالعات بر اساس زمان انجام ارزیابی (Alexander & Fa-ludi, 1989; Talen, 1996; Alexander, 2006; Oliveira and Pin-ho, 2010; Guyadeen & Seasons, 2015)، بر مبنای تحول نظریه‌های برنامه‌ریزی (Laurian et al., 2010; Oliveira & Pinho, 2010; Da-dashpoor & Heydari, 2022) و بر مبنای سازوکار روش‌های ارزیابی است (Lichfield, 1970; Lichfield et al., 1996; Söderbaum, 1998). توجه به ارزیابی در مطالعات کشور به‌عنوان یک موضوع علمی از دهه ۱۳۶۰ آغاز گردید. پس از گذشت بیش از سه دهه از کاربرد ارزیابی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای کشور، به نظر می‌رسد مشخص نیست که مطالعات در این زمینه بیشتر بر کدام رویکردها و روش‌های ارزیابی تمرکز داشته و نسبت به کدام یک غفلت شده است. به‌طور کلی ارزیابی در تحقیقات در زمینه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای کشور به‌عنوان یک موضوع مستقل شناخته نمی‌شود و نتوانسته جایگاه واقعی خود را پیدا کند (پورحسین روشن و همکاران، ۱۳۹۹). به عبارتی مقاله‌های مرتبط با ارزیابی داخل کشور اغلب بر جنبه روش‌شناسانه آن تمرکز دارند. این امر سبب شده تا نقاط قوت و ضعف ارزیابی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای کشور و ارتباط فرایند برنامه‌ریزی و ارزیابی مبهم باقی بماند و تلاش برای توسعه رویکردها و روش‌هایی که به‌طور واقع‌بینانه برنامه‌ها، فرایندها و پیامدهای برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای را قضاوت کند، محدود گردد. یکی از راهکارهای مناسب برای بررسی ارزیابی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای انجام مرور نظام‌مند است. در رشته شهرسازی و موضوعات مربوط به آن، مرور نظام‌مند نسبت به سایر رشته‌ها کمتر مورد توجه بوده است (Xiao & Watson, 2019). این در حالی است که مرور نظام‌مند

تصویر ۱. چارچوب مرور نظام‌مند (Xiao & Watson, 2019, p.103)



شهری و منطقه‌ای پرداختند. تعداد ۵ مقاله صرفاً به مبانی نظری ارزیابی مرتبط با برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای اشاره داشتند که در قسمت مرور گونه‌شناسی قابل استفاده هستند.

این مقاله به دنبال انجام مرور به صورت کیفی (گونه‌شناسی) و کمی (آماري) است. در گونه‌شناسی بر پارادایم فکری، تعاریف، رویکرد ارزیابی انتخابی و شباهت‌ها و تفاوت‌ها تمرکز می‌شود. برای مشخص کردن رویکردها و روش‌های ارزیابی از نرم‌افزار کیفی مکس کیودا (MAXQDA) استفاده گردید و نمودارها در نرم‌افزار اکسل (EXCEL) ایجاد شده است. در مرور کمی اطلاعات آماری همانند توزیع مقاله‌ها بر اساس سال، مجله، رویکرد، روش و تکنیک و نوع داده بررسی می‌گردد. در این مقاله از نرم‌افزار اکسل برای استخراج اطلاعات آماری استفاده شده است. ترکیب نتایج کمی و کیفی می‌تواند به خوبی نقاط قوت و ضعف ارزیابی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای را نمایش دهد. برای تصویرسازی نتایج ترکیبی و تعیین مرز دانش ارزیابی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای از نرم‌افزار گفنی (gephi) استفاده می‌شود. مرحله سوم، گزارش نویسی است که شامل بیان یافته‌ها، نقاط قوت و ضعف و پیشنهادها می‌گردد.

ارزیابی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای

به طور کلی ارزیابی در سه دسته ارزیابی پیش از اجرا، حین اجرا و پس از اجرا تقسیم‌بندی می‌شود. ارزیابی در هر کدام از این تقسیمات متأثر از پارادایم برنامه‌ریزی، نظریه برنامه‌ریزی است که سبب می‌شود بر بخش خاصی از فرایند برنامه‌ریزی تمرکز داشته باشد. شروع توجه به نظریه ارزیابی با ارزیابی پیش از اجرا بوده است. با قدرت گرفتن پارادایم مدرنیست و برنامه‌ریزی عقلانی-جامع، ارزیابی به عنوان ابزاری جهت ارائه دلایل منطقی برای انتخاب گزینه بهینه مورد استفاده قرار گرفت. بهینه‌محوری خاستگاهی اقتصادی دارد و از دهه ۱۹۵۰ در بحث مدیریت منابع آبی

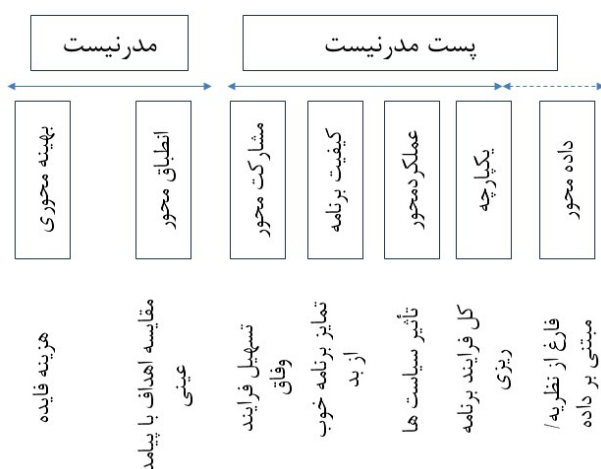
اول برنامه‌ریزی مرور است. در این مرحله نقشه، برنامه و نحوه مرور شکل می‌گیرد. چالش اصلی که مرور حول آن شکل می‌گیرد این است که پس از گذشت بیش از سه دهه از عمر ارزیابی در مباحث دانشگاهی کشور، چه رویکردهایی بیشتر مورد توجه بوده‌اند، از کدام قسمت ارزیابی غفلت شده و به منظور ارتقا گام ارزیابی و از بین بردن کاستی‌ها، چه جهت‌گیری‌هایی نیاز است. مرحله دوم انجام مرور نظام‌مند است. این مرحله شامل پنج گام است: جستجوی مبانی نظری، غربالگری، ارزیابی کیفیت، استخراج داده و تحلیل و ترکیب. جستجوی مبانی نظری با تمرکز بر واژگان کلیدی انجام می‌گیرد (Jesson et al., 2011). جستجو در پایگاه داده‌های داخلی همچون پورتال علوم انسانی، SID و نورمگز انجام می‌شود. واژگان جهت جستجو در این مقاله عبارت‌اند از: «ارزیابی برنامه/طرح»، «ارزیابی برنامه‌ریزی شهری/منطقه‌ای»، «ارزیابی طرح توسعه شهری»، «ارزیابی اثرات اقتصادی/اجتماعی/محیط‌زیستی»، «ارزیابی اجرا برنامه/طرح»، «ارزیابی برنامه توسعه»، «سنجش تحقق‌پذیری»، «ارزیابی/سنجش کیفیت برنامه/طرح»، «ارزیابی تأثیرات»، «ارزیابی طرح جامع»، «ارزیابی انطباق محور»، «ارزیابی عملکردمحور»، «ارزیابی قبل از اجرا»، «ارزیابی حین اجرا» و «ارزیابی پس از اجرا». پس از آن جام جستجو تعداد ۳۰۲ مقاله یافت شد. آخرین جستجوی مقاله‌ها مربوط به تیرماه ۱۴۰۴ است.

پس از بررسی مقاله‌ها که به تفصیل در تصویر ۲ بیان گردیده است، از مجموع ۳۰۲ مقاله شناسایی شده تعداد ۲۱۶ مقاله حذف و تعداد ۸۶ مقاله جهت مرور انتخاب شدند. دلایل اصلی حذف مقالات عبارت‌اند از: ۱. عدم به کارگیری فرایند/برنامه/طرح خاص شهری و منطقه‌ای؛ ۲. تمرکز بر پروژه‌های عمرانی؛ ۳. تمرکز بر مقیاس روستایی؛ ۴. مقاله‌های مربوط به سایر رشته‌ها؛ ۵. مقاله با نمونه موردی خارج از ایران؛ ۶. تکرار محتوای مقاله در مقاله‌ای دیگر؛ و ۷. عدم وجود متن کامل مقاله. در بین مقالات انتخابی تعداد ۸۱ مقاله به انجام ارزیابی در فرایند/برنامه/طرح خاص

تصویر ۲. چارچوب مرور نظام‌مند پژوهش



تصویر ۳. تحولات ارزیابی در برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای



توزيع سال، مجلات و مقیاس طرح/برنامه

دسته‌بندی بر اساس زمان ارزیابی

وارد برنامه‌ریزی شهری شد. در این دوره برنامه‌ریزی به‌عنوان ابزاری جهت کنترل آینده مورد توجه قرار گرفت (Widavsky, 1973). از این رو نقش روش‌های مبتنی بر هزینه-فایده جهت انتخاب بهترین گزینه بر جسته شد. سازوکار کلی قضاوت بر این اساس است که کدام گزینه‌ها می‌توانند در آینده به اهداف تعیین شده دست‌یابند. در چنین نگاهی هدف فائق آمدن بر عدم قطعیت و پیش‌بینی تمامی حالات ممکن است (Oliveira & Pinho, 2010). با حفظ نگاه عقلانی، تحولاتی در نظریه برنامه‌ریزی رخ داد. در دهه ۱۹۶۰ و شکل‌گیری برنامه‌ریزی و کالبدی، برنامه‌ریزی مبتنی بر تصمیم و رویکرد سیستمی، سبب شدند که ماهیت تمرکز بر بهینگی اقتصادی تغییر کند و ابعاد اجتماعی، کالبدی، محیط‌زیستی در ارزیابی وارد شوند. همچنین وجود چالش عدم قطعیت سبب گردید که روش‌ها بر داده‌های در اختیار تمرکز کنند و عدم قطعیت در آینده را بپذیرند. ثمره چنین تحولاتی اصلاح رویکرد هزینه-فایده و به وجود آمدن روش‌شناسی‌های هزینه-فایده اجتماعی و همچنین کاربست روش‌شناسی‌های چندمعیاری در ارزیابی شد. ارزیابی پس از اجرا، علی‌رغم مطالعات پراکنده در دهه‌های قبلی، در دهه ۱۹۷۰ با نقد کالکینز (Calkins, 1979) به بی‌توجهی به پیامدهای برنامه‌ریزی آغاز شد. تحت پارادایم مدرنیست و برنامه‌ریزی عقلانی، سعی بر آن بود که میزان انطباق میان اهداف و پیامدهای عینی مشخص شود. این رویکرد هماهنگ با برنامه‌های کالبدی و بلوپرینتی است (Faludi, 1989). با تحول پارادایمی برنامه‌ریزی شهری و حرکت به سمت برنامه‌ریزی مشارکتی و همچنین قدرت گرفتن برنامه‌ریزی راهبردی تحولاتی در ارزیابی پیش از اجرا و پس از اجرا رخ داد. در ارزیابی پیش از اجرا تلاش برای استفاده از داده‌های کیفی و ایجاد وفای اهمیت یافت. در این دوره فرایندهای مشارکتی و رسیدن به حل مسئله اهمیت یافت؛ بنابراین توجه به فرایند جایگزین توجه به موضوع و محتوای برنامه شد (Khakee, 1998). در این دوره روش‌های چندمعیاری همچنان توانستند کارایی خود را حفظ کنند. همچنین روش‌هایی همچون جدول موازنه برنامه‌ریزی و ارزیابی تأثیر اجماع محلی (CIE) به‌عنوان روش‌هایی به‌منظور تقویت مشارکت در فرایند ارزیابی ارائه شدند. در زمینه ارزیابی پس از اجرا، به دلیل تحول ماهیت برنامه‌ها، رویکرد انطباق محور مورد نقد قرار گرفت و رویکرد عملکردمحور ایجاد شد. رویکرد عملکردمحور به‌جای تمرکز بر انطباق بین اهداف و پیامدها، بر میزان تأثیرات سیاست‌ها بر توسعه‌های آتی تمرکز دارد. در دهه ۲۰۰۰ روش‌شناسی‌هایی به‌منظور ترکیب مزایای دو رویکرد انطباق محور و عملکردمحور شکل گرفت (Berke et al., 2006; Zhong et al., 2014). در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ مجدداً تمرکز بر محتوای برنامه موضوع اصلی ارزیابی شد. معرفی توسعه پایدار به‌عنوان خیر مشترک جوامع (Berke, 2002)، برجسته شدن نقش برنامه به‌عنوان خروجی اصلی فرایند برنامه‌ریزی و ورودی تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های اجرایی (Neuman, 1998; Rudolf & Grădinaru, 2017) و تلاش برای ایجاد شهر خوب (Oliveira and Pinho, 2010)، نقش مهمی در توجه به برنامه و به‌تبع آن ارزیابی برنامه ایفا کرد و رویکرد سنجش کیفیت برنامه ایجاد شد. در این رویکرد سعی بر آن است که با نگاهی هنجاری و بر اساس معیارهایی مشخص برنامه خوب از برنامه بد متمایز شود (Baer, 2009; Berke & Godschalk, 1997). رویکرد یکپارچه دسته دیگری از رویکردهای ارزیابی است که سعی دارد برنامه، فرایند و پیامد را به‌طور

فرایند برنامه‌ریزی را در برمی‌گیرد قرار دارد (۴ مقاله). درنهایت ارزیابی حین اجرا قرار دارد (۲ مقاله).

توزیع رویکردهای ارزیابی

بر کاربردترین رویکرد مورد استفاده رویکرد انطباق محور است (تصویر ۴). علت غلبه این رویکرد نسبت به سایر رویکردهای ارزیابی این است که رویکرد انطباق محور با نوع برنامه و طرح‌های کشور که ماهیتی بلوپرینتی دارد هماهنگ است.

توزیع روش‌شناسی ارزیابی

از منظر روش‌شناسی، ۷۷ درصد مقاله‌ها کمی، ۱۳ درصد کیفی و ۱۰ درصد ترکیبی است. مطالعات کمی مبتنی بر روش‌های ریاضی، مقایسه‌ای و استفاده از تحلیل‌های آماری هستند. از سوی دیگر مطالعات کیفی اغلب اسنادی و مبتنی بر مصاحبه عمیق و مشاهده شکل گرفته‌اند. مطالعاتی که خود را در زمره مطالعات کمی، کیفی دانسته‌اند، در دستیابی به داده‌ها کیفی و انجام ارزیابی کمی هستند.

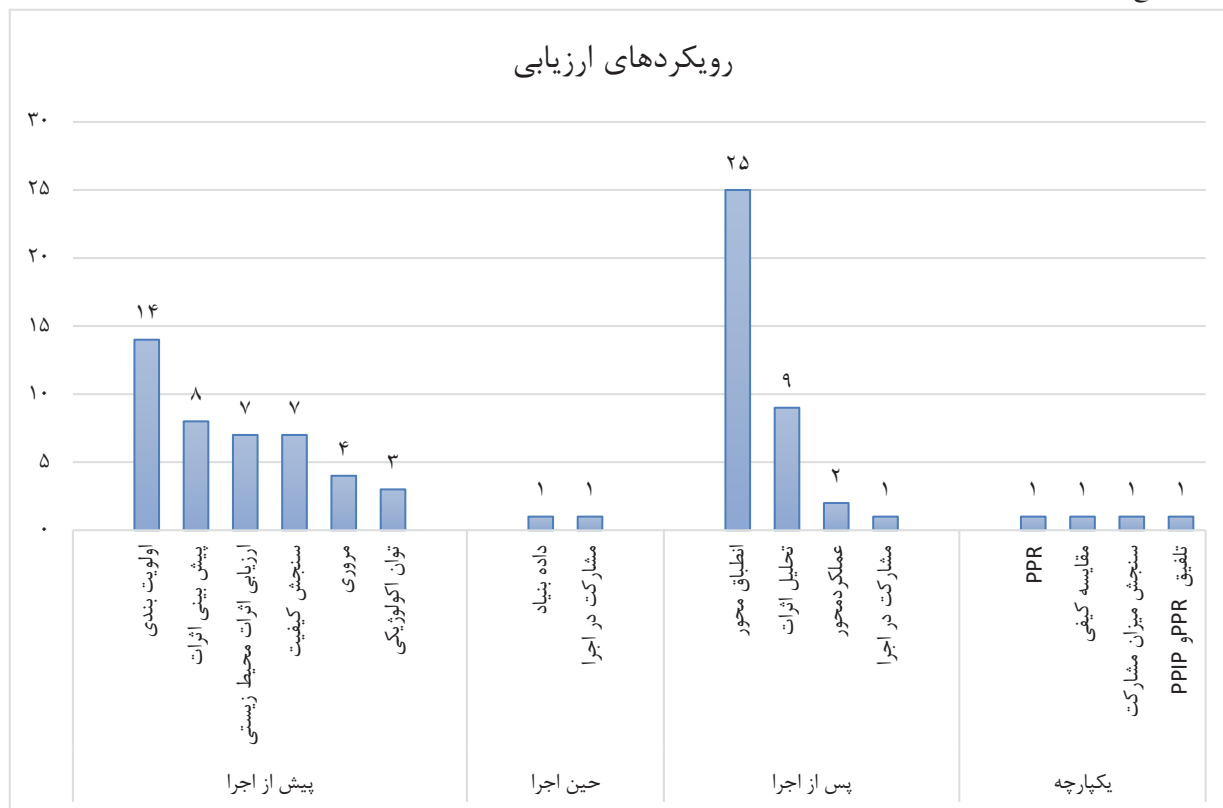
توزیع روش‌های ارزیابی

به دلیل استفاده از ترکیبی از روش‌ها در مطالعات، در تصویر ۵ روش‌های به کار برده شده در هر مطالعه مشخص شده است. تحلیل آماری (۲۱ بار استفاده)، تحلیل چندمعیاری (۲۱ بار استفاده)، مقایسه سرانه (۱۸ بار استفاده) و لئوپولد اصلاح شده (۷ بار استفاده) بیشترین کاربرد را در ارزیابی برنامه‌ها و طرح‌های توسعه دارند. تحلیل‌های آماری که اغلب در محیط SPSS انجام می‌گیرد بیشترین سهم را در روش‌های ارزیابی دارند. روش‌های آماری اغلب به منظور تحلیل پرسشنامه‌ها و بررسی معنادار بودن رابطه بین

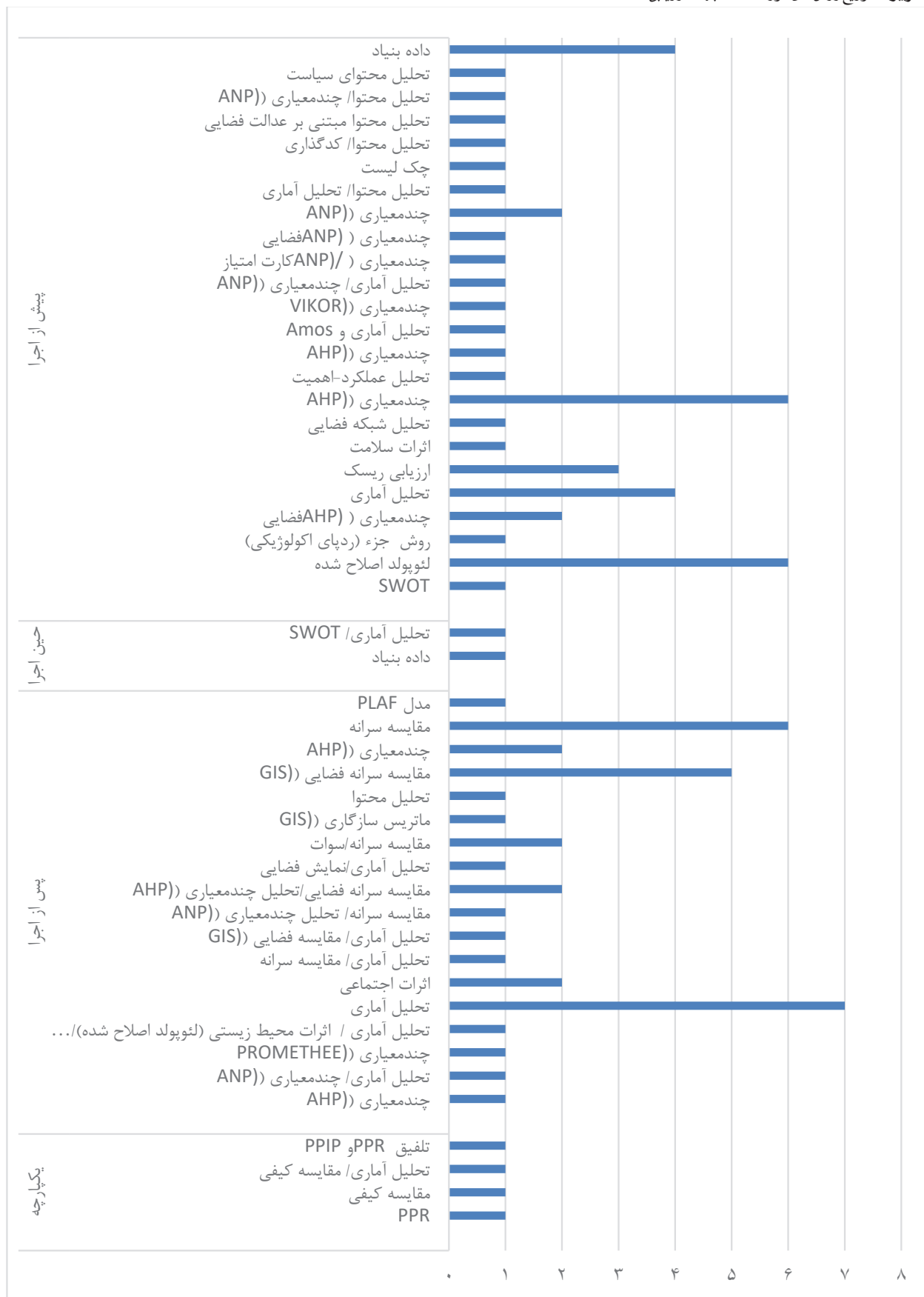
تصویر ۴. توزیع رویکردهای مورد استفاده جهت ارزیابی

اهداف برنامه و معیارهای موضوعات مختلف همچون پایداری و سنجش رابطه بین متغیرها و فرضیات به کار می‌روند (قربانی کوتنائی و نوری کرمانی، ۱۳۹۸؛ ناصر مستوفی و قلمبر دزفولی، ۱۴۰۰ ب). پس از روش‌های آماری، روش‌های چندمعیاری همچون AHP و ANP بیشترین سهم را در مطالعات ارزیابی دارد. این روش‌ها به منظور اولویت‌بندی در مرحله پیش از اجرا و تحلیل اثرات در مرحله پس از اجرا نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین از روش‌های سلسله‌مراتبی و تحلیل شبکه برای شناسایی نقاط قوت و ضعف، مازاد سرانه یا کمبود آن استفاده شده است (عزیزی و آراسته، ۱۳۹۰). مقایسه سرانه یکی دیگر از پرتکرارترین روش‌های ارزیابی در مرحله پس از اجرا (در رویکرد انطباق محور) است. در این ساز و کار، سرانه آنچه که در واقعیت رخ داده و آنچه که در برنامه تعیین شده به عنوان ملاک موفقیت و شکست برنامه تعبیر می‌گردد.

دیگر روش کمی مورد استفاده در ارزیابی پیش از اجرا روش لئوپولد اصلاح شده است که به منظور سنجش توان اکولوژیکی و ارزیابی اثرات محیط‌زیستی به کار می‌رود و بر معیارهای محیط‌زیستی، کالبدی و اقتصادی تمرکز دارد (مخدوم، ۱۳۷۰). یکی از مزیت‌های این روش قابلیت ترکیب آن با روش‌های تحلیل آماری همچون رگرسیون به منظور تعیین ضریب اهمیت است (عزیزی و بهرا، ۱۳۹۹). مقایسه فضایی روشی است که با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) به طور فضایی میزان انطباق میان اهداف تعیین شده و پیامدهای عینی بررسی می‌کند. باین حال استفاده از GIS نه برای تحلیل بلکه اغلب برای نشان دادن محدوده مطالعاتی و جمع‌آوری داده استفاده می‌شود. مقایسه کیفی به آن دسته از مطالعات اشاره دارد که با تعریف گزاره‌هایی خاص، وجود یا عدم وجود آن را در طرح/



تصویر ۵. توزیع روش‌های مورد استفاده جهت ارزیابی



برنامه بررسی می‌کند. از این رو بیشتر معطوف به سیاست‌های برنامه است.

توزیع ابعاد مورد توجه در ارزیابی

بر اساس تکرار ابعاد، بعد کالبدی با ۶۱ بار تکرار بیشترین سهم را دارد. این امر نشان می‌دهد ماهیت کالبدمحور برنامه‌ریزی کشور ارزیابی را نیز تحت تأثیر قرار داده و رابطه بین نظریه برنامه‌ریزی و نوع ارزیابی را آشکار می‌سازد. پس از بعد کالبدی، بعد اجتماعی (۳۲ مرتبه) پرتکرارین بعد است. باین حال در اغلب مطالعات منظور از بعد اجتماعی، ویژگی جمعیتی است و نسبت به ویژگی‌هایی همچون مباحث مشارکتی و فرهنگی بیشتر تکرار شده است. بعد سیاستی و فضایی ابعادی هستند که کمترین توجه به آن‌ها شده است.

توزیع داده‌های مورد استفاده جهت ارزیابی

داده‌های اسنادی بیشترین سهم را در ارزیابی دارند (۸۱ مورد به طور کلی). پس از داده‌های اسنادی، پرسشنامه‌ها بیشترین استفاده را در مقاله‌ها داشته است (۴۴ مورد). پرسشنامه‌ها نیز به دسته‌های پرسش از کارشناسان (۲۳ مورد)، پرسش از مردم یا ساکنان (۱۱ مورد) و ترکیبی (۱۰ مورد) تقسیم می‌گردد. این بررسی نشان می‌دهد که در بحث استخراج داده نیز نگاه تخصص‌گرایانه برجسته‌تر از نگاه مشارکتی است. با اختلاف قابل توجه از دو نوع داده بیان شده، استفاده از نقشه و تصویر هوایی قرار دارد (۱۵ مورد)، داده‌های مبتنی بر مشاهده میدانی (۱۱ مورد)، مصاحبه عمیق یا نیمه‌ساختاریافته (۶ مورد) قرار دارند.

نتایج مرور کیفی (گونه‌شناسی)

در ایران، اولین توجه نظری به ارزیابی در حوزه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای کشور را می‌توان به کتاب قراگزلو (۱۳۶۵) نسبت داد. این اثر متأثر از کتاب لیچفیلد و همکاران (Lichfield et al., 1975) است که متمرکز بر ارزیابی پیش از اجرا است. در دهه ۱۳۷۰ استفاده از روش‌های ارزیابی در مطالعات شهری و منطقه‌ای آغاز گردید. مقاله مخدوم (۱۳۷۰) در زمینه ارزیابی توان اکولوژیکی و تلاش آن جهت ایجاد یک چارچوب ارزیابی مختص به نظام برنامه‌ریزی کشور را می‌توان به عنوان اولین مطالعه در راستای کاربست روش‌های ارزیابی در فرایند برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای کشور دانست. مطالعات ارزیابی پس از اجرا در برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای کشور از دهه ۱۳۸۰ آغاز گردید. در این دهه بیان شد با گذشت چهل سال از اجرای الگوی برنامه‌ریزی جامع شهری، نیاز است میزان تحقق‌پذیری این الگوی برنامه‌ریزی بررسی و ارزیابی گردد (موسوی و رفیعان، ۱۳۸۳)؛ بنابراین می‌توان بیان نمود که ارزیابی پیش از اجرا دارای قدمت بیشتری نسبت به ارزیابی پس از اجرا در کشور دارد.

تعاریف و رویکردهای ارزیابی ارائه شده در مقاله‌ها

از بین ۸۶ مقاله انتخابی تعداد ۱۳ مقاله در مبانی نظری خود به موضوع ارزیابی پرداخته‌اند و تنها ۱۰ مورد از مطالعات تعریفی از ارزیابی ارائه داده‌اند. در میان این مقاله‌ها تنها می‌توان مقاله مخدوم (۱۳۷۰)، ابراهیم‌نیا و دانشپور (۱۳۹۷) و جاوید و بهزادفر (۱۳۹۷) را تلاشی به منظور گسترش چارچوب ارزیابی متناسب با برنامه‌ریزی کشور دانست. همچنین اغلب مقالاتی که در مبانی نظری به ارزیابی پرداخته‌اند نسبت به آنچه که در ایران رخ داده بی‌توجه بوده و صرفاً به ارائه دسته‌بندی‌های جهانی اشاره

کرده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد ارزیابی به عنوان یک ابزار شناخته می‌شود و نه یک حوزه مفهومی و نظری گسترده. محمدزاده تیتکانلو (۱۳۷۸) بیان می‌کند که ارزیابی گاه همراه با نظریه، گاه همراه با کلمه روش و گاه با مدل و تکنیک استفاده می‌گردد. در جدول ۱ تعاریف ارائه شده در متن مقاله‌ها محققان ارائه می‌گردد. تعاریف نشان می‌دهد توجه به ارزیابی به عنوان یک فرایند در تعریف ارزیابی شکل گرفته است. باین حال، نگاه فرایندی به ارزیابی تنها محدود به این تعاریف است و دیدگاه ابزاری در کاربست ارزیابی همچنان غلبه دارد.

دسته‌بندی ارزیابی بر اساس زمان انجام آن (پیش، حین و پس از اجرا) بیشترین تکرار را در مقاله‌ها داشته است (موسی کاظمی، ۱۳۸۶؛ قربانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ رفیعی و برک‌پور، ۱۳۹۳؛ داداش‌پور و حاجی‌وند، ۱۳۹۴؛ حسینی دهاقانی و بصیرت، ۱۳۹۶). باین حال، برخی مقاله‌ها دسته‌بندی‌های متفاوتی ارائه نموده‌اند. موسی کاظمی (۱۳۸۶) در مقاله خود ارزیابی را بر اساس موضوع به دسته‌های ارزیابی محیط‌زیستی، ارزیابی اجتماعی، ارزیابی اقتصادی و ارزیابی طرح‌های شهری دسته‌بندی می‌کند. عزیزی و آراسته (۱۳۹۰) با تأکید بر موضوع کاربری زمین ارزیابی را به دو دسته کمی (همچون مقایسه سرانه) و کیفی (همچون میزان سازگاری کاربری‌ها) تقسیم می‌کنند. رفیعی و برک‌پور (۱۳۹۳) با تأکید بر ارزیابی پس از اجرا سه رویکرد اصلی آن یعنی رویکرد انطباق‌محور، عملکردمحور و تلفیقی را ارائه می‌کنند.

داداش‌پور و حاجی‌وند (۱۳۹۴) بر اساس ورودی‌ها و خروجی‌ها دسته‌بندی‌ای برگرفته از کتاب لیچفیلد (Lichfield, 1996) ارائه داده‌اند که شامل چهار گروه ارزیابی فقط خروجی، فقط ورودی، ترکیبی از ورودی و خروجی و ترکیبی در مقیاس بزرگ‌تر است. ناصر مستوفی و قلمبر دزفولی (۱۴۰۰) سه نسل اجرای سیاست (بالا به پایین، پایین به بالا و ترکیبی) را شناسایی کرده و آن را به دسته‌بندی الکساندر (Alexander, 2009) از ارزیابی (انطباق‌محور، عملکردمحور و سودمندگرا) پیوند داده‌اند. دانشور (۱۴۰۲) با ترکیب دسته‌بندی‌های مختلف ارائه شده در مبانی نظری جهانی، چهار نسل از ماهیت ارزیابی را ارائه می‌دهد. این چهار نسل بر مبنای نظریه برنامه‌ریزی و رفاه اقتصادی عبارت‌اند از: ۱. سنجش ویژگی‌های فردی؛ مبتنی بر برنامه‌ریزی سنتی و تحلیل هزینه-فایده؛ ۲. توصیف طرح‌ها و اهداف؛ مبتنی بر برنامه‌ریزی عقلانی و روش‌های میانه از جمله ماتریس دستیابی به اهداف؛ ۳. قضاوت در خصوص ارزش‌های زمینه‌ای؛ مبتنی بر برنامه‌ریزی ارتباطی؛ و ۴. مذاکره در خصوص ادعاها، علایق و مسائل؛ مبتنی بر نظریه‌های نوظهور همچون موضوع شهر.

رویکردهای غالب ارزیابی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای کشور

در تصویر ۶ با استفاده از نرم‌افزار گنتی بر اساس خروجی نرم‌افزار مکس کیودا، مرز دانش ارزیابی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای مشخص گردیده است. در این دسته‌بندی رویکردهای پیش از اجرا با رنگ قرمز، رویکردهای حین اجرا با رنگ زرد، رویکردهای پس از اجرا با رنگ آبی و رویکردهای یکپارچه با رنگ بنفش مشخص شده‌اند. رویکردهای ارزیابی در مطالعات را نمی‌توان به سادگی مبانی نظری جهانی دسته‌بندی نمود. برای مثال استفاده از رویکردهای اثرات محیط‌زیستی و اجتماعی به عنوان رویکردهای ارزیابی پیش از اجرا شناخته می‌شوند. باین حال در بسیاری از مطالعات از این رویکرد در مرحله پس از اجرا استفاده شده

جدول ۱. تعاریف ارزیابی ارائه‌شده در مقاله‌ها

نگارنده (گان) و سال	شماره صفحه	تعریف ارزیابی	نوع تعریف ارزیابی
محمدزاده تینکانلو (۱۳۷۸)	۵۳	ارزیابی را فرایندی دانسته‌اند که در آن داده‌ها، فعالیت‌ها و نتایج پروژه در مقابل هدف‌ها تحلیل می‌شود و به‌وسیله آن، اثرهای فاصله‌گرفتن از جدول‌ها یا نتایج پیش‌بینی‌شده پروژه، مورد شناسایی قرار می‌گیرد.	فرایندمحور
		اساس ارزیابی، سنجش شایستگی نسبی راه‌حل‌های مختلف است و روند کلی مقایسه طرح‌ها را در برمی‌گیرد و چارچوبی برای تحلیل فراهم می‌آورد و شامل اصول سنجش، اقداماتی که در مقایسه شقوق مختلف یا آلت‌رناتیوها به کار می‌روند و تنظیم شواهد و مدارک است.	روشندهانه/ابزاری
موسی کاظمی (۱۳۸۶)	۱۰	ارزیابی (سنجش)، روش و ابزاری برای شناخت اثرات و نتایج موجود یا احتمالی عملکردها، فعالیت‌ها و طرح‌ها است.	روشندهانه/ابزاری
	۱۰	ارزیابی به معنی روش و ابزاری برای شناخت نتایج و پیامدهای توسعه شهر و طرح‌های جامع تهیه‌شده برای آن به کار می‌رود که مشخصه‌های محیط‌زیستی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی آن نمایان هستند.	روشندهانه/ابزاری
عزیزی و آراسته (۱۳۹۰)	۷-۶	ارزیابی یک فرایند نظام‌دار (نظام‌مند) برای جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات است و انجام آن بدین منظور است که آیا اهداف موردنظر در پروژه، تحقق یافته‌اند یا در حال تحقق یافتن هستند؟ و این تحقق اهداف تاکنون به چه میزان صورت گرفته است؟	فرایندمحور
		ارزیابی، تحلیل بازنگرانه از یک پروژه، برنامه یا سیاست، با هدف تعیین کردن چگونگی و میزان موفقیت آن‌ها و فراگیری تجربیاتی از نحوه انجام‌شدن آن‌ها است.	
		ارزیابی را می‌توان معادل طی کردن یک مسیر طولانی در یک فرایند تکامل تدریجی برشمرد.	
قربانی و همکاران (۱۳۹۳)	۱۹۴	روش و ابزاری برای شناخت اثرات و نتایج موجود یا احتمالی عملکردها، فعالیت‌ها و طرح‌ها است.	روشندهانه/ابزاری
		مقصود از ارزیابی هرگونه فرایندی است که به اولویت‌بندی‌های موردنظر طراحی نظم و نسق منطقی بخشد و طرح را با هدف‌های کلی و کوتاه‌مدت اولیه آن مرتبط سازد.	فرایندمحور
		ارزیابی امری است که در فواصل مختلف تصمیم‌گیری برای پیشبرد طرح و نتیجه‌گیری از مطالعات برنامه‌ریزی حادث می‌شود.	
رفیعی و برک‌پور (۱۳۹۳)	۶۶	رویه‌ای نظام‌مند از مشاهده، تحلیل و تنظیم قضایای در مورد یک عمل و نتایج آن (هم به‌صورت پیش‌بینی هم بر اساس اثرات) در فرایند برنامه/دستور کار/سیاست است.	فرایندمحور
شماعی و همکاران (۱۳۹۳)	۲۵۴	ارزیابی عبارت است از فرایند شناخت اهمیت یا ارزش‌گذاری فعالیت‌هایی که در زمینه برنامه‌های توسعه یا مشی معین انجام می‌گیرد. منظور از آن تعیین کارایی اقدامات انجام گرفته برای اجرا، کفایت منابع به‌کاررفته و همچنین پایداری و اثربخشی آن‌هاست.	فرایندمحور
داداش‌پور و حاجی‌وند (۱۳۹۴)	۷۳	ارزیابی عبارت است از تنظیم معیارهای موقت، جمع‌آوری نظام‌مند تعدادی نمونه از واحدهای موردنظر، تبدیل نمونه‌ها به معیارهای تدوین‌شده و سرانجام تعیین موفقیت، کارایی و موردقبول‌بودن پدیده مورد مطالعه.	روشندهانه/ابزاری
		ارزیابی صرفاً به مرحله‌ای از فرایند گفته می‌شود که به بررسی شایستگی یک طرح رجوع می‌کند و حالت مقایسه‌ای ندارد.	روشندهانه/ابزاری
		ارزیابی طرح یا برنامه به این مفهوم است که طرح یا برنامه‌ای که قبلاً شکل گرفته و به مرحله اجرا رسیده است، موردبررسی قرار گیرد تا مشخص شود که آیا اهداف پیش‌بینی‌شده تحقق یافته‌اند یا خیر؟	روشندهانه/ابزاری
شفیعی دستجردی و صادقی (۱۳۹۶)	۶	ارزیابی عبارت است از سنجش حدود موفقیت در انجام وظایف و تکالیف پیش‌بینی‌شده به‌صورت سهم انجام کار یا مقایسه‌ای قابل‌سنجش. ارزیابی سنجش تفاوت وضع موجود و حالت پهنه است.	روشندهانه/ابزاری
ابراهیم‌نیا و دانش‌پور (۱۳۹۷)	۹۷	به فرایندی اشاره دارد که شایستگی، بها یا ارزش یک چیز یا محصول تعیین شود. ارزشیابی سیاست به معنی به کارگیری روش‌های پژوهش علوم اجتماعی برای انجام جست‌وجوی قاعده‌مند اثرات مداخله سیاستی است.	فرایندمحور
ناصر مستوفی و قلمبر دزفولی (۱۴۰۰ ب)	۲۶۴	ارزیابی بازنگری و تحلیل یک پروژه، برنامه و سیاست به‌منظور تعیین میزان موفقیت آن و درس گرفتن از تجارب آن است.	روشندهانه/ابزاری

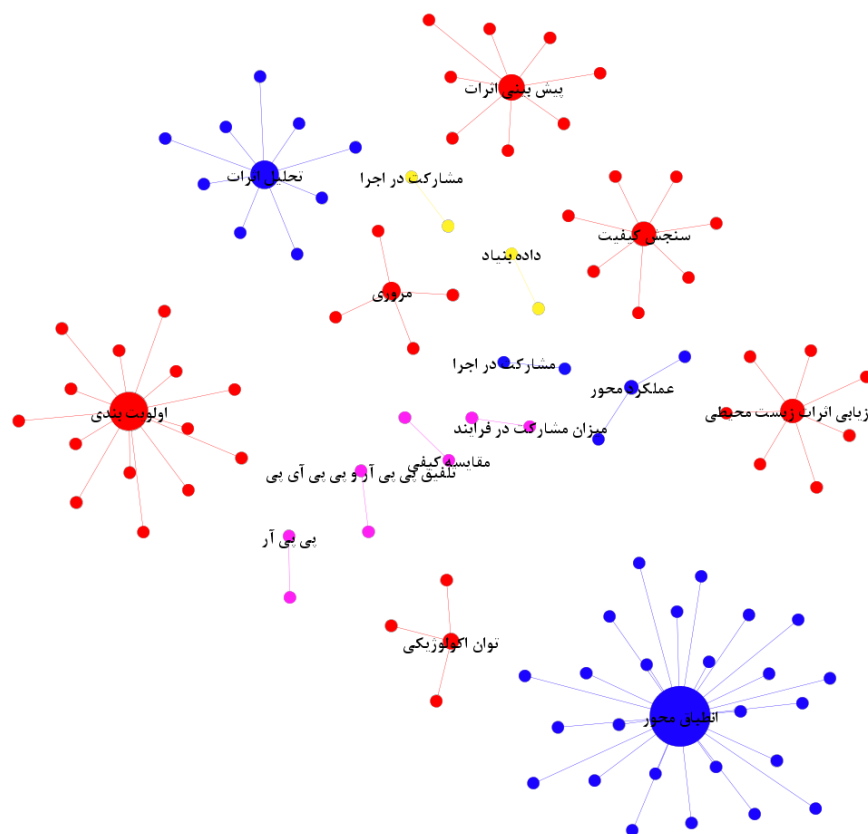
برنامه‌ریزی طرح‌های شهری به کار بستند. پس از بررسی مقاله‌ها مشخص شد رویکرد ارزیابی انطباق محور بیشترین سهم را در مقاله‌ها دارد. پس از آن ارزیابی مبتنی بر اولویت‌بندی قرار دارد. اولویت‌بندی اهداف، تصمیمات و اقدامات که با روش‌های آماری و چندمعیاری انجام می‌گردد، در این گروه قرار می‌گیرد. تحلیل اثرات سومین رویکرد پرتکرار در مطالعات ارزیابی کشور است و روش‌های متنوع آماری و چندمعیاری و اثرات محیط‌زیستی پس از اجرا و متمرکز بر موضوعات خاص همانند رضایتمندی و عدالت فضایی را در برمی‌گیرد.

بحث

بررسی ۸۶ مقاله در زمینه ارزیابی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای از

است. این مطالعات را بر اساس تعاریف جهانی نه می‌توان در گروه ارزیابی انطباق محور قرار داد و نه در گروه ارزیابی عملکردمحور؛ بنابراین در این مقاله این دسته مطالعات با عنوان رویکردهای تحلیل اثرات تعریف می‌شوند. همچنین مطالعاتی وجود دارد که از لحاظ زمانی هم حین اجرا و هم پس از اجرا بر مبنای مشارکت ذی‌نفعان شکل گرفته است. روش‌های استفاده شده در این مقاله‌ها مبتنی بر پرسشنامه و ارتباط با ذی‌نفعان است؛ بنابراین بر اساس زمانی می‌توان آن‌ها را در دو دسته مجزا قرار داد. در ارزیابی یکپارچه کل فرایند برنامه‌ریزی از مرحله تصمیم‌گیری تا پیامدها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. برای نمونه می‌توان به مقاله طیبیان و آسوده (۱۳۹۳) اشاره نمود که روش‌شناسی طرح‌فرایند-نتایج (PPR) را در فرایند

تصویر ۶. خوشه‌بندی رویکردهای استفاده‌شده در مقاله‌ها



داداش‌پور و حاجی‌وند، ۱۳۹۴) و ارتباط آن‌ها با یکدیگر انجام ارزیابی نظام‌مند با مشکل مواجه می‌گردد. رویکرد عملکردمحور ماهیتی کیفی دارد (پورحسین روشن و همکاران، ۱۳۹۹) و ضعف در توسعه روش‌شناسی کیفی محور یکی از دلایل عدم توجه به رویکرد عملکردمحور است.

ضعف در مبانی نظری و روش‌شناسی ارزیابی حین اجرا و سنجش کیفیت: در این باره حسینی دهقانی و بصیرت (۱۳۹۶) بیان می‌کنند؛

... در اغلب پژوهش‌ها میزان تحقق کاربری‌های پیش‌بینی‌شده در طرح ارزیابی می‌گردد؛ بنابراین برای چنین ارزیابی‌هایی لازم است دوره اجرای طرح به پایان برسد و پس از آن به سنجش موفقیت و شکست پرداخت. لذا در پروژه‌های مرتبط با طرح‌های جامع شهری و به‌خصوص در طرح‌های شهرهای جدید، اغلب از ارزیابی حین اجرای طرح غفلت شده است. (ص. ۲۴۶)

پیشنهاد آن‌ها برای تقویت استفاده از سنجش کیفیت برنامه است. استفاده از رویکرد سنجش کیفیت برنامه به سه دلیل برای ارزیابی طرح‌های جامع مفید است: ۱. به دلیل محتوایی بودن طرح‌های توسعه این رویکرد می‌تواند قضاوت کارآمدی نسبت به طرح ارائه دهد (قاجار خسروی و حقیقت نائینی، ۱۳۹۹)؛ ۲. به دلیل بلندمدت بودن طرح‌های جامع و طرح‌های فرادست آن، سنجش کیفیت فرصت قضاوت در باب خوب یا بد بودن برنامه را مهیا می‌سازد؛ و ۳. روش‌ها و معیارهای سنجش کیفیت به‌خوبی در مبانی نظری ارزیابی جهانی تعریف شده‌اند و قابلیت کاربرد در مطالعات نظری و عملی داخل کشور را دارند.

ضعف در مبانی نظری رویکرد انطباق‌محور: علی‌رغم اینکه بیشترین

سال ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۲ در نشریه‌های علمی نشان داد ارزیابی در مطالعات برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای کشور نه به‌عنوان یک چالش بلکه به‌عنوان یک ابزار شناخته می‌شود. این موضوع در ارزیابی پس از اجرا بیشتر آشکار می‌شود. جایی که مطالعات به‌منظور ارزیابی پیامدهای طرح و برنامه‌ها شکل گرفته؛ اما در مبانی نظری از رویکردهای ارزیابی پس از اجرا و یا توسعه روش‌شناسی متناسب با طرح و برنامه موردنظر غفلت شده است. این غفلت سبب شده تا ارزیابی نتواند جایگاه واقعی خود را در فرایند برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای چه در نظریه و چه در عمل داشته باشد. عدم پرداختن به ارزیابی به‌عنوان مسئله سبب شده تا مطالعات ارزیابی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای کشور مطالعاتی با روش‌های تکرارشونده انجام شود و مشخص نگردد که این روش‌ها به چه میزان کاربردی و مناسب هستند. دیگر چالش‌های ارزیابی عبارت‌اند از:

ضعف در مبانی نظری و روش‌شناسی کیفی‌محور و رویکرد عملکردمحور: در بین رویکردهای پس از اجرا رویکرد عملکردمحور کمتر موردتوجه قرار گرفته است. یکی از دلایل اصلی این است که طرح‌های جامع ماهیتی بلوپرینتی دارند و این نوع از برنامه‌ها با رویکرد انطباق‌محور هماهنگی دارد. با این حال این نکته می‌بایست مدنظر قرار گیرد که طرح‌های جامع برنامه‌های بلندمدتی است که طرح‌های تفصیلی و طرح‌های موضعی-موضوعی متأثر از آن است. به عبارتی اگرچه از نظر محتوایی (اهداف و نحوه اجرا) بلوپرینتی است، اما از منظر زمانی و جایگاه در نظام شهرسازی می‌تواند به‌عنوان هدایت‌کننده تصمیمات بعدی استفاده شود. همچنین به دلیل عدم توجه به ارزیابی طرح‌های فرادست

اهمیت ارزیابی در فرایند برنامه‌ریزی را نشان می‌دهد. برنامه‌ریزی تنها شامل طرح و برنامه نیست، بلکه فرایند، برنامه و پیامد را شامل می‌گردد. پارادایم‌های فکری، نظریه‌های برنامه‌ریزی و نوع برنامه‌ها بر شکل‌گیری نظریه‌های ارزیابی تأثیر می‌گذارند. این بی‌توجهی باعث شده تا ارزیابی فرایند‌گرا یعنی ارزیابی هماهنگ با برنامه، طرح و پیامد در کشور با خلأ مطالعاتی روبرو شود. از این رو نیاز است اتصال نظریه برنامه‌ریزی و رویکرد ارزیابی و همچنین ایجاد و توسعه رویکرد ارزیابی نظام‌مند جهت قضاوت واقع‌بینانه از فرایند برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای کشور (برنامه، فرایند و پیامد) مورد توجه قرار گیرد.

کمی‌گرایی و تمرکز بیش‌ازحد به روش‌های آماری: درک عمیق‌تر مسئله، تقویت حساسیت نظری و شناخت ابعاد مختلف یک مسئله از جمله مزیت‌های روش‌های ارزیابی کیفی نسبت به روش‌های کمی است. اغلب مطالعات متمرکز بر روش‌های آماری هستند. روش‌های آماری بیشتر برای معنادار بودن روابط قابل استفاده هستند و به نظر نمی‌رسد به‌تنهایی بتوانند چارچوب مناسبی جهت قضاوت ایجاد کنند. از سوی دیگر روش‌های کیفی همچون نظریه زمینه‌ای می‌تواند به تقویت ارزیابی متناسب با نظام شهرسازی کشور کمک کند. استفاده از نظریه زمینه‌ای برای بررسی علل شکست یا موفقیت برنامه و برنامه‌ریزی است و علاوه بر توصیف، به دنبال یافتن چرایی عدم تطابق‌ها نیز می‌باشد. کمی‌گرایی بیش‌ازحد یکی از چالش‌های ارزیابی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای کشور است که به‌موجب آن بسیاری از جنبه‌های مهم مؤثر در قضاوت نادیده گرفته می‌شوند.

نتیجه‌گیری

برای تقویت گام ارزیابی در مبانی نظری برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، ضروری است نگاه ابزاری و روش‌شناسانه به ارزیابی، به دیدگاهی فرایندمحور تغییر یابد. در این صورت می‌توان بستر مناسبی برای توسعه روش‌شناسی‌های متناسب با انواع برنامه‌ریزی و برنامه‌های کشور فراهم کرد. همچنین، بازنگری در روش‌های رایج ارزیابی، به‌ویژه در ارزیابی پس از اجرا، ضروری است. نقد روش‌های به‌کاررفته، همچون روش مقایسه سرانه، می‌تواند مانع تکرار روش‌های ناکارآمد و زمینه‌ساز توسعه روش‌های جدید باشد. در حال حاضر، با وجود استفاده گسترده از این روش، مطالعه‌ای وجود ندارد که کارایی آن را برای طرح‌های جامع کشور بررسی کند. با توجه به افق بلندمدت طرح‌های جامع، تعدد عوامل اجرایی و تأثیرپذیری از عوامل بیرونی، عدم انطباق سرانه‌ها با واقعیت اجتناب‌ناپذیر است؛ بنابراین نمی‌توان موفقیت طرح را صرفاً بر پایه تحقق سرانه‌ها سنجید. در این میان، سنجش کیفیت برنامه باید بیش‌ازپیش در مبانی نظری ارزیابی در ایران مورد توجه قرار گیرد. این رویکرد که از دهه ۱۹۹۰ مورد استقبال جهانی قرار گرفته، با پوشش موضوعات متنوع و اتکا به تحلیل محتوای برنامه‌ها، امکان تمایز بین برنامه خوب و بد را فراهم می‌کند. همچنین، تقویت چارچوب‌های ارزیابی عملکردمحور با تأکید بر روش‌های کیفی و ابعاد سیاستی، می‌تواند چشم‌انداز مناسبی از نظام برنامه‌ریزی، روابط نهادی و سلسله‌مراتب طرح‌ها ارائه دهد. این رویکرد به‌ویژه برای ارزیابی طرح‌های کلان‌مقیاس مانند طرح مجموعه شهری یا طرح‌های منطقه‌ای اهمیت دارد و می‌تواند خلأ مطالعاتی در ارزیابی طرح‌های کلان‌مقیاس را برطرف نماید.

سهم روش‌شناسی مقاله‌ها مربوط به ارزیابی انطباق محور است با این حال ضعف مبانی نظری در این زمینه مشهود است. این ضعف نظری باعث ایجاد چالش‌های روش‌شناسانه می‌گردد. تالن (Talen, 1996) مفهوم موفقیت را شرح می‌دهد و بیان می‌کند تعیین موفقیت و شکست مفهومی پیچیده و نیازمند یک سازوکار نظام‌مند است. برای مثال چگونه می‌توان پیامدهای عینی توسعه را به طرح‌های توسعه نسبت داد؟ لوریان و همکاران (Lauri, 2010) بیان می‌کنند که در رویکرد انطباق محور تحت تأثیر برنامه‌ریزی عقلانی-جامع به طریقه نسبت دادن پیامد به برنامه توجهی نمی‌شود. علت اصلی این امر آن است که برنامه‌ریزی به‌عنوان کنترل توسعه آینده شناخته شده و فرض می‌شود عدم قطعیت در این فرایند تأثیری ندارد. این در حالی است که عوامل بیرونی و عدم قطعیت‌های بسیاری بر توسعه شهری تأثیرگذار هستند که نسبت دادن پیامدها به برنامه موردنظر دشوار می‌سازد. همچنین روش‌های متنوعی در زمینه ارزیابی انطباق محور وجود دارد که در مطالعات داخل کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. محققانی در مبانی نظری جهانی ارزیابی سعی داشتند با اصلاح سازوکار ارزیابی انطباق محور همچون تکیه بر جوازهای صادره و دسته‌بندی انواع عدم تطابق‌ها، قضاوتی واقع‌بینانه از شکست و موفقیت برنامه‌ریزی ارائه دهند. با این حال برخلاف تحولات جهانی، تعداد مطالعات و تنوع روش‌های ارزیابی انطباق محور به دلیل ضعف نظری موجود محدود است.

ضعف در ابعاد فضایی و اجتماعی و سیاستی: علی‌رغم فراگیری علوم سنجش‌ازدور در ارزیابی، در مقاله‌ها موردبررسی تعداد اندکی (۶ مقاله) از نرم‌افزارهای مربوطه همچون GIS برای تحلیل و ارزیابی استفاده نموده‌اند و اغلب بر مقایسه میزان مساحت و سرانه کاربری‌ها تمرکز داشته‌اند. این در حالی است که استفاده از نرم‌افزارهای GIS در عین بررسی میزان تطابق آماری کاربری‌ها، برای مشخص شدن شدت عدم انطباق‌ها، شناسایی هسته اصلی عدم انطباق‌ها و عوامل فضایی تأثیرگذار بر شکل‌گیری عدم انطباق‌ها (موانع طبیعی و انسان‌ساخت) نیز کارآمد خواهد بود. همچنین بعد اجتماعی مورد توجه مقاله‌ها اغلب پیش‌بینی جمعیتی و تطابق آن با افاق طرح است. این در حالی است که مباحث مختلف از جمله نحوه مشارکت در تهیه، اجرای طرح و همچنین موانع یا پتانسیل‌های مشارکت ذی‌نفعان اهمیت بسیاری دارد. ارزیابی‌های انجام شده بر اساس معیارهای موضوعات مختلف هستند. برای مثال ارزیابی طرح جامع از منظر توسعه پایدار، این قبیل مطالعات به‌جای تمرکز بر سیاست‌های برنامه‌ریزی و برنامه با وام‌گیری معیارها از موضوعات مختلف ارزیابی را انجام می‌دهند (رویکرد تحلیل اثرات). برای مثال ابتدا معیارهای یک شهر پایدار شناسایی و بر اساس آن برنامه مورد قضاوت قرار می‌گیرد. از این رو به‌جای تمرکز به ارزیابی به‌عنوان یک فرایند تحلیل سیاستی، ارزیابی اغلب ماهوی و موضوع محور است. این امر باعث تضعیف کاربرد بعد سیاستی در ارزیابی شده است؛ زیرا در بعد سیاستی اغلب نحوه تصمیم‌گیری، تأثیر تصمیم‌گیری و فرایندهای اقدام سیاست‌ها اهمیت دارد.

ضعف در ایجاد رابطه بین نظریه برنامه‌ریزی و ارزیابی و در نتیجه ضعف در ارزیابی فرایند‌گرا: «اگر برنامه‌ریزی خواهان اعتبار به‌عنوان یک رشته و یا یک حرفه است، معیارهای ارزیابی باید قادر به قضاوت واقعی از اثربخشی برنامه‌ریزی باشند و برنامه‌ریزی خوب باید از برنامه‌ریزی بد قابل تمایز باشد» (Alexander & Faludi, 1989, p. 127). این جمله

References

- Afsharnia, A., Zebardast, E., & Talachian, M. (2019). Investigating and evaluating urban development plans based on spatial justice approach (Case study: Farahzad reorganization plan [Barresi va arzyabi-e tarhha-ye tose'e shahri bar asas-e rooykard-e edalat-e fazaee (nemune moredi: Tarh-e samandehi-e Farahzad)]. *Urban and Regional Development Planning*, 4(9), 59-92. <https://doi.org/10.22054/urdp.2021.54937.1245> (In Persian)
- Alexander, E. R. (1985). From idea to action: Notes for a contingency theory of the policy implementation process. *Administration & Society*, 16(4), 403-426. <https://doi.org/10.1177/009539978501600402>
- Alexander, E. R. (2006). Evolution and status: Where is planning evaluation today and how did it get here. In Alexander, E.R. (Ed.), *Evaluation in planning: Evolution and prospects* (pp.3-16). Routledge.
- Alexander, E. R. (2009). Dilemmas in evaluating planning, or back to basics: what is planning for?. *Planning theory & practice*, 10(2), 233-244. <https://doi.org/10.1080/14649350902884177>
- Alexander, E. R., & Faludi, A. (1989). Planning and plan implementation: Notes on evaluation criteria. *Environment and planning B: Planning and Design*, 16(2), 127-140. <https://doi.org/10.1068/b160127>
- Aminzade, B., & Roodaki, S. (2017). An integrated method for assessments of detailed plans by using plan process result (PPR) and process policy-plan/program implementation (PIIP) (Case study: Region 6 of Shiraz detailed plan) [Erae-ye raveshi talfighi baraye arzyabi-e tarhha-ye tafsili-e shahri (motale'e moredi: Tarh-e tafsili-e mantaghe 6 shahrdari-e Shiraz)]. *Hoviatshahr*, 11(29), 29-42. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17359562.1396.11.1.3.5> (In Persian)
- Anari, F., Eghbali, N., & Moayedfar, R. (2020). Assessing the impact of the communication network structure of the eastern area of Tehran's strategic plan on urban resilience [Arzyabi-e tasir-e sakhtar-e shabake-ye ertebeati-e hoze-ye sharghi-e tarh-e rahbordi-e shahr-e Tehran bar tabavari-e shahri]. *Human Geography*, 12(1), 595-617. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.66972251.1398.12.1.1.9> (In Persian)
- Andalib, A., & Akhgr, H. (2015). Evaluation of the application of passive defense concepts in urban comprehensive development plans [Arzyabi-e nahve-ye bahregiri az mafhum-e padafand-e gheir-e amel dar tarhha-ye tose'e va omran-e (jame) shahri]. *Research and Urban Planning*, 6(22), 111-124. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1394.6.22.8.4> (In Persian)
- Ansari, S., & Andalib, A. (2016). An evaluation framework for measuring participation in urban renovation project and its application in the special renovation project of Khoob-Bakht neighborhood [Ol-guee novin baraye mizan-e mosharekati budan-e tarhha, nemune: mahale-ye Khoob Bakht]. *Naghshejahan*, 6(1), 5-17. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1395.6.1.5.3> (In Persian)
- Asghari Saraskanroud, S., Taghilo, A., & Asghari, S. (2018). Analyze and evaluate the environment effects of tourism projects in the Safaieh of Khoy city [Tahlil va arzyabi-e asar-e belghove-ye zistmohiti-e ejra-ye tarh-e gardeshgari dar bakhsh-e Safaieh shahrestan-e Khoy]. *Tourism and Development*, 7(1), 118-134. <https://www.sairanj.ir/article/63615.html> (In Persian)
- Azargoon, N., Mansouri, A., & Barati, N. (2018) Providing Assessing Indicators and Evaluating Urban Sustainable Development in City Development Strategies Using the Balanced Scorecard Model [Erae-ye shakhesha-ye sanjesh va arzyabi-e tose'e-ye paydar-e shahri dar tarhha-ye tose'e-ye rahbordi-e shahri (CDS) ba estefade az model-e kart-e emtiaz-e mota'adel]. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 11(23), 265-281. <https://www.armanshahrjournal.com/article/69728.html> (In Persian)
- Azizi, M., & Arasteh, M. (2012). Evaluation of forecasting implementations and development directions in master plan of Lar city [Arzyabi-e tahaghoogh-paziri-e pishbiniha-ye karbari-e arazi va pishnahadha-ye jahat-e tose'e dar tarh-e jeme'e shahr-e Lar]. *Urban-Regional Studies and Research*, 3(11), 1-22. <https://journals.ui.ac.ir/article/19999.html> (In Persian)
- Azizi, M., & Bahra, B. (2021). A post-implementation assessment of flagship projects in the urban neighborhoods: Case study, of Godal-Mosalla neighborhood in Yazd, Iran [Arzyabi-e asarat-e pazhuhasha-ye moharek-e tose'e dar mahaleha-ye shahri, nemune motale'e: mahale-ye Godal Mosala, shahr-e Yazd]. *Motaleate Shahri*, 73(10), 57-70. <https://doi.org/10.34785/J011.2021.172> (In Persian)
- Baer, W. C. (1997). General plan evaluation criteria: An approach to making better plans. *Journal of the American Planning Association*, 63(3), 329-344. <https://doi.org/10.1080/01944369708975926>
- Bahrani, M., Barfipoor, M., & Shahriyari, M., (2021). Assessment and Evaluation of the degree of feasibility of the comprehensive urban plan of Safashahr [Sanjesh va arzyabi-e mizan-e tahaghoogh-paziri-e tarh-e jame-e shahri-e Safashahr]. *Geography and Human Relationships*, 3(4), 121-141. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26453851.1400.3.4.9.4> (In Persian)
- Baker, J. D. (2016). The purpose, process, and methods of writing a literature review. *AORN journal*, 103(3), 265-269. <https://doi.org/10.1016/j.aorn.2016.01.016>
- Barakpour, N., & Ansari, M. (2023). Evaluation of urban and regional development plans from social sustainability viewpoint [Arzyabi-e barnameha-ye tose'e shahri va mantaghei az manzar-e paydari-e ejtemae]. *Urban Space and Social Life*, 1(3), 1-16. <https://doi.org/10.22034/jprd.2023.55228.1029> (In Persian)
- Berke, P. R. (2002). Does sustainable development offer a new direction for planning? Challenges for the twenty-first century. *Journal of planning literature*, 17(1), 21-36. <https://doi.org/10.1177/088122017001002>
- Berke, P., & Godschalk, D. (2009). Searching for the good plan: A meta-analysis of plan quality studies. *Journal of planning literature*, 23(3), 227-240. <https://doi.org/10.1177/0885412208327014>
- Berke, P., Backhurst, M., Day, M., Ericksen, N., Laurian, L., Crawford, J., & Dixon, J. (2006). What makes plan implementation successful? An evaluation of local plans and implementation practices in New Zealand. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 33(4), 581-600. <https://doi.org/10.1068/b31166>
- Bozorgmehr, N., Habibi, M., & Barakpour, N. (2013). Assessment of Karaj current development plan based on the smart growth [Arzyabi-e tarh-e pishnahadi-e tose'e-ye shahr-e Karaj mobtani bar ruykard-e roshd-e hushmand]. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 6(11), 131-154. <https://www.doi.org/10.30480/aup.2013.115> (In Persian)
- Calkins, H. W. (1979). The planning monitor: an accountability theory of plan evaluation. *Environment and Planning A*, 11(7), 745-758. <https://doi.org/10.1068/a110745>
- Dadashpour, H., & Hajivandi, N. (2016). Assessing the realizability of regional development plans in Iran (Case study: Saveh district development plan) [Arzyabi-e mizan-e tahaghoogh-paziri-e tarhha-ye tose'e va omran-e nahiei dar Iran (mored-e motaleati: tarh-e tose'e va

- omran-e nahiei-e Saveh)], *Environmental Based Territorial Planning*, 11(41), 71-92. <https://sanad.iau.ir/Journal/ebtp/Article/986897> (In Persian)
- Dadashpoor, H., & Heydari, M. (2022). Schools of urban and regional planning evaluation: A genealogical perspective. *International Review for Spatial Planning and Sustainable Development*, 10(3), 302-320. <https://doi.org/10.14246/irspds.10.3.302>
- Daneshvar, M. (2023). Assessing the land use realization of Mashhad city master plans using spatial conformance based evaluation method [Sanjesh-e tahaghogh-e karbari-e arazi-e tarhha-ye tosee va omran-e (jame) shahr-e Mashhad ba estefade az ravesh-e arzyabi-e entebegh mehvar mobtani bar makan]. *Geography and Development*, 21(72), 239-271. <https://doi.org/10.22111/gdj.2023.40231.3342> (In Persian)
- Ebrahimnia, V., & Abdi Daneshpour, Z. (2019). Proposing a policy evaluation framework: Application in analyzing population concentration organizing policy in Tehran [Pishnahad-e yek cheharchoob-e arzeshyabi-e siyasat-e omumi: bekargiri-e dar tahlil-e siyasat-e sazmandehi-e tamarkoz-e jamiat dar Tehran]. *Architecture and Urban Planning*, 11(23), 95-110. <https://doi.org/10.30480/aup.2019.716> (In Persian)
- Emami, M., & Zebardast, E. (2014). The evaluation of urban development plans based on interconnectedness and connectivity principle using AHP model case study: Imam Ali Square revitalization plan in Isfahan [Arzyabi-e tarhha-ye tosee shahri bar asas-e asl-e hampeyvandi va etesal ba estefade az ravesh-e AHP, motalee moredi: tarh-e ehya-ye Meydan-e Emam Ali-e Esfahan]. *Motaleate Shahri*, 3(11), 21-38. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_9564.html (In Persian)
- Fallah Zadeh, S., & Mahmoudi Pati, F. (2015). Prioritizing participatory policies in urban regeneration with emphasis on the probability of conflict among key stakeholders (case study: Old part of Amol urban regeneration plan) [Olaviatbandi-e siyasatha-ye mosharekati dar bazafarini-e shahri ba takid bar ehthermal-e voghu-e nasazeghari mian-e bahrevaran: motalee moredi: barnamye bazafarini-e baft-e ghadime Amol]. *Motaleate Shahri*, 4(15), 5-16. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_13800.html (In Persian)
- Faludi, A. (1989). Conformance vs. performance: Implications for evaluation. *Impact Assessment*, 7(2-3), 135-151. <https://doi.org/10.1080/07349165.1989.9726017>
- Faraji Sabokbar, H., Hosseini, A., Ashoornejad, Gh., Soleimani, H., Shiripour, M., & Ahmadtouzeh, V. (2015). Analysis and assessment of settlement development on urban area with the new hybrid multi-criteria decision-making methods, A case study: East Azarbaijan [Tahlil va arzyabi-e tosee-ye sokunatgahi dar navahi-e shahri-e ostan-e Azarbaijan-e sharghi]. *Geographical Planning of Space*, 5(17), 27-53. https://gps.gu.ac.ir/article_11872.html (In Persian)
- Farhoodi, R., & Abdollahi, M. (2005). Evaluation of the planning process and regional impacts of national development projects (Case study: Karun 3 dam) [Arzyabi-e farayend-e barnamerizi va asarat-e mantaghei-e tarhha-ye omrani melli (pazhuhesh-e moredi sad-e Karun-e 3)]. *Geographical journal of Territory*, 2(7), 80-98. <https://sanad.iau.ir/Journal/sarzamin/Article/823920> (In Persian)
- Fazel, A., & Daryabari, J. (2018). Evaluation of Tehran metropolitan master plan [Arzyabi-e meyarha-ye tahie-ye tarh-e jeme-e kalan-shahr-e Tehran]. *Modiriyat Shahri*, 17(50), 373-385. <http://ijurm.imo.org.ir/article-1-2210-fa.html> (In Persian)
- Firoozi, M., Nemati, M., & Daripour, N. (2015). Assessment and evaluation of quality of life indicators in the Mehr housing project (Case study: Omidyeh city) [Sanjesh va arzyabi-e shakhesha-ye kefiat-e zendegi dar tarh-e maskan-e Mehr (motalee moredi: shahr-e Omidyeh)]. *Geography and Environmental Studies*, 3(11), 49-62. <https://sanad.iau.ir/Journal/ges/Article/979294> (In Persian)
- Fu, X., Wang, R., & Li, C. (2024). Can ChatGPT evaluate plans?. *Journal of the American Planning Association*, 90(3), 525-536. <https://doi.org/10.1080/01944363.2023.2271893>
- Ghajar Khosravi, M., & Haghighat Naeeni, Gh. (2020). Evaluating the quality of urban development plans in mid-sized and large cities in Iran [Arzyabi-e kefiat-e tarhha-ye tosee va omran-e shahrha-ye mi-ani va bozorg dar Iran]. *Motaleate Shahri*, 9(36), 133-145. <https://doi.org/10.34785/J011.2021.589> (In Persian)
- Ghanbari, A., Salaki Maleki, M., & Ghasemi Khoyi, M. (2019). Spatial assessment the proposed sub-cores of the new master plan of the city of Tabriz to become transit-oriented development centers (TOD) [Arzyabi-e fazaee-ye hasteha-ye farei-e pishnahadi-e tarh-e jame-e jadid-e shahr-e Tabriz baraye tabdil be marakez-e tosee-ye hamlo naghil mehvar (TOD)]. *Spatial Planning*, 9(2), 23-46. <https://doi.org/10.22108/sppl.2019.112511.1273> (In Persian)
- Gharagozlu, Z. (1987). *The role of evaluation in the process of urban and regional planning and its common techniques* [Naghsh-e arzyabi dar ravand-e barnamerizi-e shahri va mantaghei va teknikha-ye rayej an]. Central of Housing and Building Research. (In Persian)
- Ghorbani Koutenaei, A., & Noori Kermani, A. (2019). Investigation of the central area design in the regions of Tehran with an emphasis on the 15th region between 2007 and 2017 [Arzyabi-e tarh-e nahie mehvar dar manategh-e shahr-e Tehran ba takid bar mantaghe 15 beyn-e salha-ye 1386 ta 1396]. *Geography and Regional Planning*, 9(4), 497-513. <https://dorisc.ac/dor/20.1001.1.22286462.1398.9.4.3.3> (In Persian)
- Ghorbani, R., Jame-e-Kasra, M., & Mirzabaki, M. (2014). Evaluation of spatial adaptation ratio on urban comprehensive plans implementation process; Case study: Bonab city [Arzyabi-e mizan-e entebagh-e makani dar farayand-e ejra-ye tarhha-ye jame-e shahri (motalee moredi: tarh-e jeme-e shahr-e Bonab)]. *Geography and Planning*, 18(49), 191-216. https://geoplanning.tabrizu.ac.ir/article_2202.html (In Persian)
- Guyadeen, D., & Seasons, M. (2015). Plan evaluation: Challenges and directions for future research. *Planning Practice & Research*, 31(2), 215-228. <https://doi.org/10.1080/02697459.2015.1081335>
- Guyadeen, D., & Seasons, M. (2016). Evaluation theory and practice: Comparing program evaluation and evaluation in planning. *Journal of Planning Education and Research*, 38(1), 98-110. <https://doi.org/10.1177/0739456x16675930>
- Habibi, K., Behzadfar, M., Meshkini, A., Alizadeh, H., & Mahaki, V. (2011). Assessment of the impact of urban development plans on deconstruction and the qualitative enhancement of spaces in the traditional Iranian city [Arzyabi-e asarat-e tarhha-ye tosee-ye shahri bar sakhtarshekani va ertegha-ye keifi-e fazaha-ye shahr-e kohan-e Irani]. *Iranian-Islamic City*, 1(4), 15-28. <https://sid.ir/paper/177399/fa> (In Persian)
- Hadi Zanvar, B. (2016). Assessment of the feasibility of urban development plans in Tehran [Arzyabi-e tahaghogh paziri-e tarhha-ye shahri dar Tehran]. *Haft Shahr*, 15(53), 8-35. <https://www.magiran.com/p1780631> (In Persian)
- Hasanpour, M., & Bakhshande Nosrat, A. (2017). Evaluation of the preparation process of strategic structural plans in tehran's district 11

- with emphasis on the Railway Square and Valiasr intersection area [Arzyabi-e farayand-e tahie-ye tarhha-ye sakhtari rahbordi-e mantaghe 11 shahr-e Tehran ba takid bar mahdude-ye meydan-e Rahan va cheharrah-e Valiasr]. *Human Geography*, 9(4), 75-87. <https://doi.net/dor/20.1001.1.66972251.1396.9.4.5.2> (In Persian)
- Hataminejad, H., & Amoo, E. (2019). The pathology of Iranian land use planning [Asib shenasi va arzyabi-e tarhha-ye amayesh-e sarzamin dar keshvar-e Iran]. *Regional planning*, 9(34), 27-38. <https://doi.net/dor/20.1001.1.22516735.1398.9.34.3.8> (In Persian)
- Hejazi, J. (2020). Assessment of public participation in the implementation of urban regeneration projects (Case study: Central deteriorated fabric of Ahvaz city) [Arzyabi-e mosharekat-e mardom dar ejra-ye tarh-e bazafarini-e shahri (nemune moredi: baft-e farsude-ye markazi-e shahr-e Ahvaz)]. *Geographical Engineering of Territory*, 4(1), 117-132. <https://doi.isc.ac/dor/20.1001.1.25381490.1399.4.7.9.4> (In Persian)
- Hojati, H., Pourmohammadi, M., & Ghorbani, R. (2018). A review of the comprehensive planning process of Rasht city with a comparative approach (Triple comprehensive city plans) [Naghdi bar farayand-e barnamerizi-e jeme-e shahr-e Rasht ba ruykard-e tatbighi (tarhha-ye jeme-e segane-ye shahr)]. *Urban Planning Knowledge*, 2(1), 1-22. <https://doi.org/10.22124/upk.2018.8792.1010> (In Persian)
- Hong, Q. N., & Pluye, P. (2018). Systematic reviews: A brief historical overview. *Education for information*, 34(4), 261-276. <https://doi.org/10.3233/efi-180219>
- Hosseini Dehaghani, M., & Basirat, M. (2017). Urban plan quality evaluation using an integrated approach of ISM and ANP (Case study: Master plan of Pooladshahr city (2012)) [Arzyabi-e keifiyat-e tarhha-ye jeme-e shahri ba ruykard-e talfighi-e ISM va ANP (mored-e motale'e: tarh-e baznegari dar tarh-e jeme-e Pooladshahr (mosaveb-e 1390))]. *Town and Country Planning*, 9(2), 245-274. <https://doi.org/10.22059/jtcp.2017.231042.669704> (In Persian)
- Jafari, A., & Habibpour, A. (2008). Evaluation of new cities development effect on the environment [Arzyabi-e asarat-e tose'e-ye shahrha-ye jadid bar mohitizist (motale'e moredi: shahr-e jadid-e Pardis-e Tehran)]. *Modiriyat Shahri*, 6(21), 45-58. <https://sid.ir/paper/91960/fa> (In Persian)
- Javid, A., & Behzadfar, M. (2018) Evaluation of the rational value of Tehran's comprehensive urban development plans [Arzyabi-e arzesh-e manteghi-e barnameha-ye jame-e tose'e-ye shahri-e Tehran]. *Urban Economics and Management*, 6(3), 1-13. <https://www.doi.org/10.29252/ieeam.6.23.1> (In Persian)
- Jesson, J., Matheson, L., & Lacey, F. M. (2011). *Doing your literature review: Traditional and systematic techniques*. Sage.
- Joz, A., & Hosseini, Z. (2015). Evaluation of ecological capacity on Yasuj city for implementation urban land use [Arzyabi-e tavan-e ekolozhiki-e Yasuj be Manzur-e esteghrar-e karbari-e tose'e shahri]. *Environment Studies*, 41(3), 589-612. <https://doi.org/10.22059/jes.2015.55899> (In Persian)
- Kazemi, A., & Gilly, M. (2018). Assessment of environmental effects of the tourism project in Darreh-Gerdoo Arak [Arzyabi-e asarat-e zistmohiti-e tarh-e gardeshgari-e Dare Gerdo-ye Arak]. *Urban Tourism*, 5(1), 101-111. <https://doi.org/10.22059/jut.2018.223917.275> (In Persian)
- Kermanshahi, S., Ramandi, A., Bashirinia, M., Mirmoghraade, M., & Shokrgozar, M. (2023). Developing a TOD-based evaluation method for urban development plans: A case study of Neyshabour's master plan [Erae-ye raveshi baraye arzyabi-e tarhha-ye jame-e shahri az dariche-ye abad-e tose'e-ye mobtani bar hamlo naghl-e hamegani (motale'e moredi: tarh-e jeme-e shahr-e Neyshabour)]. *Urban and Regional Development Planning*, 8(25), 1-41. <https://doi.org/10.22054/urdp.2023.67998.1453> (In Persian)
- Khakee, A. (1998). Evaluation and planning: inseparable concepts. *The town planning review*, 359-374. <https://doi.org/10.3828/tpr.69.4.3803q86489619xm7>
- Khakpoor, B., Mousavi, S., Abdollahpoor, S., & Ghazi, R. (2019). Evaluation of dimensions of urban infrastructure planning in small towns' comprehensive plans: the case of Maku, Saveh and Khorramshahr [Arzyabi-e abad-e barnamerizi-e zirsakhtha dar tarhha-ye jeme-e shahrha-ye kuchak (motale'e moredi: tarh-e jeme-e Maku, Saveh va Khorramshahr)]. *Sustainable Architecture and Urban Design*, 7(1), 49-67. <https://doi.org/10.22061/jsaud.2019.4006.1228> (In Persian)
- Khalili, A., Noorolahi, H., Rashidi, N., & Rahmani, M. (2015). Evaluation of Mehr Housing policies in Iran and presentation of solutions for their improvement [Arzyabi-e siyasatha-ye maskan-e Mehr dar Iran va erae-ye rahkarhae baraye behbud-e an]. *Motaleate Shahri*, 4(13), 83-92. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_11809.html (In Persian)
- Khalili, M., Moradi, Gh., & Rahimi, A. (2013). Evaluation of the existing conditions and proposed plan of the historic fabric of Yazd in terms of access to emergency services using network analysis [Arzyabi-e vaze mojud va tarh-e pishnahadi-e baft-e tarikhi-e Yazd az nazar-e dastresi be khadamat-e urzhans ba estefade az tahlil-e shabake]. *Urban and Regional Studies and Research*, 4(13), 63-80. https://urs.ui.ac.ir/article_20015.html (In Persian)
- Khazaei Nejad, F., & Seyfolldini, F. (2013). Assessment of the performance of Andishe new town [Arzeshyabi-e amalkard-e shahr-e jadid-e Andisheh]. *Town and Country Planning*, 4(2), 75-96. <https://doi.org/10.22059/jtcp.2013.30346> (In Persian)
- Kiani, G., Afzali, K., & Ziari, K. (2021). A model for evaluating the feasibility of strategic planning in urban planning in Iran [Model-e arzyabi-e tahaghoghpaizari-e barnamerizi-e rahbordi dar shahrsazi-e Iran]. *Geography and Environmental Studies*, 10 (39), 41-54. <https://doi.net/dor/20.1001.1.20087845.1400.10.39.3.9> (In Persian)
- Lahmian, R. (2017). Assessment of the social impacts of urban deteriorated fabric rehabilitation: A case study of Imamzadeh Yahya neighborhood of Sari city [Arzyabi-e asarat-e ejtemaei-e baft-e farsud-e mahalat-e shahri nemune moredi: mahale-ye ememzade Yahya-e shahr-e Sari]. *Geography*, 15(52), 395-410. <https://sid.ir/paper/150328/fa> (In Persian)
- Laurian, L., Crawford, J., Day, M., Kouwenhoven, P., Mason, G., Ericksen, N., & Beattie, L. (2010). Evaluating the outcomes of plans: Theory, practice, and methodology. *Environment and planning B: Planning and Design*, 37(4), 740-757. <https://doi.org/10.1068/b35051>
- Lichfield, N. (1970). Evaluation methodology of urban and regional plans: A review. *Regional Studies*, 4(2), 151-165. <https://doi.org/10.1080/09595237000185201>
- Lichfield, N. (1996). *Community impact evaluation: Principles and practice*. Routledge.
- Lichfield, N., Kettle, P., & Whitbread, M. (1975). *Evaluation in the Planning Process: The Urban and Regional Planning Series* (Vol. 10). Elsevier.
- Makhdoom, M. (1991). Assessment of the ecological capacity of the Gilan and Mazandaran regions for urban, industrial, rural devel-

- opment and tourism [Arzyabi-e tavan-e ekolozhiki-e mantaghe-ye Gilan va Mazandaran baraye tose'e-ye shahri, sanati va rustaei va turism]. *Environmental Studies*, 16(16), 81-100. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.10258620.1370.16.16.8.1> (In Persian)
- Meshkini, A., Eliaszadeh, N., & Zabetian, E. (2012). Assessment of site selection for Mehr housing projects via physical and environmental approach by AHP model (Case study of Yazd province) [Arzyabi-e makanyabi-e porozheha-ye maskan-e Mehr ba ruykard-e kalbadi-zistmohiti, estefade az model-e selsele marateb-e AHP (nemune moredi ostan-e Yazd)]. *Motaleate Shahri*, 1(2), 57-70. https://urb-studies.uok.ac.ir/article_1840.html (In Persian)
- Mirabadi, M. (2022). Evaluation and analysis of land-use planning in urban development projects from the perspective of space justice (Case study: Detailed plan of Mahabad city) [Arzyabi va tahlil-e barnamerizi-e karbari zamin dar tarhha-ye tose'e-ye shahri az manzar-e edalat-e fazei (nemune moredi: tarh-e tafsili-e shahr-e Mahabad)]. *Geography and Regional Planning*, 12(2), 89-112. <https://doi.org/10.22034/jgeoq.2022.142768> (In Persian)
- Mirzaie Arjanki, F., & Sabani Shahreza, A. (2020). Evaluation of the urban deteriorated fabric regeneration plan with a participatory approach in Hemmatabad neighborhood, Isfahan [Arzyabi-e tarh-e bazafarini-e baft-e farsude-ye shahri ba ruykard-e mosharekat-e mardomi dar mahale-ye Hemmatabad-e Isfahan]. *Geography and Environmental Studies*, 9(34), 119-134. <https://sanad.iau.ir/Journal/ges/Article/978910> (In Persian)
- Mohammadnezhad, A., Lashgari, A., & Soleimani, M. (2013). Assessment of land use implementation in city development plans (case study: detail plan of district 22, Tehran) [Arzyabi-e tahaghozpaziri-e karbari zamin dar tarhha-ye tose'e shahri (mored: tarh-e tafsili-e mantaghe 22 Tehran)]. *Researches in Earth Sciences*, 3(12), 95-111. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20088299.1391.3.4.7.6> (In Persian)
- Mohammadzadeh Titkanloo, H. (1999). Transformation in urban planning theories and its impact on evaluation methods [Degarguni dar nazariha-ye barnamerizi-e shahri va tasir-e an bar ruye raveshha-ye arzyabi]. *Economic and Planning Research*, 4(9), 47-68. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22519092.1378.4.9.3.8> (In Persian)
- Moradi, A., & Ramezani, B. (2019). Environmental impact assessment of tourism development plans in the Anzali free zone [Arzyabi-e asarat-e zistmohiti-e tarhha-ye tose'e-ye gardeshgari dar mantaghe azad-e Anzali]. *Geography and Environmental Studies*, 8(32), 55-66. <https://sanad.iau.ir/Journal/ges/Article/978857> (In Persian)
- Mousa Kazemi, M. (2007). Evaluation of urban development sustainability; Concepts, methods, and indicators [Arzyabi-e paydari-e tose'e-ye shahri; mafahim, raveshha va shakhesha]. *Peyke noor*, 5(2), 9-24. <https://sid.ir/paper/128460/fa> (In Persian)
- Mousavi, A., & Rafieian, M. (2004). Assessment of the degree of feasibility of comprehensive and detailed urban plans in the cities of East Azerbaijan Province [Arzyabi-e mizan-e tahaghozpaziri-e tarhha-ye jame va tafsili-e shahrha-ye ostan-e Azarbaijan-e sharghi]. *Social and human sciences*, 10(3), 177-201. <https://sid.ir/paper/128460/fa> (In Persian)
- Nassermostofi, A., & Ghalambordezfooly, R. (2021a). Assessing the causes and consequences of failure in the integrated management of the capital green belt with emphasis on the principles of the comprehensive plan of Tehran [Arzyabi-e elal va payamadha-ye narsaei dar modiriati-e yekparche-ye harim-e paytakht ba takid bar elzamat-e tarh-e jeme-e shahr-e Tehran]. *Geography and Regional Planning*, 11(4), 319-340. <https://doi.org/10.22034/jgeoq.2021.136725> (In Persian)
- Nassermostofi, A., & Ghalambordezfooly, R. (2021b). Assessment of the degree of implementation of urban development plans in Tehran metropolis (Case: Comprehensive plan) [Arzyabi-e mizan-e tahaghozh-e tarhha-ye tose'e-ye shahri-e kalanshahr-e Tehran (mored: tarh-e jeme)]. *Geographical Engineering of Territory*, 5(2), 263-281. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25381490.1400.5.10.3.1> (In Persian)
- Nateghi, Z., Varesi, H., & Rezaian, Sh. (2013). The assessment of the applicability of guiding plan in Dehaghan city [Arzyabi-e mizan-e tahaghozpaziri-e tarh-e hadi-e shahr-e Dehaghan]. *Town and Country Planning*, 4(7), 97-112. <https://doi.org/10.22059/jtcp.2013.30347> (In Persian)
- Neuman, M. (1998). Does planning need the plan?. *Journal of the American planning Association*, 64(2), 208-220. <https://doi.org/10.1080/01944369808975976>
- Nooraie, H., & Khalilparvar, M. (2021). Assessment of urban development plan of Imamzadeh-Zeinab shrine in Isfahan before implementation in order to prevent and solve possible problems [Arzyabi-e tarh-e tose'e-ye faza-ye shahri pish az ejra be Manzur-e pishgiri va hal-e moshkelat-e ehtemali (motale'e moredi: haram-e Emamzadeh Zeinab Esfahan)]. *Geographical Urban Planning Research*, 8(4), 761-787. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2020.297823.1233> (In Persian)
- Nooraie, H., & Kohan, F. (2019). Evaluation of Maskan-e Mehr program with regard to qualitative and quantitative housing factors (Case study: Shahreza Maskan-e Mehr) [Arzyabi-e tarh-e maskan-e Mehr be lafaz-e meyarha-ye kami va keifi-e maskan-e monaseb (motale'e moredi: maskan-e Mehr-e Shahreza)]. *Research and Urban Planning*, 9(35), 123-138. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1397.9.35.1.0.3> (In Persian)
- Noorian, F., & Vahidi Borji, G. (2015). Evaluation of land use planning in urban development based on needs assessment and site selection indicators (Case study: Bojnord city) [Arzyabi-e barnamerizi-e karbari zamin dar tarhha-ye tose'e-ye shahri bar mabna-ye shakhesha-ye niazsanji va emkansanji (nemune mored-e motale'e: shahr-e Bojnord)]. *Town and Country Planning*, 7(1), 49-61. <https://doi.org/10.22059/jtcp.2015.54781> (In Persian)
- Nourian, F., Khakpour, A., & Hosseini Ghiasvand, A. (2019). Evaluation of detailed plan proposed areas for urban green spaces by applying analytical network process (ANP) In Geographic Information System (GIS) (case study: Javadiyeh Area in Tehran 16 region) [Arzyabi-e mahdudeha-ye pishnahadi-e tarh-e tafsili baraye karbari-e faza-ye sabz-e shahri ba estefade az tahlil-e shabakei (ANP) dar (GIS) (motale'e moredi: nahie-ye Javadiyeh mantaghe 16 Tehran)]. *Research and Urban Planning*, 9(35), 97-110. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1397.9.35.8.1> (In Persian)
- Oliveira, V., & Pinho, P. (2010). Evaluation in urban planning: Advances and prospects. *Journal of planning literature*, 24(4), 343-361. <https://doi.org/10.1177/0885412210364589>
- Oliveira, V., & Pinho, P. (2011). Bridging the gap between planning evaluation and program evaluation: The contribution of the PPR methodology. *Evaluation* 17(3): 293-307. <https://doi.org/10.1177/1356389011411686>
- Pourhossein Roshan, H., Pourjafar, M., & Aliakbari, S. (2021). The challenges of implementing urban plans in Iran [Tabien-e chalesha-ye tahaghozpaziri-e tarhha-ye shahri dar Iran]. *Soffeh*, 32(2), 111-128.

- <https://doi.org/10.52547/sofeh.31.2.111> (In Persian)
- Rafie, R., & Barakpur, N. (2015). Conformance-based and performance-based approaches of implementation evaluation in land-use planning. Case study: Conformance-based evaluation in city of Lavasan [Ruykardha-ye entebagh mehvar va karkerd mehvar-e arzyabi-e ejra dar barnamerizi-e karbari zamin, moredpazhuhi: arzyabi-e entebagh mehvar dar shahr-e Lavasan]. *Journal of Arts: Architecture and Urban Planning*, 19(4), 65-76. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2015.55696> (In Persian)
- Rafieian, M., Barakpur, N., & Roknipur, M. (2008). Metropolitan region strategies development assessment by using of sustainable development approach (SEA model), case study: Conurbation plan of Tehran [Arzyabi-e estratigiha-ye tosee-ye manategh-ye kalanshahri az didgah-e tosee-ye paydar (bar mabna-ye model-e SEA) nemune moredi: tarh-e majmue shahri-e Tehran]. *Modiriyat Shahri*, 19(9), 7-18. <https://www.magiran.com/p752013> (In Persian)
- Rahmani, M., Aminzadeh Goharrizi, B., Rastegar, S., & Aminzadeh Goharrizi, B. (2021). Comparative analysis of the proposed development model in Tehran strategic-structural master plan (2007) using transit oriented development (TOD) model [Arzyabi-e tatbighi-e mabani-e olgu-ye tosee-ye pishnahadi-e tarh-e saktari rahbord-e (jame) shahr-e Tehran 1386 ba olgu-ye tosee-ye hamlo naghle omumi mehvar (TOD)]. *Geography and Urban Space Development*, 7(2), 187-207. <https://doi.org/10.22067/jgusd.2021.44987.0> (In Persian)
- Ramezani Kiasajmahaleh, R., Amiri, M., & Zebardast, L. (2019). Social impact assessment of development projects on the local communities (Case study: Chamkhaleh port construction project) [Arzyabi-e asarat-e ejtemaei-ye tarhha-ye tosee bar javame-e mahali motalee moredi: tarh-e ehda-e bandar-e CHamkhaleh]. *Geography and Development*, 17(56), 215-232. <https://doi.org/10.22111/gdij.2019.4888> (In Persian)
- Rezaei, M., Naderi, F., & Hosseinzadeh, M. (2023). Assessment of the country's development plans in the field of environment and providing strategies for the seventh plan [Arzyabi-e barnameha-ye tosee-ye keshvar dar hoze-ye mohitist va erae-ye rahbordhaie baraye barname-ye haftom]. *Majlis & Rahbord*, 30(115), 335-374. <https://doi.org/10.22034/mr.2023.5562.5366> (In Persian)
- Rezaei, M., & Kamaeizadeh, Y. (2015). Evaluation of spatial- locative appropriateness of Yazd's Mehr housing plan [Arzyabi-e tanasob-e makani-fazaae-e tarh-e maskan-e Mehr-e shahr-e Yazd]. *Geographical Research*, 30(3), 275-296. <http://georesearch.ir/article-1-148-fa.html> (In Persian)
- Rudolf, S. C., & Grădinaru, S. R. (2017). The quality and implementation of local plans: An integrated evaluation. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 46(5), 880-896. <https://doi.org/10.1177/2399808317737070>
- Saberifar, R., & Falahat, M. (2015). Evaluating the success of urban development projects in achieving sustainable development criteria [Arzyabi-e mizan-e movafaghiat-e tarhha-ye tosee-ye shahri dar dastyabi be meyarha-ye tosee-ye paydar (motalee moredi tarhha-ye hoze-ye miani gharbi-e mashhad va tahaghogh-e shahr-e feshorde)]. *Urban Regional Studies and Research*, 6(23), 115-132. https://urs.ui.ac.ir/article_20111.html (In Persian)
- Sadegh Saberi, M., Zahedi Yeganeh, A., Hajian zeidi, M., & Ghadrejani, R. (2018). Evaluation of quality of life indicators in the Mehr housing project with a sustainability approach (Case study: Beheshti neighborhood, Hamedan) [Arzyabi-e shakhesha-ye kefiat-e zendegi dar tarh-e maskan-e Mehr ba ruykard-e paydari (nemune moredi: mahale-ye Beheshti-e Hamedan)]. *Geography and Environmental Studies*, 7(27), 7-24. <https://www.ensani.ir/fa/article/454922> (In Persian)
- Sadeghiha, M., & Hosseini, O. (2024). Assessment of detailed plan region 10 of Tehran using the health impact assessment method [Sanjesh-e tarh-e tafsili-e mantaghe 10 Tehran ba estefade az raveshe-e arzyabi-e asarat-e salamat]. *Research and Urban Planning*, 14(55), 253-268. <https://doi.org/10.30495/jupm.2022.27795.3858> (In Persian)
- Sajjadi, J., Beyranvandzadeh, M., Radmanesh, M., & Vaisi, R. (2014). Assessment of the fulfillment of municipal land use development projects with an emphasis on greenery land use (Case Study: City of Dorud) [Arzyabi-e mizan-e tahaghogh-e karbari zamin dar tarhha-ye tosee-ye shahri ba takid bar karbari-e faza-ye sabz (motalee moredi: shahr-e Dorud)]. *Urban Landscape Research*, 1(1), 45-56. <https://www.magiran.com/p1301923> (In Persian)
- Shafie Dastjerdi, M., & Sadeghi, N. (2017). Accomplishment the renovating projects of worn-out areas, method of the (BSC) and (AHP) procedures (Case study: Zeynabieh dist., Isfahan, Iran) [Baresi-e tahaghoghpaizi-e tarhha-ye bazafarini-e baft-e farsude-ye shahri be raveshe-e talfighi-e tahlil-e shabakei-e kart-e emtiaz-e motavazen, nemune moredi: baft-e farsude-ye Zeinabieh Esfahan]. *Bagh-e Nazar*, 14(46), 5-14. https://www.bagh-sj.com/article_44350.html (In Persian)
- Shahinfar, M. (2022). Evaluation, rehabilitation and renovation project in improving the quality of urban life (Case study: Central worn texture urban areas in Kermanshah city) [Arzyabi-e tasir-e tarhha-ye behsazi van nosazi dar ertegha-e kefiat-e zendegi-e shahri (motalee moredi: baft-e farsude-ye markazi-e shahr-e Kermanshah)]. *Geographical Engineering of Territory*, 6 (11), 113-127. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25381490.1401.6.2.1.0> (In Persian)
- Shamai, A., Abdollahi, M., & Hajinejad, S. (2014). Assessment the implementation of spatial-physical components of the comprehensive plan of the Bijar city [Arzyabi-e tahaghoghpaizi-e moalefeha-ye tosee fazaei- kalbadi-e tarh-e jeme-e shahr-e Bijar]. *Geographical Urban Planning Research*, 2(2), 253-276. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2014.51971> (In Persian)
- Sharifi Najafabadi, R. (2023). Evaluation of the plan to organize the southern city-floodway of Najafabad based on the relationships between natural and human components of local identity and sense of place [Arzyabi-e tarh-e samandehi-e masil-e jonubi-e shahr-e Najafabad bar paye-ye ravabet-e beyn-e moalefeha-ye tabiei va ensani-e haviat-e mahali va hes-e makani]. *Natural Environmental Hazards*, 12(35), 37-58. <https://doi.org/10.22111/jneh.2022.40008.1846> (In Persian)
- Sharifzadegan, M., Nedae Tousi, S., Inanloo, L., & Nikbin, A. (2016). Assessing the spatial development plan's outcome on regions' sustainability status using ecological footprint method, case study: Qazvin urban region plan [Arzabi-e payamad-e tarhha-ye tosee-ye fazaei bar vaziat-e paydari-e manategh ba estefade az raveshe-e rade-pa-ye ekolozhik, moredpazhuhi tarh-e majmue shahri-e Ghazvin]. *Environmental Studies*, 42(2), 259-280. <https://doi.org/10.22059/jes.2016.58733> (In Persian)
- Sheibani Moghadam, F., Sarvar, R., & Asadian, F. (2019). Evaluation of the success of organizing and empowerment plans for informal settlements in Zahedan [Arzyabi-e mizan-e movafaghiat-e sazmandehi va tavanmandsazi-e sokunatgahha-ye gheirerasmi-e Zahedan].

- Human Geography*, 11(2) 203-216. <https://sid.ir/paper/517297/fa> (In Persian)
- Söderbaum, P. (1998). Economics and ecological sustainability: an actor-network approach to evaluation. In Lichfield, N. (Ed.), *Evaluation in planning: Facing the challenge of complexity* (pp. 51-71). Springer Netherlands.
- Soleimani Mehranjani, M., Zanganeh, A., Parizadi, T., & Biglar, A. (2021). Evaluation of the role of urban remediation and renovation projects in improving the quality of the urban environment (Case study: Beryank neighborhood) [Arzyabi naghsh-e tarhha-ye behsazi va nosazi-e baftha-ye farude-ye shahri ba takid bar behbud-e keifiat-e mohit-e shahri (mored-e motale'e: mahale-ye Beryanak)]. *Geography and Human Relationships*, 4(1), 220-239. <https://doi.org/10.22034/gahr.2021.286147.1554> (In Persian)
- Tabibian, M., & Asoodeh, A. (2015). Application of Plan - Process - Results (PPR) method in urban plans evaluation [Karbord-e ravesh-e tarh-frayand- natayej (PPR) dar arzyabi-e tarhha-ye shahri]. *Environmental Studies*, 40(4), 1035-1050. <https://doi.org/10.22059/jes.2014.53018> (In Persian)
- Tabibian, M., & Mozafari, N. (2018). Assessment of vulnerability of residential areas to earthquake disasters and its planning guidelines (Case study: District number 6, Tehran municipality) [Arzyabi-e asibpaziri-e baftha-ye maskuni dar Barabar-e zelzele va rahkarha-ye kahesh-e asibpaziri, motale'e moredi, mantaghe 6 shahrdarie Tehran]. *Motaleate Shahri*, 7(27), 93-112. <https://doi.org/10.34785/J011.2018.011> (In Persian)
- Taghvaei, M., & Musavi, M. (2007). Evaluation of the feasibility of the comprehensive urban development plan of Mehriz city [Arzyabi-e mizan-e tahaghighpaziri-e tarh-e hadi-e shahr-e Mehriz]. *Geographical Research*, 23(3), 63-80. <https://sid.ir/paper/30038/fa> (In Persian)
- Talen, E. (1996). Do plans get implemented? A review of evaluation in planning. *Journal of planning literature*, 10(3), 248-259. <https://doi.org/10.1177/088541229601000302>
- Taghipour Akhtari, A., & Alipour Tabrizi, A. (2023). An assessment of Tehran physical-spatial development laws; Using PLAF model [Arzyabi-e ghananin-e barnamerizi tosee-ye kalbadi-fazae-I-e shahr-e Tehran ba model-e (PLAF)]. *Bagh-e Nazar*, 20(118), 37-50. <https://doi.org/10.22034/bagh.2022.315845.5047> (In Persian)
- Tavakolan, A., & Nejadbaba Shahrari, A. (2020). Evaluation of factors affecting improvement of tourism industry with emphasis on sustainable income development in Ramsar case study (two designs of Ramsar hot springs and traps) [Arzyabi-e avamel-e moaser bar behbud-e sanat-e gardeshgari ba takid bar tosee-ye daramad paydar dar shahr-e Ramsar mored-e motale'e do tarh-e cheshme abgarm va telekabin-e Ramsar]. *Geographical of Tourism Space*, 9(33), 119-133. <https://dori.net/dor/20.1001.1.22518827.1398.9.33.8.1> (In Persian)
- Tavakoli, B., & Karim Sabetrafar, K. (2003). Evaluation impact assessment (EIA) of the Anzali bypass road development [Arzyabi-e asar-e tosee-ye (EIA) jadeh-ye کنار gozar-e Anzali]. *Environmental studies*, 29(32), 21-26. <https://dori.net/dor/20.1001.1.10258620.1382.29.32.3.5> (In Persian)
- Tavakoli Naghmeh, M., Garoosi, A., Nemati, A., & Khazaifar, M. (2019). Measuring and evaluating the extent of local participation in urban renewal and reconstruction projects (Case study of the second district of Qom) [sanjesh va arzyabi-e mizan-e mosharekat-e mahali dar ejra-ye tarhha-ye behsazi va nosazi-e shahri (nemune moredi mantaghe do shahr-e Ghom)]. *Geographical journal of Territory*, 16(63), 40-50. <https://sanad.iau.ir/Journal/sarzamin/Article/823082> (In Persian)
- Varesi, H., Ghanbari, M., & Poorghayoomi, H. (2013). Evaluation of performance of master plan of Binalood new town (population, housing, employment) [Arzyabi-e mizan-e tahaghighpaziri-e tarh-e jeme-e shahr-e binalood (jamiat- eshteghal- maskan)]. *Geography and Environmental Planning*, 23(4), 139-150. <https://dori.net/dor/20.1001.1.20085362.1391.23.4.9.3> (In Persian)
- Wildavsky, A. (1973). If planning is everything, maybe it's nothing. *Policy sciences*, 4(2), 127-153. <https://doi.org/10.1007/BF01405729>
- Xiao, Y., & Watson, M. (2019). Guidance on conducting a systematic literature review. *Journal of planning education and research*, 39(1), 93-112. <https://doi.org/10.1177/0739456X17723971>
- Zali, N., Rahmati, Y., & Chareh, N. (2016). Evaluate and critique of the reorganization plan and empowerment of informal settlements Shiraz Case Study Mahdiabad neighborhood (Katas-Bes) [Arzyabi va naghdi bar tarh-e samandehi va tavanmandsazi-e sokunatgahha-ye gheirerasmi-e Shiraz motale'e moredi: mahale-ye Mahdiabad (Katas-Bes)]. *Research and Urban Planning*, 6(23), 115-132. <https://dori.net/dor/20.1001.1.22285229.1394.6.23.7.5> (In Persian)
- Zangi Abadi, A., Abdollahi, M., Salak Ghahfrokhi, R., & Ghasemzadeh, B. (2014). Evaluation of the factors affecting the non-realization of comprehensive urban plans in Iran and the related challenges (Case study: Historical-cultural corridor of district 6, Tehran city) [Arzyabi-e avamel-e asargozar bar adam-e tahaghigh paziri-e tarhha-ye jame-ye shahri dar Iran va chalesha-ye marbut be an (motale'e moredi: mehvar-e tarikhi-farhangi-e mantaghe 6, shahr-e Tehran)]. *Research and Urban Planning*, 5(18), 41-58. <https://dori.net/dor/20.1001.1.22285229.1393.5.18.3.4> (In Persian)
- Zhong, T., Mitchell, B., & Huang, X. (2014). Success or failure: evaluating the implementation of China's national general land use plan (1997-2010). *Habitat International*, 44, 93-101. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2014.05.003>
- آذرگون، نادر؛ منصوری، سید امیر و براتی، ناصر. (۱۳۹۷). ارائه شاخص‌های سنجش و ارزیابی توسعه پایدار شهری در طرح‌های توسعه راهبردی شهری (CDS) با استفاده از مدل کارت امتیاز متعادل. معماری و شهرسازی آلمان شهر، ۱۱ (۲۳)، ۲۸۱-۲۶۵. https://www.armanshahrjournal.com/article_69728.html
- ابراهیم‌نیا، وحیده و عبدی دانشپور، زهره. (۱۳۹۷). پیشنهاد یک چهارچوب ارزشیابی سیاست عمومی: به کارگیری در تحلیل سیاست سازمان‌دهی تمرکز جمعیت در تهران. نامه معماری و شهرسازی، ۱۱ (۲۳)، ۹۵-۱۱۰. <https://doi.org/10.30480/aup.2019.716>
- اصغری، صیاد؛ تقی‌لو، علی اکبر و اصغری سراسکانرود، صالح. (۱۳۹۷). تحلیل و ارزیابی آثار بالقوه زیست‌محیطی اجرای طرح گردشگری در بخش صفائیه شهرستان خوی. گردشگری و توسعه، ۱۷ (۱)، ۱۱۸-۱۳۴. https://www.itsairanj.ir/article_cle_63615.html
- افشارنیا، اعظم؛ زبردست، اسفندیار و طلاچی، مرتضی. (۱۳۹۸). بررسی و ارزیابی طرح‌های توسعه شهری بر اساس رویکرد عدالت فضایی (نمونه موردی: طرح ساماندهی فرحزاد). برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۴ (۹)، ۵۹-۹۲. <https://doi.org/10.22054/urdp.2021.54937.1245>
- امامی، سید محمد و زبردست، اسفندیار. (۱۳۹۳). ارزیابی طرح‌های توسعه شهری بر اساس اصل هم‌پیوندی و اتصال با استفاده از روش AHP، مطالعه موردی: طرح احیای میدان امام علی (ع) اصفهان. مطالعات شهری، ۳ (۱۱)، ۲۱-۳۸. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_9564.html

امینزاده، بهناز و رودکی، سمیه. (۱۳۹۶). ارائه روشی تلفیقی برای ارزیابی طرح‌های تفصیلی شهری (مطالعه موردی: طرح تفصیلی منطقه ۶ شهرداری شیراز). هویت شهر، ۱۱(۲۹)، ۴۲-۲۹. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17359562.1396.1>

1.1.3.5
اناری، فرزاد؛ اقبالی، ناصر و مؤیدفر، رضا. (۱۳۹۸). ارزیابی تأثیر ساختار شبکه ارتباطی حوزه شرقی طرح راهبردی شهر تهران بر تاب‌آوری شهری. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۲(۱)، ۵۹-۶۷. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.66972.۱۳۹۸.۱.1319.12.1319>

انصاری، ثمنه و عندلیب، علیرضا. (۱۳۹۵). الگوی نوین برای ارزیابی میزان مشارکتی بودن طرح‌ها، نمونه: محله خوب بخت. نقش جهان، ۱۶(۱)، ۵-۱۷. <http://doi.net/dor/20.1001.1.23224991.1395.6.1.5.3>

برک‌پور، ناصر و انصاری، محمدرضا. (۱۴۰۱). ارزیابی برنامه‌های توسعه شهری و منطقه‌ای از منظر پایداری اجتماعی. فضای شهری و حیات اجتماعی، ۱(۳)، ۱-۱۶. <https://doi.org/10.22034/jprd.2023.55228.1029>

بزرگمهر، نسیم؛ حبیبی، میترا و برک‌پور، ناصر. (۱۳۹۰). ارزیابی طرح پیشنهادی توسعه شهر کرج مبتنی بر رویکرد رشد هوشمند. نامه معماری و شهرسازی، ۱۱(۱)، ۱۳۱-۱۵۴. <https://www.doi.org/10.30480/aup.2013.115>

پورحسین روشن، حمید؛ پورجعفر، محمدرضا و علی‌اکبری، صدیقه. (۱۳۹۹). تبیین چالش‌های تحقق‌پذیری طرح‌های شهری در ایران. صفا، ۳۱(۲)، ۱۱۱-۱۲۸. <https://doi.org/10.52547/sofeh.31.2.111>

تقوایی، مسعود و موسوی، میرنجم. (۱۳۸۶). ارزیابی میزان تحقق‌پذیری طرح‌های شهر مهریز. تحقیقات جغرافیایی، ۲۳(۳)، ۶۳-۸۰. <https://sid.ir/paper/30038/fa>

تقی‌پور اختری، آرش و علی‌پور تبریزی، آذین. (۱۴۰۲). ارزیابی قوانین برنامه‌ریزی توسعه کالبدی-فضایی شهر تهران با مدل (PLAF). باغ نظر، ۲۰(۱۱۸)، ۳۷-۵۰. <https://doi.org/10.22034/bagh.2022.315845.5047>

توک‌کلان، علی و نژادبابا شاهراجی، علیرضا. (۱۳۹۸). ارزیابی عوامل مؤثر بر بهبود صنعت گردشگری با تأکید بر توسعه درآمد پایدار در شهر رامسر مورد مطالعه دو طرح چشمه آبگرم و تله کابین رامسر. جغرافیایی فضای گردشگری، ۹(۳)، ۱۱۹-۱۳۳. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22518827.1398.9.33.8.1>

توکل‌نغمه، مصطفی؛ نعمتی، امیرحسین و گروسی، علیرضا. (۱۳۹۸). سنجش و ارزیابی میزان مشارکت محلی در اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی شهری (نمونه موردی منطقه دو شهر قم). جغرافیایی سرزمین، ۱۶(۶۳)، ۴۰-۵۰. <https://sanad.iau.ir/Journal/sarzamin/Article/823082>

توکل، بابک و ثابت رفتار، کریم. (۱۳۸۲). ارزیابی آثار توسعه (ELA) جاده کنارگذر انزلی. محیط‌شناسی، ۲۹(۳)، ۲۱-۲۶. <https://dorisc.ac/dor/20.1001.1.1025.۲۶-۲۱.۳۲.۲۹.8620.1382.29.32.3.5>

جاوید، علیرضا و بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۷). ارزیابی ارزش منطقی برنامه‌های جامع توسعه شهری تهران. اقتصاد و مدیریت شهری، ۶(۳)، ۱-۱۳. <https://www.doi.org/10.29252/ieeam.6.23.1>

جعفری، علی و حبیب‌پور، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). ارزیابی اثرات توسعه شهرهای جدید بر محیط زیست (مطالعه موردی: شهر جدید پردیس تهران). مدیریت شهری، ۶(۲۱)، ۴۵-۵۸. <https://sid.ir/paper/91960/fa>

جوزی، سید علی و حسینی، سیده زینب. (۱۳۹۴). ارزیابی توان اکولوژیکی یاسوج به‌منظور استقرار کاربری توسعه شهری. محیط‌شناسی، ۴۱(۳)، ۵۸۹-۶۱۲. <https://doi.org/10.22059/jes.2015.55899>

حاتمی‌نژاد، حسین و عمو، ابراهیم. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی و ارزیابی طرح‌های آمایش سرزمین در کشور ایران. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۹(۳۴)، ۲۷-۳۸. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516735.1398.9.34.3.8>

حبیبی، کیومرث؛ بهزادفر، مصطفی؛ مشکینی، ابوالفضل؛ علیزاده، هوشمند و محکی، وحید. (۱۳۹۰). ارزیابی اثرات طرح‌های توسعه شهری بر ساختار شکنی و ارتقای کیفی فضای شهر کهن ایرانی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱(۴)، ۱۵-۲۸. <https://sid.ir/paper/177399/fa>

حجازی، سید جعفر. (۱۳۹۹). ارزیابی مشارکت مردم در اجرای طرح بازآفرینی شهری (نمونه موردی: بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز). مهندسی جغرافیایی سرزمین، ۱۱(۱)، ۱۳۲-۱۱۷. <https://dorisc.ac/dor/20.1001.1.25381490.1399.4.7.9.4>

حجتی، حمید؛ پورمحمدی، محمدرضا و قربانی، رسول. (۱۳۹۷). نقدی بر فرایند برنامه‌ریزی جامع شهر رشت بارویکردی تطبیقی (طرح‌های جامع سه گانه شهر). دانش شهرسازی، ۱۲(۱)، ۲۲-۱. <https://doi.org/10.22124/upk.2018.8792.1010>

حسن‌پور، محمد و بخشنده نصرت، عباس. (۱۳۹۶). ارزیابی فرایند تهیه طرح‌های ساختاری راهبردی منطقه ۱۱ شهر تهران با تأکید بر محدوده میدان راه‌آهن و چهارراه ولیعصر. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۹(۴)، ۷۵-۸۷. <https://doi.net/dor/20.1001.1.66972251.1396.9.4.5.2>

حسینی دهقان، محمد و بصیرت، میثم. (۱۳۹۶). ارزیابی کیفیت طرح‌های جامع شهری با رویکرد تلفیقی ISM و ANP (مورد مطالعه: طرح بازنگری در طرح جامع پولادشهر (مصوب ۱۳۹۰)). آمایش سرزمین، ۲۴(۲)، ۲۴۵-۲۷۴. <https://doi.org/10.22059/jtcp.2017.231042.669704>

خاکپور، براتعلی؛ سادات موسوی، سید سعید؛ عبدالله پور، سید سجاد و قاضی، رضا. (۱۳۹۸). ارزیابی ابعاد برنامه‌ریزی زیرساخت‌ها در طرح‌های جامع شهرهای کوچک (مطالعه موردی: طرح جامع ماکو، ساوه و خرمشهر). معماری و شهرسازی پایدار، ۱۷(۱)، ۶۷-۴۹. <https://doi.org/10.22061/jsaud.2019.4006.1228>

خزاعی‌نژاد، فروغ و سیف‌الدینی، فرانک. (۱۳۹۱). ارزشیابی عملکرد شهر جدید اندیشه. آمایش سرزمین، ۲۴(۲)، ۷۵-۹۶. <https://doi.org/10.22059/jtcp.2013.30346>

خلیلی، احمد؛ نورالهی، حانیه؛ رشیدی، نعیمه و رحمانی، مریم. (۱۳۹۳). ارزیابی سیاست‌های مسکن مهر در ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن. مطالعات شهری، ۴(۱۳)، ۸۳-۹۲. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_11809.html

خلیلی، مرتضی؛ مرادی، غلامرضا و رحیمی، علیرضا. (۱۳۹۱). ارزیابی وضع موجود و طرح پیشنهادی بافت تاریخی یزد از نظر دسترسی به خدمات اورژانس با استفاده از تحلیل شبکه. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۱۳(۴)، ۶۳-۸۰. https://urs.ui.ac.ir/article_20015.html

داداش‌پور، هاشم و حاجی‌وند، نگین. (۱۳۹۴). ارزیابی میزان تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه و عمران ناحیه‌ای در ایران (مورد مطالعه: طرح توسعه و عمران ناحیه‌ای ساوه). آمایش محیط، ۱۱(۴۱)، ۷۱-۹۲. <https://sanad.iau.ir/Journal/ebtp/Article/986897>

دانشور، مریم. (۱۴۰۲). سنجش تحقق کاربری اراضی طرح‌های توسعه و عمران (جامع) شهر مشهد با استفاده از روش ارزیابی انطباق محور مبتنی بر مکان. جغرافیا و توسعه، ۲۱(۷۲)، ۲۳۹-۲۷۱. <https://doi.org/10.22111/gdij.2023.40231.3342>

رحمانی، مهرداد؛ امین‌زاده گوه‌ریزی، بهرام؛ رستگار، سعید و امین‌زاده گوه‌ریزی، بابک. (۱۳۹۹). ارزیابی تطبیقی مبانی الگوی توسعه پیشنهادی طرح ساختاری راهبردی (جامع) شهر تهران ۱۳۸۶ با الگوی توسعه حمل‌ونقل عمومی محور (TOD). جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۷(۲)، ۱۸۷-۲۰۷. <https://doi.org/10.22067/jgusd.2021.44987.0>

رضایی، محمدرضا و کمائی‌زاده، یعقوب. (۱۳۹۴). ارزیابی تناسب مکانی-فضایی طرح مسکن مهر شهر یزد. تحقیقات جغرافیایی، ۳۰(۳)، ۲۷۵-۲۹۶. <http://georesearch.ir/article-1-148-fa.html>

رضائی، مسعود؛ نادری، فخرالدین و حسین‌زاده، مجید. (۱۴۰۲). ارزیابی برنامه‌های توسعه کشور در حوزه محیط‌زیست و ارائه راهبردهایی برای برنامه هفتم. مجلس راهبردی، ۳۰(۱۱۵)، ۳۳۵-۳۷۴. <https://doi.org/10.22034/mr.2023.5562.5366>

رفیعی، راضیه و برک‌پور، ناصر. (۱۳۹۳). رویکردهای انطباق محور و کارکردهای محور ارزیابی اجرا در برنامه‌ریزی کاربری زمین، موردپژوهی: ارزیابی انطباق محور در شهر لواسان. هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۱۹(۴)، ۶۵-۷۶. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2015.55696>

رفیعیان، مجتبی؛ برک‌پور، ناصر و رکنی‌پور، مهرداد. (۱۳۸۷). ارزیابی استراتژی‌های توسعه مناطق کلان‌شهری از دیدگاه توسعه پایدار (بر مبنای مدل SEA) نمونه موردی: طرح مجموعه شهری تهران. مدیریت شهری، ۱۹(۹)، ۷-۱۸. <https://>

امینزاده، بهناز و رودکی، سمیه. (۱۳۹۶). ارائه روشی تلفیقی برای ارزیابی طرح‌های تفصیلی شهری (مطالعه موردی: طرح تفصیلی منطقه ۶ شهرداری شیراز). هویت شهر، ۱۱(۲۹)، ۴۲-۲۹. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17359562.1396.1>

1.1.3.5
اناری، فرزاد؛ اقبالی، ناصر و مؤیدفر، رضا. (۱۳۹۸). ارزیابی تأثیر ساختار شبکه ارتباطی حوزه شرقی طرح راهبردی شهر تهران بر تاب‌آوری شهری. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۲(۱)، ۵۹-۶۷. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.66972.۱۳۹۸.۱.1319.12.1319>

انصاری، ثمنه و عندلیب، علیرضا. (۱۳۹۵). الگوی نوین برای ارزیابی میزان مشارکتی بودن طرح‌ها، نمونه: محله خوب بخت. نقش جهان، ۱۶(۱)، ۵-۱۷. <http://doi.net/dor/20.1001.1.23224991.1395.6.1.5.3>

برک‌پور، ناصر و انصاری، محمدرضا. (۱۴۰۱). ارزیابی برنامه‌های توسعه شهری و منطقه‌ای از منظر پایداری اجتماعی. فضای شهری و حیات اجتماعی، ۱(۳)، ۱-۱۶. <https://doi.org/10.22034/jprd.2023.55228.1029>

بزرگمهر، نسیم؛ حبیبی، میترا و برک‌پور، ناصر. (۱۳۹۰). ارزیابی طرح پیشنهادی توسعه شهر کرج مبتنی بر رویکرد رشد هوشمند. نامه معماری و شهرسازی، ۱۱(۱)، ۱۳۱-۱۵۴. <https://www.doi.org/10.30480/aup.2013.115>

پورحسین روشن، حمید؛ پورجعفر، محمدرضا و علی‌اکبری، صدیقه. (۱۳۹۹). تبیین چالش‌های تحقق‌پذیری طرح‌های شهری در ایران. صفا، ۳۱(۲)، ۱۱۱-۱۲۸. <https://doi.org/10.52547/sofeh.31.2.111>

تقوایی، مسعود و موسوی، میرنجم. (۱۳۸۶). ارزیابی میزان تحقق‌پذیری طرح‌های شهر مهریز. تحقیقات جغرافیایی، ۲۳(۳)، ۶۳-۸۰. <https://sid.ir/paper/30038/fa>

تقی‌پور اختری، آرش و علی‌پور تبریزی، آذین. (۱۴۰۲). ارزیابی قوانین برنامه‌ریزی توسعه کالبدی-فضایی شهر تهران با مدل (PLAF). باغ نظر، ۲۰(۱۱۸)، ۳۷-۵۰. <https://doi.org/10.22034/bagh.2022.315845.5047>

توک‌کلان، علی و نژادبابا شاهراجی، علیرضا. (۱۳۹۸). ارزیابی عوامل مؤثر بر بهبود صنعت گردشگری با تأکید بر توسعه درآمد پایدار در شهر رامسر مورد مطالعه دو طرح چشمه آبگرم و تله کابین رامسر. جغرافیایی فضای گردشگری، ۹(۳)، ۱۱۹-۱۳۳. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22518827.1398.9.33.8.1>

توکل‌نغمه، مصطفی؛ نعمتی، امیرحسین و گروسی، علیرضا. (۱۳۹۸). سنجش و ارزیابی میزان مشارکت محلی در اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی شهری (نمونه موردی منطقه دو شهر قم). جغرافیایی سرزمین، ۱۶(۶۳)، ۴۰-۵۰. <https://sanad.iau.ir/Journal/sarzamin/Article/823082>

توکل، بابک و ثابت رفتار، کریم. (۱۳۸۲). ارزیابی آثار توسعه (ELA) جاده کنارگذر انزلی. محیط‌شناسی، ۲۹(۳)، ۲۱-۲۶. <https://dorisc.ac/dor/20.1001.1.1025.۲۶-۲۱.۳۲.۲۹.8620.1382.29.32.3.5>

جاوید، علیرضا و بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۷). ارزیابی ارزش منطقی برنامه‌های جامع توسعه شهری تهران. اقتصاد و مدیریت شهری، ۶(۳)، ۱-۱۳. <https://www.doi.org/10.29252/ieeam.6.23.1>

جعفری، علی و حبیب‌پور، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). ارزیابی اثرات توسعه شهرهای جدید بر محیط زیست (مطالعه موردی: شهر جدید پردیس تهران). مدیریت شهری، ۶(۲۱)، ۴۵-۵۸. <https://sid.ir/paper/91960/fa>

جوزی، سید علی و حسینی، سیده زینب. (۱۳۹۴). ارزیابی توان اکولوژیکی یاسوج به‌منظور استقرار کاربری توسعه شهری. محیط‌شناسی، ۴۱(۳)، ۵۸۹-۶۱۲. <https://doi.org/10.22059/jes.2015.55899>

حاتمی‌نژاد، حسین و عمو، ابراهیم. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی و ارزیابی طرح‌های آمایش سرزمین در کشور ایران. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۹(۳۴)، ۲۷-۳۸. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516735.1398.9.34.3.8>

حبیبی، کیومرث؛ بهزادفر، مصطفی؛ مشکینی، ابوالفضل؛ علیزاده، هوشمند و محکی، وحید. (۱۳۹۰). ارزیابی اثرات طرح‌های توسعه شهری بر ساختار شکنی و ارتقای کیفی فضای شهر کهن ایرانی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱(۴)، ۱۵-۲۸. <https://sid.ir/paper/177399/fa>

راضیه (۱۳۹۷). ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی در طرح مسکن مهر بارویکرد پایداری (نمونه موردی: محله بهشتی همدان). جغرافیا و مطالعات محیطی، ۷(۲۷)، ۲۴-۷. <https://www.ensani.ir/fa/article/454922>

صادقیها، مهدی و حسینی، امید. (۱۴۰۲). سنجش طرح تفصیلی منطقه ده تهران با استفاده از روش ارزیابی اثرات سلامت. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۴(۵۵)، ۲۵۳-۲۶۸. <https://doi.org/10.30495/jupm.2022.27795.3858>

طیبیان، منوچهر و آسوده، علی. (۱۳۹۳). کاربرد روش طرح-فرایند-نتایج (PPR) در ارزیابی طرح‌های شهری. محیط‌شناسی، ۴۰(۴)، ۱۰۳۵-۱۰۵۰. <https://doi.org/10.22059/jes.2014.53018>

طیبیان، منوچهر و مظفری، نگین. (۱۳۹۶). ارزیابی آسیب‌پذیری بافت‌های مسکونی در برابر زلزله و راهکارهای کاهش آسیب‌پذیری، مطالعه موردی، منطقه شش شهرداری تهران. مطالعات شهری، ۷(۲۷)، ۹۳-۱۱۲. <https://doi.org/10.34785/J011.2018.011>

عزیزی، محمدمهدی و آراسته، مجتبی. (۱۳۹۰). ارزیابی تحقق‌پذیری پیش‌بینی‌های کاربری اراضی و پیشنهادهای جهات توسعه در طرح جامع شهر لار. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۱۱(۳)، ۱-۲۲. <https://journals.ui.ac.ir/article-19999.html>

عزیزی، محمدمهدی و بهرا، بهاره. (۱۳۹۹). ارزیابی اثرات پروژه‌های محرک توسعه در محله‌های شهری، نمونه مورد مطالعه: محله گودال مصلی، شهر یزد. مطالعات شهری، ۱۳(۱۰)، ۵۷-۷۰. <https://doi.org/10.34785/J011.2021.172>

عندلیب، علیرضا و اخگر، حامد. (۱۳۹۴). ارزیابی نحوه بهره‌گیری از مفهوم پدافند غیرعامل در طرح‌های توسعه و عمران (جامع) شهری. پژوهش و برنامه‌ریزی، ۶(۲۲)، ۱۱۱-۱۲۴. <https://dori.net/dor/20.1001.1.22285229.1394.6.22>

فاضل، اسد و دریاباری، سید جمال‌الدین. (۱۳۹۷). ارزیابی معیارهای تهیه طرح جامع کلان‌شهر تهران. مدیریت شهری، ۱۷(۵۰)، ۳۷۳-۳۸۵. <http://ijurm.imo.org.ir/article-1-2210-fa.html>

فرجی سبکبار، حسینی، علی؛ عشور نژاد، غدیر؛ سلیمانی، هادی؛ شیرپور، مهدی و احمدتوز، واحد. (۱۳۹۴). تحلیل و ارزیابی توسعه سکونت‌گاهی در نواحی شهری استان آذربایجان شرقی با ترکیبی نوین از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره. آمایش جغرافیایی فضا، ۵(۱۷)، ۲۷-۵۳. https://gps.gu.ac.ir/article_11872.html

فروودی، رحمت‌الله و عبداللهی، مجید. (۱۳۸۴). ارزیابی فرایند برنامه‌ریزی و اثرات منطقه‌ای طرح‌های عمرانی ملی (پژوهش موردی سد کارون ۳). جغرافیای سرزمین، ۲(۷)، ۸۰-۹۸. <https://sanad.iau.ir/Journal/sarzamin/Article/823920>

فلاح‌زاده، سجاد و محمودی پاتی، فرزین. (۱۳۹۴). اولویت‌بندی سیاست‌های مشارکتی در بازآفرینی شهری با تأکید بر احتمال وقوع ناسازگاری میان بهره‌وران؛ مطالعه موردی: برنامه بازآفرینی بافت قدیم آمل. مطالعات شهری، ۴(۱۵)، ۵-۱۶. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_13800.html

فیروزی، محمدهادی؛ نعمتی، مرتضی و داری‌پور، نادیا. (۱۳۹۳). سنجش و ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی در طرح مسکن مهر (مطالعه موردی: شهر امیدیه). جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۱(۳)، ۴۹-۶۳. <https://sanad.iau.ir/Journal/ges/Article/979294>

قاجار خسروی، محمدهادی و حقیقت نائینی، غلامرضا. (۱۳۹۹). ارزیابی کیفیت طرح‌های توسعه و عمران شهرهای میانی و بزرگ در ایران. مطالعات شهری، ۹(۳۶)، ۱۳۳-۱۴۵. <https://doi.org/10.34785/J011.2021.589>

قراگزلو، زهره. (۱۳۶۵). نقش ارزیابی در روند برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای و تکنیک‌های رایج آن. مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.

قربانی، رسول؛ جام‌کسری، محمد و میرزایی، ملیحه. (۱۳۹۳). ارزیابی میزان انطباق مکانی در فرایند اجرای طرح‌های جامع شهری (مطالعه موردی: طرح جامع شهر بناب). جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۱۸(۴۹)، ۱۹۱-۲۱۶. https://geoplanning.tabrizu.ac.ir/article_2202.html

قربانی کوتنائی، آرش و نوری کرمانی، علی. (۱۳۹۸). ارزیابی طرح ناحیه‌محور در مناطق

www.magiran.com/p752013

رضایانی کیاسج محله، رؤیا، امیری، محمدجواد و زبردست، لعبت. (۱۳۹۸). ارزیابی اثرات اجتماعی طرح‌های توسعه بر جوامع محلی مطالعه موردی: طرح احداث بندر چمخاله. جغرافیا و توسعه، ۱۷(۵۶)، ۲۱۵-۲۳۲. <https://doi.org/10.22111/gdij.2019.4888>

زالی، نادر؛ رحمتی، یوسف و چاره، نجمه. (۱۳۹۴). ارزیابی و نقدی بر طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز؛ مطالعه موردی محله مهدی‌آباد (کسب بس). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۶(۲۳)، ۱۱۵-۱۳۲. <https://dori.net/dor/20.1001.1.22285229.1394.6.23.7.5>

زنگی‌آبادی، علی؛ عبداللهی، مهدی؛ سالک قهفرخی، رقیه و قاسم‌زاده، بهنام. (۱۳۹۳). ارزیابی عوامل اثرگذار بر عدم تحقق‌پذیری طرح‌های جامع شهری در ایران و چالش‌های مربوط به آن (مطالعه موردی: محور تاریخی-فرهنگی منطقه ۶ شهر تبریز). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۵(۱۸)، ۴۱-۵۸. <https://dori.net/dor/20.1001.1.22285229.1393.5.18.3.4>

سجادی، ژیا؛ بیرانوندزاده، مریم؛ رادمنش، معصومه و ویسی، رضا. (۱۳۹۳). ارزیابی میزان تحقق کاربری زمین در طرح‌های توسعه شهری با تأکید بر کاربری فضای سبز (مطالعه موردی: شهر دورود). پژوهش‌های منظر شهر، ۱(۱)، ۴۵-۵۶. www.magiran.com/p1301923

سلیمانی مهرنجانی، محمد؛ زنگانه، احمد؛ پریزادی، طاهر و بیگلر، علی. (۱۴۰۰). ارزیابی نقش طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری در بهبود کیفیت محیط شهری (مورد مطالعه: محله بریانک). جغرافیا و روابط انسانی، ۴(۱)، ۲۲۰-۲۳۹. <https://doi.org/10.22034/gahr.2021.286147.1554>

شاهینی‌فر، مصطفی. (۱۴۰۱). ارزیابی تأثیر طرح‌های بهسازی و نوسازی در ارتقاء کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده مرکزی شهر کرمانشاه). مهندسی جغرافیایی سرزمین، ۶(۱۱)، ۱۱۳-۱۲۷. <https://dori.net/dor/20.1001.1.25.127.1.25>

شریف‌زادگان، محمدرحیم؛ ندایی طوسی، سحر؛ اینانلو، لیلا و نیک‌بین، آسیه. (۱۳۹۵). ارزیابی پیامد طرح‌های توسعه فضایی بر وضعیت پایداری مناطق با استفاده از روش ردپای اکولوژیک، مورد پژوهی طرح مجموعه شهری قزوین. محیط‌شناسی، ۴۲(۲)، ۲۵۹-۲۸۰. <https://doi.org/10.22059/jes.2016.58733>

شریفی نجف‌آبادی، رسول. (۱۴۰۲). ارزیابی طرح ساماندهی مسیل جنوبی شهر نجف‌آباد بر پایه روابط بین مؤلفه‌های طبیعی و انسانی هویت محلی و حس مکانی. مخاطرات محیط طبیعی، ۱۲(۳۵)، ۳۷-۶۰. <https://doi.org/10.22111/jneh.2022.40008.1846>

شفیعی دستجردی، مسعود و صادقی، نگین. (۱۳۹۶). بررسی تحقق‌پذیری طرح‌های بازآفرینی بافت فرسوده شهری به روش تلفیقی تحلیل شبکه‌ای-کارت امتیاز متوازن، نمونه موردی: بافت فرسوده زینیه اصفهان. باغ نظر، ۱۴(۴۶)، ۵-۱۴. https://www.bagh-sj.com/article_44350.html

شماعی، علی؛ عبداللهی، مهدی و حاجی‌نژاد، صادق. (۱۳۹۳). ارزیابی تحقق‌پذیری مؤلفه‌های توسعه فضایی-کالبدی طرح جامع شهر بیجار. پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۲(۲)، ۲۵۳-۲۷۶. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2014.51971>

شهریاری، محمدرضا؛ برفی‌پور، مریم و بهرامی، مهشید. (۱۴۰۰). سنجش و ارزیابی میزان تحقق‌پذیری طرح جامع شهری صفارشهر. جغرافیا و روابط انسانی، ۳(۴۳)، ۱۲۱-۱۴۳. <https://dori.net/dor/20.1001.1.26453851.1400.3.4.9.4>

شیبانی‌مقدم، فرشته؛ سرور، رحیم و اسدیان، فریده. (۱۳۹۸). ارزیابی میزان موفقیت طرح‌های ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی زاهدان. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۱(۲)، ۲۰۳-۲۱۶. <https://sid.ir/paper/517297/fa>

صابری‌فر، رستم و فلاحت، محسن. (۱۳۹۳). ارزیابی میزان موفقیت طرح‌های توسعه شهری در دستیابی به معیارهای توسعه پایدار (مطالعه موردی طرح‌های حوزه میانی غربی مشهد و تحقق شهر فشرده). مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۶(۲۳)، ۱۱۵-۱۳۲. https://urs.ui.ac.ir/article_20111.html

صادق صابری، محمدجواد؛ زاهدی یگانه، امیر؛ حاجیان زیدی، مهرداد و قدرجانی،

میرآبادی، مصطفی. (۱۴۰۱). ارزیابی و تحلیل برنامه‌ریزی کاربری زمین در طرح‌های توسعه شهری از منظر عدالت فضایی (نمونه موردی: طرح تفصیلی شهر مهاباد). <https://doi.org/10.22034/jgeoq.2022.142768>

میرزائی ارجنکی، فاطمه و شبانی شهرضا، امیرحسین. (۱۳۹۹). ارزیابی طرح بازآفرینی بافت فرسوده شهری با رویکرد مشارکت مردمی در محله همت‌آباد اصفهان. <https://sanad.iau.ir/Journal/ges/Article/978910>

ناصر مستوفی، انوشیروان و قلمبر دزفولی، رامنا. (۱۴۰۰). ارزیابی علل و پیامدهای نارسایی در مدیریت یکپارچه حریم پایتخت با تأکید بر الزامات طرح جامع شهر تهران. <https://doi.org/10.22034/jgeoq.2021.136725>

ناصر مستوفی، انوشیروان، قلمبر دزفولی، رامنا. (۱۴۰۰). ارزیابی میزان تحقق طرح‌های توسعه شهری کلان‌شهر تهران (مورد: طرح جامع). <https://doi.org/10.22034/jgeoq.2021.136725>

ناطق، زهرا و وارثی، حمیدرضا و رضاییان، شهریار. (۱۳۹۱). ارزیابی میزان تحقق‌پذیری طرح هادی شهر دهقان. <https://doi.org/10.22059/jtcp.2013.30347>

نورایی، همایون و خلیل‌پور، محمدرضا. (۱۳۹۹). ارزیابی طرح توسعه فضای شهری پیش از اجرا به منظور پیشگیری و حل مشکلات احتمالی (مطالعه موردی: حرم امام‌زاده زینب (ع) اصفهان). <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2020.297823.1233>

نورائی، همایون و کهن، فردین. (۱۳۹۷). ارزیابی طرح مسکن مهر به لحاظ معیارهای کمی و کیفی مسکن مناسب (مطالعه موردی: مسکن مهر شهرضا). <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2020.297823.1233>

نوریان، فرشاد و وحیدی برجی، گلدیس. (۱۳۹۴). ارزیابی برنامه‌ریزی کاربری زمین در طرح‌های توسعه شهری بر مبنای شاخص‌های نیازسنجی و مکان‌سنجی (نمونه مورد مطالعه: شهر بجنورد). <https://doi.org/10.22059/jtcp.2015.54781>

نوریان، فرشاد؛ خاکپور، امین و کربلایی حسینی غیاثوند، ابوالفضل. (۱۳۹۷). ارزیابی محدوده‌های پیشنهادی طرح تفصیلی برای کاربری فضای سبز شهری با استفاده از تحلیل شبکه‌ای (ANP) در (GIS) (مطالعه موردی: ناحیه جوادیه منطقه ۱۶ تهران). <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2020.297823.1233>

وارثی، حمیدرضا؛ قنبری، محمد و پورقیومی، حسین. (۱۳۹۱). ارزیابی میزان تحقق‌پذیری طرح جامع شهر جدید بینالود (جمعیت-اشتغال-مسکن). <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2020.297823.1233>

هادی زور، بهروز. (۱۳۹۵). ارزیابی تحقق‌پذیری طرح‌های شهری در تهران. <https://www.magiran.com/p1780631>

شهر تهران با تأکید بر منطقه ۱۵ بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2020.297823.1233>

قنبری، ابوالفضل؛ سالکی ملکی، محمدعلی و قاسمی خویی، معصومه. (۱۳۹۸). ارزیابی فضایی هسته‌های فرعی پیشنهادی طرح جامع جدید شهر تبریز برای تبدیل به مراکز توسعه حمل‌ونقل محور (TOD). <https://doi.org/10.22108/sppl.2019.112511.1273>

کاظمی، آزاده و گیلی، محمدرضا. (۱۳۹۷). ارزیابی اثرات زیست‌محیطی طرح گردشگری دره گردو اراک. <https://doi.org/10.22059/jut.2018.223917.275>

کرمانشاهی، شهاب‌الدین؛ رامندی، علیرضا؛ بشیری‌نیا، مهدی؛ میرمقتدایی، مهتا و شکرگزار، مهدی. (۱۴۰۲). ارائه روشی برای ارزیابی طرح‌های جامع شهری از درجه ابعاد توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل همگانی (مطالعه موردی: طرح جامع شهر نیشابور). <https://doi.org/10.22054/urdp.2023.67998.1453>

کیانی، گشتاسب؛ افضل، کوروش؛ زیاری، کرامت‌الله. (۱۴۰۰). مدل ارزیابی تحقق‌پذیری برنامه‌ریزی راهبردی در شهرسازی ایران. <https://doi.org/10.22054/urdp.2023.67998.1453>

لحمیان، رضا. (۱۳۹۶). ارزیابی اثرات اجتماعی بهسازی بافت فرسوده محلات شهری، مطالعه موردی: محله امام‌زاده یحیی شهر ساری. <https://doi.org/10.22054/urdp.2023.67998.1453>

محمدزاده تیتکانلو، حمیده. (۱۳۷۸). دگرگونی در نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری و تأثیر آن بر روش‌های ارزیابی. <https://doi.org/10.22054/urdp.2023.67998.1453>

محمدنژاد، علی؛ لشگری، علی‌اصغر و سلیمانی، منصور. (۱۳۹۱). ارزیابی تحقق‌پذیری کاربری زمین در طرح‌های توسعه شهری (مورد: طرح تفصیلی منطقه ۲۲ تهران). <https://doi.org/10.22054/urdp.2023.67998.1453>

مخدوم، مجید. (۱۳۷۰). ارزیابی توان اکولوژیکی منطقه گیلان و مازندران برای توسعه شهری، صنعتی و روستایی و توریسم. <https://doi.org/10.22054/urdp.2023.67998.1453>

مرادی، عباس و رمضانی، بهمن. (۱۳۹۸). ارزیابی اثرات زیست‌محیطی طرح‌های توسعه گردشگری در منطقه آزاد انزلی. <https://doi.org/10.22054/urdp.2023.67998.1453>

مشکینی، ابوالفضل؛ الیاس‌زاده، سیدنصرالدین و ضابطیان، الهام. (۱۳۹۱). ارزیابی مکان‌یابی پروژه‌های مسکن مهر با رویکرد کالبدی-زیست‌محیطی، استفاده از مدل سلسله‌مراتب AHP (نمونه موردی استان یزد). <https://doi.org/10.22054/urdp.2023.67998.1453>

موسوی، سید علی و رفیع‌بیان، مجتبی. (۱۳۸۳). ارزیابی میزان تحقق‌پذیری طرح‌های جامع و تفصیلی شهرهای استان آذربایجان شرقی. <https://doi.org/10.22054/urdp.2023.67998.1453>

موسی کاظمی، سید مهدی. (۱۳۸۶). ارزیابی پایداری توسعه شهری؛ مفاهیم، روش‌ها و شاخص‌ها. <https://doi.org/10.22054/urdp.2023.67998.1453>

Developing a Comprehensive Conceptual Framework of Critical Success Factors in Public-Private Partnership Projects*

Abstract

Public-Private Partnership (PPP) projects have become one of the most widely adopted procurement approaches for delivering large-scale infrastructure worldwide. These arrangements are defined as long-term, performance-based contracts between public and private entities for the creation, renovation, or management of public assets, where the private party assumes significant financial and management risks in exchange for potential rewards. By leveraging private sector innovation and efficiency, PPPs seek to optimize public service delivery and bridge infrastructure funding gaps. However, due to their long-term nature, complex contractual structures, and inherent uncertainties, PPP projects frequently encounter significant obstacles leading to suboptimal outcomes or total failure. Therefore, the success of these projects is always associated with greater complexity than traditional procurement methods (such as Design-Bid-Build or Design-Build) and understanding the factors influencing PPP Project success is also more difficult. Many failures derive from a lack of comprehensive knowledge regarding the multifaceted factors that drive project success. While previous studies have identified various Critical Success Factors (CSFs), most existing frameworks remain fragmented, focusing on either specific geographical regions, narrow stakeholder perspectives, or limited project phases. Existing literature often overlooks the crucial "soft" relational aspects, such as mutual trust, empathy, and collaborative governance, which are essential for maintaining long-term contractual harmony. Furthermore, most frameworks focus on a "Win-Win" relationship between the government and the investor, frequently neglecting the "social legitimacy" and public acceptance required for sustainability. The objective of this study is to bridge this knowledge gap by developing a comprehensive conceptual framework of CSFs for PPP projects. By synthesizing existing global knowledge, this study aims to provide a strategic roadmap with a 360-degree perspective for the project life cycle, ensuring that the needs of the public sector, private investors, and society are balanced. The study develops a comprehensive seven-dimensional conceptual framework comprising 25 thematic clusters of PPP critical success factors by employing a rigorous systematic literature review (SLR) combined with narrative analysis. The research followed a meticulous multi-stage process: (1) Identification of 1384 initial studies through major scientific databases, including Scopus and Google Scholar, covering the period from 2005 to 2025. (2) Systematic filtering based on quality criteria and direct relevance, resulting in a final sample of 111 high-quality papers. (3) Extraction of 1490 raw CSFs from the selected literature. (4) Repetitive process of qualitative coding and content analysis to merge synonymous terms and eliminate redundant factors. The synthesis process involved repeated conceptual labeling, semantic comparison, elimination of synonymous expressions, and refinement of overlapping concepts to establish a standardized vocabulary for subsequent thematic analysis. For instance, terms like "equitable risk sharing" and "optimal risk allocation" were consolidated into a single unit, while distinct concepts like "private partner financial capability" and "access to financial markets" were kept independent to maintain conceptual precision. The analysis resulted in the categorization of factors into 25 distinct thematic clusters organized into a "7-Dimensional Framework" (The 7Ps): Partnership, People, Policy, Private, Process, Project, and Public. The "Partnership" dimension focuses on relational governance, while "People" highlights social legitimacy. "Policy" refers to the enabling institutional environment,

Citation: Amiri Diba, Amir, & Parchamijalal, Majid. (2026). Developing a comprehensive conceptual framework of critical success factors in public-private partnership projects. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 31(2), 29-44. (In Persian)

Received: 12 May 2026

Received in revised form: 10 Jun 2026

Accepted: 22 Jun 2026

Amir Amiri Diba¹ 

Phd Candidate in Project and Construction Management, Department of Project and Construction Management, Faculty of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: amiridiba@ut.ac.ir

Majid Parchamijalal²  (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Project and Construction Management, Faculty of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: parchamijalal@ut.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.417381.673226>

"Private" and "Public" address the internal capacities of the partners, and "Process" and "Project" cover the operational and technical feasibility. Statistical frequency analysis revealed that the top three clusters - "Feasibility Studies and Comprehensive Business Plans" (133 factors), "Macroeconomic Stability and Mature Financial Markets" (125 factors), and "Transparent and Competitive Bidding Processes" (99 factors) - emerged as the most frequently reported drivers of success. The high ranking of feasibility studies emphasizes that project success is determined during the preparation phase; without accurate demand forecasting and technical assessment, even the most capable partners cannot save a project from failure. Similarly, the importance of macroeconomic stability reflects the sensitivity of long-term investments to inflation and currency fluctuations. Notably, the emergence of "Social Support and Public Acceptance" as a top-tier cluster (76 factors) reflects the increasing emphasis on social sustainability in recent PPP research. Without public legitimacy, projects face resistance and protests that can lead to complete termination. The proposed framework offers a significant contribution to PPP theory and practice by integrating "Hard Factors" like legal frameworks and technical capabilities with "Soft Factors" like trust, commitment, and transparency. By establishing the "People" dimension as an independent pillar, the framework supports a broader perspective that extends the traditional "Win-Win" (Public-Private) model to a "Win-Win-Win" (Public-Private-People) paradigm. This study demonstrates that PPP success is a multidimensional phenomenon resulting from the interaction of institutional, relational, social, and operational factors. The 7P framework serves as a strategic "backbone" rather than a mere list of factors, providing a roadmap for practitioners to navigate the project lifecycle from inception to transfer (project preparation, procurement, financing, construction, operation, contract management, and long-term partnership governance). This framework provides a structured basis for evaluating, planning, and managing PPP projects while supporting future empirical and decision-making studies.

Keywords: critical success factors, infrastructure project, narrative analysis, public-private partnership, systematic literature review



© Authors retain full copyright and publishing rights.

Publisher: University of Tehran Press.

*This article is derived from the first author's doctoral dissertation, entitled "Developing a maturity model in public-private partnership project based on project critical success factors", under the supervision of the second author at the University of Tehran.

تدوین چارچوب مفهومی جامع عوامل کلیدی موفقیت در پروژه مشارکت عمومی-خصوصی*

چکیده

پروژه‌های مشارکت عمومی-خصوصی به دلیل ماهیت بلندمدت، پیچیدگی روابط قراردادی و ناطمینانی‌های محیطی، همواره با چالش‌های متعددی مواجه هستند که در موارد قابل توجهی منجر به عدم دستیابی به اهداف معین می‌گردد؛ بنابراین همواره موفقیت پروژه‌های مزبور با پیچیدگی بیشتری نسبت به پروژه‌های متعارف پیمانکاری همراه است و درک عوامل مؤثر بر موفقیت آن‌ها نیز

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۲۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

امیر امیری دیبا^۱: دانشجوی دکتری مدیریت پروژه و ساخت، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

E-mail: amiridiba@ut.ac.ir

مجید پرچی جلال^۲ (نویسنده مسئول): دانشیار گروه مدیریت پروژه و ساخت، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

E-mail: parchamijalal@ut.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.417381.673226>

دشوارتر است. پژوهش حاضر با هدف تدوین چارچوب مفهومی جامع از عوامل کلیدی موفقیت (CSFs) در پروژه‌های مشارکت عمومی-خصوصی انجام شده تا الگویی ساختاریافته با دیدگاه ۳۶۰ درجه‌ای برای مدیریت چرخه عمر کامل این پروژه‌ها فراهم آورد. پژوهش با استفاده از روش مرور نظام‌مند ادبیات و تحلیل روایت، به بررسی عمیق ۱۱۱ پژوهش معتبر منتشرشده در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۵ پرداخته است. در این مسیر، ۱۴۹۰ عامل کلیدی موفقیت پروژه استخراج و طی فرایندهای تکرارپذیر شناسه‌گذاری و تحلیل محتوایی، پالایش و تلفیق شدند. حاصل این تحلیل منجر به شناسایی ۲۵ خوشه موضوعی مستقل در قالب ابعاد هفت‌گانه کلان (چارچوب 7P) شامل مشارکت (Partnership)، مردم (People)، سیاست‌گذاری (Policy)، بخش خصوصی (Private)، فرایند (Process)، پروژه (Project) و بخش عمومی (Public) شد. چارچوب ارائه‌شده با تلفیق معیارهای ساختاری (سخت) و رفتاری (نرم)، ابعاد ابزاری، عقلانی و نهادی مشارکت را فراتر از مناسبات صرفاً فنی-مالی تبیین می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: پروژه زیرساختی، تحلیل روایت، عوامل کلیدی موفقیت، مرور نظام‌مند ادبیات، مشارکت عمومی-خصوصی

استناد: امیری دیبا، امیر و پرچی جلال، مجید. (۱۴۰۵). تدوین چارچوب مفهومی جامع عوامل کلیدی موفقیت در پروژه مشارکت عمومی-خصوصی. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۳۱(۲)، ۴۴-۲۹.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نگارندگان، حق تکثیر و امتیاز کامل انتشار مقاله خود را حفظ می‌کنند.



* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «توسعه مدل بلوغ در پروژه مشارکت عمومی-خصوصی بر اساس عوامل کلیدی موفقیت پروژه» می‌باشد که با راهنمایی نگارنده دوم در دانشگاه تهران ارائه شده است.

مقدمه

مشارکت عمومی-خصوصی^۱ یا به اختصار «پروژه مشارکت»، «قرارداد مشارکت» یا «مشارکت» یکی از روش‌های تدارک پروژه^۲ است که رویکرد اصلی آن استفاده از منابع و مهارت‌های بخش خصوصی در توسعه زیرساخت‌ها^۳ و ارائه خدمات عمومی^۴ است. هدف اصلی پروژه‌های مشارکت، به حداکثر رساندن کارایی و بهبود ارائه خدمات عمومی از طریق استفاده از منابع و مدیریت مؤثر بخش خصوصی است. قرارداد مشارکت معمولاً ماهیت میان‌مدت یا بلندمدت دارد و ضمن سعی در نزدیک‌نمودن اهداف بخش عمومی (توسعه زیرساخت و ارائه خدمات عمومی) و اهداف بخش خصوصی (فعالیت اقتصادی و سودآوری) و پیدا کردن فصل مشترک بین آن‌ها، بر اساس تقسیم مسئولیت‌ها، وظایف و ریسک‌های بین طرف عمومی و طرف خصوصی شکل می‌گیرند (Dein et al., 2024).

با این حال، اجرای پروژه‌های مشارکت به دلیل بلندمدت بودن، ماهیت پیچیده و بویایی روابط قراردادی، عمدتاً با چالش‌ها و موانع متعددی مواجه می‌شوند، به‌طوری که در برخی موارد به اهداف معین خود نمی‌رسند یا حتی توأم با نتایج منفی می‌شوند. این نتایج نامطلوب، عمدتاً ناشی از کمبود دانش و تجربه و عدم به کارگیری بهترین شیوه‌ها و همچنین عدم در نظر گرفتن اهمیت و جایگاه عوامل کلیدی موفقیت^۵ است (Vale De Paula et al., 2024). علاوه بر این، ارزیابی موفقیت پروژه نیز اغلب مفهوم مبهمی است و فاقد تعاریف و معیارهای یکپارچه و قابل‌اندازه‌گیری می‌باشد (Ojiako et al., 2023).

برای پاسخگویی به چالش‌های ذاتی یادشده در پروژه‌های مشارکت، مفهوم عوامل کلیدی موفقیت مطرح شده است. این مفهوم، چارچوب تحلیلی است که ریشه در پژوهش‌های پیرامون مدیریت و سیستم‌های اطلاعاتی دارد و سپس به‌صورت گسترده در مدیریت پروژه نیز استفاده شده است. عوامل مزبور در واقع شرایط، رویدادها یا اوضاعی هستند که در نهایت به دستیابی نتایج مثبت در پروژه کمک می‌کنند. عوامل کلیدی موفقیت در پروژه‌های مشارکت نیز نقشی حیاتی و محوری ایفا می‌کنند و ضمن تعریف شرایط لازم برای موفقیت پروژه، چارچوبی برای نقشه راه، ارزیابی، مدیریت ریسک و تصمیم‌گیری در طول چرخه عمر پروژه فراهم می‌آورند (Ojiako et al., 2023).

هدف این پژوهش، بررسی مفهوم و تحلیل جایگاه عوامل کلیدی موفقیت در پروژه‌های مشارکت با استفاده از روش مرور نظام‌مند ادبیات و تحلیل مقایسه‌ای پژوهش‌های پیشین است تا ضمن شناسایی ابعاد نظری و کاربردی مرتبط با عوامل کلیدی موفقیت، چارچوب مفهومی جامع و تلفیقی تدوین شود تا زمینه‌ای ساختاریافته برای فهم دقیق‌تر پیش‌نیازهای موفقیت پروژه‌های مشارکت فراهم گردد.

در مرحله اول، کلیدواژه‌ها و معیارهای جست‌وجوی منابع، دوره زمانی بررسی منابع، پایگاه‌های معتبر علمی و تعیین حدود موضوعی و مفهومی پژوهش انجام می‌شود؛ در مرحله دوم، با تعیین ضوابط انتخاب از حیث ارتباط موضوعی، کیفیت علمی، روش‌شناسی معتبر و تمرکز بر پروژه‌های مشارکت، پژوهش‌های پیشین مرتبط تعیین می‌شود؛ در مرحله سوم، با مطالعه عمیق پژوهش‌های مرتبط، مفاهیم، معیارها و شاخص‌های اصلی و نوع دسته‌بندی عوامل کلیدی موفقیت هر پژوهش استخراج می‌شود؛ در

مرحله چهارم، تحلیل مقایسه‌ای بین پژوهش‌های پیشین ازجمله مقایسه نتایج در زمینه‌های مختلف شامل نوع پروژه، کشورها، شرایط نهادی، حوزه‌های زیرساختی و سطح توسعه اقتصادی انجام می‌شود و ضمن تفسیر نتایج و تحلیل و تبیین چرایی اهمیت عوامل، چارچوب مفهومی جامع پیشنهاد می‌شود.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر بر پایه مرور نظام‌مند ادبیات^۶ و تحلیل روایت^۷ پژوهش‌های پیشین با موضوع عوامل کلیدی موفقیت در پروژه‌های مشارکت استوار است. این رویکرد به پژوهشگر امکان می‌دهد که بدنه دانشی موجود را با ساختاری منظم، شفاف و قابل بازتولید موردبررسی قرار دهد. هدف از انتخاب این رویکرد، دستیابی به تصویری جامع از وضعیت پژوهش‌های انجام‌شده است.

مرور نظام‌مند ادبیات روشی ساختاریافته برای ترکیب یافته‌ها از مجموعه مطالعات علمی است. هدف از این روش ارائه نتایجی قابل اعتماد، بی‌طرفانه و جامع است. مرور نظام‌مند نوعی شیوه بررسی ادبیات است که با تمرکز بر پرسش (های) مشخص، می‌کوشد تمام شواهد پژوهشی معتبر مرتبط با آن پرسش را شناسایی، ارزیابی، گزینش و یکپارچه کند. در این رویکرد، ادبیات موجود درباره یک موضوع علمی به‌صورت هدفمند تلخیص می‌شود و فرایند جست‌وجو و ارزیابی منابع بر اساس روش‌هایی روشن، تکرارپذیر و قابل‌سنجش صورت می‌گیرد تا داده‌های معتبر گردآوری و با استفاده از ابزارهای تحلیلی مناسب ترکیب شود (Chaffin et al., 2024).

تحلیل روایت در چارچوب مرور نظام‌مند ادبیات، روشی کیفی برای تفسیر و یکپارچه‌سازی یافته‌های پژوهش‌های منتخب است. این رویکرد فراتر از صرفاً گردآوری نتایج عمل می‌کند و در واقع به دنبال آشکارسازی روابط میان مفاهیم، روندهای پنهان و منطق درونی ادبیات می‌باشد. این شیوه، ادبیات را مجموعه‌ای از داده‌های پراکنده نمی‌بیند، بلکه آن را یک روایت منسجم تلقی می‌کند که باید ساختار، جریان و پیوندهای درونی آن استخراج شود.

مراحل اصلی پژوهش شامل «گردآوری منابع و انتخاب پژوهش‌های پیشین» و «تحلیل و مقایسه و تلفیق نتایج» است که گام‌های انجام‌شده در هر مرحله به شرح تصویر ۱ است.

در مرحله گردآوری منابع و انتخاب پژوهش‌های پیشین معیارهای چندگانه برای شناسایی و گزینش پژوهش‌ها مورد استفاده قرار گرفت تا اطمینان حاصل شود که ادبیات بررسی‌شده هم از حیث کیفیت و هم از نظر گستره موضوعی جامعیت لازم را دارد. پژوهش‌های انجام‌شده طی دو دهه اخیر مورد جست‌وجو قرار گرفته است. جست‌وجوی منابع از طریق پایگاه‌هایی انجام شده است که در زمینه‌های «مهندسی معماری و عمران»، «مدیریت پروژه»، «اقتصاد و حکمرانی عمومی» و «مدیریت کسب و کار» مورد پذیرش جامعه علمی هستند.

به منظور استخراج و شناسایی همه‌جانبه ادبیات پژوهش، فرایند جست‌وجو در پایگاه‌های داده و موتورهای کاوش علمی معتبر شامل Scopus، Semantic Scholar و Google Scholar صورت پذیرفت. جهت دستیابی به جامعیت و دقت بالا در نتایج، اصطلاحات کلیدی و واژگان تخصصی با به کارگیری عملگرهای منطقی (Boolean Operators) ترکیب شده و رشته عبارات جست‌وجو (Search Strings) ساختار یافتند و بررسی اعتبار

تصویر ۱. مراحل کلان و فرایند اجرایی پژوهش



«انتقال ریسک به طرف دارای بهترین توان مدیریتی» بعد از شناسه‌گذاری اولیه ضمن مقایسه شکلی با وجود تفاوت‌های لفظی، چون همگی به یک مفهوم واحد اشاره دارند، در قالب یک شناسه قرار گرفتند؛ یا عباراتی نظیر «وجود چارچوب حقوقی مناسب»، «قوانین شفاف مشارکت»، «نظام قانونی پایدار» و «مقررات روشن مشارکت» در یک شناسه و عبارات «منافسه باز»، «تدارکات رقابتی» و «فرایند انتخاب شفاف» در یک شناسه تجمیع شدند. در مقابل، عباراتی نظیر «اعتماد متقابل میان شرکا» و «تعهد و مسئولیت‌پذیری متقابل» اگرچه به یکدیگر نزدیک هستند و به روابط بین طرفین اشاره دارد، اما به دلیل تفاوت در ماهیت مفهومی، در دو شناسه مستقل طبقه‌بندی شدند؛ یا همین‌طور عباراتی مانند «دسترسی به بازارهای مالی» و «توانمندی مالی طرف خصوصی» هر دو به پایداری مالی پروژه اشاره دارند اما در دو شناسه مستقل قرار گرفتند. به‌عنوان مثالی دیگر، «وجود واحد تخصصی مشارکت»، «فرایندهای شفاف»، «اسناد همسان» و «همانگی اداری» همگی مربوط به بخش دولت است اما در شناسه‌های مستقل طبقه‌بندی شدند.

در گام سوم، با تحلیل محتوایی شناسه‌ها، مرحله سازمان‌دهی در قالب خوشه‌های موضوعی اولیه انجام شده است. در این گام، شناسه‌ها بر اساس شباهت‌های معنایی، شباهت‌های زمینه‌ای، ارتباط ذاتی یا نقش آن‌ها در موفقیت پروژه در خوشه‌های موضوعی اولیه دسته‌بندی گردید. هدف از این خوشه‌بندی، ترسیم تصویر کلان از مفاهیم اصلی موجود در ادبیات است.

در گام چهارم، مقایسه تحلیلی و استنباطی انجام شده است و هدف آن شناسایی روابط و تفاوت‌های موجود در یافته‌های پژوهش‌ها است. در این گام، عوامل به خوشه‌بندی موضوعی اولیه نگاشت شد؛ عوامل پُر تکرار و کم‌تکرار شناسایی شد و الگوهای مفهومی، روندهای تکرار شونده شناسایی شدند و منطق پنهان در ادبیات با لحاظ کردن شرایط و زمینه‌های مورد بررسی روشن گردید.

در گام پنجم، مجموعه یافته‌های پراکنده بر اساس روش ابتکاری و استفاده از نظر خبرگان، تلفیق شده و به چارچوب مفهومی منسجم و جامع تبدیل شد و خوشه‌بندی موضوعی در قالب تصویر کلان تبیین گردید.

نشریات بر اساس داده‌های مندرج در پایگاه سایماگو^۱ و سامانه اعتبارسنجی مجلات علمی^۲ انجام شده است. رشته عبارت‌های جستجو شامل موارد زیر بوده است: *PPP Critical Success Factors, PPP Success Assessment, PPP Key Success Indicators, PPP Project Success* بعد از جستجوی اولیه، ابتدا عنوان و چکیده مطالعه شد و در صورت وجود ارتباط، متن اصلی خصوصاً روش تحقیق و یافته‌های آن مورد بررسی قرار گرفت، در صورتی که سه معیار زیر را دارا بوده باشد به پژوهش‌های منتخب افزوده شده است:

الف) مستقیماً به عوامل کلیدی موفقیت در پروژه‌های مشارکت پرداخته باشد؛

ب) از روش تحقیق مشخص و قابل ارزیابی استفاده شده باشد؛

ج) در نشریات معتبر علمی منتشر شده باشد.

در مرحله بررسی عمیق، تحلیل و مقایسه و تلفیق نتایج گام‌های زیر انجام شده است؛

در گام اول، ضمن بررسی و مطالعه پژوهش‌های منتخب، بانک داده‌ها برای هر پژوهش به‌طور نظام‌مند استخراج شده است؛ داده‌ها شامل سال انتشار، نام نشریه، نام نویسندگان، عنوان مقاله، دامنه تحقیق، روش تحقیق، کشور یا منطقه مورد تحقیق، عناوین خام مهم‌ترین عوامل کلیدی موفقیت شناسایی شده، محدودیت‌های تحقیق و روش اعتبارسنجی یافته‌ها بوده است و این بانک داده پایه تمام تحلیل‌ها و گام‌های بعدی پژوهش قرار گرفت.

در گام دوم، داده‌های استخراج شده به واحدهای معنایی کوچک‌تر (مشابه کلمات کلیدی) تبدیل گردید تا قابلیت شناسه‌گذاری مقایسه پیدا کنند. شناسه‌ها بر اساس دو اصل به وجود آمده‌اند اولاً دارای معنای مشترک مفهومی باشند و ثانیاً قابلیت تمایزگذاری دقیق داشته باشند. پس از شناسه‌گذاری داده‌ها، مقایسه شکلی انجام شد تا شناسه‌های هم‌معنی یا مشابه ادغام شوند، شناسه‌های ناهمگون یا کم‌کاربرد حذف یا اصلاح شوند و در نهایت فرهنگ واژگان مشترکی برای تحلیل‌های بعدی ایجاد شود. برای مثال، عباراتی مانند «توزیع مناسب ریسک»، «تسهیم بهینه ریسک»، «تقسیم عادلانه ریسک»، «توزیع منصفانه مسئولیت‌ها» و

پیشینه پژوهش

عوامل کلیدی موفقیت در پروژه مشارکت عمومی - خصوصی

در زمینه پروژه‌های مشارکت، عوامل کلیدی موفقیت، محرک‌های اصلی هستند که منجر به اجرای موفق و دوام طولانی مدت پروژه می‌شوند (Le et al., 2025). تعریف و قاعده‌سازی عوامل کلیدی موفقیت در پروژه مشارکت باید به گونه‌ای باشد که شرایط بُرد - بُرد را برای بخش عمومی و بخش خصوصی به وجود آورد و این مفهوم توسط بسیاری از پژوهشگران برای شناسایی عواملی که می‌توانند فرایند اجرای پروژه مشارکت را تقویت یا تضعیف کنند، به کار گرفته شده است (Deinde-Adedeji et al., 2024). جایگاه و اهمیت عوامل کلیدی موفقیت در پروژه‌های مشارکت بسیار حیاتی است، زیرا به عنوان قواعد یا معیارهایی برای تعیین، ارزیابی و دسته‌بندی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت پروژه مشارکت عمل می‌کنند (Özcan, 2025). این عوامل در طول زمان و بر اساس دیدگاه دست‌اندرکاران مشارکت عمومی - خصوصی در سراسر جهان تکامل یافته است (Man-nan et al., 2024). عوامل کلیدی موفقیت در پروژه‌های مشارکت عمومی - خصوصی، بر اساس نوع پروژه، حوزه زیرساختی، مرحله چرخه عمر

پروژه، کشور، دیدگاه مختلف افراد و انواع سازمان و بنگاه‌ها متفاوت است. تأثیر عوامل چندبُعدی بسیار پیچیده است و برهم کنش عوامل بر یکدیگر بسته به پروژه و مرحله چرخه عمر آن ممکن است متفاوت باشد (Tipu et al., 2024). پژوهشگران متعددی، عوامل کلیدی موفقیت در پروژه‌های مشارکت عمومی - خصوصی را مطالعه و گروه‌بندی و اولویت‌بندی کرده‌اند و هر کدام بر اساس دیدگاه و زمینه مورد مطالعه نتایج مختلفی به دست آورده‌اند. در جدول ۱ برخی از مطالعات مربوط اشاره شده است؛

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌های متعددی به شناسایی و گروه‌بندی عوامل کلیدی موفقیت در پروژه مشارکت پرداخته‌اند، اما هنوز اجماع نظر برای طبقه‌بندی این عوامل وجود ندارد. پژوهشگران با توجه به اهداف، روش‌شناسی، نوع پروژه، کشور مورد مطالعه و دیدگاه ذی‌نفعان، از الگوهای متفاوتی برای دسته‌بندی عوامل استفاده کرده‌اند؛ به گونه‌ای که تعداد گروه‌ها از دو تا دوازده متغیر است و نام‌گذاری و دامنه مفهومی آن‌ها نیز تفاوت‌های قابل توجهی دارد (برخی با دامنه جزئی و برخی با دامنه گسترده). بسیاری از پژوهش‌های پیشین، عوامل کلیدی موفقیت را در چارچوب زمینه‌های خاصی مانند

جدول ۱. برخی از دسته‌بندی‌های انجام‌شده عوامل موفقیت کلیدی در پروژه مشارکت

پژوهشگران	روش دسته‌بندی عوامل موفقیت کلیدی در پروژه مشارکت عمومی - خصوصی
(Jafari Ramiani et al., 2022)	پنج دسته اصلی: «قانونی و نظارتی»، «استراتژیک و اجرایی»، «سیاسی و فرهنگی و اجتماعی»، «فرایند و ساختاری و انسانی» و «اقتصادی و مالی»
(Osei-Kyei et al., 2022)	پنج گروه اصلی: «عملکرد مالی پروژه»، «انطباق با مشخصات طراحی و فنی»، «انطباق با الزامات زیست‌محیطی و اجتماعی - اقتصادی»، «شمول اجتماعی و مدیریت ریسک» و «بهبود سلامت و رفاه ساکنان»
(Rakpanitmanee & Pathranarakul, 2023)	شش متغیر مستقل اصلی: «سیاستی و اجتماعی»، «چارچوب قانونی»، «مسائل مالی»، «مسائل مربوط به پروژه»، «سیستم مدیریتی» و «حکمرانی خوب»
(Toan & Hai, 2023)	پنج گروه عوامل پنهان: «عوامل مرتبط با بخش عمومی»، «عوامل مرتبط با بخش خصوصی»، «عوامل مرتبط با فرایند ارجاع کار»، «عوامل مرتبط با مدیریت ریسک»، «عوامل مرتبط با پروژه» و «عوامل مرتبط با محیط زیست»
(Almarri & Boussabaine, 2023)	پنج متغیر پنهان: «مشارکت و همکاری»، «ثبات مالی و اقتصادی»، «چارچوب قانونی و قراردادی»، «مسائل خاص پروژه شهر هوشمند» و «فرایند ارجاع کار»
(Fauzan et al., 2023)	عوامل موفقیت فقط از دیدگاه بخش خصوصی (سرمایه‌گذار) در مراحل مختلف پروژه مطالعه شده است.
(Kukah et al., 2023)	شش مؤلفه اصلی: «همکاری و شفافیت»، «تضمین و مجوزها»، «حمایت اجتماعی - سیاسی»، «سودآوری مورد انتظار»، «امکان‌سنجی فنی پروژه» و «تخصیص ریسک».
(Ahmad Shah et al., 2023)	پنج خوشه: «محیط مساعد»، «ویژگی‌های بخش خصوصی»، «ویژگی‌های بخش عمومی»، «فرایندهای ارجاع کار و مدیریت قرارداد» و «رضایت عمومی»
(Alshahrani et al., 2023)	پنج گروه: «چارچوب مناسب قانونی»، «نظارت بخش عمومی»، «توجیه اقتصادی پروژه»، «برنامه تأمین مالی مطمئن» و «بخش خصوصی توانمند»
(Al Saadi et al., 2024)	هفت گروه: «اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی»، «ذی‌نفعان»، «فرایند ارجاع کار»، «ظرفیت بخش عمومی»، «ریسک»، «مالی و اقتصادی» و «قوانین و مقررات»
(Tipu et al., 2024)	سه گروه مستقل: «فنی و تکنولوژی»، «اقتصادی» و «فرایند ارجاع کار»
(Alqahtani et al., 2024)	چهار گروه عوامل: «مدیریت ریسک»، «بخش عمومی»، «بخش خصوصی» و «فرایند ارجاع کار»
(Vale De Paula et al., 2024)	پنج گروه کلی: داخلی (مرحله مطالعات و آماده‌سازی پروژه، مرحله ارجاع کار و مرحله مدیریت قرارداد) و خارجی (عوامل محیط کسب و کار و عوامل برون‌زای خارجی)
(Dalei et al., 2024)	پنج گروه اصلی: «ویژگی‌های بخش عمومی»، «ویژگی‌های بخش خصوصی»، «افکار عمومی»، «محیط کسب و کار» و «فرایندها (تعریف پروژه، ارجاع کار، مدیریت قرارداد)»
(Yang et al., 2024)	پنج گروه اصلی: «مدیریت مناسب مشارکت»، «محیط مناسب سرمایه‌گذاری»، «مدیریت مؤثر قراردادی»، «توانمندی بخش خصوصی» و «برنامه تأمین مالی مطمئن» و شناسایی مهم‌ترین عوامل در کشورهای آسیایی با درآمد بالا و درآمد متوسط
(Krishnaraj et al., 2024)	شش گروه اصلی: «شرایط سیاسی و اقتصادی»، «پایداری مالی پروژه»، «توان تیم پروژه»، «برنامه تأمین مالی» و «تخصیص ریسک»
(Mannan et al., 2024)	پنج گروه اصلی: «توجیه اقتصادی»، «تخصیص مناسب ریسک»، «برنامه تأمین مالی مطمئن»، «طرف خصوصی توانمند» و «محیط مناسب سرمایه‌گذاری»
(Durna et al., 2024)	پنج بُعد: «تأمین مالی پروژه»، «مدیریت کلان پروژه»، «مدیریت عملیاتی پروژه»، «فرایند ارجاع کار» و «ظرفیت‌های نهادی»

یک کشور، یک حوزه زیرساختی، یک مرحله از چرخه عمر پروژه یا از منظر یک ذی‌نفع (مانند بخش عمومی یا بخش خصوصی) بررسی کرده‌اند؛ از این رو، نتایج آن‌ها قابلیت تعمیم و یکپارچه‌سازی ندارد. همچنین در اغلب پژوهش‌ها، تمرکز اصلی بر شناسایی فهرست‌وار یا اولویت‌بندی عوامل بوده و به مسئله یکپارچه‌سازی، ادغام عوامل مشابه، رفع هم‌پوشانی‌های مفهومی و ارائه چارچوب جامع با رویکرد چرخه کامل عمر پروژه کمتر توجه شده است. در اکثر چارچوب‌های قبلی، تمرکز اصلی بر مبانی قانونی، مالی و فنی است و اغلب از «حکمرانی رابطه»، «اعتماد» و «همدلی» که ضامن بقای قراردادهای بلندمدت مشارکت هستند، غافل مانده‌اند. بسیاری از چارچوب‌ها تنها به رابطه دوجانبه دولت و بخش خصوصی (بُرد - بُرد) پرداخته‌اند و «مردم و جامعه» را صرفاً به‌عنوان کاربر نهایی یا در قالب «رضایت عمومی» بسیار کلی و مبهم دیده‌اند. این خلأها سبب می‌گردد که همچنان نیاز به پژوهشی جامع مبتنی بر مرور نظام‌مند ادبیات و تحلیل محتوای پژوهش‌های پیشین وجود داشته باشد تا ضمن استخراج همه عوامل کلیدی موفقیت، موارد مشابه تلفیق شده و در قالب چارچوب مفهومی جامع، منسجم ارائه شود.

مبانی نظری پژوهش

مشارکت عمومی - خصوصی

هنوز تعریف جامع و منسجمی از مشارکت عمومی - خصوصی که مورد قبول جهانی باشد ارائه نشده است؛ بانک جهانی^{۱۱} در سال ۲۰۲۲، مشارکت را سازوکاری تعریف کرده که بخش عمومی و بخش خصوصی در دوره‌ای میان‌مدت یا بلندمدت با توافقی روشن و اهداف مشترک همکاری می‌کنند و مسئولیت فراهم نمودن زیرساخت یا ارائه خدمات عمومی به بخش خصوصی واگذار می‌شود. الجابر^{۱۲} (۲۰۲۴) مشارکت عمومی - خصوصی را روش قراردادی بلندمدت و جامع می‌داند که بخش خصوصی نقش گسترده‌ای در چرخه عمر پروژه دولتی بر عهده می‌گیرد و مسئولیت‌های اصلی پروژه به بخش خصوصی منتقل می‌شود؛ هدف این روش در درجه اول، رفع محدودیت‌های تأمین مالی بخش عمومی و در درجه دوم، به حداکثر رساندن کارایی و بهبود ارائه خدمات عمومی است (Aljaber et al., 2024). در برخی تعاریف، تأمین مالی موردنیاز برای ایجاد زیرساخت یا ارائه خدمت، به‌صورت کامل یا جزئی، بسته به شرایط قرارداد می‌تواند از سوی بخش خصوصی انجام گیرد (Deinde-Adedeji et al., 2024). سازمان برنامه‌بودجه کشور (۱۴۰۲) مشارکت عمومی - خصوصی را بدین شکل تعریف نموده است: «قراردادی بلندمدت و عملکردمحور بین طرف عمومی و طرف خصوصی برای ایجاد/بازسازی/نوسازی/توسعه/اصلاح/بهره‌برداری و نگهداری/مدیریت دارایی عمومی یا ارائه خدمات عمومی است که در آن طرف خصوصی مسئولیت مدیریت و ریسک تسهیم‌شده در طول عمر قرارداد را بر عهده دارد و تمام یا بخشی از منابع مالی را با ریسک خود تأمین می‌کند. ... ماهیت و هدف روش مشارکت، تعریف سطح جدیدی از همکاری و نقش‌آفرینی بخش خصوصی در پروژه‌های زیربنایی و توسعه‌ای است... هدف از همکاری یادشده در واقع به‌نوعی پیدا کردن سطح اشتراک و تلاقی بین هدف بخش خصوصی برای انجام فعالیت تجاری جهت کسب سود و هدف بخش عمومی برای تأمین کالاها و خدمات عمومی به مردم است.» (سازمان برنامه‌بودجه کشور،

۱۴۰۲). در تبصره (۱) ماده (۴۰) قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها (۱۴۰۲)، مشارکت عمومی - خصوصی بدین شکل تعریف شده است: «قرارداد مشارکت عمومی و خصوصی، قراردادی بلندمدت و نتیجه‌محور است که طبق آن سرمایه‌گذار تعهد می‌کند با توان فنی و مالی خود، محصول (کالاها یا خدمات) مندرج در وظایف قانونی طرف عمومی (سرمایه‌پذیر) را تأمین کند و بازگشت اصل و سود آورده‌های سرمایه‌گذار از محل منافع دوره بهره‌برداری (ارائه محصول) و حسب ضرورت انواع حمایت‌های طرف عمومی انجام می‌شود.»

برای درک بهتر مشارکت عمومی - خصوصی، غالباً تفاوت‌های آن با روش‌های متعارف تدارک پروژه (مانند پیمانکاری طرح و ساخت یا پیمانکاری ساخت) بازگو می‌شود؛ در روش‌های متعارف، بخش عمومی معمولاً پروژه را به‌صورت مرحله‌ای (مثلاً طراحی، ساخت، تجهیزات و بهره‌برداری در مراحل مختلف) به بخش خصوصی واگذار می‌کند، در حالی که مشارکت با رویکرد چرخه عمر پروژه واگذار می‌شود (Osei-Kyei et al., 2022). در روش مشارکت، انتقال مسئولیت طراحی، اجرا، بهره‌برداری و نگهداری به طرف خصوصی، انگیزه‌ای ایجاد می‌کند تا طرف خصوصی تلاش کند هزینه کل چرخه عمر پروژه را کاهش دهد (Berisha et al., 2022). در پروژه‌های مشارکت، تأمین مالی و مدیریت مالی نقش محوری دارد، هدف اصلی مشارکت، رفع محدودیت‌های بودجه‌ای دولت است و تأمین مالی و سرمایه‌گذاری پروژه بر عهده بخش خصوصی است (Ojiako et al., 2023). در روش‌های متعارف، معمولاً دولت ریسک‌های اصلی را به عهده دارد، در حالی که در مشارکت، تخصیص تسهیم مناسب ریسک بین شرکای عمومی و خصوصی امری حیاتی است. غالباً بخش خصوصی مسئول ریسک‌های مرتبط با طراحی، ساخت، بهره‌برداری و بازار محصول نهایی پروژه است و ریسک‌های بی‌ثباتی سیاسی، عدم حمایت دولت و چارچوب نامناسب قانونی معمولاً به عهده بخش عمومی باقی می‌مانند. در پروژه‌های مشارکت، ارزیابی کامل و واقع‌بینانه از هزینه‌ها و پیش‌بینی درآمدها و منافع ضروری است به‌نحوی که ارزیابی مزبور مبنای اصلی برای تصمیم‌گیری ذی‌نفعان اصلی خواهد بود. در روش مشارکت، وجود فرایند ارجاع کار رقابتی و شفاف به‌مراتب از روش‌های متعارف اهمیت بیشتری پیدا می‌کند چراکه انتخاب طرف خصوصی توانمند برای دوره بلندمدت همکاری با پیچیدگی و معیارهای متنوعی همراه است (Othman & Khallaf, 2022).

عوامل کلیدی موفقیت پروژه

مفهوم عوامل کلیدی موفقیت از جمله مفاهیم بنیادین در ادبیات مدیریت است که نخستین بار توسط راکارت^{۱۳} در سال ۱۹۷۹ مطرح شد و به مجموعه مشخصی از حوزه‌ها یا فعالیت‌های راهبردی گفته می‌شود که در صورت تحقق موفقیت‌آمیز آن‌ها، دستیابی سازمان به اهداف کلان و موفقیت رقابتی را تضمین می‌کند؛ از این رو این حوزه‌ها نیازمند توجه مستمر و ویژه مدیران هستند. عوامل کلیدی موفقیت، برخلاف فعالیت‌های اجرایی و وظایف روزمره پروژه، بیانگر اولویت‌های راهبردی و شرایط سازمانی مؤثر بر موفقیت است و نه فهرستی از تمامی اقداماتی که باید در طول اجرای پروژه انجام شوند. در واقع، تحقق این عوامل، بستر و محیطی مناسب برای مدیریت اثربخش پروژه را فراهم می‌کند (Dobbins & Donnelly, 2004).

مقالات و پژوهش‌های اولیه شناسایی شدند و با طی گام‌های مندرج در فلوجارت به شرح تصویر ۲، نهایتاً تعداد ۱۱۱ پژوهش نمایه‌شده در پایگاه‌های علمی معتبر یافت شد که با استفاده از روش علمی به شناسایی عوامل کلیدی موفقیت پروژه مشارکت عمومی - خصوصی پرداخته و همچنین دسترسی به متن کامل آن میسر بود.

مطالعات مربوط به پژوهش‌های منتخب در مجموعه‌ای بسیار گسترده از کشورها، مناطق و قاره‌های جهان انجام شده‌اند. برخی از این پژوهش‌ها بر یک کشور خاص تمرکز کرده‌اند، درحالی‌که برخی دیگر چندین کشور یا منطقه را پوشش می‌دهند. در موارد تک‌قاره‌ای قاره آسیا با ۴۸ مقاله و قاره آفریقا با ۱۸ مقاله بیشترین تعداد مطالعات از لحاظ تمرکز جغرافیایی را به خود اختصاص داده است. این امر نشان می‌دهد قسمت عمده ادبیات مورد مطالعه مربوط به کشورهای در حال توسعه است که مشارکت عمومی - خصوصی برای آن‌ها ابزاری حیاتی جهت اجرا و تأمین مالی زیرساخت‌های عمومی محسوب می‌شود. در جدول ۲ پراکنش جغرافیایی حوزه مورد مطالعه در پژوهش‌های منتخب نشان داده شده است.

بخش بزرگی از پیشینه پژوهش مرتبط با مطالعه عوامل کلیدی موفقیت مشارکت بر کشورهای آسیایی متمرکز است (۴۳ درصد). کشورهایمانند

از منظر کاربردی، عوامل کلیدی موفقیت را می‌توان به‌عنوان ویژگی‌ها، شرایط یا متغیرهایی تعریف کرد که در صورت مدیریت یا نگهداشت، می‌توانند تأثیر قابل‌توجهی بر موفقیت سازمان یا پروژه داشته باشند. این عوامل به‌عنوان حوزه‌های کلیدی فعالیت یا «چیزهایی که باید به‌درستی پیش بروند» شناسایی می‌شوند تا تحقق اهداف معین و موفقیت پروژه تضمین شود. عوامل کلیدی موفقیت در واقع نقشه راهی برای پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز پروژه هستند و درک صحیح از این عوامل توسط ذی‌نفعان برای اجرای موفقیت‌آمیز پروژه ضروری است (Mugarura et al., 2025). به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت، عوامل کلیدی موفقیت پروژه مجموعه‌ای از شرایط، قابلیت‌ها و پیش‌نیازهای کلیدی است که تحقق آن‌ها برای دستیابی به اهداف پروژه اجتناب‌ناپذیر است. این عوامل به‌منزله مؤلفه‌های بنیادی محیط اجرایی پروژه عمل می‌کنند که نبود یا ضعف در هر یک از آن‌ها، احتمال بروز انحراف، ناکارآمدی و شکست پروژه را افزایش می‌دهد.

یافته‌های پژوهش و بحث

مرحله اول: گردآوری منابع و انتخاب پژوهش‌های پیشین

با جستجوی کلمات کلیدی در پایگاه‌های مزبور در روش پژوهش،

تصویر ۲. فلوجارت فرایند غربالگری و انتخاب منابع پژوهش (مرحله اول پژوهش)



جدول ۳. توزیع حوزه‌ها و بخش‌های زیرساختی در پژوهش‌های منتخب (۱۱۱ مقاله)

حوزه زیرساختی مورد مطالعه	بخش‌های زیرساختی	عوامل پرتکرار	تعداد پژوهش
حمل و نقل	بزرگراه، مترو، فرودگاه	تخصیص و بازتوزیع مناسب ریسک، حمایت و ثبات سیاسی، پیش‌بینی واقع‌بینانه تقاضا، ارائه تضمین‌های دولتی	۱۷
آب و فاضلاب و پسماند	تأمین آب، تصفیه فاضلاب، مدیریت پسماند	توجه‌پذیری و پایداری مالی، پذیرش و حمایت اجتماعی، نوآوری و تکنولوژی‌های نوین تصفیه	۹
مسکن اجتماعی	تأمین مسکن مقرون به صرفه، مسکن دهک‌های پایین جامعه	قابلیت پرداخت، بهبود رفاه عاطفی و کاهش انزوای اجتماعی، تأمین زمین توسط دولت، تنبیه سازندگان متخلف و نظارت مستمر	۷
زیرساخت‌های اجتماعی	آموزش، سلامت، ورزش، گردشگری	مشارکت و تعامل با ذی‌نفعان، مشخصات خروجی و کیفیت خدمات، تعهد و مسئولیت‌پذیری مدیران ارشد	۶
انرژی و نیرو	نیروگاه، انرژی‌های تجدیدپذیر	تضمین بازپرداخت بدهی بانکی، اعتبار سیاست‌های دولت، بهره‌وری انرژی و پایداری زیست‌محیطی، نهاد تنظیم‌گر مستقل و قدرتمند	۴
چند حوزه‌ای و زیرساخت عمومی (مطالعات جامع)	-	فرایند مناقصه شفاف و رقابتی، چارچوب قانونی و مقرراتی مطلوب، حکمرانی خوب و تعهد دولت، کنسرسیوم خصوصی قدرتمند و ذی‌صلاح	۶۸

نتایج در مطالعات گوناگون است، به‌نوعی منطق اعتبارسنجی درونی^{۱۲} را به همراه خود دارد و دقت و اطمینان‌پذیری آن با اتکا به روش مثلث‌سازی^{۱۳} قابل قبول تلقی می‌شود. گام‌های فرایند تحلیل محتوا، کدگذاری و تلفیق یافته‌های پژوهش در تصویر ۴ نشان داده شده است؛

در گام نهایی، با رویکرد کلان‌نگر و دیدگاه ۳۶۰ درجه و به‌منظور دستیابی به چارچوب مفهومی جامع، خوشه‌های حاصل بر اساس ماهیت، قلمرو اثرگذاری و جایگاه آن‌ها در اکوسیستم مشارکت عمومی - خصوصی در هفت بُعد کلان (7P) شامل مشارکت (Partnership)، مردم و جامعه (People)، سیاست و محیط نهادی (Policy)، بخش خصوصی (Private)، فرایندها و مراحل اجرایی (Process)، پروژه (Project) و بخش عمومی (Public) سازمان‌دهی شدند. چارچوب نهایی نه تنها عوامل کلیدی موفقیت را در قالب خوشه‌های موضوعی منسجم دسته‌بندی می‌کند، بلکه روابط آن‌ها را در چرخه کامل عمر پروژه و سطوح مختلف محیطی، نهادی، سازمانی، اجرایی، اجتماعی و پروژه‌ای نیز آشکار می‌سازد. در نتیجه، چارچوب می‌تواند به‌عنوان چارچوب مفهومی جامع برای تحلیل، ارزیابی و مدیریت عوامل موفقیت پروژه‌های مشارکت عمومی - خصوصی مورد استفاده قرار گیرد. برای اطمینان از منطق چارچوب نهایی، نسخه‌ای از آن در اختیار چهار نفر از خبرگان قرار گرفت و روایی شکلی و محتوایی آن مورد تأیید واقع شد.

چارچوب مفهومی جامع

جدول ۴ چارچوب مفهومی جامع (7P) را نشان می‌دهد که در قالب ابعاد هفت‌گانه و ۲۵ خوشه موضوعی با هسته مفهومی مستقل تدوین شده است.

در این چارچوب فهرست طولانی و ناهمگن از عوامل منفرد، به ساختاری نظری چندبُعدی، متوازن و قابل عملیاتی‌سازی رسیده است. ویژگی‌های چارچوب جامع پیشنهادی به شرح زیر قابل بیان است:

۱. عوامل کلیدی موفقیت در قالب چارچوبی مشتمل بر هفت بُعد و ۲۵ خوشه دسته‌بندی شده است و هر بُعد دربرگیرنده سه یا پنج خوشه است. چارچوب به دنبال ارائه دیدگاه جامع و ۳۶۰ درجه‌ای از عوامل کلیدی موفقیت است که در آن هیچ عاملی نادیده گرفته نشده و هم‌پوشانی‌ها نیز به حداقل رسیده باشد. هر بُعد به دنبال ارائه منطق نظری مستقلی برای

ریسک تأکید دارند. حوزه‌هایی مربوط به زیرساخت‌های اجتماعی مانند مسکن اجتماعی (۷ مورد) و آموزش و سلامت (۶ مورد) در سال‌های اخیر مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته‌اند؛ این پژوهش‌ها اغلب بر مشارکت ذی‌نفعان، ارزش‌های اجتماعی و رضایت کاربر نهایی به‌عنوان معیارهای نوین موفقیت پروژه مشارکت تأکید دارند.

مرحله دوم: تحلیل و مقایسه و تلفیق نتایج

پس از استخراج اولیه ۱۴۹۰ عامل کلیدی موفقیت از ۱۱۱ پژوهش منتخب، فرایند استخراج کلمات کلیدی داده‌ها، مقایسه شکلی و محتوایی و شناسه‌گذاری طی چند گام انجام شد و عوامل مشابه بر اساس اشتراک مفهومی در قالب شناسه‌های اولیه گروه‌بندی شدند. در این گام مشخص گردید در پژوهش‌های پیشین برخی از عوامل در سطح بسیار جزئی بیان شده‌اند مانند نظارت فنی، کیفیت ساخت و بهره‌برداری و زمان‌بندی و نیروی متخصص و برخی عوامل در سطح بسیار کلی مانند حکمرانی خوب و محیط سیاسی و اقتصادی پایدار. در گام بعدی، از طریق شناسه‌گذاری انجام‌شده و مقایسه محتوایی عوامل، شناسه‌های اولیه در قالب خوشه‌های موضوعی بزرگ‌تر تجمیع شدند؛ به‌گونه‌ای که هر خوشه نمایانگر یک هسته مفهومی نسبتاً متمایز و منسجم از مجموعه‌ای از عوامل کلیدی موفقیت باشد؛ در این گام، تعداد ۴۶ خوشه موضوعی اولیه تدوین شد.

در گام بعدی نگاشت ۱۴۹۰ عامل در ۴۶ خوشه موضوعی اولیه و مقایسه محتوایی مجدد انجام شد؛ با هدف بازنگری در خوشه‌بندی اولیه به‌نحوی که هر خوشه همچنان هسته مفهومی مشخصی داشته باشد و دربرگیرنده مجموعه‌ای از عوامل کلیدی موفقیت هم‌جنس و هم‌گرا باشد و به‌علاوه دارای سطح تفصیل منطقی (نه خیلی کلی و نه خیلی جزئی) باشد. با این رویکرد، خوشه‌های با همپوشانی مفهومی شناسایی شدند و با انجام فرایندهای تکراری بازنگری، ادغام و تفکیک، از میان ۱۴۹۰ عامل، تعداد ۶۸ عامل به دلیل کلی بودن یا تکرار بسیار کم حذف شده و در بازنگری خوشه‌بندی مورد استفاده قرار نگرفته است و نهایتاً بعد از انجام چهار مرتبه فرایند تکراری بازنگری، ۲۵ خوشه موضوعی به دست آمد که قادر به پوشش بخش عمده تنوع موجود در عوامل استخراج‌شده با حداقل همپوشانی مفهومی بود. تدوین ۲۵ خوشه بر اساس تقاطع و همگرایی ۱۴۹۰ عامل مستخرج از ۱۱۱ پژوهش معتبر جهانی که متضمن کثرت منابع و هم‌خوانی

تصویر ۴. فلوچارت فرایند تحلیل محتوا، کدگذاری و تلفیق یافته‌های پژوهش (مرحله دوم پژوهش)



۴. بُعد «مشارکت» با هدف تمرکز بر «حکمرانی رابطه» و «کیفیت رابطه» با پنج خوشه طراحی شده است و سعی بر آن دارد که درک عمیقی از ماهیت «مشارکتی» را نشان دهد که فراتر از روابط پیمانکاری متعارف است؛

۵. در چارچوب مفهومی، مفاهیم نوینی از جمله پایداری و اقتصاد چرخشی، تأکید بر ارزیابی چرخه عمر پروژه و مشروعیت اجتماعی تأکید شده است؛

۶. ماهیت بلندمدت و پُریسک قراردادهای مشارکت، باعث می‌شود نه تنها نیاز به متون و اسناد قراردادی مفصل برای توزیع و شفاف‌سازی نقش‌ها، مسئولیت‌ها و توزیع ریسک‌ها باشد، بلکه ضروری است به موضوع مدیریت نااطمینانی و نحوه مواجهه با شرایط پیش‌بینی نشده نیز پرداخته شود؛ این ضرورت در چارچوب مفهومی رعایت شده است؛

۷. چارچوب تنها به دنبال فهرست کردن عوامل و گروه‌بندی شکلی آن‌ها نیست، بلکه با دیدگاه ۳۶۰ درجه و پوشش چرخه کامل عمر پروژه سعی در ترسیم «نقشه راه راهبردی» دارد که در آن توجه هم‌زمانی به نیاز دولت (صرفه اقتصادی)، نیاز بخش خصوصی (سودآوری و امنیت) و نیاز جامعه (خدمات پایدار و تعرفه مناسب) وجود دارد و در نهایت منجر به ایجاد وضعیت «بُرد - بُرد - بُرد» خواهد شد؛ و از سوی دیگر

تبیین الزامات موفقیت پروژه مشارکت است؛ به ترتیب «کیفیت رابطه»، «مشروعیت اجتماعی»، «محیط توانمندساز»، «توانمندی بخش خصوصی»، «فرایندهای اجرایی»، «کیفیت و توجیه پروژه» و «ظرفیت بخش عمومی» است؛

۲. چارچوب مفهومی صرفاً به کنار هم گذاشتن موضوعات کلی اکتفا نکرده و از دیدگاه فرایندی نیز برخوردار است و قادر به پوشش کامل چرخه عمر پروژه از مرحله «انتخاب و آماده‌سازی پروژه» تا فاز «بهره‌برداری و انتقال» است؛

۳. چارچوب مفهومی توازن مناسبی بین معیارهای «سخت» و «نرم» برقرار کرده است؛ پروژه مشارکت صرفاً به عنوان «قرارداد فنی یا مالی» در نظر گرفته نشده و اهمیت رابطه بلندمدت طرفین و همچنین نقش ذی‌نفعان کلیدی نیز از طریق در نظر گرفتن معیارهای رفتاری، رابطه‌ای و اجتماعی لحاظ شده است. معیارهای سخت مانند توانمندی فنی و مالی، چارچوب قانونی و اقتصاد کلان و معیارهای نرم مانند همدلی و اعتماد، تعهد متقابل و حمایت اجتماعی در تدوین چارچوب مورد نظر بوده است. مطالعه پژوهش‌های پیشین نشان داد که بدون در نظر گرفتن عوامل رفتاری و رابطه‌ای، حتی بهترین قراردادهای مشارکت با منابع مالی در دسترس نیز ممکن است با شکست مواجه شوند؛

جدول ۴. چارچوب مفهومی جامع 7P: ابعاد هفت گانه و خوشه‌های موضوعی ۲۵ گانه عوامل موفقیت پروژه‌های مشارکت عمومی - خصوصی

ردیف بُعد	نام بُعد	ردیف خوشه	شناسه خوشه	نام خوشه موضوعی
۱	Partnership	۱	Pn01	توزیع شفاف و عادلانه ریسک و مسئولیت
		۲	Pn02	تعهد و مسئولیت‌پذیری متقابل و پاسخگویی
		۳	Pn03	اهداف چندمنفعی، شفاف و همسو برای تمامی ذی‌نفعان پروژه
		۴	Pn04	تعامل، هم‌روایی و مشارکت مستمر و سازنده با ذی‌نفعان
		۵	Pn05	همدلی، اعتماد و اقتدار مشترک و توازن قدرت بین طرفین مشارکت
۲	People	۶	Pp01	حمایت و رضایت اجتماعی و پذیرش افکار عمومی
		۷	Pp02	توان و تمایل مردم به پرداخت تعرفه‌ها
		۸	Pp03	به‌کارگیری ظرفیت‌های بومی و محلی
۳	Policy	۹	Pc01	چارچوب قانونی و مقرراتی مطلوب، شفاف و مدون
		۱۰	Pc02	ثبات سیاسی و مدیریتی و راهبری مستمر حاکمیت
		۱۱	Pc03	ثبات اقتصاد کلان و بلوغ بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری
۴	Private	۱۲	Pv01	توانمندی نهادی و مدیریتی طرف خصوصی و سوابق مرتبط
		۱۳	Pv02	توانمندی مالی و ساختار بهینه تأمین مالی
		۱۴	Pv03	توانمندی فنی، عملیاتی، تکنولوژی و مدیریت پروژه
۵	Process	۱۵	Pr01	فرایند مناقصه شفاف، رقابتی و غیرتبعیض‌آمیز
		۱۶	Pr02	مدیریت قرارداد و تغییرات، نظارت و پایش عملکرد و افشای اطلاعات
		۱۷	Pr03	تجدیدنظر در شرایط قراردادی و رویه‌های حل اختلاف و داوری
		۱۸	Pr04	فرایندهای اداری، رویه‌های تأیید و صدور مجوز و هماهنگی بین‌دستگاهی
		۱۹	Pr05	اسناد و ضوابط همسان فنی، اجرایی و قراردادی
۶	Project	۲۰	Pj01	مطالعات امکان‌سنجی و طرح کسب‌وکار جامع و دقیق
		۲۱	Pj02	مطالعات صرفه اقتصادی (VfM)
		۲۲	Pj03	پایداری زیست‌محیطی، ارزیابی چرخه عمر و رویکردهای اقتصاد چرخشی پروژه
۷	Public	۲۳	Pb01	نهادسازی، آموزش و واحد تخصصی مشارکت در دستگاه اجرایی
		۲۴	Pb02	تملک به‌موقع اراضی و اخذ مجوزهای لازم
		۲۵	Pb03	تضامین و حمایت‌های مالی دولت و مشوق‌های مالیاتی و گمرکی

هفت گانه و خوشه‌های موضوعی ۲۵ گانه عوامل کلیدی موفقیت در پروژه‌های مشارکت عمومی - خصوصی ارائه شده است؛ از آنجاکه تدوین چارچوب بر اساس بررسی ۱۴۹۰ عامل کلیدی موفقیت مستخرج از ۱۱۱ مقاله منتخب بوده است، در جدول ۵ تمامی عوامل (به‌غیر از ۶۸ عامل کلی و متفرقه) نگاشت‌شده به یکی از ۲۵ خوشه چارچوب به ترتیب فراوانی هر عامل زیرمجموعه خوشه نمایش داده شده است.

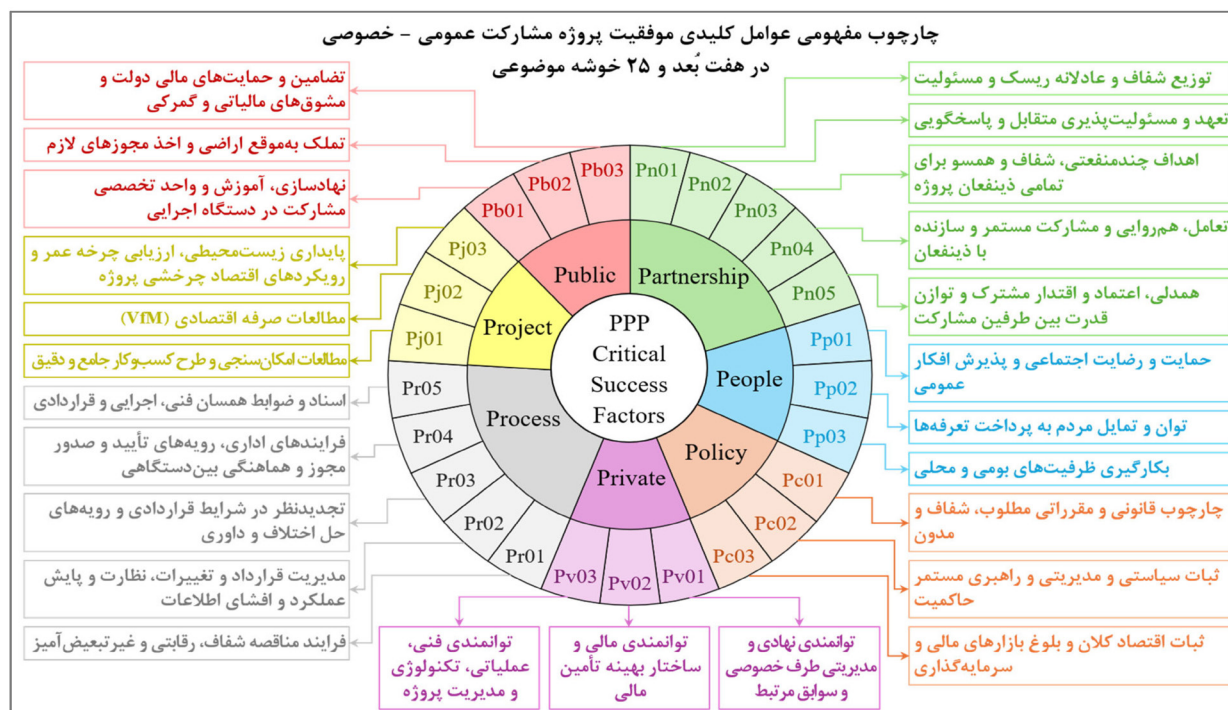
در ادامه ۱۰ خوشه اول با فراوانی بیشتر موردبررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. نکته قابل توجه این است که در ۱۰ خوشه اول، تمامی هفت بُعد چارچوب مفهومی حداقل یک بار وجود دارد که از یک سو، نشان‌دهنده اهمیت در نظر گرفتن ماهیت چندبُعدی چارچوب مفهومی موفقیت پروژه مشارکت است و از سوی دیگر، نشان‌دهنده مهم‌ترین خوشه(ها) در هر بُعد

نقشه راه از بسترسازی حاکمیتی آغاز شده، به آمادگی دستگاه اجرایی و نیازهای آماده‌سازی پروژه می‌رسد، سپس وارد مرحله تدارکات و اجرا و صلاحیت‌سنجی طرف خصوصی می‌شود و در نهایت با تمرکز بر مدیریت رابطه و مشروعیت اجتماعی تکمیل می‌شود. این ساختار سلسله‌مراتبی، به ذی‌نفعان مختلف اجازه می‌دهد در هر مرحله از پروژه (از پیدایش تا انتقال)، اولویت‌های راهبردی را شناسایی کنند؛

۸. بنابراین، برتری چارچوب این پژوهش نسبت به چارچوب‌های پژوهش‌های پیشین را می‌توان در «جامعیت و دیدگاه ۳۶۰ درجه»، «توازن میان ابعاد سخت و نرم»، «مشارکت مردم‌محور و مشروعیت اجتماعی»، «انطباق با پایداری و اقتصاد چرخشی»، «قابلیت استفاده به‌عنوان ابزاری برای ارزیابی و ترسیم مسیر بلوغ» خلاصه نمود.

در تصویر ۵ نمایش دیگری از چارچوب مفهومی جامع (7P) با ابعاد

تصویر ۵. ابعاد هفت گانه و خوشه‌های موضوعی ۲۵ گانه عوامل موفقیت پروژه‌های مشارکت عمومی - خصوصی



از چارچوب است.

بدون تبعیض، از یک سو، منجر به انتخاب «بهترین طرف مشارکت» از حیث فنی، مالی و حقوقی می‌شود و از سوی دیگر، شفافیت در این مرحله، از فساد و رانت جلوگیری کرده و اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب می‌کند. قرار گرفتن خوشه‌های «توانمندی فنی، عملیاتی، تکنولوژی و مدیریت پروژه» و «توانمندی نهادی و مدیریتی طرف خصوصی و سوابق مرتبط» در رتبه‌های چهارم و پنجم تداعی‌کننده یکی از مهم‌ترین دلایل استفاده از مشارکت عمومی - خصوصی است یعنی کارایی و بهره‌وری بالاتر بخش خصوصی نسبت به بخش عمومی. همچنین وقتی دولت علاقه‌مند به انتقال تکنولوژی و دانش و نوآوری از سوی بخش خصوصی در ضمن استفاده از مشارکت عمومی - خصوصی باشد، توانمندی فنی و مدیریتی طرف خصوصی می‌تواند این موضوع را تقویت نماید.

خوشه «مدیریت قرارداد و تغییرات، نظارت و پایش عملکرد و افشای اطلاعات» نشان‌دهنده اهمیت حکمرانی پس از عقد قرارداد است. از یک سو، با توجه به احتمال بروز تغییرات در شرایط اولیه، همواره نیاز به پایش عملکرد و شناسایی تغییرات مورد نیاز و پیش‌بینی پاسخ متناسب خواهد بود و لذا قرارداد صرفاً یک سند توافق بین طرفین نیست، بلکه باید فراهم‌کننده ساز و کاری پویا برای مدیریت همکاری بلندمدت بین طرفین باشد. از سوی دیگر، گردش اطلاعات پروژه نیز ابزاری برای نظارت عمومی و جلوگیری از انحرافات قراردادی در طول زمان است.

خوشه با عنوان «حمایت و رضایت اجتماعی و پذیرش افکار عمومی» در رتبه هفتم از نظر فراوانی قرار دارد؛ وجود پرتکرار مفهوم و عوامل زیرمجموعه این خوشه در پژوهش‌های اخیر نشان‌دهنده گذار از رویکرد صرفاً «فنی - مالی - حقوقی» در مشارکت عمومی - خصوصی به رویکرد «جامعه‌محور» است.^{۱۵} بدون مشروعیت اجتماعی، پروژه‌های مشارکت با مقاومت‌های مردمی و اعتراضات اجتماعی مواجه می‌شوند که حتی

خوشه با عنوان «مطالعات امکان‌سنجی و طرح کسب‌وکار جامع و دقیق» با ۱۳۳ عامل زیرمجموعه مانند «مطالعه امکان‌سنجی جامع با رویکرد توجیه‌پذیری تجاری»، «مزایای فنی، مالی، اقتصادی و اجتماعی»، «مطالعه مالی واقع‌بینانه»، «نرخ بازده داخلی» و «تحلیل مالی کامل» رتبه اول را به خود اختصاص داده است؛ این موضوع نشان می‌دهد موفقیت یا شکست پروژه مشارکت در نطفه آن (مرحله آماده‌سازی) رقم می‌خورد. به عبارت دیگر، اگر مطالعات فنی، مالی، حقوقی و بازار (برآورد تقاضا) دقیق نباشد، حتی وجود طرف خصوصی با توانمندی بالا، طرف عمومی متعهد، محیط سرمایه‌گذاری جذاب و فرایندهای شفاف نیز نمی‌تواند پروژه را از شکست نجات دهد. همه تصمیمات بعدی در مورد پروژه مشارکت بر پایه نتایج مطالعات امکان‌سنجی شکل می‌گیرد از جمله تصمیم‌گیری در رابطه با «انتخاب الگوی مشارکت»، «توجیه‌پذیری بانکی»، «جذابیت برای سرمایه‌گذار» و «نیاز به حمایت‌های مالی دولت».

در رتبه دوم، خوشه با عنوان «ثبات اقتصاد کلان و بلوغ بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری» قرار دارد با عواملی مانند «محیط سرمایه‌گذاری»، «بازار مالی در دسترس» و «ثبات نرخ ارز»؛ اهمیت این خوشه نشان‌دهنده حساسیت شدید پروژه‌های طولانی‌مدت مشارکت (۱۰ تا ۳۰ سال) به متغیرهای محیطی کشور میزبان است. تورم و نرخ ارز برای پیش‌بینی‌پذیر کردن جریان‌های نقدی پروژه حیاتی است. همچنین، وجود بازارهای مالی بالغ، تنها راه تأمین مالی بلندمدت و مقرون‌به‌صرفه برای طرف خصوصی است که بدون آن، توجیه مالی پروژه از بین خواهد رفت.

خوشه «فرایند مناقصه شفاف، رقابتی و غیرتبعیض‌آمیز» با رتبه سوم نشان می‌دهد که سلامت در نقطه ورود طرف خصوصی، تضمین‌کننده سلامت در چرخه عمر پروژه بعد از آن است. چراکه مناقصه رقابتی و

جدول ۵. توزیع فراوانی و رتبه‌بندی خوشه‌های موضوعی ۲۵ گانه حاصل از نگاشت ۱۴۲۲ عامل کلیدی موفقیت (CSFs)

شناسه خوشه	نام خوشه	تعداد عامل کلیدی موفقیت مستخرج از پژوهش‌های مرتبط با خوشه	تعداد پژوهش‌هایی که به تمام یا بخشی از خوشه اشاره کردند
Pj01	مطالعات امکان‌سنجی و طرح کسب‌وکار جامع و دقیق	۱۳۳	۸۱
Pc03	ثبات اقتصاد کلان و بلوغ بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری	۱۲۵	۶۱
Pr01	فرایند مناقصه شفاف، رقابتی و غیرتبعیض‌آمیز	۹۹	۶۴
Pv03	توانمندی فنی، عملیاتی، تکنولوژی و مدیریت پروژه	۹۹	۵۱
Pv01	توانمندی نهادی و مدیریتی طرف خصوصی و سوابق مرتبط	۹۳	۷۲
Pr02	مدیریت قرارداد و تغییرات، نظارت و پایش عملکرد و افشای اطلاعات	۷۹	۴۶
Pp01	حمایت و رضایت اجتماعی و پذیرش افکار عمومی	۷۶	۵۵
Pb01	نهادسازی، آموزش و واحد تخصصی مشارکت در دستگاه اجرایی	۷۳	۵۴
Pn01	توزیع شفاف و عادلانه ریسک و مسئولیت	۷۱	۶۵
Pc02	ثبات سیاسی و مدیریتی و راهبری مستمر حاکمیت	۷۰	۵۶
Pb03	تضامین و حمایت‌های مالی دولت و مشوق‌های مالیاتی و گمرکی	۶۸	۵۰
Pc01	چارچوب قانونی و مقرراتی مطلوب، شفاف و مدون	۶۷	۵۸
Pn05	همدلی، اعتماد و اقتدار مشترک و توازن قدرت بین طرفین مشارکت	۵۸	۴۵
Pj02	مطالعات صرفه اقتصادی (VfM)	۵۱	۴۶
Pn02	تعهد و مسئولیت‌پذیری متقابل و پاسخگویی	۳۶	۳۵
Pv02	توانمندی مالی و ساختار بهینه تأمین مالی	۳۳	۲۸
Pn04	تعامل، هم‌روایی و مشارکت مستمر و سازنده با ذی‌نفعان	۳۲	۲۶
Pn03	اهداف چندمنفعی، شفاف و همسو برای تمامی ذی‌نفعان پروژه	۳۲	۲۹
Pr05	استاد و ضوابط همسان فنی، اجرایی و قراردادی	۲۷	۲۱
Pr04	فرایندهای اداری، رویه‌های تأیید و صدور مجوز و هماهنگی بین‌دستگاهی	۲۶	۲۲
Pr03	تجدیدنظر در شرایط قراردادی و رویه‌های حل اختلاف و داوری	۲۰	۱۷
Pj03	پایداری زیست‌محیطی، ارزیابی چرخه عمر و رویکردهای اقتصاد چرخشی پروژه	۱۸	۱۴
Pp02	توان و تمایل مردم به پرداخت تعرفه‌ها	۱۶	۱۵
Pp03	به‌کارگیری ظرفیت‌های بومی و محلی	۱۴	۱۲
Pb02	تملک به‌موقع اراضی و اخذ مجوزهای لازم	۶	۶

مشارکت خواهد شد.

در رتبه دهم، خوشه «ثبات سیاسی و مدیریتی و راهبری مستمر حاکمیت» قرار دارد و تکرار عوامل مرتبط با این خوشه نشان‌دهنده نیاز مبرم پروژه‌های بلندمدت به «پیش‌بینی‌پذیری سیاسی» از سوی دولت است. از آنجا که پروژه‌های مشارکت عمومی-خصوصی بلندمدت هستند، سرمایه‌گذاران به‌شدت نسبت به تغییرات ناگهانی در سیاست‌های دولت یا تغییرات مدیریتی در دستگاه‌های اجرایی حساس هستند. وجود «اراده سیاسی مستمر» و «تعهد حاکمیت» به قراردادهای قبلی (حتی با تغییر دولت‌ها یا مدیران)، یکی از زمینه‌های مهم برای جلب سرمایه‌گذاران برای دوره طولانی مدت است.

در جدول ۶ تعریف خلاصه عملیاتی از هر خوشه و همچنین کلیدواژه‌های اصلی مورد استفاده در ۱۴۲۲ عامل کلیدی موفقیت مستخرج از ۱۱۱ مقاله ارائه شده است.

محدودیت‌های پژوهش

اگرچه این پژوهش بر مبنای مقالات پژوهشی منتشر شده در پایگاه‌های معتبر انجام شده است؛ با این حال ممکن است، یافته‌ها تحت تأثیر سوگیری

می‌تواند منجر به توقف کامل اجرای پروژه شود.

خوشه با رتبه هشتم تحت عنوان «نهادسازی، آموزش و واحد تخصصی مشارکت در دستگاه اجرایی» بر آمادگی سازمانی و بلوغ دولت و دستگاه‌های اجرایی تمرکز دارد و نشان می‌دهد که موفقیت مشارکت تنها یک موضوع قانونی نیست، بلکه نیازمند ظرفیت نهادی و اجرایی در هر دو طرف مشارکت (طرف عمومی و طرف خصوصی) است. از مهم‌ترین عوامل زیرمجموعه این خوشه می‌توان به ایجاد واحد مرکزی مشارکت قدرتمند در دستگاه اجرایی نام برد که به‌عنوان مرکز دانش و تسهیلگر برای پیشبرد فرایندها عمل کرده و از تکرار اشتباهات فنی و حقوقی جلوگیری می‌کند.

خوشه «توزیع شفاف و عادلانه ریسک و مسئولیت» با رتبه نهم را می‌توان هسته اصلی «حکمرانی رابطه‌ای» در مشارکت عمومی-خصوصی دانست؛ از آنجا که اصل بنیادین در مشارکت این است که هر ریسک باید به طرفی واگذار شود که بهترین توانایی برای مدیریت یا کاهش اثرات منفی آن را دارد، تخصیص غیرمنصفانه یا مبهم ریسک (مثلاً انتقال کامل ریسک‌های سیاسی به بخش خصوصی یا انتقال ریسک‌های تجاری به دولت) منجر به افزایش هزینه‌های تأمین مالی یا شکست زود هنگام قرارداد

جدول ۶. تعریف عملیاتی و کلیه واژه‌های اصلی خوشه‌های موضوعی ۲۵ گانه در چارچوب 7P

شناسه	نام خوشه	تعریف خلاصه خوشه	کلمات کلیدی استخراج شده از ۱۴۲۲ عامل
Pn01	توزیع شفاف و عادلانه ریسک و مسئولیت	شناسایی، ارزیابی و توزیع ریسک‌ها بین طرفین به گونه‌ای که هر ریسک به طرفی واگذار شود که بهترین توانایی مدیریت آن را دارد.	تخصیص ریسک، اشتراک ریسک، انتقال ریسک، بازتوزیع ریسک، اصول انتقال ریسک
Pn02	تعهد و مسئولیت‌پذیری متقابل و پاسخگویی	میزان پابندی اخلاقی و حقوقی طرفین به تعهدات قراردادی و پاسخگویی در قبال عملکرد خود در طول عمر پروژه	تعهد، مسئولیت‌پذیری، فداکاری، پاسخگویی، وفاداری طرفین، درک متقابل، پابندی به انتظارات
Pn03	اهداف چندمنفعتی، شفاف و همسو برای تمامی ذی‌نفعان پروژه	همسوسازی اهداف استراتژیک دولت، بخش خصوصی و کاربران برای ایجاد یک وضعیت برد-برد-برد و تأمین منافع تمامی ذی‌نفعان	توازن منافع، اهداف چندمنفعتی، منافع متقابل، اهداف مشترک، اهداف و مقاصد شفاف
Pn04	تعامل، هم‌روایی و مشارکت مستمر و سازنده با ذی‌نفعان	ایجاد سازوکارهای تعاملی مستمر و سیستماتیک با تمامی ذی‌نفعان برای دستیابی به اجماع و کاهش مقاومت‌ها	تعامل ذی‌نفعان، هم‌روایی، مشارکت ذی‌نفعان، ارتباط باز و مستمر، یکپارچگی ذی‌نفعان، هم‌افزایی
Pn05	همدلی، اعتماد و اقتدار مشترک و توازن قدرت بین طرفین مشارکت	ایجاد فضای اعتماد و احترام متقابل و توازن در قدرت تصمیم‌گیری برای جلوگیری از غلبه یک طرف بر طرف دیگر در طول رابطه مشارکتی	اعتماد، صداقت، اقتدار مشترک، توازن قدرت، فضای باز، سازش و توافق، حداقل
Pp01	حمایت و رضایت اجتماعی و پذیرش افکار عمومی	میزان پذیرش پروژه توسط افکار عمومی و حمایت جامعه محلی که ضامن پایداری اجتماعی پروژه است.	حمایت عمومی، پذیرش اجتماعی، رضایت جامعه، شناخت عمومی، کمپین‌های آگاهی‌بخش، افکار عمومی، شمول اجتماعی
Pp02	توان و تمایل مردم به پرداخت تعرفه‌ها	ارزیابی توان مالی و رغبت کاربران نهایی برای پرداخت هزینه‌های استفاده از خدمات پروژه (تعرفه‌ها)	تعرفه و عوارض، توان پرداخت، درآمد ساکنان، قیمت منطقی خدمات
Pp03	به کارگیری ظرفیت‌های بومی و محلی	استفاده از توانمندی‌های محلی، اشتغال‌زایی برای بومیان و تقویت زنجیره تأمین داخلی در منطقه اجرای پروژه	ظرفیت بومی، تکنولوژی بومی، توسعه اقتصادی محلی، استخدام نیروی کار محلی، زنجیره تأمین داخلی
Pc01	چارچوب قانونی و مقرراتی مطلوب، شفاف و مدون	وجود قوانین پایدار، شفاف و اختصاصی که حقوق و تکالیف طرفین را به‌وضوح تعریف کرده و امنیت سرمایه را تضمین کند.	چارچوب قانونی، مقررات بخش عمومی، قانون خاص مشارکت، نظام قضایی مستقل، محیط قانونی، حقوق مالکیت، مبانی قانونی منسجم،
Pc02	ثبات سیاستی و مدیریتی و راهبری مستمر حاکمیت	میزان ثبات در سیاست‌های کلان دولت و تعهد راهبری حاکمیت به تداوم پروژه‌های مشارکت حتی با تغییر دولت‌ها	ثبات سیاسی، اراده سیاسی، راهبری دولت، تعهد حاکمیت، تداوم سیاست‌ها، امنیت و ثبات، حمایت سیاسی قوی
Pc03	ثبات اقتصاد کلان و بلوغ بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری	پایداری شاخص‌های اقتصادی کلان نظیر تورم و نرخ ارز و وجود بازارهای مالی بالغ برای تأمین مالی بلندمدت	اقتصاد کلان، بازار مالی و سرمایه، ثبات نرخ ارز، نرخ بهره، انضباط مالی، نرخ تورم، محیط سرمایه‌گذاری، ارزش بازار سهام، دسترسی به بازار مالی، وام‌های مقرون به صرفه
Pv01	توانمندی نهادی و مدیریتی طرف خصوصی و سوابق مرتبط	صلاحیت‌های مدیریتی، سوابق مشابه و توانمندی نهادی کسرسیم خصوصی برای راهبری پروژه‌های پیچیده	شایستگی طرف خصوصی، سوابق مرتبط، صلاحیت مدیریتی، اعتبار شرکت، تجربه مشارکت، پرسنل ماهر و باتجربه
Pv02	توانمندی مالی و ساختار بهینه تأمین مالی	قدرت نقدینگی، توان جذب سرمایه و ساختار بهینه بدهی به حقوق صاحبان سهام در طرف خصوصی	توانمندی مالی، ساختار سرمایه، جذب وام، بسته مالی قابل‌اطمینان، ظرفیت سرمایه‌گذاری و تأمین مالی،
Pv03	توانمندی فنی، عملیاتی، تکنولوژی و مدیریت پروژه	دانش فنی تخصصی، دسترسی به تکنولوژی‌های روز و مهارت در مدیریت زمان، هزینه و کیفیت پروژه	توان فنی، انتقال تکنولوژی، نوآوری، مدیریت پروژه، کنترل کیفیت، تحویل پروژه، طراحی، ساخت، بهره‌برداری، ایمنی و بهداشت، مدیریت زنجیره تأمین، زمان‌بندی، اثربخشی هزینه
Pr01	فرایند مناقصه شفاف، رقابتی و غیر تبعیض‌آمیز	فرایند انتخاب شریک خصوصی به صورت عادلانه، رقابتی و بدون رانت در بستری شفاف	مناقصه رقابتی، تدارکات شفاف، عدم تبعیض، انتخاب منصفانه، شفافیت مناقصه، تیم ارزیابی منصف، فسادستیزی، توانایی مذاکره دولت، معیارهای شفاف ارزیابی
Pr02	مدیریت قرارداد و تغییرات، نظارت و پایش عملکرد و افشای اطلاعات	استقرار سیستم‌های نظارتی، پایش شاخص‌های عملکردی و افشای عمومی اطلاعات برای ارتقای پاسخگویی	نظارت، ارزیابی عملکرد، افشای اطلاعات، مدیریت قرارداد، مدیریت تغییرات، بازخورد، تشویق و تنبیه، کنترل سنجیده دولت، تعهد به شفافیت مالی
Pr03	تجدیدنظر در شرایط قراردادی و رویه‌های حل اختلاف و داوری	وجود مکانیسم‌های منعطف برای تعدیل قرارداد در شرایط تغییر محیطی و روش‌های حل اختلاف سریع و منصفانه	حل اختلاف، داوری، میانجی‌گری، تجدیدنظر قراردادی، بازنگری در قرارداد، ناب‌آوری قراردادی، انطباق‌پذیری، پویایی قرارداد، رویدادهای نوظهور، شرایط سرمایه‌گذاری مجدد
Pr04	فرایندهای اداری، رویه‌های تأیید و صدور مجوز و هماهنگی بین‌دستگاهی	ساده‌سازی جریان‌های اداری، هماهنگی بین سازمان‌های مختلف و تسهیل در صدور مجوزها برای جلوگیری از تأخیر	هماهنگی بین‌دستگاهی، بوروکراسی، مجوزها، تسهیل‌گری اداری، تأییدات دولتی، تسریع در تأییدیه‌ها و مجوزها
Pr05	اسناد و ضوابط همسان فنی، اجرایی و قراردادی	استفاده از الگوها و استانداردهای یکسان در تهیه اسناد فنی و قراردادی برای کاهش هزینه‌های مبادله	اسناد همسان، استانداردهای قراردادی، قراردادهای تیپ، دستورالعمل استاندارد، کمال قراردادی، قرارداد طراحی و ساخت، اجتناب از زبان و تفاسیر مبهم در قرارداد، توافق‌نامه محکم و شفاف
Pj01	مطالعات امکان‌سنجی و طرح کسب و کار جامع و دقیق	انجام مطالعات دقیق بازار، فنی و مالی پیش از شروع پروژه برای اطمینان از قابلیت اجرایی آن	امکان‌سنجی، طرح کسب و کار، برآورد تقاضا، محدوده پروژه، مطالعات جامع، نرخ بازدهی، تحلیل مالی، آماده‌سازی، سودآوری، توجیه‌پذیری بانکی، پایداری جریان نقدی، انطباق با اهداف استراتژیک دولت
Pj02	مطالعات صرفه اقتصادی (VfM)	اثبات اینکه اجرای پروژه به روش مشارکت نسبت به روش متعارف پیمانکاری دارای صرفه اقتصادی و کارایی بیشتری است.	صرفه اقتصادی، تحلیل هزینه - فایده، توجیه اقتصادی، انتخاب درست پروژه، ارزیابی جامع و واقع‌بینانه هزینه و منافع، تحلیل مقایسه‌ای جامع، VfM
Pj03	پایداری زیست‌محیطی، ارزیابی چرخه عمر و رویکردهای اقتصاد چرخشی پروژه	انطباق پروژه با الزامات زیست‌محیطی، مدیریت پسماند و بهینه‌سازی مصرف منابع در طول چرخه عمر	پایداری، اقتصاد چرخشی، تکنولوژی سبز، ارزیابی چرخه عمر، اثرات زیست‌محیطی، بهره‌وری انرژی، اولویت‌بندی استفاده بهینه و حفاظت از منابع، شیوه‌های زیرساخت سبز و قابل بازیافت
Pb01	نهادسازی، آموزش و واحد تخصصی مشارکت در دستگاه اجرایی	ایجاد نهادهای تخصصی و آموزش پرسنل دولت برای مدیریت حرفه‌ای فرآیندهای پیچیده مشارکت	واحد مشارکت، ظرفیت‌سازی، آموزش پرسنل، تقویت نهادی، دانش مشارکت، استخدام مشاوران حرفه‌ای، محیط نهادی قوی، آمادگی نهادی عمومی
Pb02	تملک به‌موقع اراضی و اخذ مجوزهای لازم	مسئولیت دولت در تملک اراضی موردنیاز و رفع معارضین پیش از واگذاری پروژه به بخش خصوصی	تملک زمین، اراضی، اسکان مجدد، جبران خسارت، معارضین اراضی
Pb03	تضامین و حمایت‌های مالی دولت و مشوق‌های مالیاتی و گمرکی	ارائه ابزارهای حمایتی نظیر ضمانت خرید، مشوق‌های مالیاتی و کمک‌های بلاعوض برای کاهش ریسک سرمایه‌گذار	تضامین دولتی، مشوق‌های مالیاتی و گمرکی، کمک‌های بلاعوض، ضمانت ترافیک، حمایت مالی دولت، حداکثرسازی اهرم دولتی، مشارکت دولت با ارائه تضامین، بودجه دولتی برای توجیه‌پذیری و پایداری مالی

پژوهش پیشین منتخب با موضوع عوامل کلیدی موفقیت پروژه مشارکت عمومی - خصوصی اقدام گردید و با تحلیل و ارزیابی ۱۴۹۰ عامل منفرد مستخرج از پژوهش‌های یادشده، مشخص گردید موفقیت مشارکت عمومی - خصوصی پدیده چندبعدی است و فقط تابع عوامل فنی، مالی و حقوقی نیست بلکه حاصل تعامل عوامل محیطی، عوامل نهادی، عوامل رابطه‌ای، عوامل اجتماعی و عوامل اجرایی است. در این پژوهش از طریق روش‌های تحلیل محتوا، شناسه‌گذاری و تلفیق مفهومی عوامل، خوشه‌بندی موضوعی اولیه به دست آمد و طی تکرار فرایند نگاشت عوامل به خوشه‌های موضوعی و بازنگری و تدقیق خوشه‌های موضوعی، نهایتاً به چارچوبی جامع و ۳۶۰ درجه در قالب هفت بُعد و ۲۵ خوشه موضوعی برای معرفی و ارزیابی موفقیت در پروژه مشارکت عمومی - خصوصی منتج گردید. چارچوب تدوین‌شده علاوه بر برخورداری از جامعیت بیشتر نسبت به اغلب چارچوب‌های پژوهش‌های پیشین، با معرفی بُعد مستقل «مشارکت» و تفکیک روشن میان محیط نهادی، ظرفیت دولت، توانمندی بخش خصوصی و فرایندهای اجرایی، امکان درک عمیق‌تر ماهیت چندبعدی موفقیت در پروژه‌های مشارکت را فراهم می‌سازد.

چارچوب تدوین‌شده قادر است درکی همه‌جانبه از الزامات و پیش‌نیازها برای حرکت به سمت اجرای موفق پروژه‌های مشارکت عمومی - خصوصی ارائه دهد و در عین حال، در هر سطح و مرحله و از دیدگاه‌های مختلف به‌طور مستقل نیز قابل استفاده و کاربردی است؛ به عنوان مثال، نقش دولت و قانون‌گذار برای تقویت محیط نهادی و سیاست‌گذاری مشخص است؛ یا ظرفیت‌هایی که دستگاه اجرایی باید در خود تقویت کند به‌طور روشن مشخص شده است؛ یا اگر بخش خصوصی علاقه‌مند به فعالیت در پروژه‌های مشارکت باشد، قادر است توانمندی‌های خود را ارزیابی نموده و برای افزایش آن برنامه‌ریزی نماید. به عبارت دیگر، چارچوب تدوین‌شده در این پژوهش «اسکلت» و «نقشه راه راهبردی» به جای فهرست‌های طولانی و ناهمگن از عوامل کلیدی موفقیت ارائه داده است.

انتشار قرار داشته باشند. به بیان دیگر، تجربیات ناموفق، گزارش‌های سازمانی، اسناد دولتی و دانش تجربی خبرگان حاصل از اجرای پروژه‌های مشارکت عمومی - خصوصی نیز ممکن است در تدقیق چارچوب قابل کاربرد باشد اما موارد فوق در این پژوهش مورد استفاده قرار نگرفته است. از سوی دیگر، چارچوب جامع از ماحصل تلفیق نتایج پژوهش‌های مورد بررسی از کشورها، نظام‌های حقوقی، سطوح توسعه اقتصادی و بخش‌های زیرساختی استخراج شده و لذا چارچوب ماهیتی عمومی دارد و ممکن است اهمیت نسبی برخی خوشه‌ها در کشورهای در حال توسعه، کشورهای توسعه‌یافته یا بخش‌های مختلف زیرساختی متفاوت باشد.

پیشنهادهای پژوهش‌های آتی

۱. با هدف رفع محدودیت‌های فوق و همچنین بومی کردن چارچوب جامع برای کشور ایران، با مراجعه به اسناد و مدارک مرتبط با تجارب مشارکت عمومی - خصوصی در کشور و مصاحبه و اخذ نظرات از صاحب‌نظران و عوامل دست‌اندرکار، چارچوب بومی برای ایران و دارای اولویت‌بندی در خوشه‌ها تدوین شود؛
۲. اعتبارسنجی چارچوب جامع تدوین‌شده این پژوهش با استفاده از داده‌های تجربی و مطالعات موردی؛
۳. وزن‌دهی به خوشه‌ها و مقایسه اهمیت نسبی ۲۵ خوشه موضوعی در حوزه‌های زیرساختی مختلف با استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره؛
۴. تحلیل روابط میان ابعاد و خوشه‌های موضوعی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری
۵. کمی کردن چارچوب با تدوین معیارها و شاخص‌های کمی برای هر خوشه‌بندی موضوعی و تبیین نحوه محاسبه هر معیار و شاخص.

نتیجه‌گیری

برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، نسبت به بررسی عمیق تعداد ۱۱۱

پی‌نوشت‌ها

1. Public-Private Partnership (PPP).
2. Project Procurement.
3. Infrastructure.
4. Public Service.
5. Critical Success Factors (CSFs).
6. Systematic Literature Review (SLR).
7. Narrative Analysis.
8. SJR: Scientific Journal Rankings.
9. <https://impactfactor.ir>
10. World Bank.
11. Aljaber.
12. Rockart.
13. Internal Validation.
14. Triangulation.
۱۵. به عنوان مثال، مفهوم *People-First PPPs* (PFPs) که توسط بانک جهانی معرفی شده است و بیان می‌کند که از بین تمام ذی‌نفعان پروژه، مردم باید در اولویت اول و ذی‌نفع اصلی باشند.

References

- Ahmad Shah, M., Kumar, S., Shah, M. A., & Rasool, A. (2023). Examining the relationship among critical success factors (CSFs) for delivery of sustainable public-private partnership projects. *Journal of Financial Management of Property and Construction*, 29(2), 250–273. <https://doi.org/10.1108/JFMPC-12-2022-0064>
- Al Saadi, R., Abdou, A., & Alkass, S. (2024). Quantitative Analysis of Critical Success Factors in the Development of Public-Private Part-

- nership (PPP) Project Briefs in the United Arab Emirates. *Buildings*, 14(12), 4067. <https://doi.org/10.3390/buildings14124067>
- Aljaber, K., Sohail, M., & Ruikar, K. (2024). Critical Success Factors of Water and Power Public-Private Partnerships in Developing Countries: A Systematic Review. *Buildings*, 14(6), Article 6. <https://doi.org/10.3390/buildings14061603>
- Almarri, K., & Boussabaine, H. (2023). Critical success factors for public-private partnerships in smart city infrastructure projects. *Construction Innovation, ahead-of-print* (ahead-of-print). <https://doi.org/10.1108/CI-04-2022-0072>
- Alqahtani, F. K., Al-Jadhai, S., Alromihy, H., Alsaud, M., Sherif, M., & Mohamed, A. G. (2024). Appraising critical success factors in sustainable housing projects: A comparative study of PPP modalities in Saudi Arabia. *Heliyon*, 10(12). <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e32854>
- Alshahrani, A., Alaboud, N., Ahmed, Y., Karban, A., Majrashi, A. A., & Altowerqi, Z. (2023). Critical success factor of PPP for affordable housing provision in Makkah, Saudi Arabia. *Journal of Umm Al-Qura University for Engineering and Architecture*, 14(1), 36–44. <https://doi.org/10.1007/s43995-023-00012-6>
- Berisha, A., Kruja, A., & Hysa, E. (2022). Perspective of Critical Factors toward Successful Public-Private Partnerships for Emerging Econ-

- omies. *Administrative Sciences*, 12(4), 160. <https://doi.org/10.3390/admsci12040160>
- Chaffin, C., Maywald, J., Reiman, A., & Glassburner, A. (2024). Systematic Review of Supply Chain Control Tower Critical Success Factors and Resilience Effects. *Operations and Supply Chain Management: An International Journal*, 17(3), 236–251. <https://doi.org/10.31387/oscm0580439>
- Dalei, N., Chourasia, A. S., & Jha, K. (2024). Assessment of critical success factors for PPP airports using the AHP. *International Journal of Critical Infrastructures*, 20(3), 10062163. <https://doi.org/10.1504/IJCIS.2024.10062163>
- Deinde-Adedeji, O., Nchuchuwe, F., Abasilim, U., Gbervbie, D., & Oni, S. (2024). Navigating Public-Private Partnership success: A cross-country study of key factors in Nigeria and South Africa. *Politics & Policy*, 52(5), 1081–1100. <https://doi.org/10.1111/polp.12628>
- Dobbins, J. H., & Donnelly, R. G. (2004, July 14). *Critical Factor Analysis for Technology Acquisition Managing Programs*. PMI® Research Conference: Innovations. <https://www.pmi.org/learning/library/critical-factor-analysis-technology-managing-programs-8336>
- Durna, E., Özorhon, B., & Caglayan, S. (2024). Identifying Critical Success Factors of Public Private Partnership Projects in Türkiye. *Sakarya University Journal of Science*, 28(1), 30–50. <https://doi.org/10.16984/soaufenbilder.1334483>
- Fauzan, M., Kuswanto, H., & Utomo, C. (2023). Implementing Toll Road Infrastructure Financing in Indonesia: Critical Success Factors from the Perspective of Toll Road Companies. *International Journal of Financial Studies*, 11(4), 135. <https://doi.org/10.3390/ijfs11040135>
- Jafari Ramiani, A., Sarvari, H., Chan, D. W. M., Nassereddine, H., & Lotfata, A. (2022). Critical success factors for private sector participation in accomplishing abandoned public sports facilities projects in Iran. *International Journal of Construction Management*, 24(6), 586–600. <https://doi.org/10.1080/15623599.2022.2147647>
- Krishnaraj, R., Subbaiyan, A., Viswanathan, R., & Velusamy, S. (2024). Analyzing key success factors in public-private partnership BOT projects: An empirical study on financing influences, insights, and analysis in construction management. *Matéria (Rio de Janeiro)*, 29(2), e20240140. <https://doi.org/10.1590/1517-7076-rmat-2024-0140>
- Kukah, A. S. K., Owusu-Manu, D.-G., Badu, E., Edwards, D. J., & Asamoah, E. (2023). Modelling critical success factors (CSFs) for Ghanaian public-private partnership (PPP) power projects using fuzzy synthetic evaluation (FSE). *Journal of Facilities Management*, 23(1), 71–97. <https://doi.org/10.1108/JFM-08-2022-0096>
- Le, H., Huynh, N. M., Le, A.-T., & Le-Hoai, L. (2025). Development of urban wastewater treatment: Success factors and benefits of public-private partnership (PPP) plants in major cities of Vietnam. *Smart and Sustainable Built Environment*. <https://doi.org/10.1108/SAS-BE-12-2024-0553>
- Mannan, Z., Ahmed, F., & Uddin, Md. M. (2024). Critical Success Factors of Public-Private Partnership (PPP) Implementation: A Study in Bangladesh. *Review of Business and Economics Studies*, 12(2), 28–41. <https://doi.org/10.26794/2308-944X-2024-12-2-28-41>
- Mugarura, J. T., Turyakira, P. K., Kakumba, U., Mwesigwa, R., Mugabe, N., & Alioni, C. (2025). Optimizing public-private partnerships in Uganda's tourism sector: Critical success factors and best practices for sustainable project outcomes. *IIMBG Journal of Sustainable Business and Innovation*. <https://doi.org/10.1108/IJSBI-08-2024-0038>
- Ojiako, U., Chipulu, M., Almeile, A. M., Ika, L., Bashir, H., Marshall, A., & AlRaesi, E. J. H. (2023). Variations in critical success factors of PPP-procured construction projects over lifecycle phases. *Production Planning & Control*, 36(5), 671–698. <https://doi.org/10.1080/09537287.2023.2294310>
- Osei-Kyei, R., Narbaev, T., Atafo-Adabre, M., Chileshe, N., & Ofori-Kuragu, J. K. (2022). Critical success criteria for retirement village public – private partnership housing. *Construction Innovation*, 23(5), 1018–1037. <https://doi.org/10.1108/CI-11-2021-0206>
- Othman, K., & Khallaf, R. (2022). Identification of the Barriers and Key Success Factors for Renewable Energy Public-Private Partnership Projects: A Continental Analysis. *Buildings*, 12(10), 1511. <https://doi.org/10.3390/buildings12101511>
- Özcan, İ. Ç. (2025). Critical success factors for transport PPP projects – A multinational assessment from the Islamic countries. *Research in Transportation Business & Management*, 59, 101304. <https://doi.org/10.1016/j.rtbm.2025.101304>
- Plan and Budget Organization. (2023). Guideline for Selection of Public-Private Partnership Modalities (Publication No. 874) [Rahnamay-e entekhab-e olguy-e mosharekat-e omumi - khususi (Nashriyeh shomareh 874)]. Plan and Budget Organization. <https://samarmporg.ir/sites/publish/SitePages/ZabetchView.aspx?mdid=5839> (In Persian)
- Rakpanitmanee, S., & Pathranarakul, P. (2023). The Critical Success Factors of Public-Private-People Partnerships (Pppps) for Efficient and Sustainable Infrastructure Development in Thailand. *ASEAN Engineering Journal*, 13(1), 125–136. <https://doi.org/10.11113/aej.v13.18456>
- Tipu, W. A., Mughal, Y. H., Kundi, G. M., Nair, K. S., & Thurasamy, R. (2024). Enhancing the Sustainable Performance of Public-Private Partnership Projects: The Buffering Effect of Environmental Uncertainty. *Buildings*, 14(12), 3879. <https://doi.org/10.3390/buildings14123879>
- Toan, N. Q., & Hai, D. T. (2023). Assessment of factors influencing on the success of public-private partnerships infrastructure projects in Vietnam. *Archives of Civil Engineering*, 69(No 1), 343–365. <https://doi.org/10.24425/ace.2023.144177>
- Vale De Paula, P., Cunha Marques, R., & Gonçalves, J. M. (2024). Critical Success Factors for Public-Private Partnerships in Urban Regeneration Projects. *Infrastructures*, 9(11), 195. <https://doi.org/10.3390/infrastructures9110195>
- Yang, J., Thuc, L. D., & Kim, S. Y. (2024). Critical Success Factors of Public-Private Partnership Infrastructure Projects from a Middle-Income Country: A Comparison with Countries in Asia. *Journal of Urban Planning and Development*, 150(3), 05024023. <https://doi.org/10.1061/JUPDDM.UPENG-4549>
- سازمان برنامه‌بودجه کشور. (۱۴۰۲). راهنمای انتخاب الگوی مشارکت عمومی-خصوصی (نشریه شماره ۸۷۴). سازمان برنامه‌بودجه کشور.

The Category of Architecture in Private Documents of the Qājār Period: A Structural Semantic Analysis*

Abstract

Private documents, as linguistic representations, embody part of people's lived experience and also contain elements of historical concepts. These documents have received far less attention from scholars of Iranian architectural history than official, royal, chancery, and similar documentary sources, largely because documents of everyday life seldom refer to monumental buildings or enduring urban complexes. Moreover, historical documents are most often consulted in architectural studies for the purpose of constructing historical narratives, whereas their linguistic features contain forms of architectural knowledge that are not narrative in nature. Overall, the aim of previous studies has not been to understand the process through which a mental concept is transformed into a linguistic reality, nor have these studies considered language in terms of its units and structures as part of their research process. None of these studies has sought to examine how architectural categories are understood, organized, and constructed in documents, or to demonstrate how such conceptual structures can represent part of society's understanding of architectural categories. The present study aims to identify the linguistic structure underlying the understanding and representation of the category of architecture in Qājār-period documents. To this end, it employs concepts from structural semantics and subsequently interprets the findings in light of conceptual history. The study addresses two questions: How do these documents approach the category of architecture from the perspective of structural semantics? What new insights do they provide into the popular understanding of the category of architecture during the Qājār period? The research adopts a qualitative approach with content analysis method. A corpus of seventy-six private documents related to Shiraz during the Qājār period was examined in the archives of the National Library and Archives of Iran and the Women's Worlds in Qājār Iran Digital Archives. In the first stage, all documents were examined in their entirety. The words related to the category of architecture were then extracted from the content component of each document as the primary data. Since the objective was to identify the relationships among words, their frequency of occurrence was not considered a criterion for analysis. In the next stage, five principal categories were identified within the documents. By determining the position of the elements of each category along the syntagmatic axis and their alternatives along the associative axis, it became possible to examine the relationships among these elements on the basis of concepts drawn from structural semantics. To reconstruct the concept of the category of architecture, this study draws upon a network of concepts and lexical items that appear in the documents around the subject of the building. This network is the product of syntagmatic and associative (paradigmatic) axes arising from the positions occupied by these concepts and lexical items. This section is referred to as the synchronic reconstruction of the conceptual structure of the category of architecture, which serves as a substitute for the semantic field in conventional approaches to conceptual history. Since the majority of the documents examined in this study date from the final decades of the Qājār period, the saddle period, understood here as the interval between the Qājār period and the present, serves as the temporal horizon. This section of the study adopts a diachronic

Received: 17 Apr 2026

Received in revised form: 10 Jun 2026

Accepted: 22 Jun 2026

Ali Asadpour 

Associate Professor, Department of Iranian Architecture Studies, Faculty of Architecture and Restoration, Shiraz University of Arts, Shiraz, Iran.

E-mail: asadpour@shirazartu.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.412900.673180>

approach. The analysis revealed a process of the establishment and determination of the category of architecture, comprising: (1) establishment, (2) individuation, (3) attribution, (4) determination, and the identification of associated attributes. These findings were interpreted through two dimensions—establishment and determination—which demonstrate: the primacy of space over the building; the construction of the category of house on the basis of divided and undivided property (shaped by exchange value and the divisibility of the building); the definition of a building's limits through adjacent properties and a site-oriented perspective (based on an individual's position within the building); the attribution of buildings to persons and to the city; and the naming of buildings according to their attributes or characteristics. The status of space vis-à-vis the building, as reflected in the tripartite distinction among “land,” “building,” and “space” in Qājār architectural knowledge, no longer exists today. The determination of a building's boundaries through adjacency, based on a topological understanding that takes the individual's position within the building as its point of departure and relies on the sun's movement and the direction of the qibla for orientation, represents another conception of the determinative domain of the architectural category. Thus, understanding the architectural category through the documents reveals complex layers involving people, the city, and other buildings, which differ from the contemporary understanding of the building as a whole or as a legal and artistic entity. This study focuses exclusively on Shiraz and the Qājār period. It is hoped that future researchers will examine the category of architecture in documents from other periods and geographical regions of Iran, thereby contributing to a fuller understanding of what is referred to as Iranian architecture and its history.

Keywords: architecture, conceptual history, document, Qajars, semantics

Citation: Asadpour, Ali (2026). The category of architecture in private documents of the Qājār period: a structural semantic analysis, *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 31(2), 45-60. (In Persian)



© Authors retain full copyright and publishing rights.

Publisher: University of Tehran Press.

*This article was supported financially by the Iran National Science Foundation (INSF) and was conducted within the framework of Research Project No. 4045373.

مقوله معماری در اسناد مردمی دوره قاجار: تحلیلی مبتنی بر معنی‌شناسی ساخت‌گرا*

چکیده

اسناد مردمی به عنوان بازنمودهایی زبان شناختی، حامل بخشی از تجربه زیسته مردم هستند و پاره‌ای از مفاهیم تاریخی را نیز در خود جای داده‌اند. هدف پژوهش کنونی استخراج ساختار زبانی فهم و بازنمایی مقوله معماری در این دسته از اسناد است. این کار با استفاده از مفاهیم

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۱/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

علی اسدپور: دانشیار گروه مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری و مرمت، دانشگاه هنر شیراز، شیراز، ایران.
E-mail: asadpour@shirazartu.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.412900.673180>

معنی‌شناسی ساخت‌گرا انجام شده و سپس با الهام از تاریخ مفهوم خصوصیات آن تبیین شده است. پرسش اصلی این است که ساختار زبانی مواجهه اسناد مردمی روزگار قاجار با مقوله معماری چه معرفت تازه‌ای در خود دارد؟ رویکرد این پژوهش، کیفی و مبتنی بر روش تحلیل محتوا است؛ بدین منظور، ۷۶ سند مردمی مرتبط با شهر شیراز در دوره قاجار (موجود در آرشیوهای سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و دنیای زنان عصر قاجار) بازخوانی و تحلیل شدند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که «فرآیند تأسیس و تعین مقوله معماری» در ذهنیت قاجاری، الگویی پنج‌گانه شامل تأسیس، تشخیص، تعلّق، تعین و احصای متعلقات دارد. یافته‌ها در دو ساحت تأسیسی و تعینی تبیین شدند که نشان‌دهنده «شأنیت فضا در مقابل عمارت»، «ساخت مقوله خانه بر پایه مفروز و غیرمفروز» (متأثر از ارزش مبادله‌ای و قابلیت بخش‌پذیری بنا)، «تعین حدود بنا بر پایه هم‌جواری‌ها و نگاه موضع‌شناسانه» (بر پایه موقعیت فرد در بنا)، «تعلّق بنا به شخص و شهر» و «نامیدن آن به صفات یا ویژگی‌ها» هستند.

واژه‌های کلیدی: تاریخ مفهوم، سند، قاجاریان، معماری، معنی‌شناسی

استناد: اسدپور، علی. (۱۴۰۵). مقوله معماری در اسناد مردمی دوره قاجار: تحلیلی مبتنی بر معنی‌شناسی ساخت‌گرا. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۳۱(۲).

۶۰-۴۵

مقدمه

اگر سند را هر نوع نوشته خطی بدانیم که حاوی محتوای مادی باشد (حسن‌آبادی، ۱۴۰۲، ۵)، اوراق زندگی روزمره، داده‌هایی مادی درباره زندگی جاری و حوائج روزانه مردم عادی به دست می‌دهند. این اسناد کمتر از نمونه‌های دیوانی، سلطانی، منشآت و نظایر آن مورد توجه پژوهشگران تاریخ معماری ایران بوده‌اند؛ چراکه اسناد زندگی روزمره در بیشتر موارد به بنا یا ارسن شهری فاخر یا ماندگاری ارجاع نمی‌دهند. از طرف دیگر، مراجعه به سند تاریخی در مطالعات معماری بیشتر اوقات باهدف خلق روایت صورت می‌پذیرد، درحالی که جنبه‌های زبان‌شناسانه اسناد واجد معرفت‌های معماری غیر روایی^۱ هستند که با تحلیل‌های معنی‌شناسی قابل مطالعه است. آن‌ها نماینده زبان فنی-حقوقی و نمودی از فهم معماریانه مردم دوره خود به شمار می‌روند و می‌توانند موضوع مطالعه تاریخ مفهوم^۲ نیز باشند. از آنجا که تمامی دسته‌بندی‌های موجود در زمینه اسناد تاریخی، جنبه اعتباری دارند^۳ و هنوز دسته‌بندی جامعی دیده نمی‌شود، در این پژوهش به اوراق زندگی روزمره، با توجه به نگرش، هدف و رویه پژوهش، «اسناد مردمی» اطلاق شده است. این اسناد شامل میایعه‌نامه‌ها، اجاره‌نامه‌ها، صلح‌نامه‌ها، وقف‌نامه‌ها و جز آن می‌باشند. در این اسناد بیشترین داده‌های معماری در بخش موسوم به «معامله» یا «عین مستأجره» یا «مشخصات مبیع» دیده می‌شود، ولی پژوهشگران اغلب از شناخت تفصیلی آن خودداری نموده‌اند. به عنوان نمونه، کریستوف ورنر^۴ (۱۳۹۶/۲۰۰۳، ۶۱) از این بخش به «برگه نمایه» یاد کرده و بر این باور است که در بیشتر موارد، توصیف موضوع معامله تنها دربرگیرنده برخی مدخل‌های کلیدواژه‌ای است و هیچ‌گونه آگاهی مفصلی در دسترس یک مورخ قرار نمی‌دهد. به اعتقاد وی این توصیف‌ها فقط به افراد مطلع از محل و موضوع، برخی ویژگی‌های بنا را عرضه می‌کند. برخلاف نظر وی، این تقلیل ظاهری، ساختاری مفهومی را در بر دارد که در این پژوهش از آن به «ساختار تأسیس و تعین مقوله معماری» یاد شده؛ ساختاری که نمودی از فهم مقوله معماری نزد مردم دوره قاجار است و مفهومی متفاوت با امروز دارد. هدف این پژوهش استخراج این ساختار با استفاده از تحلیل روابط معنایی در متن اسناد مردمی شیراز دوره قاجار است. پرسش این است که چه روابطی میان اجزای مقوله معماری به مثابه یک ساخت در اسناد مورد مطالعه برقرار است؟ مقوله معماری چگونه در این اسناد فهم می‌شود؟ و مهم‌تر از آن، این یافته‌ها چه معرفت تازه‌ای از مقوله معماری نزد مردم گذشته عرضه می‌کنند؟

روش پژوهش

روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی است. از معنی‌شناسی ساخت‌گرا به عنوان ابزاری برای توصیف، تحلیل و بازسازی ساختار مفهومی مقوله معماری در اسناد تاریخی و از تاریخ مفهوم به عنوان رویکردی برای تبیین نهایی استفاده شده است. قید نوع سند شامل اسناد مردمی متعلق به بافت تاریخی شیراز و قید موضوع سند شامل هر گونه اشاره به بنا و اجزای آن در اسناد است. با جستجو در آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) و آرشیو «دنیای زنان در عصر قاجار» (WWQI)^۵ که در کتابخانه دانشگاه هاروارد میزبانی می‌شود، در مجموع ۷۶ سند با قید موضوعی، زمانی و جغرافیایی این پژوهش منطبق بودند که از این میان ۳۹ سند متعلق به ساکما

و ۳۷ سند به آرشیو دیگر تعلق دارند. اسناد، کمابیش کل دوره زمامداری قاجاریان را در برمی‌گیرند ولی شمار اسناد مورد مطالعه از سال ۱۳۰۰ ه.ق به این سو از دیگر سال‌ها بیشتر است. به بیان دیگر، ۷۰٪ از اسناد پس از دهه پایانی عصر ناصری تنظیم شده‌اند. در گام نخست، تمامی اسناد به طور کامل بازخوانی شدند. سپس واژه‌های مرتبط با مقوله معماری در رکن محتوای^۶ هر سند، به عنوان داده اولیه استخراج گردید؛ از آنجا که هدف از این کار تشخیص روابط میان واژه‌ها است، فراوانی آن‌ها معیاری برای مطالعه نیست. در گام بعدی، مقوله‌های محوری پنج گانه‌ای در اسناد شناسایی شدند؛ با تعیین موقعیت اجزای هر مقوله در محور هم‌نشینی و بدیل‌های آن در محور متداعی امکان مطالعه نسبت اجزای آن‌ها با یکدیگر بر پایه مفاهیم معنی‌شناسی ساخت‌گرا فراهم آمد.

برای استخراج ساختار شکل‌دهنده به آن مقوله معماری حالات گوناگون هم‌نشینی واژه‌ها برای هر مقوله معماری جداگانه بررسی شده و فصل مشترک آن‌ها به عنوان یک ساخت ارائه شده است. بررسی نسبت و روابط میان واژه‌ها با استفاده از رهیافت بازنمودی^۷ در معنی‌شناسی ساخت‌گرا به عنوان ابزار عملیاتی در استخراج ساختار مفهومی مقوله معماری انجام شده است (جدول ۱). بنیان نگرش‌های گوناگونی که در رهیافت بازنمودی وجود دارند، روابط مفهومی^۸ است که نخستین بار جان لاینز^۹ بر پایه توصیف روابط تقابلی آن را بسط داد (گندمکار، ۱۴۰۱، ۲۴۸)؛^{۱۰} از نظر وی این روابط و رای آن چیزی هستند که معنی نامیده می‌شود؛ چراکه معنی در واقع «عملکرد روابط متعدد» است (متیوس، ۱۴۰۲/۲۰۰۱، ۲۶۲ و ۲۶۳). در گام نهایی، یافته‌های این بخش پژوهش با بررسی عملکرد روابط گوناگون در قالب ساختار مفهومی مقوله معماری و با الهام از تاریخ مفهوم، تحلیل و نقد شده‌اند تا بخشی از مفهوم آن مقوله معماری در دوره قاجار تبیین شود.

پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌هایی که به نحوی با موضوع یا حوزه پژوهش ارتباط مفهومی دارند نشان می‌دهد که آن‌ها را در کل می‌توان به دو دسته تقسیم نمود؛ برخی از پژوهش‌ها بیش از دیگر منابع تاریخی بر سند تکیه دارند و بخش قابل توجهی از دلایل و نتایج خود را به اعتبار و به پشتوانه اسناد تاریخی عرضه نموده‌اند. این پژوهش‌های سندپایه، هر نوع اشاره به مقوله معماری را به مثابه شاهی بر مصداقی عینی دانسته و با همه تلاشی که داشته‌اند ولی همچنان سندر را مکمل تصویر یا دیگر متون تاریخی دانسته‌اند (نک: قاسم‌خان، ۱۳۹۷؛ مسعودی‌نژاد، ۱۴۰۲). برخی دیگر، بنیاد پژوهش را بر بازخوانی، تحلیل و شناخت عمیق و چندجانبه سند نهاده‌اند. این پژوهش‌های سندمحور هر چند به جد در پی مطالعه مقولات معماری یا مرتبط با معماری همچون حامیان و بانیان و اقتصاد ساخت و فرهنگ و آداب صنعت رفته‌اند، ولی آن‌ها نیز از سند به مثابه مدرک مرتبط با بنا یا ارسن‌های شهری برای توصیف تاریخی بهره برده‌اند و در آن‌ها به چگونگی بر ساخته شدن مقوله معماری در اسناد پرداخته نشده است (نک بلر، ۱۳۸۷؛ اسدپور، ۱۴۰۴). به طور کلی، هدف پژوهش‌های پیشین فهم فرآیند تبدیل مفهومی ذهنی به واقعیتی زبانی نبوده است و در فرآیند پژوهش نیز به زبان‌شناسی از حیث واحدها و ساختارها توجهی نشده است. هیچ‌یک از این پژوهش‌ها در پی مطالعه شیوه فهم، سازمان‌دهی و ساختن مقوله‌های معماری در اسناد نبوده‌اند و نشان نداده‌اند چنین ساختارهای مفهومی

جدول ۱. مفاهیم قابل استفاده از معنی‌شناسی ساخت‌گرا در اسناد معماری (یافته پژوهش بر اساس صفوی (۱۴۰۰) و گندمکار (۱۳۹۹، ۱۴۰۱))

نام نگرش	شرح
حوزه واژگانی ^{۱۱} یا حوزه معنایی ^{۱۲}	بر اساس ادات دو شرطی، شرط لازم برای توصیف واژه و شرط کافی برای تعیین تقابل واژه‌ها نیاز است. اشتراک واژه‌ها در یک شرط لازم، آن‌ها را در یک حوزه معنایی طبقه‌بندی می‌کند.
تحلیل مؤلفه‌ای ^{۱۳}	توصیف محتوای معنای واژه بر اساس رابطه درونی واحدهای تشکیل‌دهنده حوزه واژگانی بر حسب تقابل با سایر واحدهای آن حوزه که یک نظام را می‌سازد.
معنی‌شناسی رابطه‌ای ^{۱۴}	شمول معنایی ^{۱۵}
	تقابل معنایی ^{۱۶}
	تباین معنایی ^{۱۷}
	هم‌معنایی ^{۱۸}
	جزء واژگی ^{۱۹}
	عضو واژگی ^{۲۰}
	واحد واژگی ^{۲۱}

چگونه می‌توانند نماینده بخشی از فهم جامعه از مقوله‌های معماری باشند.

مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش منظور از «مقوله»، نوعی طبقه‌بندی زبانی است که به واسطه آن بنا در اسناد تاریخی توصیف شده است. در این صورت «مقوله معماری» همچون یک مفهوم تاریخی قابل مطالعه خواهد بود. پیش از این، معماری به مثابه یک مفهوم در گذار از دوران ساسانی به روزگار اسلامی بررسی شده و برای این کار حوزه‌های معنایی هر واژه معرف معماری شناسایی و تحول و دگرگونی‌های در زمانی^{۲۲} آن‌ها ذیل تاریخ مفهوم مطالعه گردیده است (قیومی بیدهندی و دانایی‌فر، ۱۳۹۵). پژوهش حاضر، مقوله معماری را مبنای تحلیل قرار داده است و رویکردهای در زمانی و هم‌زمانی^{۲۳} را در دو سطح مجزا خوانش می‌کند. از آنجا که دغدغه اصلی مورخان تاریخ مفهوم فراتر از نگارش تاریخ واژه‌ها، بررسی مفهوم یک واژه و حتی دگرگونی‌های معنایی آن‌ها است (Richter, 1995, p. 9)، برای بازسازی مفهوم مقوله معماری به شبکه‌ای از مفاهیم و واژه‌ها که حول موضوع بنا در اسناد دیده می‌شود، تکیه شده است. این شبکه محصول محورهای هم‌نشینی و جانشینی ناشی از موقعیت قرارگیری همین مفاهیم و واژه‌ها هستند. این بخش، بازسازی هم‌زمانی ساختار مفهومی مقوله معماری نام دارد که جانشین میدان معانی^{۲۴} در خوانش‌های مرسوم در تاریخ مفهوم شده است.

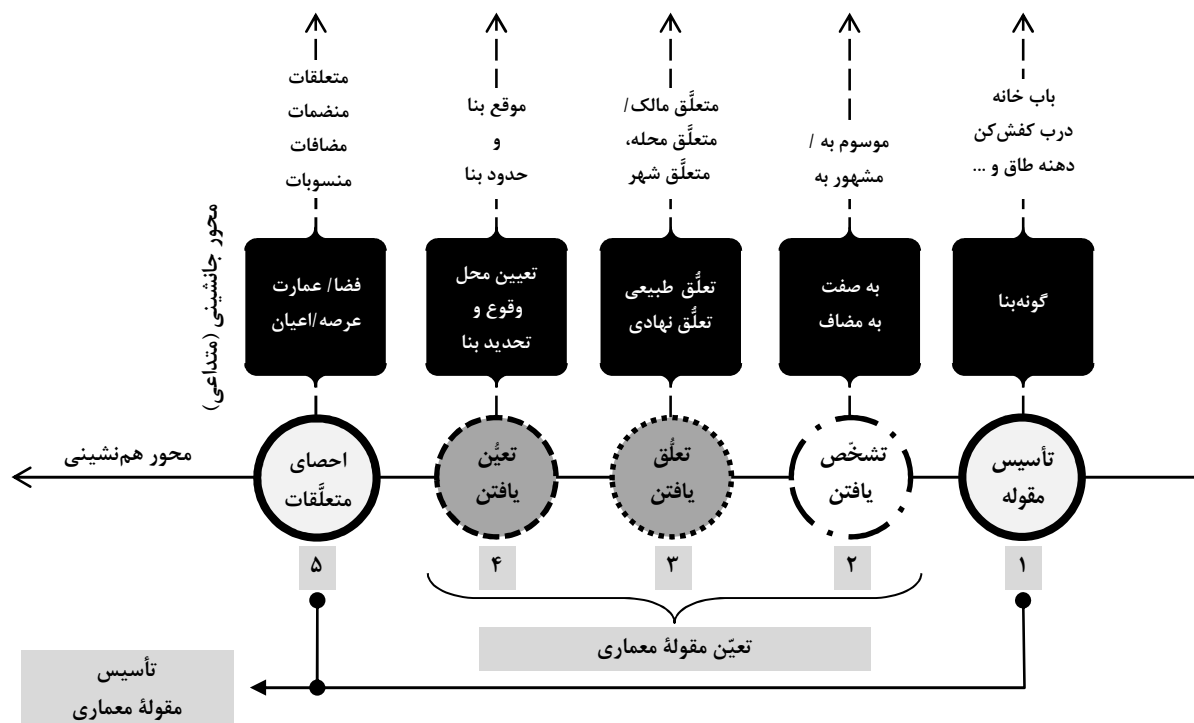
چنین ساختار مفهومی از مقوله معماری در نتیجه تجربه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی دگرگونی‌های یافته که می‌بایست با روش تاریخی، بازسازی و به زبان امروز ترجمه شود؛ چنین کاری در تاریخ مفهوم به چارچوبی مرجع^{۲۵} نیاز دارد که از آن به دوران آستانه^{۲۶} یاد می‌کنند؛ یعنی گذار از دوران پیشامدرن زبان به کاربرد امروزی آن (Koselleck, 2002, p. 5). از آنجا که بیشترین اسناد مورد مطالعه در این پژوهش به دهه‌های

پایانی دوره قاجار تعلق دارند، دوران آستانه، حداثت قاجاریان و امروز خواهد بود. این بخش از پژوهش، رویکردی در زمانی دارد. از سوی دیگر، هر چند در هم‌تیدگی عوامل گوناگون در واقعیت تاریخی انکارناپذیر است، ولی در تاریخ مفهوم تنها بازمانده‌های زبانی^{۲۷} (اسناد شفاهی و مکتوب) امکان احراز معنای دقیق رخدادها را فراهم می‌آورند و در عین حال هیچ‌گاه مفهوم پردازی‌های زبانی که جامعه از طریق آن‌ها دست به عمل می‌زند، خود را تفسیر می‌کند، دگرگون می‌سازد یا از نو سازمان می‌دهد نیز کاملاً بر روابط اجتماعی و تعارض‌ها و پیش‌فرض‌های آن‌ها منطبق نیستند (Ko-selleck, 2002, pp. 23-27)؛ بنابراین، مفهوم مقوله معماری که در این پژوهش ساخته می‌شود تنها بازتابی از ذهنیت‌های مردم روزگار قاجار در اسناد هستند و نمی‌تواند کاملاً بر آن‌ها منطبق باشد.

ساختار مفهومی مقوله معماری

ساختار شکل‌دهنده به مقوله معماری در اسناد مورد مطالعه حاصل شبکه‌ای کمابیش مشخص است که بر مجموعه‌ای از ترجیح‌ها و تصمیم‌های ذی‌نفعان استوار بوده و سلسله‌ای از مناسبات سازمان‌یافته میان واحدهای سازنده ساخت معماری را در اسناد آشکار می‌سازد (نمودار ۱). اجزای مقوله معماری در این ساختار بر محور هم‌نشینی و در رابطه‌ای زنجیره‌ای نسبت به هم قرار می‌گیرند. این ساختار شامل ۱. تأسیس مقوله، ۲. تشخیص یافتن مقوله، ۳. تعلق یافتن مقوله، ۴. تعیین یافتن مقوله و در نهایت ۵. احصای متعلقات مقوله است که آن‌ها را در کل می‌توان «ساختار تأسیس و تعیین مقوله معماری» نام نهاد. جز احصای متعلقات که برخی اوقات بعد از تأسیس مقوله قرار می‌گیرد، سایر موارد در بیشتر مواقع بدون تغییر و در پی یکدیگر می‌آیند. چنین ساختاری از مقوله معماری، بنا را به صورت تدریجی تعریف و تشریح می‌کند.

نمودار ۱. ساخت مقوله معماری در اسناد تاریخی (یافته‌های پژوهش)



تأسیس مقوله

فهم معماری در اسناد مورد مطالعه در ابتدا با استوار کردن و آشکار نمودن حدود مقوله معماری و قواعدش آغاز می‌شود. برای این کار ترکیبی از «واحدواژه» و «گونه‌بنا» مورد نیاز است تا بتوان آن را از دیگر مقوله‌های ممکن مجزا نمود. در اسناد مورد مطالعه ۴ واحدواژه اصلی برای شمارش مقوله‌های معماری به کار رفته‌اند: باب، درب، دست و دهنه. «باب» پُربسامدترین واحدواژه برای شمارش مقوله‌های معماری است و در اینجا به معنی تام و تمام چیزی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج. ۳، ۳۷۷۴). در که جزئی اغلب دائمی از هر گونه‌بنا است به کل بنا اطلاق شده است؛ به این معنی که با توسیع معنایی در طی زمان، تمام مقوله معماری مورد نظر را معنی می‌دهد. این واحدواژه هم برای شمارش مقوله‌های معماری و هم برای شمارش متعلقات آن‌ها به کار رفته است. به عنوان نمونه، می‌توان به «یک باب خانه» (WWQI 16179A181; 16179A324)، یا «یک باب دکه میوه‌فروشی، خیاطی، خشکبارفروشی» (WWQI 14135A1)، «یک باب بهار بند» (WWQI 16179A56) و «سه باب حانوت» (WWQI 15161A112) اشاره نمود. نمونه‌هایی برای شمارش متعلقات یک مقوله معماری - که با آن مقوله رابطه عضوآوری دارد - عبارت‌اند از: «یک باب بالاخانه پنج‌دری» (WWQI 16179A75)، «یک باب اوطاق» (WWQI 16179A11), «یک باب اُرسی سه‌درکی و پنج‌درکی» (WWQI 14135A1), «یک باب گُشواره» (WWQI 16179A52), «یک باب پُشتک» (WWQI 14135A1) و «یک باب اطاق کاروانسرای واقع در درب گمرک» (WWQI 16179A146). هرچند در ظاهر درپ و باب هر دو به یک معنا هستند ولی از درب اغلب برای شمارش متعلقات یک مقوله استفاده می‌شود؛ در سندی مربوط به «تفکیک خانه میرزا عبدالرزاق» به دست

محمد کاظم معمار (۱۳۲۸ ه.ق.) از «یک درب کفش‌کن و صندوق‌خانه» یاد شده است (WWQI 16179A77). درب در این اسناد معرفِ بزرگ‌ترین و فراخ‌ترین مدخل ورود به فضای پشت آن تلقی می‌شود به نحوی که فضای پشت خود را ذیل خود تعریف می‌کند. برای کفش‌کن نیز چنین است؛ کفش‌کن «جایی در پیش درآیگاه» (رفیعی سرشکی و همکاران، ۱۳۹۵، ۳۵۱) است و تنها عنصر شاخص برای شناخت آن همان «درب» است که پیوسته به آن معنایی یابد و بدون آن معنی نخواهد داشت.

واحدواژه دیگر، «دست» است. در نسخه اولیه وقف‌نامه حاج محمد در محله درب مسجد شیراز (۱۲۴۸ ه.ق.)، از یک باب خانه مشتمل بر «دو دست عمارت تختانی اُرسی پنج‌دری و دو بالاخانه» یاد شده است که در نسخه نهایی وقف‌نامه (۱۲۵۰ ه.ق.) دیده نمی‌شود (WWQI 14135A1). هم‌معنایی واحدواژه «دست» با «عمارت» در نسخه‌های اولیه سند وقف می‌تواند نشان از زبان عرفی مردم آن روزگار باشد که شم‌زبانی سخنوران بین آن دو تمایز چندانی نگذاشته‌اند. «دهنه» واحدواژه‌ای برای شمارش طاق‌نما است. اصطلاح درست‌تر آن باید دهانه باشد که در معماری به معنی فاصله میان پایه‌های طاق یا گنبد است (رفیعی سرشکی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۲۳). از آنجا که هر جدار ساده در معماری ایرانی را با ساخت طاق‌نمایی، مزین می‌کردند، فاصله میان پایه‌های هر طاق‌نما که یک دهانه طاق‌نما را می‌ساخته به واحدی برای شمارش آن بدل شده است. نمونه‌ای از آن، اشاره‌ای است که کربلایی میرزا حیدر معمار و استاد محمد کریم معمار به قیمت دو دهنه طاق‌نمای خانه مادر مشهدی علی اکبر در محله بالاکنده (۱۳۳۴ ه.ق.) دارند (WWQI 16179A192).

اشتراک بناها در یک شرط لازم، آن‌ها را در یک حوزه جای می‌دهد که در زبان‌شناسی، حوزه معنایی و در معماری گونه‌بنا^{۲۸} است. حوزه معنایی و واحدواژه با یکدیگر می‌آیند. حوزه معنایی سکونت با لفظ خانه شناخته

قرب دروازه سعدی (۱۳۲۸ ه.ق) اشاره شده که به‌وضوح بر تمایز سرا و حانوت صحنه می‌گذارد (WWQI 16179A245). «کارخانه» گونه دیگری است که در صلح‌نامه مشهدی احد رزاز برای اجاره «کارخانه» حصیربافی در «تل معروف به حصیربافی» در محله سوق الطیر دیده می‌شود (WWQI 16179A236). «طاهونه/طاحونه» به معنی آسیاب است؛ در صورت حساب‌های حاجی ابوالقاسم علاقه‌بند از «غله طاهونه جهت ۴ ماه» و «مال الاجاره طاهونه» یاد شده است (WWQI 16179A26). بناهای حوزه «پیشه‌وری»، جنبه تولیدی ندارند- هرچند خود نوعی کسب و کار به شمار می‌روند. به عبارت دیگر، مواردی را دربر می‌گیرند که به ارائه خدمات (به معنای امروزی آن) می‌پردازند: «قهوه‌خانه» و «حمام» (ساکما ۹۹۹/۴۵۶۳۲، ساکما ۹۹۹/۴۵۶۶۶) و «بهاربند» و «طویله» (ساکما ۹۹۹/۳۵۰۱۱).

تشخیص یافتن مقوله

تشخیص یافتن فرآیندی است که در آن هر مقوله معماری واجد شخصیتی می‌شود که به‌واسطه آن مجازاً هویت مستقلی برای اشاره/خطاب قرار گرفتن، می‌یابد و به دستکم سه روش در اسناد انجام شده است: تشخیص یافتن به صفت یا تشخیص یافتن به مضامین یا هر دو. بیشتر اوقات تشخیص یافتن با واژه‌هایی همچون «موسوم به» و «مشهور به» مشخص می‌شود. مثلاً در قبالة فروش یک دانگ مشاع از خانه‌ای در محله سرباغ (۱۲۱۹ ه.ق) به «طرف بزرگ اندرونی» و «طرف خلوت» که به یکدیگر متصل بوده‌اند اشاره شده (ساکما ۹۹۹/۳۵۹۷۸) که نشان‌دهنده تفاوت اندرونی با خلوت است. در سندی دیگر به «طرف مهمان‌خانه» و «طرف خلوت» برمی‌خوریم (ساکما ۹۹۹/۴۳۳۲۳). این اقلام زبانی، سه گانه مهمان‌خانه، اندرونی و خلوت در معماری خانه را آشکار می‌کنند که در رابطه عضوآزگی با خانه بوده و بر پایه مؤلفه معنایی خصوصی بودن، ارزش آن‌ها تعیین می‌شود. استفاده از دو صفت کوچک و بزرگ نیز بر مبنای تقابل معنایی/تقابل دوتایی، راهی مرسوم برای تشخیص آفرینی بخش‌های هر خانه با مشخصه متمیز اندازه بوده است؛ مثلاً در سندی به «یک باب خانه مشهور به طرف کوچک» متصل به «خانه بزرگ» در محله سرباغ (۱۲۷۴ ه.ق) اشاره شده است (ساکما، ۹۹۹/۳۹۷۵۳).

تعلق یافتن مقوله

هر خانه یا بخشی از آن پس از تشخیص اغلب به شهر و محله یا فردی «تعلق» می‌یابد. این فرآیند شامل سه گام است که در دو سطح انجام می‌شود؛ سطح نخست را «تعلق طبیعی» و سطح دوم را «تعلق نهادی» می‌توان نامید. تعلق طبیعی، تعلق به شخصیتی حقیقی است که در پاره‌ای از اسناد وجود دارد. نمونه آن، اسناد مبیعه یک باب خانه مشهور به خانه حیدر قلی‌خانی واقع در محله میدان شاه (۱۲۴۵ ه.ق) است (ساکما ۹۹۷/۹۱). فرق تعلق طبیعی با تشخیص یک بنا در این است که با اطلاق مضامین یا صفت به یک مقوله، تعلق به وجود نمی‌آید هرچند هر تعلق همواره حدی از تشخیص را نیز به همراه دارد. سطح دوم، تعلق نهادی است که در آن به ترتیب یک بنا در ابتدا به «محله» و سپس به «شهر» متعلق می‌شود؛ مانند مبیعه یک باب ارسی پنج‌در کی به انضمام اتاق متصل به آن «واقع در محله سرباغ من محلات شیراز» (ساکما ۹۹۹/۴۹۷۰۶). فرآیند تعلق یافتن از جزء به کل است. تمامی اسنادی که به خانه اشاره دارند از تعلق نهادی استفاده می‌کنند. برای این کار

می‌شود و در تمامی حوزه‌ها پُرسامدترین است. حوزه معنایی تجارت و صنعت و پیشه‌وری پس از حوزه سکونت در مرتبه دوم قرار دارند. واژه پُرسامد در اسناد مرتبط با تجارت، «حانوت» است؛ «حانوت لبافی» (WWQI 16179A82)، «حانوت لباده‌فروشی» (WWQI 15161A117)، «حانوت قصابی» (WWQI 15161A112)، «حانوت قنادی» (WWQI 16179A169) و بسیاری دیگر. در اسناد مورد مطالعه از حانوت به جای «دکان» (جایگاه سرپوشیده برای خرید و فروش کالا) نیز استفاده شده است که با آن رابطه هم‌معنایی دارد. دکان را بیشتر در پیش‌نویس یا در اسناد غیررسمی‌تر می‌توان یافت و این موضوع نشان می‌دهد این واژه در زبان مردم رواج داشته است؛ در صلح‌نامه میان بی‌بی حسنی‌جان و دخترانش (۱۳۲۲ ه.ق) با حضور دو نفر از معمارین شهر از دکان نام برده‌اند (WWQI 14130A31). پیش‌تر نیز همین بی‌بی حسنی‌جان در ۱۳۲۰ ه.ق، طی نامه‌ای درخواست ساخت دکان را از کدخدای سَرْدَزْک کرده بود (WWQI 16179A30). در عریضه‌ای هم که ورثه حاجی محمدحسن طباطبائی در خصوص حوانیت (جمع حانوت) خود قریب دروازه سعدی (۱۳۲۸ ه.ق) داشته‌اند از لفظ «حانوت» و «دکاکین» برای اشاره به یک موضوع استفاده شده است (WWQI 16179A245)؛ این موضوع نشان می‌دهد که تمایز مفهومی چندانی میان آن وجود نداشته است.

از «حجره» در شمار اندکی از اسناد و آن هنگامی استفاده می‌شود که مراد دکانی در بازار یا قیصریه باشد. نمونه آن سندی از ۱۲۹۲ ه.ق است که فروش دو حجره سیم‌کشی در قیصریه محله سوق الطیر را شرح می‌دهد (ساکما ۹۹۹/۴۶۴۳۳). در برخی موارد بجای حجره از «طاق» نیز نام برده شده است؛ مبیعه‌نامه نیمی از یک ارسی چوبی سه‌درکی در سوق سلطانی که از آن به طاق یاد شده (WWQI 16179A11) یا کارسازی اجاره «یک باب طاق کاروانسرای روغنی» روبروی درب گمرک سابق (WWQI 16179A146). دکه^{۲۹} واژه کم‌بسامد دیگری است. مراد از دکه باید همان دکان کوچک باشد. در سندی مربوط به مبیعه‌نامه چاله برفی در کوه دراک در حومه شیراز از یک «دکه برف‌فروشی» منضم به آن در بازارچه ارامنه یاد شده است (ساکما ۹۹۹/۴۵۴۲۵). واژه دکه در یک سند به جای لفظ دکان یا حانوت نیز به کار رفته که نشان می‌دهد جنبه خرد بودن آن نسبت به دکان ملاک مهمی برای کاربرد آن در سند بوده است. در نسخه‌های اولیه وقف‌نامه املاک حاج محمد (۱۲۴۸ ه.ق) از وقف «دکه خبازی» یاد شده (WWQI 14135A1) ولی در سند نهایی به حانوت اصلاح شده است. سکو، واژه دیگری است که در معماری رسمی کمتر مطالعه شده است؛ مال الاجاره «سکوی صرافیه واقع در سر چهارسوق سلطانی» (WWQI 16179A169) یا اجاره «سکوی بر چار سوق گنج» (WWQI 16179A25)، نمونه‌های کم‌نظیری از اشاره به مقوله‌ای کمتر شناخته شده در معماری بازار هستند؛ چرا که، اساساً سکو‌ها را تخته‌گاه‌هایی سرگشاده در «میانگاه‌ها تکیه‌ها و جایگاه بازی بازیگران نمایش» می‌دانستند (رفیعی سرشکی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۷۴)؛ در حالی که در این دو سند، سکو در چارسوق بازار تعبیه شده است و در آن به تجارت مشغول بوده‌اند.

دسته دیگر از گونه‌بناها، موارد مرتبط با کارگاه‌ها و کارخانه‌ها هستند که به تولید مشغول‌اند. نمونه جالب توجه در اینجا، واژه «سرا» است که در موارد اندکی به کار رفته است. در سندی به فروش «یک باب سرای عصارخانه» و «یک باب حانوت عصار» در محله بالاکفد

تصویر ۱. تعیین حدود بنا در اسناد مورد مطالعه (ساکما ۳۵۹۷۸/۳۵۹۹/۴۳۳۲۳؛ ۹۹۹/۴۱۱۱۲) (۹۹۹/۴۱۱۱۲)

... تمامی، جملگی و همگی موازی یک‌دنگ شایع وافی کامل از جمله کل شش‌دنگ یک طرف خانه موسوم به طرف بزرگ اندرونی به انضمام تمامی، جملگی و همگی موازی یک‌دنگ شایع وافی کامل از کل شش‌دنگ یک طرف خانه موسوم به طرف خلوت، متصلین به یکدیگر، معینین معلومین واقعین در محله سرباغ من محلات شیراز که علی‌التلصق متصلند از حدی به خانه حاجی محمد هاشم عطار و از حدی متصل به خانه حاجی میرزا بابای علاقه‌بند و از حدی متصل به خانه آقا میرزا علیرضاخان و از سمتی متصل به خانه آقا محمد کریم شیشه بر و از جانبی متصل به خانه نصرالله‌خان و از سمتی به شارع منسده هر یک با جمیع متعلقاقت و منضمات و كافة ملحقات و عامه مضافات مشتمل بر عمارات عدیده تختانی و فوقانی و فضا و حوض و باغچه و زیرزمین و منبع و مطبخ و بیت‌الخلو و درب و درگاه و دالان و درب کوچه...

کل شش‌دنگ یک‌طرف خانه معروفه به طرف مهمان‌خانه به انضمام موازی چهارده سهم مشاع از حله هشتاد و هشت سهم سهام کل شش‌دنگ طرف خلوت متصله به آن، معینین معلومین واقعین در محله میدان‌شاه علی‌التلصق از قبله به خانه حاجی میرزا مهدی جیرباف و از حدی متصل به خانه عالی‌شان آقا رضاقلی‌خان سرتیب و از سمتی به طرف اندرونی متصله به عالی‌شان اسدالله‌بیگ و از جنوب به شارع عام هر یک با جمیع متعلقات و منضمات و كافة ملحقات و مطلق منصوبات...

تمامی و جملگی و همگی کل شش‌دنگ یک باب خانه معینه معلومه واقعه در محله درب مسجد جدید محدوده به حدود اربعه متصله ذیل (قبله: به خانه عالی‌شان حاجی مهدی، صبا: به دولت خانه عالی‌جاه مشتری معزی‌الیه، شمال: به اسطبل عالی‌جاه معظم‌الیه، جنوب: به خانه میرزا بابا) مشتمله بر عمارات متعدده تختانی و فوقانی و فضا و چاه و حوض و باغچه مشجره و مطبخ و مستحم و شارع و مشاع و ممَر و مدخل و جُدران و حیطان که مشتمل بر دو طرف می‌باشد...

هست- «شارع عام یا شارع مُنسَدَه» باشد. تعیین یافتن اندام‌های معماری در اسنادی که در آن بخشی از یک بنا معامله می‌شود، کمابیش مشابه است. باین حال، در این اسناد نیز در ابتدا باید کل آن بنا به عنوان یک مقوله، تعیین یابد و سپس در آن مقوله متعین است که اجزای بنا به عنوان جزئی از کل، قابل تعیین خواهند بود.

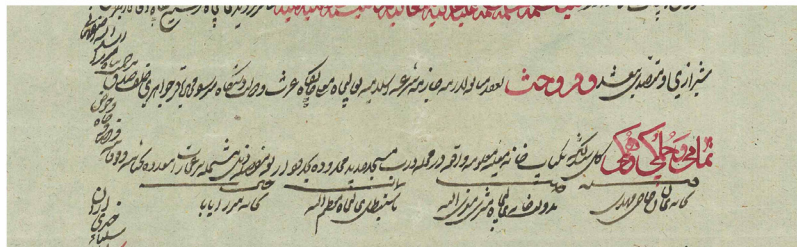
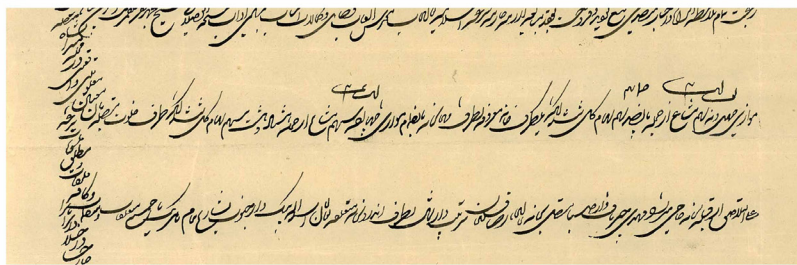
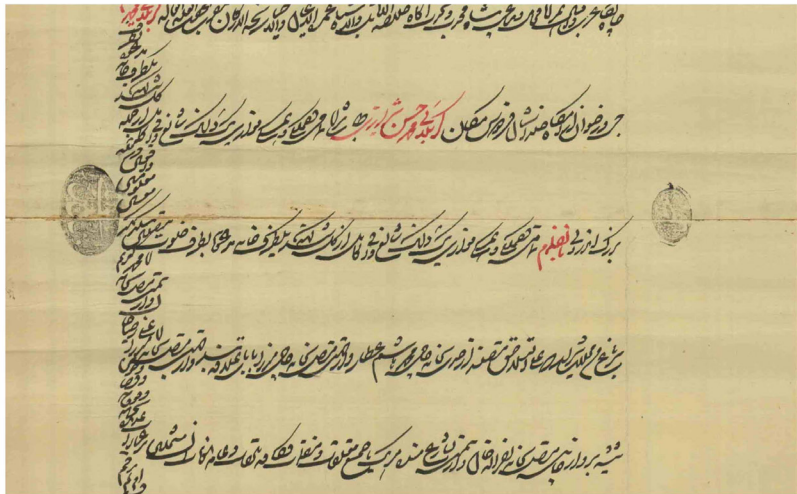
الف) تعیین ناشناخته به شناخته

اغلب هر خانه به خانه‌های شناخته شده پیرامون آن تحدید می‌شود. در این عمل، مقوله ناشناخته به مقوله‌های شناخته برای ذی‌نفعان/کنشگران زبان، تعیین می‌یابد. برای این کار از الفاظ ساده و هم‌ریختی مانند «از حدی»، «از سمتی»، «از جهتی»، «از جانبی» و «از طرفی» به شکل متناوب و بیشتر اوقات بدون تکرار استفاده می‌شود (ساکما ۳۵۹۷۸/۳۵۹۹). به عنوان نمونه، در مباحثه خانه‌ای در محله اسحاق‌بیگ (۱۳۲۵ ه.ق) آمده: «از حدی به خانه جناب حاجی محمود معین‌التجار و از سمتی به خانه کربلایی محمدجعفر و از جهتی به طویل جناب میرزا محمود بزاز و از طرفی به شارع عام» (ساکما ۶۷۷۵/۹۹۸). قاعده کلی بدین ترتیب است که برای هر سمت یا جهت باید به یک بنای شناخته شده اشاره کرد، ولی در مواقعی که در یک سمت بیش از یک بنا وجود دارد از لفظ «برخی» برای اشاره به

از لفظ «واقعه» یا ترکیبی از آن شامل «معینه معلومه واقعه» و مانند آن استفاده می‌شود ولی در برخی موارد نام شهر به سبب آشنایی طرفین معامله حذف می‌شود. به عنوان نمونه، «یک باب خانه معینه معلومه واقعه در محله درب مسجد جدید» (ساکما ۳۵۹۷۸/۳۵۹۹/۴۳۳۲۳) (تصویر ۱).

تعیین یافتن مقوله

از نظر معنی‌شناسی، مطلق هر خانه در نوعی رابطه جز و واژگی با محله و شهر قرار دارد، ولی مشخصه‌میزی برای شناخت آن لازم است. پس به تعیین حدود اربعه یا تعیین نیاز دارد. تعیین یافتن مقوله معماری در اسناد به معنی فرایند ممتاز شدن بنا از سایر بناهای هم‌جوار است. اصل مهم در کار تعیین مقوله معماری، «تحدید» آن در میان سایر مقوله‌ها است و بسیاری این کار را به «تعیین حدود اربعه» تعبیر و به آسانی از آن گذشته‌اند (نک ورنر، ۱۳۹۶؛ رضایی، ۱۳۹۰) در حالی که دارای آداب ویژه و گوناگونی بوده است. تعیین یافتن مقوله معماری - دستکم در اسناد مورد مطالعه - نشان می‌دهد که آن‌ها کمابیش فارغ از گونه‌بنا از اصول مشابهی بهره می‌برند ولی نخست باید در نظر داشت که مراد از «حدود اربعه» فقط اشاره به چهار سمت است و الزاماً به معنی جهات جغرافیایی نیست. اصل اساسی و ثابت در هر نوع تعیین این است که دستکم یکی از حدود بنا - که اولین یا آخرین آن نیز



این موضوع که خانه از آن سمت با دو بنا هم‌جوار است، استفاده می‌شود. نمونه‌ای از آن تحدید خانه‌ای در محله سنگ‌سیاه (۱۳۳۵ ه.ق) است که در سند آمده: «محدوده از حدی به شارع عام و از حدی به خانه ورثه مرحمت پناه امین دفتر و از حدی به طویله مرحوم حاجی عبدالله ابوالوردی و از حدی برخی به منزل دیگر حاجی عبدالله مزبور و از حدی به طرف بزرگ حاجی عبدالله» (ساکما ۱۲/۳۵۰/۹۹۹).

ب) تعیین خورشیدمبنا/قبله‌مبنا

استفاده از حرکت خورشید در آسمان دو سمت «رو به آفتاب» و «پشت به آفتاب» را با تقابل جهتی مشخص می‌کند که تلویحاً به ترتیب به معنی غرب و شرق هستند؛ چراکه اگر جزئی از اجزای یک خانه رو به آفتاب باشد، باید در غرب میان‌سرا واقع بوده و اگر پشت به آفتاب باشد، می‌بایست در شرق قرار داشته باشد. تعیین قبله‌مبنا نیز مشابه تعیین خورشیدمبنا مبتنی بر تقابل جهتی عمل می‌کند با این تمایز که در اینجا قبله تعیین‌کننده جهت‌یابی است. بررسی اسناد نشان می‌دهند که در اسنادی که از این تعیین خورشیدمبنا استفاده شده، شمال و جنوب به روش‌های دیگری همچون «تعیین قبله مبنا» یا با اشاره به جهات جغرافیایی، تدقیق شده است. ترکیب این دو باهم کار تعیین خانه را ممکن می‌سازد. برخلاف تعیین قبله‌مبنا، از تعیین خورشیدمبنا فقط برای تعیین اجزای یک مقوله معماری می‌توان استفاده کرد و با آن نمی‌توان کلیت یک مقوله را معین نمود. در تحدید اجزای خانه‌ها اغلب ترکیبی از دو شیوه تعیین خورشیدمبنا و تعیین قبله‌مبنا استفاده می‌شود و معماران به دفعات آن را به کار برده‌اند. نمونه‌ای از آن، تعیین موقعیت «یک باب اوطاق سه دربی رو به آفتاب مع کفش کن و صندوق خانه و یک باب اوطاق سه دربی دیگر رو به آفتاب مخروبه وصل به اوطاق مزبور» است (ساکما ۲۳۶۶۰/۲۹۶).

ج) تعیین ترکیبی

تعیین ترکیبی به معنی ترکیب چند شیوه تعیین است و از آنجا که به ندرت می‌توان تمامی جهات چهارگانه جغرافیایی را در یک سند قاجاری یافت، نمونه‌های فراوانی از ترکیب جهات تحت عنوان «قبله/ صبا/ شمال/ جنوب» وجود دارند (ساکما ۴۱۱۱۲/۹۹۹؛ ساکما ۴۳۳۲۳/۹۹۹؛ ساکما ۹۹۷/۰۰۰۰۱۶). باید توجه داشت که قبله و جنوب نیز دو جهت کاملاً یکسان نیستند. این موضوع از نظر جغرافیایی مبرهن است و در برخی از اسناد نیز هر جا دقتی لازم بوده، لحاظ شده است. باید «صبا» را نقطه مقابل قبله تلقی کرد؛ صبا در لغت بادی است که از مابین مشرق و شمال وزد. پرواضح است که قبله در نقطه مقابل آن در جنوب غربی است؛ بنابراین جفت‌سازی دیگری نیز افزون بر «رو به قبله/ پشت به قبله» در اسناد وجود دارد و آن «صبا/ قبله» است که این دو نیز تقابل جهتی با یکدیگر دارند. هنگامی که با مقوله معماری در کلیت آن - و نه اجزا و اندام‌های بنا - سروکار داریم، این تقابل جهتی «صبا/ قبله» است که به کار می‌آید. هرگاه در اسناد، جهتی دال بر شرق و غرب وجود نداشته باشد، مراد از صبا می‌تواند مطلق شرق و مراد از قبله نیز می‌تواند مطلق غرب باشد که در این صورت این هم‌معنایی به واسطه شم‌زبانی سخنگویان قابل درک بوده و نوعی توسیع معنایی نیز به شمار می‌رود. درک این موارد به اصطلاح بافت‌مقید است.

احصای متعلقات مقوله

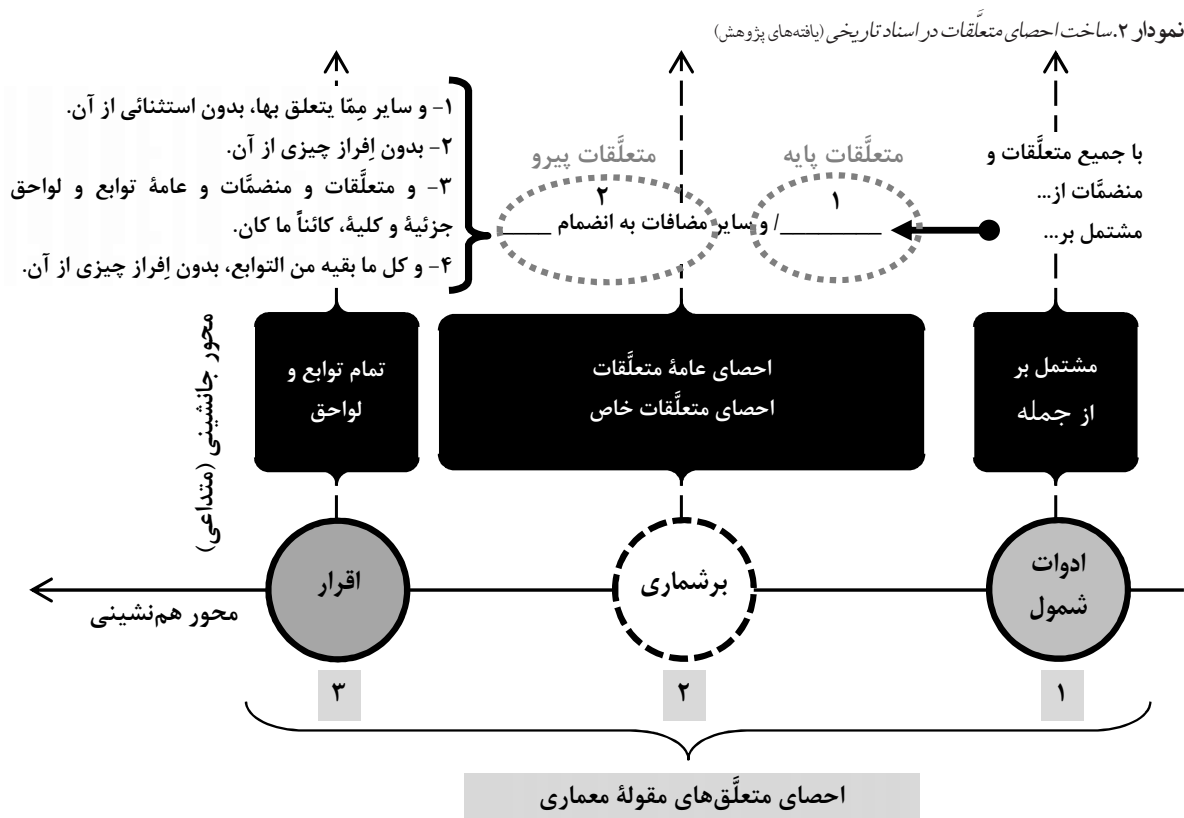
شمردن و ضبط کردن متعلقات بنا نیز آداب کمابیش مشخصی دارد

(نمودار ۲)؛ در این پژوهش مراحل احصای متعلقات بنا به ترتیب «ادوات شمول»، «برشماری» و «اقرار» نامیده شده است. «ادوات شمول» در اسناد با واژگانی همچون «با جمیع متعلقات و منضمات» آغاز شده و در ادامه واژه «از»، به شمردن متعلق‌های بنا پرداخته می‌شود. «برشماری» متناسب با نوع مقوله و نوع معامله (بیع قطعی یا شرطی یا اجاره‌نامه) گوناگونی‌هایی دارد، ولی همچنان قاعده‌ای کلی بر آن حاکم است؛ «متعلقات پایه» بخش اساسی مقوله معماری را برمی‌شمارد که با نشانگری متنی شبیه به «و سایر مضافات» به انتها می‌رسد. در صورتی که مقوله معماری دیگری نیز وجود داشته باشد، «متعلقات پیرو» با نشانگر «به انضمام» تا آنجا که لازم باشد، برشمرده خواهند شد. این امر در صورتی رخ می‌دهد که موضوع معامله بیش از یک مورد باشد که در این حالت، مقوله اصلی را در ابتدا و دیگر موارد را به ترتیب با نشانگر «به انضمام» خواهند آورد. برای اینکه این متعلقات به خوبی در متن سند قابل شناسایی باشند، برخی اوقات آن نشانگر را با قلم درشت‌تر یا قلم متفاوتی می‌نویسند و یا با تغییر رنگ، برجسته می‌نمایند.

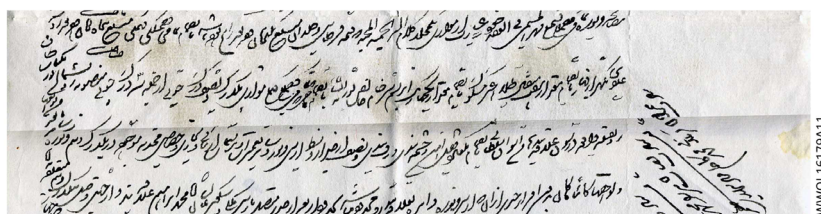
بررسی اسناد مورد مطالعه نشان می‌دهد که متعلقات پایه و پیرو می‌توانند در دو سطح نیز آورده شوند که از آن به «عامه متعلقات» و «متعلقات خاص» یاد می‌کنیم. عامه متعلقات ترکیبی از باهم‌آیی‌های متداعی^{۲۰} و باهم‌آیی‌های هم‌نشینی^{۲۱} هستند. باهم‌آیی‌های متداعی که در سنت مطالعه صناعات ادبی به آن‌ها مراعات‌النظیر نیز گفته می‌شود در نوعی رابطه زنجیره‌ای باهم قرار دارند. ولی متعلقات خاص، حسب مقوله مورد معامله نوشته می‌شود؛ این موارد را نمی‌توان از پیش تعیین یا در مورد ساخت آن‌ها داوری کرد، ولی دستکم می‌توان به این مورد اشاره داشت که این متعلقات در مواقعی که مقوله معماری مورد اشاره، کلی است، در میان باهم‌آیی‌های متداعی و هم‌نشینی ظاهر می‌شوند، ولی هنگامی که با مقوله‌ای جزئی یا ویژه مواجهیم به سبب ماهیت موضوع معامله/ مقوله معماری، جداگانه احصاء خواهند شد. در هر صورت، این باهم‌آیی‌ها تصویری از اندام‌های بنا عرضه می‌دارند که می‌توانند برای امروز ما تازگی داشته باشند و نشان می‌دهند که گذشتگان چگونه به مقوله معماری می‌نگریستند. در انتهای احصای متعلقات به «اقرار» دست زده می‌شود. اقرار بدین معنا که هیچ چیزی از مقوله معماری اعم از هر آنچه متعلق به آن، تابع آن، منضم به آن و الحاق به آن است از آن افراز نخواهد شد. این واژگان همگی اصطلاحات فنی - حقوقی هستند و برای تأکید دوباره بر «ادوات شمول» در ابتدای احصای متعلقات بوده و نیز تأکیدی هستند بر «تمامی و همگی و جملگی» مورد معامله/ مقوله معماری که در متن سند بدان اشاره می‌شود (تصویر ۲).

الف) متعلقات حوزه معنایی سکونت

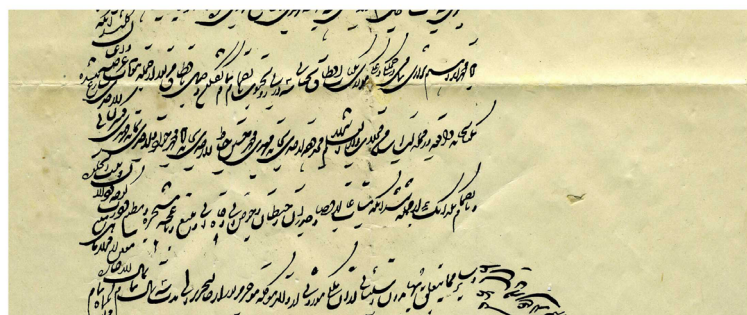
متعلقات خانه در کل «اراضی» و «عمارت» است؛ یعنی همان که به «عرصه» و «اعیان» شهره است. محمداسماعیل و محمد کاظم معمار در صورت مفروزی خانه میرزا عبدالرزاق (۱۳۲۸ ه.ق) آورده‌اند که «آقا سید حسین»، «بده دارد از بابت اراضی عمارت» و در بخش مربوط به صورت مشاعات، قیمت «اراضی فضا» را آورده‌اند (WWQI 16179A77). به این ترتیب، اراضی، شامل دو بخش «فضا» و «عمارت» است. بر شمردن متعلقات خانه در تمامی اسناد مورد مطالعه نشان می‌دهند که نوعی تمایز میان فضای ساخته شده (عمارت) و فضای باز در این برشماری‌ها وجود دارد. در این اسناد میان «فضا» و «عمارت» نیز تمایز دیده می‌شود و به وضوح متعلقات



تصویر ۲. احصای متعلقات دکان و خانه‌ای در اسناد مورد مطالعه (WWQI 16179A11; 16179A117)



... به انضمام تمامی و همگی موازی یک دُرک و نصف دُرک چوبی از جمله سه دُرک چوبی منصوبه رو به شمالی در یک باب اتاق رو به قبله، واقع در سوق علاقه‌بندها من اسواق سلطانی، به انضمام یک عدد قفل آهنی و چشمه‌بندی و رَف‌بندی، و نصف از چدار وسط اُرسی مزبور و سایر تعمیرات و ترسیمات از بنائی، نجاری و (خصاصی؟) محدثه موجوده در یک دُرک و نیم (و کوره؟) ... من ابوابها و لَوَاقِحها کائناً ماکان، بدون افراز چیزی از آن، که اُرسی مزبوره دایره به علاقه‌بندی و محدود می‌باشد به حدود اربعه، از حدی متصل به اُرسی ملکی و مسکونی عالی‌شان محمدابراهیم علاقه‌بند، و از جهتی وصل به یک دُرک و نیم متعلقه به آقا زین‌العابدین، مسکونی حاجی محمدحسن علاقه‌بند، محاذی اُرسی مسکونی آقا میرزا جان، ملکی ورثه مرحمت‌پناه، حاجی محمدطاهر علاقه‌بند، با جمیع متعلقات و منضمات...



... تمامی و همگی موازی یک باب اوطاق تحتانی سه دربی رو به جنوب به انضمام تمام کفش‌کن وصل به اوطاق مزبوره، از جمله تمام عرصه و اعیان کل شش دانگ یک باب خانه واقع در محله لب‌آب، من محلات دارالعلم شیراز، محدود از حدی به خانه مشهدی محمدحسن خیاط، و از حدی به خانه محمدجواد، و از حدی به خانه مشهدی قنبر (کبابی؟)، و از حدی به شارع مُنَسَّده و به انضمام یک دانگ از جمله شش دانگ مشاعات از فضا، جدران و حیطان و حوض آبی و چاه آبی و منبع و باغچه مشجره و مطبخ و درب کوچه و دالان و بیت الخلوه و سایر مما يتعلق بها، بدون استثنائی از آن...

مبايعه شرطی سه دانگ خانه‌ای در سرباغ (ساکما ۹۹۸/۱۵۶۶) است که در آن بجای فضا به حیاط اشاره شده است؛ به جای آن، با اشاره به هر متعلق، حیاط به نوعی حی و حاضر می‌گردد. نمونه بسیار مختصری از احصای متعلقات یک خانه در دست است که نشان می‌دهد ذکر تنها دو بخش کافی است؛ در مبايعه فروش اندرونی و خلوت و طویله خانه‌ای در محله لب آب (۱۲۹۳ ه.ق) به «مشممل بر عمارات تحتانی و فوقانی و حوض و باغچه و سایر ما يتعلق بها» بسنده شده است و تفصیل‌های مرسوم را ندارد (ساکما ۹۹۹/۴۵۴۳۲).

ب) متعلقات حوزه معنایی تجارت و صناعت و پیشه‌وری

گونه گونی مقوله‌های این حوزه بیش از آن است که بتوان همگی را در یک ساخت یکسان جای داد. برشمردن متعلقات مقوله دکان (حانوت) و دکه به سبب ماهیت آن‌ها بسیار به هم شبیه است تا آنجا که نمی‌توان تمایزی میان آن‌ها دستکم در اسناد این پژوهش تشخیص داد. در حالت کلی در صورت اشاره به متعلقات یک حانوت، آن را «مشممل بر الواح و جدران» دانسته‌اند (WWQI 15161A112). ولی در مواردی نیز به جزئیات بیشتری اشاره شده است؛ در سندی مربوط به فروش «یک باب حانوت قتادی گری» در اردوبازار (۱۲۷۵ ه.ق)، متعلقات آن شامل «زیرزمین، دست‌دان، پشتک، انبار، منبر و چاه آب» بوده است (ساکما ۹۹۹/۴۶۴۳۹). در اسنادی که به فروش یا اجاره بخشی از یک دکان اختصاص دارند جزئیات بیشتری می‌توان دید؛ نمونه کمابیش یکنایی از آن اشاره به متعلقات صلح‌نامه‌ای در خصوص یک درک و نیم از جمله سه درک چوبی یک باب اطاق در بازار علاقه‌بندها در سوق سلطانی (۱۳۰۳ ه.ق) است که شامل «یک عدد قفل آهنی و چشمه‌بندی و رف‌بندی و نصف جدار وسط ارسی مزبور و سایر تعمیرات و ترسیمات از بنایی و نجاری و خصایل محدثه موجوده» می‌شده است (WWQI 16179A11). سندی مربوط به مصالحه‌ای در تل معروف به حصیربافی واقع در محله سوق الطیر (۱۳۴۱ ه.ق) جزئیاتی از یک «کارخانه حصیربافی» دارد که جالب توجه است. در این سند آمده که این کارخانه مشتمل بر «عمارت، چاه‌خانه و انبار خنک‌دانی و حوض و چاه آب و درب بزرگ و نصف تمام از جزء یمینی و بسیری درب بزرگ مزبور» بوده است (WWQI 16179A236).

طویله‌ها و بهاربندها^{۳۲} نیز در شماری از اسناد، مورد اشاره هستند. نمونه آن اشاره به متعلقات طویله‌ای است واقع در محله سنگ‌سیاه که شامل «توبند و بیرون‌بند» بوده است (۹۹۹/۳۵۰۱۱). متعلقات یک بهاربند واقع در خارج دروازه کازرون (۱۳۲۶ ه.ق) چنین است: «مشممل بر ۲ انبار فوقانی رو به آفتاب و طویله رو به آفتاب و دو سرند و طویله پشت به آفتاب و... و باریک‌سازی پشت به قبله و پله و دسته پله و دستره و یک باب اوطاق انبار فوقانی... با کافه ملحقات از اراضی و فضا و درب و دالان و پشتک و ممر و مدخل و جدران و حیطان» (ساکما ۹۹۹/۴۹۷۰۴). این سند ترکیبی از شیوه برشماری اجزای یک خانه و اقتضائات یک بهاربند است. جزئیات حمام اغلب با تفصیل بیشتری است؛ مبايعه‌نامه دو باب حمام موسوم به بزرگ و کوچک واقع در سوق الطیر (۱۳۳۳ ه.ق) نمونه کم‌نظیری از این دست است. در این سند آمده که حمام بزرگ شامل «بینه، گرم‌خانه، تون‌خانه، بیت‌الخلوه، درب و دالان و گلخن و طویله و انبار متعدد، چاه و منبع و مجری آب و بالاخانه نشیمن فوق حمام بزرگ و دو عمود منصوبه در خزینه بزرگ» بوده است (ساکما ۹۹۹/۴۵۴۳۲). در

یک خانه را به دو قسم می‌کند - شانی یگانه و برابر برای فضا در مقابل عمارت و ابنیه و متعلق‌های آن قائل می‌شود. سیداسمعیل و استاد شیرمحمد و محمد از معماران شیراز در تعیین حدود خانه میرزا محمدصادق (۱۲۷۲ ه.ق)، به صراحت از دو گانه «فضا و عمارت و ابنیه» یاد کرده‌اند (WWQI 14130A2). این دوگانگی میان فضای زندگی انسان و استر نیز دیده می‌شود؛ در ابتدای همان سند اشاره شد که معماران باید برای تعیین سهم هر وارث، تمام اراضی خانه بزرگ را «از طویله و فضاخانه» ذرع نمایند که ترکیب دو جزء «فضا» و «خانه» است.

فضا پیوند مستقیمی با «حیاط» دارد، ولی نباید آن را مطلق حیاط دانست؛ کربلایی میرزا حیدر معمار و استاد محمدکریم معمار در «صورت قیمت خانه مادر مشهدی علی اکبر» (۱۳۳۴ ه.ق)، «ارضی فضای حیاط» و متعلقات حیاط شامل «حوض باراه آب، اشجار نارنج و چاه آب و دستک» را جداگانه به مبلغ ۷۳ تومان قیمت گذاشتند که حدود ۱۲٪ ارزش خانه دو آشکوبه با زیرزمین را شامل می‌شده است (WWQI 16179A192). در این سند، قیمت زمین حیاط ۱۸ تومان برآورد شده است. اراضی، بخش زیربنایی فضا است و بر روی آن یا درون آن چیزهایی احداث می‌شوند که متعلقات حیاط هستند، ولی فضای ایجادشده حدفاصل میان جبهه‌های چهارگانه بنا بدون توجه به آنچه اعم از آب و درخت در آن جاری یا کاشته شده باشد یا حوض و چاهی که در آن ساخته شده باشد - در مقوله معماری خانه ارزش و شانی همانند دیگر بخش‌های بنا داشته است؛ چیزی که امروزه نه در قیمت‌گذاری بنا و نه در شمار اجزای بنا دیده نمی‌شود. در صلح‌نامه بین فرخنده‌بیگم و ملا احمد سمسار (۱۳۳۸ ه.ق) به هنگام برشمردن مشاعات خانه آمده، «فضا و حوض و چاه» و... (WWQI 16179A52). این موضوع در برشمردن متعلقات خانه‌ای در سنگ‌سیاه (۱۲۸۶ ه.ق) نیز دیده می‌شود: «با جمیع متعلقات از عمارات و فضا و حوض و باغچه و چاه» و... (WWQI 1130A19) یا در صلح‌نامه خانه‌ای دیگر در همان محله در ۱۳۲۲ ه.ق که به «جمیع متعلقات و منضمات از فضا و حوض و باغچه مشجره به اشجار مختلفه و چاه آبی» و... (WWQI 14130A31) اشاره شده است و حتی در اجاره یک اطاق سه‌دری در خانه‌ای واقع در محله لب آب (۱۳۲۵ ه.ق) که فضا را بخشی از مشاعات در کنار راهرو و دالان و غیره برشمرده است (WWQI 16179A117). به این ترتیب، متعلقات خانه شامل اراضی، عمارت و فضا است و هر آنچه در ادامه می‌آید متعلقات و منضمات عمارت خانه است نه فضا. عمارت و فضا (پُر و خالی) در این نگرش، نوعی تقابل مکمل دارند که بر پایه رابطه سلبی (تضاد) بین دو واحد واژگانی است؛ یعنی همان تقابل معنایی در معنی‌شناسی رابطه‌ای.

برشمردن اراضی خانه جز در مواردی که به ضرورت بدان نیاز باشد (همچون مفروز کردن و موضوع کردن خانه جهت وراثت)، در اسناد مرسوم نیست و واژگانی همچون «تمامی عرصه و اعیان» بر اراضی خانه نیز دلالت داشته و نیازی به برشمردن آن در احصای متعلقات خانه وجود ندارد. اشاره به عمارت، بیشتر اوقات، به صورت کلیشه‌ای آورده می‌شود؛ مانند «بیوتات متعدده فوقانی و تحتانی» (ساکما ۹۹۷/۰۰۰۱۶). ولی اگر متعلق مهمی در آن باشد بدان نیز اشاره می‌شود؛ مانند: «ارسی و عمارات تحتانی و فوقانی» (ساکما ۹۹۹/۴۳۳۳۳). حیاط نیز وضعیت مشابهی دارد؛ جز در اشاره به اراضی آن، کمتر می‌توان حیاط را در برشماری متعلقات خانه به عنوان یک عنصر دید (نمونه کم‌نظیری از آن اشاره به حیاط در

باشند، مفهوم مفروز شدن وجود دارد. نمونه ویژه آن حوزه سکونت است. تحلیل اسناد نشان می‌دهند که سازمان درونی مقوله خانه بیش از آنکه بر تمایز میان سه گانه «اراضی»، «عمارت» و «فضا» استوار باشد بر تمایز میان مفروز و غیرمفروز پی‌ریزی شده است؛ چراکه همواره روزی نیاز به تقسیم آن وجود خواهد داشت. در این منطق، «فضا» بخشی از مشاعات است و برشمردن دیگر اندام‌های یک خانه در ادامه آن، درواقع بر مبنای مشاعات بودن آن‌ها است و عضو واژگی و جزء واژگی که فهمی امروزی است در آن حاکم نیست (نمودار ۳). در این نگرش، اراضی هم در بخش مشاعات و هم در بخش مفروزات حضور دارند و علت توجه به مشاعات و برشمردن آن‌ها برخلاف غیرمشاعات، در اهمیت آن‌ها در هر معامله‌ای است که جای اشکال خواهد داشت. در مباحثه‌نامه‌هایی که یک خانه به‌طور کلی و یک‌جابه فروش می‌رسد، برشمردن مشاعات تنها یک کلیشه رایج است ولی در مباحثه بخش‌هایی از یک خانه یا اجاره‌نامه‌ها، برشمردن مشاعات تأکید بر حق استفاده مشترک مستأجر را در خود دارد. در این نوع از اسناد، بخش غیرمشاع به تفصیل آورده می‌شود و حدود آن نیز به‌روشنی بیان می‌شود؛ بنابراین، دیگر نیازی نیست تا متعلقات آن در این بخش برشمرده شوند. این مهم برای گونه‌بنای حوزه تجارت و صنعت و پیشه‌وری متفاوت است. چراکه آنجا مفهوم مفروز و غیرمفروز اغلب مورد نیاز نیست.

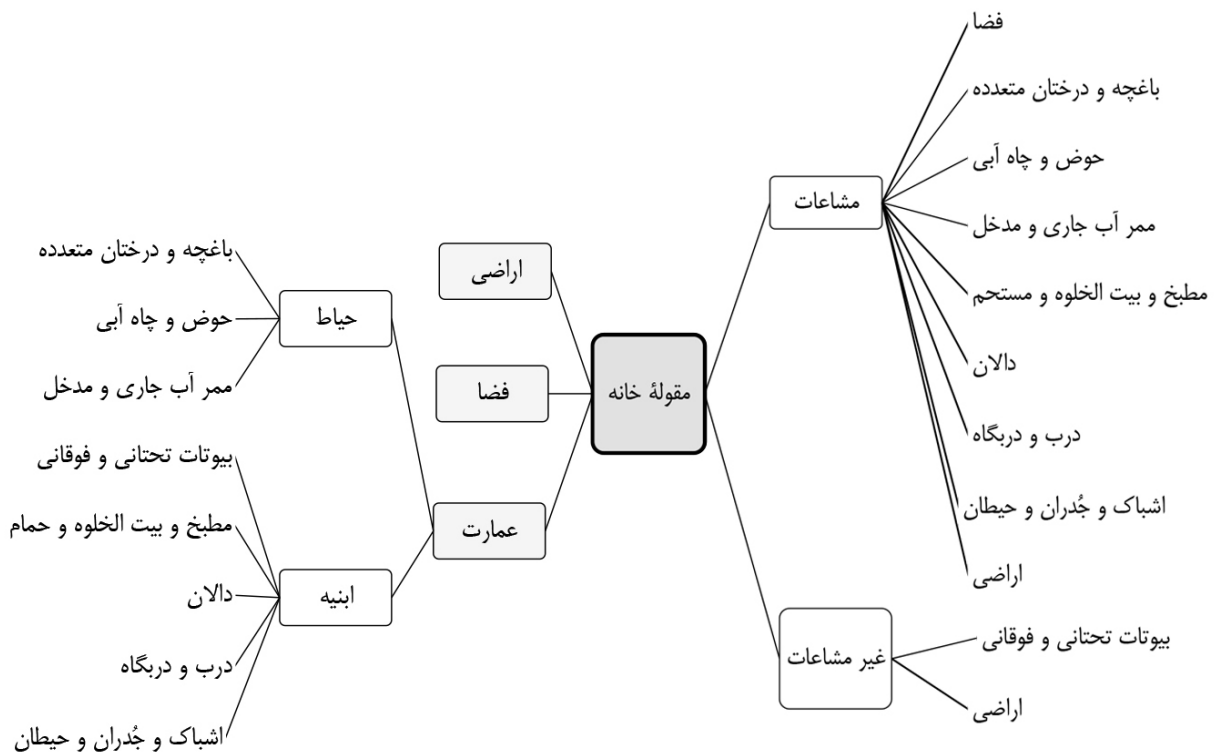
ساحت تعینی نیز فهم متفاوتی از بنا نزد مردم روزگار قاجار آشکار می‌سازد که بر روابط مکانی-جغرافیایی و شخصی-نهادی استوار است. علیرغم اینکه بسیاری از گذرها و معابر نزد مردم محلی نامی داشتند، در اسناد به آن‌ها اشاره نمی‌شده چراکه به نظر می‌رسد اعتبار تعین به «موضع» است نه به «معبّر». به دلایل زبان‌شناختی، این ماهیت تقابلی و تباینی نهفته در جهات جغرافیایی، قبله‌مبنا و خورشیدمبنا است که موقعیت یک بنا را

این سند برخی جزئیاتی آمده که در تمامی حمام‌ها عمومیت دارند ولی برخی دیگر ویژه همان مورد بوده است. در سندی دیگر مربوط به حمام نیمه دایره‌ای واقع در همان محله (۱۳۳۵ ه.ق) به متعلقاتی برمی‌خوریم که در شناخت معماری حمام تازگی دارد: «بینه و گرم‌خانه و خزاین و خیاض و لرزه‌خانه و قهوه‌خانه و انبار سوخت‌دان و گاوچاه و گاو دان» (ساکما ۹۹۹/۴۵۶۶). اصطلاح لرزه‌خانه، اندام یا فضای کمتر شناخته‌شده‌ای در معماری حمام است و وجود انبار سوخت و گاو دان نیز در طرح حمام‌ها برای معمار امروزی که به گذشته می‌نگرد، تازگی دارد و در مستندات تهیه‌شده برای این گونه‌بنا کمتر بدان اشاره می‌شود.

تبیین ساحت‌های مقوله معماری

مفهوم مقوله معماری در اسناد مورد مطالعه را می‌توان در دو ساحت مکمل یکدیگر تبیین کرد: ساحت تأسیسی و ساحت تعینی. در ساحت تأسیسی، مقوله معماری به واسطه معرفی اجزای خود فهم می‌شود و در رابطه میان آن‌ها موجودیتی قابل شناخت می‌یابد. ولی در ساحت تعینی، مقوله معماری در شبکه‌ای از روابط بیرونی مشخص می‌شود که مکانی و نهادی هستند. بنا در ساحت تأسیسی یک کل صرف تلقی نمی‌شود بلکه اجزاء و متعلقاتش در قیمت‌گذاری نهایی آن نقش داشته و به آن قابلیت تقسیم و مبادله (مفروز شدن) می‌بخشد. امکان قیمت‌گذاری بنا از طریق جمع‌جبری هر جزء، مفهوم بنا را به‌مثابه یک کل دگرگون می‌کند. این موضوع در تعیین ارزش مبادله‌ای بنا با قیمت‌گذاری بر اساس مساحت کاملاً متمایز است. قابلیت مفروز شدن نیز مفهومی متفاوت از مقوله معماری عرضه می‌کند. این امر در تمامی گونه‌بناها حاکم نیست بلکه تنها در گونه‌بناهایی که امکان تقسیم بنا بدون اختلال در کارکرد آن را داشته

نمودار ۳. متعلقات مقوله خانه در اسناد مورد مطالعه (یافته‌های پژوهش)



به نوعی استنساخ از واقعیت بدل می شوند که در آن، معنا از تفاوت های میان اجزا (نه دلالت مصداقی) و بر پایه روابط زنجیره ای و متداعی ساخته می شود. در این پژوهش با بهره گیری از معنی شناسی ساخت گرا، ساختار مقوله معماری بازسازی گردید و با مقایسه با تلقی های کنونی، برخی ویژگی های تاریخی آن به مثابه یک مفهوم روشن شد. یافته های این پژوهش در ابتدا «ساختار تأسیس و تعین مقوله معماری» را در اسناد مردمی دوره قاجار استخراج نمودند که شامل پنج گام تأسیس مقوله، تشخیص یافتن مقوله، تعلق یافتن مقوله، تعین یافتن مقوله و در نهایت احصای متعلقات مقوله هستند. با بررسی انواع روابط معنایی میان عناصر مقوله معماری در این اسناد، دو ساخت مکمل به نام «ساخت تأسیسی» و «ساخت تعینی» برای تبیین مقوله معماری معرفی شدند که با الهام از تاریخ مفهوم، امکان بررسی دگرگونی های مفهومی مقوله معماری در دوره قاجار و عصر کنونی میسر گردید. این موارد درک متفاوتی از مقوله معماری و نسبت اجزای بنا با آن عرضه کردند؛ شأنیت فضا در مقابل عمارت در سه گانه «اراضی»، «عمارت» و «فضا» در معرفت معماری قاجاری دیگر اکنون وجود ندارد. ساخت مقوله معماری بر پایه مفروز و غیرمفروز (و نه بر پایه فضای ساخته شده و باز) تلقی کاملاً متفاوتی نسبت به امروز را نشان می دهد که ناشی از ارزش مبادله ای اجزاء، در قیاس با کل بنا و قابلیت بخش پذیری بنا در معماری آن دوره بوده است. تعیین حدود بنا بر پایه هم جواری ها و مبتنی بر نگرشی موضع شناختی که اصل را بر موقعیت فرد در بنا و جهت یابی بر اساس حرکت خورشید و راستای قبله می گذارد، مفهوم دیگری برای تعین مقوله معماری است. تعلق بنا به فرد و نامیدن آن به صفات یا ویژگی هایی که موجب تشخیص بنا می گردد نیز نشان از درک کمابیش متمایزی نسبت به امروز دارد. همه این موارد در چارچوب روابط جزء-کل، مکانی-جغرافیایی و شخصی-نهادی قابل تبیین هستند؛ روابط متعددی که در مقیاس درونی و بیرونی میان بنا و اجزایش با تمامی ذی نفعان برقرار بوده و مفهوم مقوله معماری را به پدیده ای چندوجهی با روابطی چندگانه بدل می کرده است. در این پژوهش، تنها به شیراز و دوره قاجار پرداخته شد، امید است سایر پژوهشگران به بررسی مقوله معماری در اسناد دوره ها و جغرافیاهای دیگر ایران بپردازند تا مفهوم آنچه معماری ایران نامیده می شود، بیش از پیش روشن گردد.

معین می کند؛ به عبارت دیگر برای فهمیدن هم جواری های یک بنا که بر اساس جهات، تعین یافته، نیازی نیست بدانیم چه چیزی در کجا واقع است؛ چراکه نقطه مرجع روابط تقابلی و تباینی میان واژه ها، خود فرد است که همواره خود را درون بنا می پندارد. حتی هنگامی که با تعین شناخته با ناشناخته مواجهیم نیز شناخته ها آن قدر نزد سخنگویان و جاهت دارند که نیازی به آوردن نام گذرها نیست. مورد دیگر در این زمینه این است که چه بسا مردم روزگار قاجار تعین را مفهومی در «سلسله مراتب موضوع» می دیدند نه در «سلسله مراتب دسترسی به آن موضوع». فهم امروزی ما برای آدرس دهی و مشخص کردن یک بنا در شهر، روش دسترسی به آن از طریق معابر است در حالی که منطق ادراکی مردم قاجاری بنا را مادیتی عینی همچون یک شیء می بیند که موضع آن در تعیین نسبت آن شیء با دیگر اشیاء تعریف می شد نه در نسبت با معابر و گذرها؛ بنابراین، بنا را با به نگرشی موضع شناسانه می شناختند. همین تلقی از مقوله معماری به مثابه یک شیء بدان تشخیص می بخشید و برخی اوقات به نامی خوانده می شد. امروزه نام گذاری بناها بیش از گذشته مرسوم است ولی تعلق بنا به افراد و به محله پدیده ای کمابیش مهجور برای امروز ماست؛ مفهوم بنا به مثابه عضوی از یک محله نشان دهنده روابط شبکه ای در ساخت شهر است که در این اسناد نیز بازتاب یافته است ولی تعلق آن به افراد برای نامیده شدن از رابطه ای دو سویه میان انسان-کالبد ناشی می شود که انسانی تر از فهم امروزی از مایملک افراد است. این تعلق دو گانه طبیعی-نهادی، مقوله معماری را در شبکه ای چندگانه از روابط اجتماعی و حقوقی قرار می دهد که می بایست در کنار دو گانه های قبله-مینا-خورشیدمینا و مفروز-غیرمفروز فهم شود؛ بنابراین فهم مقوله معماری در خلال اسناد، لایه های پیچیده ای از انسان، شهر و دیگر بناها را در خود دارد که با فهم امروزی از بنا به مثابه یک کل یا کالبدی حقوقی و هنری متفاوت بوده است.

نتیجه گیری

رویکرد زبان شناختی به اسناد مرتبط با معماری، با وارونه کردن الگوهای متعارف بازسازی گرایانه در مطالعه اسناد تاریخ معماری، به سند به عنوان بر ساخت ذهنی گذشتگان در قالب نظامی متشکل از واحدهای زبانی و مبتنی بر دستور ساختاری می نگرد که بخشی از فهم مردم از معماری را بازنمایی می کند. در این رویکرد، اسناد مرتبط با معماری در مجموع

پی نوشت ها

1. Non-narrative Architecture Knowledge.
2. Conceptual History.
۳. اسناد به دو دسته کلی بخش شده اند: «اوراق سندی (مالی)» (مانند رهن و بیع شرط، مبیاعه نامه، قبالة های خرید و فروش و اجاره و استجاره، مقاطعه نامه، بروات و حوالجات) و «اوراق صریحه (حقوقی-قضائی)» (همچون وصیت نامه ها، وکالت نامه ها، قبالة های نکاح و طلاق، ضمانت نامه ها، استشهاد نامه ها، عرض حال، قبوض رسید) (قائم مقامی، ۱۳۵۰، ۴۱-۴۳). تقسیم بندی های کلی تری نیز وجود دارند؛ فدایی عراقی (۱۳۹۰، ۱۱۶-۱۱۷)، اسناد را به دو دسته «اسناد شرعی» (اسنادی برآمده از مباحث فقهی) و «اسناد عرفی» (اسنادی ناشی از دستاوردهای نظام اجتماعی و سیاسی حاکم) تقسیم کرده است.
4. Christoph Werner.
5. Women's Worlds in Qājār Irān Digital Archives.
۶. رکن محتوا یا متن یکی از بخش های سه گانه هر سند است. بخش های دیگر شامل رکن مطلع (تحمیدیه) و رکن خاتمه (مؤخره و تاریخ) هستند.

7. Representational.
8. Sense Relations.
9. John Lyons.
۱۰. نباید برگردان واژه «مفهوم» که در این اصطلاح برابر واژه Sense در زبان انگلیسی آورده شده، با واژه Concept/Intension خلط گردد. مفهوم در واژه های مجموعه دوم، «تصویر یا تصور ذهنی را گویند که از مصداق در ذهن/مغز پدید می آید [...]» از هر مصداق، یک مفهوم در ذهن/مغز پدید نمی آید؛ بلکه بر حسب مشترکات مصادیقی که از یک نوع تلقی شده اند، مفهومی در ذهن/مغز ضبط می شود که حاصل جمع تمامی آن ویژگی های مشترک است» (صفوی، ۱۴۰۰، ۱۰۷).
11. Lexical Field.
12. Semantic Field.
13. Compositional Analysis.
14. Relational Semantics.
15. Hyponymy.
16. Semantic Opposition.
17. Semantic Contrast.
18. Synonymy.
19. Meronymy.
20. Member-collection.
21. Portion-mass.
22. Diachronic.
23. Synchronic.
24. Semantic Field.

25. Frame of Reference. 26. Saddle Period.
 27. Linguistic Relics. 28. Building Type.
 ۲۹. دکه، دکانچه، دکان‌سرای، سکو و آن جایی است که قدری از زمین هموار را مرتفع سازند و بر آن نشینند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج. ۷، ۹۶۹).
 30. Associative Collocation.
 31. Syntagmatic Collocation.

۳۲. آغل تابستانی روباز

References

- Archive of Women in the Qajar Era. (1228 AH). *Peace agreement between Abutorab and Fathali with Haj Ali-Reza concerning the apothecary shop beside the Abbasi Canal* [Solh-nameh beyn-e Abutorab va Fathali ba Haj Ali-Reza dar bab-e hanut-e attari kenar-e Nahr-e Abbasi] [Archival document, Document No. 15161A112].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1244–1250 AH). *Endowment deed of Haj Mohammad* [Vaghf-nameh-ye Haj Mohammad] [Archival document, Document No. 14135A1].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1272 AH). *Determination of the boundaries of Mirza Sadegh's house and determination of Sheikh Abutorab's heirs' shares* [Tayin-e hodud-e khaneh-ye Mirza Sadegh va tayin-e sahm-e varras-e Sheikh Abutorab] [Archival document, Document No. 14130A2].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1286–1290 AH). *Documents concerning transactions involving a house in the Sangesiah neighborhood* [Asnad-e moamelat-e khaneh-i dar mahall-e Sangesiah] [Archival document, Document No. 1130A19].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1303 AH). *Peace agreement between Qamar Sultan and Mashhadi Haj Mohammad concerning a room in the Alaqabandha Bazaar* [Solh-nameh beyn-e Ghamar Soltan va Mashhadi Haj Mohammad dar khosus-e yek bab otagh dar Bazar-e Alaghabandha] [Archival document, Document No. 16179A11].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1320 AH). *Letter of request by Bibi Hosni-Jan for the construction of a shop and passageway* [Nameh-ye darkhast-e Bibi Hosni-Jan baraye sakht-e dokkan va dalan] [Archival document, Document No. 16179A30].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1322 AH). *Peace agreement between Bibi Hosni-Jan and her daughters concerning a house in the Sangesiah neighborhood* [Solh-nameh-ye Bibi Hosni-Jan va dokhtaransh dar bab-e khaneh-i dar mahall-e Sangesiah] [Archival document, Document No. 14130A31].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1322 AH). *Peace agreement between Hajieh Zivar Sultan and Mirza Zeyn al-Abedin concerning the house known as the large and small sections, shops, and gardens* [Solh-nameh-ye Hajieh Zivar Soltan ba Mirza Zeyn al-Abedin bar sar-e khaneh-ye mosamma be taraf-e bozorg va taraf-e kuchak, dokakin va basatin] [Archival document, Document No. 16179A169].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1323 AH). *Statement of expenses by Haj Abolqasem Alaqaband for children's expenses* [Surat-hesab-e Haj Abolghasem Alaghaband baraye makharej-e atfal] [Archival document, Document No. 16179A26].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1325 AH). *Lease agreement for a room* [Ejareh-nameh-ye yek otagh] [Archival document, Document No. 16179A117].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1325 AH). *Peace agreement between Haj Mohammad Hasan Attar and Bibi Zivar Sultan concerning the sale of an upper-floor room in Shah Square* [Solh-nameh beyn-e Haj Mohammad Hasan Attar va Bibi Zivar Soltan bar sar-e forush-e bala-khaneh-i dar Meydan-e Shah] [Archival document, Document No. 16179A75].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1325 AH). *Power of attorney for the recovery of a baharbend and garden from Mirza Zeyn al-Abedin Seham al-Sharia* [Vekalat-nameh baraye esterdad-e baharbend va baghcheh be Mirza Zeyn al-Abedin Seham al-Sharia] [Archival document, Document No. 16179A56].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1328 AH). *Division of the late Mirza Abdolrazzaq's house among the heirs* [Tafkik-e khaneh-ye marhum Mirza Abdolrazzaq beyn-e varaseh] [Archival document, Document No. 16179A77].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1328 AH). *Petition by the heirs of Haj Mohammad Hasan Tabakh concerning shops and the oil-pressing compound in the Balakafd neighborhood* [Arizeh-ye varaseh-ye Haj Mohammad Hasan Tabakh darbarez-ye hanut-ha va saray-e as-sarkhaneh dar mahall-e Balakafd] [Archival document, Document No. 16179A245].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1332 AH). *Letter concerning the lease of a room in a caravanserai opposite the former customs gate and payment to Mirza Zeyn al-Abedin Seham al-Sharia* [Nameh darbarez-ye ejareh-ye otagh dar karvansara-i ruberu-ye darb-e gomrok-e sabegh, karsazi dar vajh-e Mirza Zeyn al-Abedin Seham al-Sharia] [Archival document, Document No. 16179A146].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1334 AH). *Valuation of the house of Mashhadi Ali-Akbar's mother in the Balakafd neighborhood* [Surat-e gheymat-e khaneh-ye madar-e Mashhadi Ali-Akbar dar mahall-e Balakafd] [Archival document, Document No. 16179A192].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1338 AH). *Peace agreement between Farrokhandeh Begum and Molla Ahmad Samsar* [Solh-nameh beyn-e Farrokhandeh Begom va Molla Ahmad Samsar] [Archival document, Document No. 16179A52].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1338 AH). *Power of attorney for the sale and lease of a house and stable* [Vekalat-nameh baraye forush va ejareh-ye khaneh va tavileh] [Archival document, Document No. 16179A324].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1341 AH). *Peace agreement concerning the mat-weaving factory located in the Souq al-Tayr neighborhood* [Solh-nameh bar sar-e karkhaneh-ye hasirbafi-e vaghe dar mahall-e Souq al-Tayr] [Archival document, Document No. 16179A236].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1343 AH). *Lease agreement between Zahra and Bibi Nessa and Haj Ramadan-Ali, the grocer, for a house in Handagh in the Sardezak neighborhood* [Ejareh-nameh-ye Zahra va Bibi Nessa az Haj Ramadan-Ali Baghghal yek bab khaneh dar Handagh az mahallat-e Sardezak] [Archival document, Document No. 16179A181].
- Archive of Women in the Qajar Era. (1343 AH). *Power of attorney for resolving a dispute over two shops at the shrine of Seyyed Taj al-Din Gharib, granted to Mirza Zeyn al-Abedin Seham al-Sharia* [Vekalat-nameh baraye raf-e ekhtelaf bar sar-e do hanut dar bogheh-ye Seyyed Taj al-Din Gharib be Mirza Zeyn al-Abedin Seham al-Sharia] [Archival document, Document No. 16179A82].
- Asadpour, A. (2025). Muhammad Esmail, the Architect, in the Historical Qajar-Era Documents of Shiraz [Mo'arefi-ye me'mar Mohammad Esmail dar asnad-e tarikhi-ye Shiraz-e doreh-ye Qajar]. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 13(48), 38-49. <https://doi.org/10.22108/jao.13.48.38-49>

- org/10.22034/jaco.2025.492424.1436 (In Persian)
- Blair, Sheila S. (2008). *Ilkhanid architecture and society: An analysis of endowment deed of the Rab'-e Rashidi* [Me'mari va jame'eh dar doreh-ye Ilkhani: Tahli'li bar vaghf-nameh-ye Rab'-e Rashidi] (M. Gayyoomi Bidhendi, Trans.). *Golestan-e Honar*, 4(3), 48-73. <http://golestanehonar.ir/article-1-209-fa.pdf> (In Persian)
- Dehkhoda, A.-A. (1998). *Dehkhoda dictionary* [Lughat-nama-yi Dehkhoda] (2nd ed., new ser.). University of Tehran Press. (In Persian)
- Fadaei Araghi, G. R. (2011). *An introduction to the study of archival documents* [Moghaddame-i bar Shenakht-e Asnad-e Arshivi]. SAMT Publications. (In Persian)
- Gandomkar, R. (2020). *Descriptive dictionary of semantics* [Farhang-e tosfifi-ye ma'ni-shenasi]. Elmi. (In Persian)
- Gandomkar, R. (2022). *An introduction to structural semantics* (2nd ed.) [Ashnaei ba ma'ni-shenasi-ye saktgra]. Elmi. (In Persian)
- Ghaem Maghami, J. (1971). *An introduction to the study of historical documents* [Moghaddame-i bar Shenakht-e Asnad-e Tarikhi]. National Works Association Publications. (In Persian)
- Ghasem-Khan, A. (2018). *Tekiyeh-ye Dowlat: From being to non-being* [Tekiyeh-ye Dowlat: Az Budan va Nabudan]. Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Ghayyumi-Bidehendi, M., & Danaei-Fard, M. (2016). The concept of architecture during the transition from the Sasanian period to the Islamic era: An introduction to the conceptual history of Iranian architecture [Ma'fhum-e me'mari dar borreh-ye gozar az doreh-ye Sasaniyan be doreh-ye Eslami: Daramadi bar tarikhi-e mafhumi-ye me'mari-ye Iran]. *Iranian Architecture Studies*, 5(10), 49-72. https://ijas.kashanu.ac.ir/article_111769_8d0e79e49c248c8e-797820c987eea57f.pdf (In Persian)
- Hasanabadi, A. (2023). *An Introduction to Documentology and Archival Document Research* [Daramadi bar Sanadshenasi va Sanadpazhuhi dar Manabe'-e Arshivi]. SAMT Publications. (In Persian)
- Masoudi Nejad, R. (2023). *Dezful Bridge Company: A new historiography of the Sasanian bridge* [Sherkat-e Pol-e Dezful: Tarikh-negari-ye jadid-e Pol-e Sasani]. Ensanshenasi Publications. (In Persian)
- Matthews, P. H. (2023). *A short history of structural linguistics* [Tarikh-e mokhtasar-e zaban-shenasi-ye saxtgara] (R. Gandomkar, Trans.; 2nd ed.). Ketab-Saray-e Mirdashti. (Original work published 2001) (In Persian)
- Melvin Richter. (1995). *The history of political and social concepts: A critical introduction*. Oxford University Press.
- National Library and Archives of Iran. (1219 AH). *Deed of sale of a house in Sarbagh Quarter from Karbalaie Khalil Razzaz to Karbalaie Mohammad-Karim* [Ghabaleh-ye forush-e khane-i dar mahalleh-ye Sarbagh az Karbalaie Khalil Razzaz be Karbalaie Mohammad-Karim]. No. 35978/999. (In Persian)
- National Library and Archives of Iran. (1234 AH). *Deed of sale of a house in the New Mosque Gate Quarter by Mohammad-Ja'far Monshi to Mirza Mohammad-Baqer Javaheri* [Mobaaye'eh-nameh-ye forush-e khane-i dar mahalleh-ye Darb-e Masjed-e Jadid tavasot-e Mohammad-Ja'far Monshi be Mirza Mohammad-Bagher Javaheri]. No. 41112/999. (In Persian)
- National Library and Archives of Iran. (1245 AH). *Sale deed of the house known as Heydar-Khani in Meydan-Shah Quarter, including details and repairs* [Mobaaye'eh-ye forush-e khane-ye mosamma be Heydar-Khani dar mahalleh-ye Meydan-Shah va sharh-e joziyat va ta'mirat-e an]. No. 91/997. (In Persian)
- National Library and Archives of Iran. (1274 AH). *Deed of sale of the house known as Kuchak in Sarbagh* [Mobaaye'eh-nameh-ye forush-e khane-ye mosamma be Kuchak dar Sarbagh]. No. 39753/999. (In Persian)
- National Library and Archives of Iran. (1274 AH). *Deed of sale of one side of a house known as the Guesthouse in Meydan-Shah* [Mobaaye'eh-nameh-ye forush-e yek-taraf-khaneh-ye ma'ruf be Mehman-khaneh dar Meydan-Shah]. No. 43323/999. (In Persian)
- National Library and Archives of Iran. (1307 AH). *Deed of sale of part of a separate house in Balakafad* [Mobaaye'eh-nameh-ye forush-e bakhshi az yek khaneh-ye mafrozi dar Balakafad]. No. 23660/296. (In Persian)
- National Library and Archives of Iran. (1325 AH). *Deed of sale of a house in Eshaq-Beyg Quarter* [Mobaaye'eh-nameh-ye forush-e yek bab khaneh dar mahalleh-ye Eshagh-Beyg]. No. 6775/998. (In Persian)
- National Library and Archives of Iran. (1333 AH). *Deed of sale of a five-door orsi (three doors and two entrances), together with a three-door room, adjoining view, and back area in Sarbagh Quarter* [Mobaaye'eh-nameh-ye forush-e yek bab Orsi-ye panj-dahaneh (se darak va do darb) be enzemam-e yek bab Otagh-e se-darbi va Manzari-ye motasseleh va poshtak dar mahalleh-ye Sarbagh]. No. 49706/999. (In Persian)
- National Library and Archives of Iran. (1335 AH). *Deed concerning a property in Sang-Siah Quarter transferred to Qavam-Daftari by Mirza-Ali Malazem Shirazi and his mother, Bibi-Zeinab* [Dar mahalleh-ye Sang-Siah be Ghavam-Daftari tavasot-e Mirza-Ali Malazem Shirazi va valedah-ash Bibi-Zeinab]. No. 35012/999. (In Persian)
- National Library and Archives of Iran. (1275 & 1277 AH). *Two deeds of compromise and sale concerning confectionery and box-making shops in Ordubazar of Shiraz* [Do mosalehe-nameh va ghabaleh-nameh-ye forush-e dokkan-haye ghannadi va sandugh-sazi dar Ordubazar-e Shiraz]. No. 46439/999. (In Persian)
- National Library and Archives of Iran. (1326 AH). *Deed of sale of a Baharbend and an adjoining shop outside the Kazeroon Gate* [Mobaaye'eh-nameh-ye Baharbend va hanut-e motassel be an dar kharej-e Darvazeh-ye Kazeroon]. No. 49704/999. (In Persian).
- National Library and Archives of Iran. (1321 AH). *Conditional deed of sale of three dangs of a house in Sarbagh Quarter between Mirza-Ali-Mohammad, a merchant from Dehdasht, and Mirza-Hasan Mo'allef* [Mobaaye'eh-nameh-ye sharti-ye se dang khaneh dar mahalleh-ye Sarbagh beyn-e Mirza-Ali-Mohammad Tajer-e Dehdashti va Mirza-Hasan Mo'allef]. No. 1566/998. (In Persian)
- National Library and Archives of Iran. (1293 AH). *Deed of sale of part of a house known as Andaruni and Khalvat, including a stable, in Lab-e Ab Quarter* [Mobaaye'eh-nameh-ye forush-e bakhshi az khaneh-ye mosamma be Andaruni va Khalvat va Tavileh dar mahalleh-ye Lab-e Ab]. No. 45432/999. (In Persian).
- National Library and Archives of Iran. (1286 AH). *Deed of sale of an electric well in Jabal-e Derak and an ice-selling shop in the Armenian Bazaar* [Mobaaye'eh-nameh-ye forush-e chah-e barghi dar Jabal-e Derak va yek dokkeh-ye barf-forushi dar Bazarcheh-ye Arameneh]. No. 45425/999. (In Persian)
- National Library and Archives of Iran. (1335 AH). *Deed of sale of several houses and a bathhouse in Lab-e Ab and Souq al-Tayr Quarters by Mohammad-Hasan Bazzaz to Mirza-Mahmoud Bazzaz* [Mobaaye'eh-nameh-ye forush-e chand bab khaneh va hammam dar mahalleh-ye

- Lab-e Ab va Sough al-Tayr tavasot-e Mohammad-Hasan Bazzaz be Mirza-Mahmoud Bazzaz]. No. 45666/999. (In Persian) National Library and Archives of Iran. (1223 AH). Deed of sale of a house in Meydan-Shah [Mobaaye'eh-nameh-ye forush-e khaneh-i dar Meydan-Shah]. No. 000016/997. (In Persian) National Library and Archives of Iran. (1292 AH). *Deed of sale of two chambers in the Qeysariyeh of Souq al-Tayr Quarter* [Mobaaye'eh-nameh-ye forush-e do hojreh dar Gheysariyeh-ye mahalleh-ye Sough al-Tayr]. No. 46433/999. (In Persian) National Library and Archives of Iran. (1333 AH). *Deed of sale of a stable in Sang-Siah Quarter* [Mobaaye'eh-nameh-ye forush-e yek bab Tav-ileh dar mahalleh-ye Sang-Siah]. No. 35011/999. (In Persian) National Library and Archives of Iran. (1333 AH). *Deed of sale of two bathhouses in Souq al-Tayr Quarter from Mirza-Mahmoud Bazzaz to Mirza-Heydar-Ali, the architect* [Mobaaye'eh-ye forush-e do bab hammam dar mahalleh-ye Sough al-Tayr az Mirza-Mahmoud Bazzaz be Mirza-Heydar-Ali Me' mar]. No. 45632/999. (In Persian) Rafiee Sarshaki, B., Rafizadeh, N., & Ranjbar Kermani, A.-M. (2016). *Dictionary of Iranian Architecture* [Farhang-e Mehrāzi (Me' māri)-ye Iran] (3rd ed.). Road, Housing and Urban Development Research Center Publications. (In Persian)
- Reinhart Koselleck. (2002). *The practice of conceptual history: Timing history, spacing concepts* (T. S. Presner, K. Behnke, & J. Welge, Trans.). Stanford University Press.
- Rezaei, O. (2011). *An Introduction to the Religious Legal Documents of the Qajar Period* [Daramadi bar Asnad-e Shar'i-ye Dowreh-ye Qajar]. Institute for Humanities and Cultural Studies. (In Persian)
- Safavi, K. (2021). *Descriptive dictionary of semantics* [Farhang-e Towṣīfi-ye Ma'ni-shenasi] (2nd ed.). Farhang-e Mo'aser Publications. (In Persian)
- Werner, C. (2017). *Formal dimensions of Qajar-period deeds of sale* [Ab'ād-e šuri-ye asnād-e forush-e dowreh-ye Qājār]. In K. Nobuaki (Ed.), *Iranian documents: The social history of Iran and Turan from the tenth to the fourteenth centuries AH* [Asnād-e Irāni: Tārikh-e ejtemā'i-ye Irān va Tūrān az sād-e dahom tā chahārdahom-e hejri] (A. Akhshini, Trans., pp. 40–99). Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. (Original work published 2003) (In Persian)
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۲۲۸ ه.ق.). *صلح‌نامه بین ابوتراب و فتحعلی با حاج علی‌رضا در باب حانوت عطاری کنارنهر عباسی* (شماره سند 15161A112).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۲۲۸ ه.ق.). *صلح‌نامه بین ابوتراب و فتحعلی با حاج علی‌رضا در باب حانوت عطاری کنارنهر عباسی* (شماره سند 15161A112).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۲۴۴–۱۲۵۰ ه.ق.). *وقف‌نامه حاج محمد* (شماره سند 14135A1).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۲۷۲ ه.ق.). *تعیین حدود خانه میرزاصادق و تعیین سهم وراثت شیخ ابوتراب* (شماره سند 14130A2).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۲۸۶–۱۲۹۰ ه.ق.). *اسناد معاملات خانهای در محله سنگ سیاه* (شماره سند 1130A19).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۰۳ ه.ق.). *صلح‌نامه بین قمر سلطان و مشهدی حاجی محمد در خصوص یک باب اتاق در بازار علاقه‌بندها* (شماره سند 16179A11).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۰ ه.ق.). *نامه درخواست بی‌بی حسنی جان برای ساخت دکان و دالان* (شماره سند 16179A30).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۲ ه.ق.). *صلح‌نامه بی‌بی حسنی جان و دخترانش در باب خانهای در محله سنگ سیاه* (شماره سند 14130A31).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۲ ه.ق.). *صلح‌نامه حاجیه زیور سلطان با میرزا زین‌العابدین بر سر خانه موسوم به طرف بزرگ و طرف کوچک، دکاکین و بساتین*
- (شماره سند 16179A169).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۳ ه.ق.). *صورت حساب حاجی ابوالقاسم علاقه‌بند برای مخارج اطفال* (شماره سند 16179A26).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۵ ه.ق.). *اجاره‌نامه یک اتاق* (شماره سند 16179A117).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۵ ه.ق.). *صلح‌نامه بین حاجی محمدحسن عطار و بی‌بی‌زیور سلطان بر سر فروش بالاخانه‌ای در میدان شاه* (شماره سند 16179A75).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۵ ه.ق.). *وکالت‌نامه برای استرداد بهاربند و باغچه به میرزا زین‌العابدین سهام‌الشریعه* (شماره سند 16179A56).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۸ ه.ق.). *تفکیک خانه مرحوم میرزا عبدالرزاق بین ورثه* (شماره سند 16179A77).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۸ ه.ق.). *عریضه ورثه حاجی محمدحسن طبایح درباره حانوت‌ها و سرای عصارخانه در محله بالاکنده* (شماره سند 16179A245).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۳۲ ه.ق.). *نامه درباره اجاره‌ای در کاروانسرای روبه‌روی درب گمرک سابق، کارسازی در وجه میرزا زین‌العابدین سهام‌الشریعه* (شماره سند 16179A146).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۳۴ ه.ق.). *صورت قیمت خانه مادر مشهدی علی‌اکبر در محله بالاکنده* (شماره سند 16179A192).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۳۸ ه.ق.). *صلح‌نامه بین فرخنده بیگم و ملا احمد سمسار* (شماره سند 16179A52).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۳۸ ه.ق.). *وکالت‌نامه برای فروش و اجاره خانه و طویله* (شماره سند 16179A324).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۴۱ ه.ق.). *صلح‌نامه بر سر کارخانه حصیریافی واقع در محله سوق‌الطیر* (شماره سند 16179A236).
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۴۳ ه.ق.). *اجاره‌نامه زهرا و بی‌بی‌نساء از حاجی رمضان‌علی بقال یک باب خانه در حندق از محلات سردرگ (شماره سند 16179A181).*
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۴۳ ه.ق.). *وکالت‌نامه برای رفع اختلاف بر سر دو حانوت در بقعه سیدتاج‌الدین غریب به میرزا زین‌العابدین سهام‌الشریعه* (شماره سند 16179A82).
- اسدیپور، علی (۱۴۰۴). محمد اسمعیل معمار در اسناد تاریخی دوره قاجار شیراز. فصلنامه هنر و تمدن شرق، ۱۳ (۴۸)، ۳۸–۴۹. <https://doi.org/10.22034/jaco.2025.492424.1436>
- بلر، شیدا (۱۳۸۷). معماری و جامعه در دوره ایلخانان: تحلیل وقف‌نامه ربع رشیدی. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. گلستان هنر، ۴ (۳)، ۴۸–۷۳. <http://golestane-honar.ir/article-1-209-fa.pdf>
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۴۰۲). درآمدی بر سندشناسی و سندپژوهی در منابع آرشیوی. انتشارات سمت.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا* (چاپ ۲ از دوره جدید). انتشارات دانشگاه تهران.
- رضایی، امید (۱۳۹۰). درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رفیعی سرشکی، بیژن؛ رفیع‌زاده، ندا و رنجبر کرمانی، علی محمد (۱۳۹۵). فرهنگ مهرازی (معماری) ایران (چاپ ۳). نشر مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۱۹ ه.ق.). *قبالة فروش خانهای در محله سرباغ از کربلای خلیل رزاز به کربلای محمد کریم* (شماره سند ۹۹۹/۳۵۹۷۸).
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۴۴ ه.ق.). *مبايعه‌نامه فروش خانهای در محله درب مسجد جدید توسط محمدجعفر منشی به میرزا محمدباقر جواهری* (شماره سند ۹۹۹/۴۱۱۱۲).
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۴۵ ه.ق.). *مبايعه‌نامه فروش خانه موسوم به حیدرخانی در محله میدان‌شاه و شرح جزئیات و تعمیرات آن* (شماره سند ۹۹۷/۹۱).
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۷۴ ه.ق.). *مبايعه‌نامه فروش خانه موسوم به*

کوکچک در سرباغ (شماره ۳۹۷۵۳/۹۹۹).
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۲۷۴ ه.ق). *مبايعه‌نامه* فروش یک طرف خانه معروف به مهمان‌خانه در میدان‌شاه (شماره سند ۹۹۹/۴۳۳۲۳).
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۰۷ ه.ق). *مبايعه‌نامه* فروش بخشی از یک خانه مفروزی در بالاگند (شماره سند ۲۹۶/۲۳۶۶۰).
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۲۵ ه.ق). *مبايعه‌نامه* فروش یک باب خانه در محله اسحاق بیگ (شماره سند ۹۹۸/۶۷۷۵).
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۳۲ ه.ق). *مبايعه‌نامه* فروش یک باب اُرسی پنج‌دهنه (سه درک و دو درب) به انضمام یک باب اوطاق سه دری و منظری متصله و پشتک در محله سرباغ (شماره سند ۹۹۹/۴۹۷۰۶).
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۳۵ ه.ق). در محله سنگ‌سیاه به قوام دفتر توسط میرزا علی ملازم شیرازی و والده‌اش بی‌بی زینت (شماره سند ۹۹۹/۳۵۰۱۲).
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۲۷۷ و ۱۳۷۵ ه.ق). دو مصالحه‌نامه و قبالة‌نامه فروش دکان‌های قنادی و صندوق‌سازی در اردوبازار شیراز (شماره سند ۹۹۹/۴۶۴۳۹).
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۲۶ ه.ق). *مبايعه‌نامه* بهار بند و حانوت متصل به آن در خارج دروازه کازرون (شماره سند ۹۹۹/۴۹۷۰۴).
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۲۱ ه.ق). *مبايعه‌نامه* شرطی سه دانگ خانه در محله سرباغ بین میرزا علی محمد تاجر دهشتی و میرزا حسن مؤلف (شماره سند ۹۹۸/۱۵۶۶).
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۲۹۳ ه.ق). *مبايعه‌نامه* فروش بخشی از خانه موسوم به اندرونی و خلوت و طویله در محله لب‌آب (شماره سند ۹۹۹/۴۵۴۳۲).
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۲۸۶ ه.ق). *مبايعه‌نامه* فروش چاه برقی در جبل دراک و یک دکه برف‌فروشی در بازارچه ارامنه (شماره سند ۹۹۹/۴۵۴۲۵).
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۳۵ ه.ق). *مبايعه‌نامه* فروش چند باب خانه و حمام در محله لب‌آب و سوق الطیر توسط محمد حسن نواز به میرزا محمود نواز (شماره سند ۹۹۹/۴۵۶۶۶).
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۲۳ ه.ق). *مبايعه‌نامه* فروش خانه‌ای در میدان‌شاه (شماره سند ۹۹۷/۰۰۰۰۱۶).

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۲۹۲ ه.ق). *مبايعه‌نامه* فروش دو حجره در قیصریه محله سوق الطیر (شماره سند ۹۹۹/۴۶۴۳۲).
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۳۳ ه.ق). *مبايعه‌نامه* فروش یک باب طویله در محله سنگ سیاه (شماره سند ۹۹۹/۳۵۰۱۱).
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۳۳ ه.ق). *مبايعه* فروش دو باب حمام در محله سوق الطیر از میرزا محمود نواز به میرزا حیدر علی (شماره سند ۹۹۹/۴۵۶۳۲).
 صفوی، کورش. (۱۴۰۰). *فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی* (چاپ ۲). انتشارات فرهنگ معاصر.
 فدایی عراقی، غلامرضا. (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی*. انتشارات سمت.
 قاسم‌خان، علیرضا. (۱۳۹۷). *تکیه دولت: از بودن و نبودن*. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. انتشارات انجمن آثار ملی.
 قیومی‌بیدهندی، مهرداد و دانایی‌فر، مطهره. (۱۳۹۵). مفهوم معماری در برهه گذار از دوره ساسانیان به دوران اسلامی، درآمدی بر تاریخ مفهومی معماری ایران. https://jias.kashanu.ac.ir/article_111769_8d0e79e49c248c8e797820c987eea57f.pdf
 گندمکار، راحله. (۱۳۹۹). *فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی*. انتشارات علمی.
 گندمکار، راحله. (۱۴۰۱). *آشنایی با معنی‌شناسی ساخت‌گرا* (چاپ ۲). انتشارات علمی.
 متیوس، پیتر. (۱۴۰۲). *تاریخ مختصر زبان‌شناسی ساخت‌گرا* (راحله گندمکار، مترجم؛ چاپ دوم). نشر کتاب‌سرای میردشتی. (چاپ اصلی اثر، ۲۰۰۱)
 مسعودی‌نژاد، رضا. (۱۴۰۲). *شرکت پل دزفول: تاریخ‌نگاری جدید پل ساسانی*. نشر انسان‌شناسی.
 ورنر، کریستوفر. (۱۳۹۶). ابعاد صوری اسناد فروش دوره قاجار. در ک. نوبوآکی (ویراستار)، *اسناد ایرانی: تاریخ اجتماعی ایران و توران از سده دهم تا چهاردهم هجری* (علی آخشینی، مترجم، صص. ۴۰-۹۹). انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. (چاپ اصلی اثر ۲۰۰۳)

Exploring Unauthorized Urban Construction Considering the Concept of Nomotropism: The Case of Ahmadih Town in District 19 of Tehran*

Abstract

Despite numerous studies, unauthorized urban construction in Iran has not yet been analyzed from the perspective of nomotropism, a concept that focuses on acting in light of rules—a condition in which actors move beyond the conventional legal-illegal dichotomy. Rather than simply ignoring the law or engaging in outright lawbreaking, they make calculated decisions regarding the law and orient their actions in its shadow or in relation to it. The manifestations of such nomotropic behavior can be explained through a fivefold typology: hidden construction (e.g., using plants or high walls to conceal violations), overnight construction (completing structures rapidly to complicate legal removal), unfinished construction (intentionally slowing work to avoid proportional fines), non-compliant construction (obtaining permits but deviating from approved plans), and unpermitted construction (building without permits but expecting future legalization). To these must be added speculative land subdivision and the expectation of amnesty for violations. The case study is Ahmadih Town, located in Zone 3 of District 19 of Tehran, where construction violations became particularly prominent following a fatal incident, known as Khalazir. District 19 of Tehran covers 2,036 hectares with a population of 271,000. It contains extensive barren lands spanning more than 200 hectares, including over 30 inactive brick kilns, alongside social issues such as homelessness. Zone 3, encompassing approximately 760 hectares, was historically used for agriculture but gradually encroached upon by scrap yards and was largely converted illegally. Of this area, about 430 hectares are endowed lands under the trusteeship of Marvi School, including Ahmadih Town and the Khalazir scrap market. In August 2023, Tehran Municipality demolished part of the unauthorized constructions in this area pursuant to a judicial order, resulting in several fatalities from collapsed buildings. The research was conducted through thematic analysis of semi-structured interviews with 17 urban planning experts, academics, residents, and informed individuals, selected via purposive snowball sampling. The findings indicate that the municipality's failure to intervene promptly is the most significant factor perpetuating construction violations. This situation precisely exemplifies nomotropic behavior: violators act not out of ignorance or poverty, but based on subjective and objective acquired rights in the shadow of a possible future halt, amnesty, or legalization. From a nomotropic perspective, the law remains effective—not through obedience, but through avoidance of punishment and playing with time. Furthermore, several interviewees pointed to the semantic and functional nature of the verb “may” in Article 100 of the Municipality Law. The optional character of this verb has created a structural fragility. In this context, prevention is not treated as a definitive duty but as an option available to the municipality. This legal ambiguity provides fertile ground for nomotropic behaviors, because the violator always considers the possibility that the municipality “might not intervene or prevent for now.” Moreover, all five manifestations of nomotropic behavior in unauthorized urban construction are present in the case of Ahmadih Town: night construction and the use of barren lands adjacent to the kilns (indicating hidden construction), the immediate and uninterrupted erection of building skeletons without adherence to engineering principles (indicating overnight construction), the abandonment of some constructions (indicating unfinished construction), constructions exceeding four floors in contradiction to the municipality's implicit decision (indicating non-compliant construction), and the absence of building permits (indicating unpermitted construction). These are compounded by the land's endowment status, illegal subdivision, and amnesty expectations—explicit or im-

Received: 07 Apr 2026

Received in revised form: 10 May 2026

Accepted: 22 Jun 2026

Parsa Arbab¹ [iD](#) (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Urban Planning and Management, School of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: parsaarbab@ut.ac.ir

Masoud Rahimi² [iD](#)

Master in Urban Management, Department of Urban Planning and Management, School of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: masoud.rahimi@ut.ac.ir

Mohammad Saleh Shokouhi Bidhendi³ [iD](#)

Assistant Professor, Urban Planning Department, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Science and Technology, Tehran, Iran. E-mail: shokouhi@iust.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.416021.673210>

licit—fueled by official silence or discretionary enforcement. Accordingly, unauthorized urban construction is a multi-causal phenomenon resulting from the complex interaction among laws, institutions, economic interests, and actors' opportunistic behavior. Untimely decision-making, endowment lands with illegal lot splitting, procedural flaws in the Article 5 Commission, information leakage before plan approval, lack of enforcement guarantees under Article 100 of the Municipal Law, the municipality's financial dependence on construction, and overly stringent standards together create fertile ground for the nomotropic behavior of rent-seekers. Besides, this study expands nomotropism to the institutional level, showing that not only individuals but also institutions such as the municipality (through omission or inaction), the Provincial Security Council (through demolition-ban resolutions), the Article 5 Commission (through incomplete and non-transparent approvals), and endowments (through illegal subdivisions and creating false tenure security) can exhibit nomotropic behavior. The following solutions are proposed based on the findings: 1. formulating laws with a nomotropic impact assessment; 2. reforming Article 5 Commission procedures and ensuring referral of approvals to the Supreme Council of Urban Planning and Architecture; 3. amending Article 100 of the Municipality Law to change “may prevent” to “is obliged to prevent immediately”; 4. managing municipal revenue dependency on construction to reduce “amnesty-with-fine” incentives; 5. reforming and expediting bureaucratic procedures; 6. revising unrealistic minimum construction area standards; 7. prohibiting utility connections to unauthorized constructions; 8. voiding any promissory note transactions on properties without permits or non-compliant with permits; 9. preventing illegal subdivisions by endowments through requiring official permits from the municipality. Future research should conduct comparative studies, analyze acquired rights and amnesty expectations, and explore nomotropism in other urban planning domains.

Keywords: construction violations, land use, nomotropism, unauthorized construction, urban development

Citation: Arbab, Parsa; Rahimi, Masoud, & Shokouhi Bidhendi, Mohammad Saleh. (2026). Exploring unauthorized urban construction considering the concept of nomotropism: The case of Ahmadih Town in District 19 of Tehran. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 31(2), 61-76. (In Persian)



© Authors retain full copyright and publishing rights.

Publisher: University of Tehran Press.

*This article is derived from the second author's master's thesis, entitled “Exploring the role of urban management in unauthorized construction based on the concept of Nomotropism” (case study: Ahmadih Town in District 19 of Tehran Municipality), under the supervision of the first author and with consultation from the third author at the University of Tehran.

واکاوی ساخت و ساز شهری غیر مجاز از منظر مفهوم نوموتروپیسم: نمونه شهرک احمدیه در منطقه ۱۹ شهر تهران*

چکیده

با وجود پژوهش‌های متعدد، فرایند ساخت و ساز شهری غیر مجاز در ایران تاکنون از منظر مفهوم نوموتروپیسم واکاوی نشده است که به عمل در پرتو قانون توجه دارد؛ جایی که کنشگران با عبور از دو گانه قانونی-غیرقانونی، به جای نادیده گرفتن قانون یا قانون شکنی آشکار، قانون را محاسبه کرده و در سایه یا نسبت با آن، جهت دهی می‌شوند. مصادیق این رفتار نوموتروپیک، در قالب دسته‌بندی پنج گانه شامل ساخت و ساز پنهان، ساخت و ساز یک شبه، ساخت و ساز ناتمام، ساخت و ساز مغایر و ساخت و ساز بی‌مجوز، قابل تبیین است که

تفکیک سوداگران زمین و انتظار عفو احتمالی نسبت به تخلف رانیز باید به آن‌ها افزود. مورد مطالعه، شهرک احمدیه واقع در منطقه ۱۹ تهران است که تخلفات ساختمانی در آن با حادثه منجر به فوت موسوم به خلازیر، برجسته شد. پژوهش از نوع کاربردی با ماهیت کیفی است و با تحلیل مضمون محتوای مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با کارشناسان شهرسازی، استادان دانشگاه و ساکنان مطلع، دنبال شده است. یافته‌ها گویای آن است که مهم‌ترین عامل تداوم تخلفات، عدم جلوگیری به موقع شهرداری است. این وضعیت دقیقاً مصادیق رفتار نوموتروپیک است؛ متخلفان نه به دلیل ناآگاهی یا فقر، بلکه به واسطه حقوق مکتسبه در سایه احتمال توقف، عفو یا قانونی سازی آتی، اقدام به ساخت کرده‌اند. بر این اساس، ساخت و ساز شهری غیر مجاز، پدیده‌ای چند علتی و محصول تعامل پیچیده قوانین، نهادها، منافع اقتصادی و رفتار حسابگرانه کنشگران است.

واژه‌های کلیدی: تخلفات ساختمانی، توسعه شهری، ساخت و ساز غیر مجاز، کاربری اراضی، نوموتروپیسم

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۱/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

پارسا ارباب^۱ (نویسنده مسئول): دانشیار گروه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، دانشکده شهرسازی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

E-mail: parsaarbab@ut.ac.ir

مسعود رحیمی^۲: کارشناس ارشد مدیریت شهری، گروه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، دانشکده شهرسازی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

E-mail: masoud.rahimi@ut.ac.ir

محمد صالح شکوهی بیدهندی^۳: استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

E-mail: shokouhi@iust.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.416021.673210>

استناد: ارباب، پارسا؛ رحیمی، مسعود و شکوهی بیدهندی، محمد صالح (۱۴۰۵). واکاوی ساخت و ساز شهری غیر مجاز از منظر مفهوم نوموتروپیسم: نمونه شهرک احمدیه در منطقه ۱۹ شهر تهران. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۳۱(۲)، ۶۱-۷۶.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نگارندگان، حق تکثیر و امتیاز کامل انتشار مقاله خود را حفظ می‌کنند.



* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده دوم با عنوان «واکاوی نقش مدیریت شهری در ساخت و ساز غیر مجاز بر اساس مفهوم نوموتروپیسم (مطالعه موردی: شهرک احمدیه در منطقه ۹۱ شهرداری تهران)» می‌باشد که با راهنمایی نگارنده اول و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه تهران ارائه شده است.

مقدمه

تخلف از ضوابط و استانداردهای کمی، کیفی، فنی و شهرسازی در ساخت‌وسازها در شهرها، مسئله‌ای ریشه‌ای و گسترده است که با رشد شهرنشینی، به‌طور تصاعدی در حال افزایش است (اجزاء شکوهی و همکاران، ۱۳۹۵). همگام با تقاضای فزاینده ساخت‌وساز در محدوده قانونی یا حریم شهرها، تخلفات ساختمانی^۱ تحت زنجیره‌ای از مسائل مدیریتی و قانون‌گذاری، اقتصادی و اجتماعی و در سایه عواملی چون نقص در قوانین و فقدان نظارت درست بر اجرای آن، ناکارآمدی نظام مدیریت شهری، طولانی‌بودن فرایند اخذ پروانه ساختمانی و نیز قیمت زمین، از جمله چالش‌های شهرنشینی نوین با عواقبی فراگیر و آثاری بلندمدت، به‌شمار می‌رود (اسکندری عین‌الدین و همکاران، ۱۴۰۲؛ صالحی‌نژاد و المدرسی، ۱۴۰۲). بر این اساس، تخلفات ساختمانی از حیث ماهیت و نیز نحوه مواجهه، در زمره مسائل شهری بغرنج قرار می‌گیرد (اسدی و ارباب، ۱۴۰۳) که در عین حال، در ارتباط با ناکارآمدی برنامه‌ریزی شهری و عدم تحقق‌پذیری اسناد توسعه شهری در ابعاد اجتماعی و کالبدی به‌ویژه از منظر سطح و سرانه کاربری‌های اراضی نیز موضوعیت دارد (ارباب، ۱۴۰۱؛ وحیدی برجی و همکاران، ۱۳۹۶).

منظور از تخلفات ساختمانی، بی‌اعتنایی به قوانین یا قانون‌شکنی است که در قالب ساخت‌وسازهای فاقد پروانه یا مغایر با ضوابط شهرسازی و مقررات ساختمان‌سازی، ظاهر می‌شوند و تصرف یا تفکیک زمین به‌صورت غیرقانونی^۲، تراکم یا تغییر کاربری غیرمجاز، احداث بیش‌ازحد مجاز، استحکام پایین و استفاده از شیوه‌های نامناسب ساخت، از جمله مصادیق آن به‌شمار می‌روند (محمودزاده و همکاران، ۱۴۰۴). تخلفات ساختمانی به معنای سرپیچی از قوانین و ضوابط شهرسازی و نیز دستورالعمل‌های ساختمانی که برای تضمین کیفیت زندگی در شهرها تدوین شده‌اند، تعریف می‌شود (دیاریان و نوریان، ۱۴۰۱). تخلف ساختمانی به‌عنوان نقض آشکار مقررات و ضوابط شهرسازی، معماری، فنی و بهداشتی در ساخت‌وسازها، عدم رعایت اصول یا قواعد در طراحی، محاسبه، اجرا، ایمنی و ضوابط حاکم بر طرح‌های جامع و تفصیلی شهر، طرح هادی روستایی و سایر طرح‌های توسعه، عدم دریافت مجوز احداث بنا یا احداث خلاف مفاد پروانه ساختمان و نیز عدم توجه به مقررات ملی ساختمان شامل مجموعه‌ای از اصول و قواعد فنی، اجرایی و حقوقی است (صارمی نوری و همکاران، ۱۴۰۱).

در این میان، خلأ قانونی در امر ساخت‌وساز به‌ویژه خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها به‌عنوان مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری تخلفات ساختمانی و ظهور عملیات ساختمانی غیرمجاز در کشور به‌شمار می‌رود (صارمی نوری و همکاران، ۱۴۰۱). توسعه‌های شتابان و پراکنده در حومه، بستری برای شکل‌گیری ساخت‌وساز غیرمجاز^۳ به‌واسطه تغییر کاربری و تراکم است که خود تحت تأثیر غلبه رویکرد سوداگرانه بر اصول شهرسازی مبنی بر تبدیل ساخت‌وساز به ابزاری برای سوداگری با نادیده گرفتن ضوابط طرح‌های مصوب شهری، تشدید می‌شود (خیرالدین، ۱۳۸۹؛ خیرالدین و همکاران، ۱۳۹۲). قانونی‌سازی تخلفات و عادی‌سازی رویه‌های ناصواب به‌واسطه صدور مجوزها، عدم پایداری ضوابط طرح‌ها، فقدان نظارت مؤثر، تفسیرپذیری دستورالعمل‌ها و نیز تمرکزگرایی در اعتبارات و تصمیمات، از جمله ابزارهای اصلی مشروعیت‌بخشی به تخلفات

ساختمانی در شهرها هستند (دیاریان و نوریان، ۱۴۰۱). اتخاذ رویکرد مداخلات‌آمیز از سوی مدیریت شهری در قالب تصویب طرح‌های ناسازگار، وضع قوانین حمایتی از تخلف، دریافت عوارض به‌جای اعمال قانون و نظارت منفعلانه، تعبیری دیگر از رویه‌های ناصواب مذکور است (فروهر و خیرالدین، ۱۳۹۵).

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی در زمینه ساخت‌وساز شهری غیرمجاز در ایران انجام شده است (اجزاء شکوهی و همکاران، ۱۳۹۵؛ اسکندری عین‌الدین و همکاران، ۱۴۰۲؛ اسمعیل‌پور و همکاران، ۱۳۹۸؛ پرزادی و همکاران، ۱۴۰۰؛ حسینی و همکاران، ۱۴۰۱؛ دیاریان و نوریان، ۱۴۰۱؛ صارمی نوری و همکاران، ۱۴۰۱؛ صالحی‌نژاد و المدرسی، ۱۴۰۲؛ محمودزاده و همکاران، ۱۴۰۴؛ Sarkheyli et al., 2012). باین وجود، از منظر مفهوم نوموتروپیسم^۴ تاکنون به این مسئله پرداخته نشده است و از این حیث، پژوهش حاضر اهمیت می‌یابد و سهم آن، برجسته می‌شود. مفهوم نوموتروپیسم به معنای عمل در پرتو قوانین، به‌جای دوگانه متعارف قانونی و غیرقانونی، به دنبال تأثیرگذاری قوانین و دستگاه‌های نظارتی بر رفتارها و اقدامات و متعاقباً واکاوی و توضیح فرایند ساخت‌وساز شهری غیرمجاز به‌عنوان پدیده‌ای پیچیده است (Connors, 2023; Conte, 2011) که در آن، در عین نقض یک قانون یا مجموعه‌ای از قوانین، رفتار کلی متخلف می‌تواند بر اساس وجود قانون و دوری یا هماهنگی نسبت به آن، جهت‌دهی شده باشد (Di Lucia, 2024). این چنین، نوموتروپیسم به‌جای نگرستن به تخلف یا غیرمجازبودن مبتنی بر نظریه‌های حقوقی سنتی، ساخت‌وساز شهری غیرمجاز را تحت تأثیر رفتارهای در سایه و یا در نسبت با مجموعه قوانین مرتبط، مورد توجه قرار می‌دهد.

بر این اساس، این پژوهش به دنبال این است که ساخت‌وساز شهری غیرمجاز از منظر مفهوم نوموتروپیسم، تحت چه عواملی، در قالب چه مصادیقی و به‌واسطه چه رویه‌هایی به وجود می‌آید؟ علاوه بر این، چه راهکارهای مدیریت شهری در مواجهه با این پدیده با استناد به نمونه شهرک احمدیه در ناحیه ۳ منطقه ۱۹ شهرداری تهران، قابل‌ارائه است؟ به نظر می‌رسد در نمونه شهرک احمدیه که تخلفات ساختمانی در آن با حادثه منجر به فوت موسوم به خلازیر، برجسته شد، عمل، رفتار یا مجموعه اعمال و رفتارهایی در سایه قانون اتفاق افتاده که مستقیماً توسط خود قانون تجویز نشده‌اند و به‌صراحت با هدف قانون، مرتبط نیستند. باین وجود، یک نتیجه یا خروجی مشخص پدیدار یا تولید شده است که می‌تواند به‌عنوان مصادیقی از رفتار نوموتروپیک^۵ تلقی شده و از این منظر در مطالعه حاضر، مورد واکاوی قرار گیرد.

روش پژوهش

این پژوهش، از نوع کاربردی و بر حسب ماهیت کیفی آن، شیوه مطالعه از نوع توصیفی و تحلیلی است. بخش نظری به‌واسطه مطالعات کتابخانه‌ای و بخش تجربی از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان شهرسازی، استادان دانشگاه، ساکنان و افراد مطلع، انجام شده است. متعاقباً تحلیل مضمون محتوای مصاحبه‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا (MAXQDA) مورد توجه قرار گرفته است. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته یکی از معمول‌ترین انواع مصاحبه است که در تحقیقات کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این شیوه که بین دو حد نهایی ساختاریافته و بدون ساختار

شوند که در حوزه اجرا و نوسازی بافت‌های مسئله‌دار، دارای تجربه و تخصص باشند. بر این اساس، تعداد ۱۲ مصاحبه، با متخصصان به همراه بازیگران مؤثر شامل مدیریت حوزه علمیه مروی، بخش‌های مختلف شهرداری و مدیریت شهری، شورای شهر و افراد مرتبط با کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ و ماده ۵، انجام گردید. متعاقباً ۵ مصاحبه با ساکنان نیز به مجموعه مذکور اضافه شد. به این ترتیب، مطابق با جدول ۲، مجموع تعداد مصاحبه‌ها به ۱۷ رسید و اشباع نظری در محتوای آن‌ها نیز محقق گردید. شایان ذکر است که انجام برخی مصاحبه‌ها به علت عدم رضایت مصاحبه‌شونده نسبت به ضبط صحبت‌های خود، به واسطه یادداشت‌برداری صورت گرفت.

مبانی نظری پژوهش

ساخت‌وساز غیرمجاز

غیرمجاز به معنای دقیق، بیانگر نداشتن اجازه و جواز است. در این خصوص، عدم مجوز برای آنچه که هست یا عدم مجوز برای اشغال

(عمیق) قرار می‌گیرد، مسئولیت کدگذاری پاسخ‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها بر عهده پژوهشگر است. این نوع مصاحبه، انعطاف‌پذیر بوده و گاهی برای کسب اطلاعات در شرایط خاص، سؤال‌های دیگری نیز پرسیده می‌شود. مزیت اصلی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته این است که به مصاحبه‌ها اجازه می‌دهد متمرکز باشند و در عین حال به محقق این اختیار را می‌دهد که ایده‌های مرتبطی را که ممکن است در طول مصاحبه مطرح شوند، بررسی کند (Adeoye-Olatunde & Olenik, 2021). جدول ۱، محورهای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، سؤالات و نیز تلقی از آن‌ها را ارائه می‌کند.

برای نمونه گیری، از روش گلوله برفی به صورت هدفمند، استفاده شده است تا به افراد با بیشترین دانش و تجربه مرتبط با موضوع، دسترسی فراهم شود. این روش که ترکیبی از انتخاب هدفمند اولیه و گسترش شبکه‌ای یا زنجیری است، امکان شناسایی شرکت‌کنندگان کلیدی را فراهم می‌کند که ممکن است از طریق روش‌های تصادفی، قابل دسترسی نباشند. در خصوص کارشناسان شهرسازی و استادان دانشگاه، تلاش گردید تا افرادی انتخاب

جدول ۱. محورهای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، سؤالات و تلقی از آن‌ها

محورها	سؤالات	تلقی از سؤال و توضیح
چیستی	ساخت‌وساز شهری غیرمجاز از نظر شما چیست و چه مصادیقی دارد؟	تمرکز بر تعریف و مصادیق ساخت‌وساز شهری غیرمجاز
چگونگی	با توجه به قوانین و رویه‌های فعلی، ساخت‌وساز شهری غیرمجاز تحت چه عواملی و چگونه به وجود می‌آید؟ زمینه‌های شکل‌دهنده به آن کدام‌اند؟	تمرکز بر چگونگی ایجاد ساخت‌وساز شهری غیرمجاز، عوامل و زمینه‌های آن
ارتباط با نمونه موردی	ساخت‌وسازهای غیرمجاز را در نمونه شهرک احمدیه در منطقه ۱۹ شهرداری تهران که از سال ۱۴۰۱ با موجی از آن‌ها مواجهه بوده‌ایم، چگونه ارزیابی می‌کنید؟	مسئله‌شناسی و تحلیل مطالعه موردی
راهکار و پاسخ	مدیریت شهری در مرحله پیشگیری و پاسخ، از طریق چه ابزارهایی، چه اقدامات و کارهایی را می‌تواند انجام دهد؟	شناسایی و تحلیل اقدامات و راهکارها با محوریت مدیریت شهری و ابزارهای در اختیار آن

جدول ۲. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	شناسه	جایگاه/مشخصات	تعداد کد اولیه مستخرج
۱	P01	شهردار سابق تهران و عضو هیأت علمی دانشگاه در رشته معماری	۷۴
۲	P02	رئیس سابق کمیسیون ماده ۱۰۰	۸۸
۳	P03	کارشناس شهرسازی منطقه ۱۹	۲۱
۴	P04	نماینده شورای شهر و مطلع از موضوع	۶۲
۵	P05	کارشناس بازرسی شهرسازی شهرداری تهران	۸۱
۶	P06	از اعضا تهیه‌کننده طرح تفصیلی منطقه و جامعه‌شناس	۴۷
۷	P07	معاون یکی از مناطق شهرداری تهران	۵۲
۸	P08	عضو هیأت علمی دانشگاه در رشته شهرسازی	۴۲
۹	P09	عضو هیأت علمی دانشگاه در رشته شهرسازی	۳۲
۱۰	P10	عضو هیأت علمی دانشگاه در رشته شهرسازی	۴۴
۱۱	P11	عضو هیأت علمی دانشگاه در رشته شهرسازی	۴۷
۱۲	P12	مدیر حوزه علمیه مروی	۸۶
۱۳	P13	ساکن محله	۱۲
۱۴	P14	ساکن محله	۱۳
۱۵	P15	ساکن محله	۱۷
۱۶	P16	ساکن محله	۱۹
۱۷	P17	ساکن محله	۱۳
توضیحات: تعداد ۷۵۰ کد اولیه با احتساب کدهای تکرار شده است، به نحوی که ۲۲ کد بیش از ۴ بار تکرار داشته‌اند.			۷۵۰ کد اولیه

یک قطعه زمین، ساختن روی آن، ساختن به روشی خاص، تقسیم زمین یا مسکن و غیره، موضوعیت می‌یابد (Chiodelli & Moroni, 2014). این تلقی برای مسکن به‌عنوان عمده‌ترین و متداول‌ترین گونه از ساخت‌وساز مجاز و همین‌طور غیرمجاز، عبارت است از سکونتگاه‌های بدون برنامه که با مقررات برنامه‌ریزی و ساختمان فعلی، مطابقت ندارد (United Nations Economic Commission for Europe [UNECE], 2019). ساخت‌وساز غیرمجاز در مناطقی مسکونی رایج است و می‌تواند منجر به انواع آسیب‌ها، مانند ریزش قطعات ساختمان در هوای بد و متعاقباً جراحات یا مرگ، بروز خسارات سازه‌ای، افزایش ضرر مالی به دولت‌ها و متعاقباً تأثیر منفی بر معیشت مردم محلی شود. کسانی که در ساخت‌وسازهای غیرمجاز مشارکت دارند، مجوز لازم برای کاربری زمین و احداث را دریافت نکرده‌اند و این چالش فزاینده، امر مدیریت و نظارت شهری را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار داده است (He et al., 2019).

در واقع، واژه غیرمجاز بر فرایند خاصی از ساخت، تولید، ترویج و با استفاده دلالت دارد که مشخصه واضح آن، عدم اخذ مجوز و فقدان آن در هر مرحله است. چنین فرایندی، مطلقاً با هیچ گروه اجتماعی خاصی (برای مثال فقرا) ارتباط ندارد. از طرف دیگر، یک ساخت‌وساز غیرمجاز، لزوماً نتیجه ساختاری و نهایی با کیفیت پایین (مانند ساختمان‌های نامناسب) را در پی ندارد و ممکن است، از کیفیت بالایی نیز برخوردار باشد که تحت شرایط خاصی، تولید شده است. ساخت‌وسازهای غیرمجاز می‌توانند از نظر فیزیکی بسیار شبیه به آن‌هایی باشند که به‌طور قانونی ساخته شده‌اند و تمایز میان این دو، گاهی کاملاً غیرقابل تشخیص است. با این وجود، درباره ساخت‌وساز غیرمجاز، قضاوت‌های منفی از نظر هنجارها و از نظر انتظارات اجتماعی تثبیت شده، وجود دارد که در عین حال، تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی هستند. به علاوه، این فرایند همواره توسط شهروندان انجام نمی‌شود و ممکن است تحت تأثیر مقامات دولتی و عمومی نیز باشد (Chiodelli et al., 2021).

مصادیق رفتار نوموتروپیک در ساخت‌وساز شهری

در کشورهای در حال توسعه، رویکردهای غیرقانونی متعددی در طول ساخت‌وساز مشاهده می‌شود که به‌عنوان نقض قوانین ساختمانی، طبقه‌بندی می‌شوند. هرگونه تخطی از قوانین و مقررات ساخت‌وساز را می‌توان به‌عنوان تخلف ساختمانی غیرقانونی یا ساخت‌وساز بدون مجوز، در نظر گرفت (Bikdeli, 2025). از این رو، تعاریف و فراوانی تخلفات ساختمانی به قوانین و مقررات بستگی دارد که زمینه‌های بسیاری مانند املاک و مستغلات، امور مالی، طراحی شهری و معماری را تنظیم می‌کنند (Kojouri et al., 2023). این در حالی است که بسته به انگیزه و هدف متخلف از ارتکاب عمل غیرقانونی، نوع تخلف و نحوه انجام آن، تخلفات ساختمانی می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد و تأثیرات متنوعی داشته باشد (Sarkheyli et al., 2012).

مفهوم نوموتروپیسیم

مفهوم نوموتروپیسیم، اولین بار در سال ۲۰۰۰، توسط کونته فیلسوف و حقوق‌دان ایتالیایی، در ارتباط با سکونتگاه‌های غیرمجاز^۶ معرفی شد. این نئولوژیسم یا واژه ابداعی^۷، از ترکیب دو اصطلاح یونانی *Nomos* به معنای قانون و یک پسوند صفت‌ساز *trépō* یا *tropos* به معنای چرخش و جهت، شکل گرفته و به مانند اصطلاحات مشابه دیگر، نشان‌دهنده حساسیت و جهت‌گیری ویژه نسبت به یک پدیده خاص است (Chiodelli & Moro, 2019).

سایه و یا در نسبت قوانین است و یک وضعیت نوموتروپیسم در مسئله ساخت‌وساز ایجاد می‌شود. بر این اساس، مصادیق رفتار نوموتروپیک در ساخت‌وساز شهری غیرمجاز می‌تواند به یکی از حالات پنج‌گانه ذیل به وقوع پیوندد. شایان ذکر است که این مصادیق تا حدی زیادی تحت تأثیر کارآمدی قوانین و هنجارها مبنی بر اطاعت یا عدم اطاعت مردم از آن‌ها و تحقق یا عدم تحقق بخشیدن به آن‌ها از سوی ایشان است. در واقع، افراد اعمال خود را بر اساس وجود قانون، جهت‌دهی می‌کنند و حتی در شرایطی، از آن دوری می‌کنند یا خود را با آن هماهنگ می‌سازند؛ بنابراین، قانون حتی زمانی که مردم از آن اطاعت نمی‌کنند، اثربخشی^{۱۰} خود را نشان می‌دهد، زیرا آن‌ها ناگزیر هستند در سایه و در نسبت با آن، عمل کنند (Di Lucia, 2024). بر این اساس، انتظار عفو^{۱۱} احتمالی نسبت به ساخت‌وساز غیرمجاز نیز خود نمودی از مفهوم نوموتروپیسم است (Conte, 2003).

ساخت‌وساز پنهان^{۱۲}

عملکرد قانون‌شکنان زمانی که ساخت‌وساز را پنهان می‌کنند تا شناسایی و مجازات نشوند، می‌تواند به‌عنوان رفتار نوموتروپیک در نظر گرفته شود. این افراد فریبکار یا تظاهرکننده، در تلاش‌اند که ساخت‌وساز را با ایجاد شرایطی که دیدن ساختمان را دشوار می‌کند، پنهان کنند. این امر با کمک گیاهان یا از طریق ایجاد دیوارهای بلند و یا ساخت‌وساز در مکان‌های نامشخص و گوشه‌های به ظاهر فراموش‌شده یا متروکه که در آن‌ها، نهادهای عمومی توجه و نظارت حداقلی دارند، انجام می‌شود (Rosa, 2016). همان‌طور که دزد برای جلوگیری از دستگیری، اموال مسروقه را پنهان می‌کند، در اینجا نیز آنچه رفتار متخلف را شکل می‌دهد نه قانون منع ساخت‌وساز غیرمجاز، بلکه قانونی است که برای تخلف، مجازات تعیین کرده است (Conte, 2003). در این حالت، متخلف نه بر اساس خود قاعده، بلکه بر اساس احتمال اجرای حکم یا عفو، عمل می‌کند و با دروغ یا تظاهر، واقعیات را طوری پنهان یا وانمود می‌کند که چیزی، غیر از آنچه که هست، به نظر رسد.

ساخت‌وساز یک‌شبه^{۱۳}

در ایتالیا، قانونی وجود دارد که تصریح می‌کند «ساختمان تکمیل‌شده، مشمول عفو می‌شود». در این حالت، مجازات ساخت‌وساز غیرمجاز بستگی به این دارد که آیا ساختمان، تکمیل‌شده یا هنوز در حال ساخت است (Rosa, 2016). نمونه‌هایی مشابه این رفتار نوموتروپیک در دیگر کشورها هم دیده می‌شود. برای مثال در ترکیه از اصطلاح گجه‌کوندو^{۱۴} برای محلات فقیرنشین مشتمل بر خانه‌هایی که در یک شب بنا می‌شود، استفاده می‌شود (Erman, 2001). در این شرایط، روند قانونی تخریب، پیچیده‌تر است و به همین دلیل، برخی افراد سعی می‌کنند که ساختمان یا دست‌کم بخشی از آن را یک‌شبه یا در عرض چند روز، تکمیل کنند. چنین افرادی در پرتو قوانین استفاده از زمین و مقرراتی که تخریب احتمالی را تجویز می‌کند، آگاهانه عمل کرده و آن‌ها را نقض می‌کنند. در این نوع از ساخت‌وساز، معمولاً متخلف ضوابط فنی ساخت‌وساز را رعایت نمی‌کند و در عین حال، به عواقب احتمالی تخلف نیز اهمیت نمی‌دهد.

ساخت‌وساز ناتمام^{۱۵}

این نوع رفتار، از جهاتی بر خلاف عمل قبلی است. این نوع از ساخت‌وساز عبارت است از ساخت‌وساز بدون به پایان رساندن واقعی

ساختمان، تغییر تدریجی آن بر اساس نیازهای در حال تغییر خانواده و تجهیز آن، در زمانی که منابع اقتصادی در دسترس قرار گیرد. این متخلفان با کند کردن یا متوقف کردن ساخت‌وساز، به‌نوعی از مجازات احتمالی فرار می‌کنند (Rosa, 2016). بنا بر یک تعریف علمی، ساخت‌وساز ناتمام، تکمیلی جدایی‌ناپذیر از یک قطعه زمین است که ساخت آن بر اساس اسناد لازم برای اخذ مجوز و طراحی، بدون انحراف و نقض آن‌ها از هنجارها و قوانین ساختمانی آغاز شده است، اما به حالت تعلیق درآمده، لغو شده، یا مطابق با الزامات قانونی، به بهره‌برداری نرسیده است (Osypenko, 2025). کند کردن یا تعلیق روند ساخت‌وساز به‌عنوان یک اهرم تخفیفی عمل می‌کند، چرا که جریمه‌ها به میزان ساخت‌وساز انجام شده مربوط می‌شود. در این حالت نیز متخلف با در نظر گرفتن قانون و سازوکار اجرای آن، عمل می‌کند.

ساخت‌وساز مغایر^{۱۶}

این دسته از متخلفان ابتدا با دریافت مجوزهای قانونی، فرایند تأیید طرح را دنبال و وانمود می‌کنند که قرار است به‌طور قانونی ساخت‌وساز را انجام دهند، اما در ادامه مسیر، تخلف‌هایی را رقم می‌زنند. افراد در این حالت، توهم پیروی از قوانین را ایجاد می‌کنند و در مرحله ساخت‌وساز، ساختمان را تغییر می‌دهند که جنبه‌های متعدد و متناقضی را شامل می‌شود (Rosa, 2016). در این موارد، در واقع، متخلفان به‌طور رسمی و مطابق با مقررات آغاز می‌کنند، اما رفتار نوموتروپیک، زمانی رخ می‌دهد که آن‌ها به ساختن سازه‌ای می‌پردازند که تا حدی و یا به‌طور کامل، با طرح تأیید شده، تفاوت دارد. این تفاوت، می‌تواند به کاربری و استفاده از ساختمان، مساحت، اندازه، مصالح یا روش‌های خاص ساخت‌وساز مربوط باشد.

ساخت‌وساز بی‌مجوز^{۱۷}

برخلاف موارد پیشین، افرادی مطابق با مقررات شهرسازی، اما بدون رعایت تشریفات مقرر یعنی اخذ مجوزهای لازم، ساخت‌وساز می‌کنند (Rosa, 2016). در واقع این متخلفان در پیروی از بخشی از قوانین کوتاهی می‌کنند، در حالی که به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که به کلیت مقررات حاکم، احترام می‌گذارد. در مقדونیّه شمالی، ناهماهنگی میان منافع ساخت‌وساز و طرح‌های شهری، بسیاری از افراد را به‌ویژه در روستاها به ساخت بدون مجوز، سوق می‌دهد. برخی ممکن است از جرم بودن این رفتار آگاه نباشند و به دنبال دریافت مجوزهایی‌اند که شهرداری قادر به صدور آن‌ها نیست. یکی از عوامل پیچیده‌کننده این مسئله، «قانون نحوه رسیدگی به ساختمان‌های ساخته‌شده بدون مجوز» است که امکان قانونی‌شدن ساختمان‌های بدون مجوز را فراهم می‌کند، به‌طوری‌که می‌توانند در سازمان ثبت اسناد و املاک ثبت‌شده و وارد سیستم قانونی شوند. بر این اساس، با گمراه ساختن سرمایه‌گذاران، به آن‌ها اطمینان می‌دهند که عواقبی در کار نیست و در نهایت، قانونی‌شدن ساختمان‌ها تحت فرایندهای قانونی‌سازی، امکان‌پذیر است (Arifi & Veseli, 2025).

تفکیک زمین و نوموتروپیسم

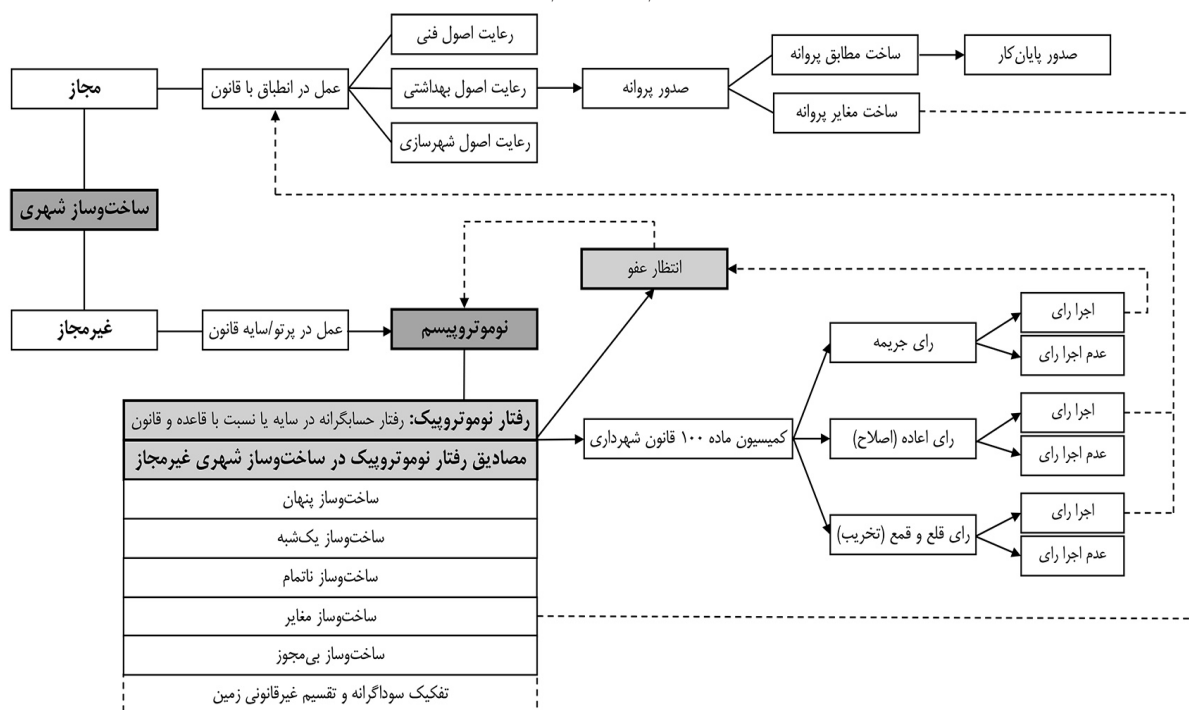
تقسیم یک زمین خارج از برنامه، خودسرانه و بدون رعایت قوانین، یکی از پدیده‌های رایج در شهرسازی است. تفکیک سوداگرانه زمین^{۱۸} و تقسیم غیرقانونی زمین^{۱۹} به قطعات کوچک‌تر، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، پدیده‌ای فراگیر و چالش‌برانگیز است. مالکان

مدل مفهومی پژوهش

بر اساس آنچه تبیین شد، تصویر ۱ به فرایند ساخت و ساز شهری غیر مجاز از منظر مفهوم نوموتروپیسم می‌پردازد و به واسطه آن، درک عمیق‌تری از این پدیده، فراهم می‌شود. از منظر اثربخشی قانون و مفاهیم تحقق^{۲۲} و انطباق^{۲۳}، دو مکانیزم باید مورد توجه قرار گیرد (Chiodelli & Moroni, 2014; Di Lucia, 2024). مکانیزم نخست، اثربخشی همراه با تحقق مبنی بر انطباق کامل عمل با تجویز صریح قانون به عنوان نتیجه‌ای است که از هر قانون، انتظار می‌رود. این حالت که ساخت و ساز مجاز محصول آن است، به معنای مطابقت عمل ساخت و ساز با قاعده و قانون از نظر رعایت اصول فنی، بهداشتی و شهرسازی است و منجر به صدور پروانه و متعاقباً پایان کار، می‌شود. در مکانیزم دوم، عدم تحقق قانون اما همچنان اثربخشی آن، موضوعیت دارد. در این حالت که عمل در سایه و یا در نسبت با قانون قانون را در نظر می‌گیرد اما به تجویزهای آن پایبند نیست، ساخت و ساز غیر مجاز در عدم انطباق با قاعده و قانون اما هم‌زمان در پرتو آن، حاکی از نوموتروپیسم است. مصادیق این ساخت و ساز غیر مجاز به عنوان رفتار نوموتروپیک، در قالب دسته‌بندی پنج‌گانه تحت عنوان ساخت و ساز پنهان، ساخت و ساز یک‌شبه، ساخت و ساز ناتمام، ساخت و ساز مغایر و ساخت و ساز بی‌مجوز، تبیین گشت. در عین حال، تفکیک سوداگرانه و تقسیم غیرقانونی زمین و نیز انتظار عفو احتمالی نسبت به ساخت و ساز غیر مجاز نیز نموده‌ای از مفهوم نوموتروپیسم و رفتار نوموتروپیک هستند که باید در کنار مجموعه مذکور، مورد توجه قرار گیرند.

یا توسعه دهندگان، زمین را به چند قطعه تقسیم می کنند و آن‌ها را قبل یا بعد از ساخت و ساز و توسعه، می فروشند (Chiodelli et al., 2021). این قبیل تقسیم بندی های سوداگرانه زمین و بعضاً غیر رسمی نیز می تواند به عنوان یک مورد مشخص از رفتار نوموتروپیک طبقه بندی شود. این ترابند، نوع متفاوتی از مالکیت غیر رسمی در قالب تصرف عدوانی و غیر قانونی^۲ به عنوان اشغال بدون اجازه و ساخت و ساز غیر مجاز بدون مالکیت قانونی است (Isabaeva, 2020). زمین توسط مالک قانونی آن، در قالب اجاره یا فروش به افرادی واگذار می شود و خریداران و بهره برداران که زیر مجموعه هایی غیر قانونی هستند، معمولاً در مقایسه با ساکنانی که اقدام به تصاحب بدون مالکیت و پرداخت مبلغی می کنند، چندان احساس نگرانی برای استفاده و توسعه نمی کنند. این افراد برای خود نوعی حق بر روی زمین ایجاد می کنند که بعدی تازه به مسئله اضافه می کند و فرایند برخورد و تصمیم گیری در قالب تخریب، تخلیه و اخراج را سخت تر و پیچیده تر می کند. در واقع، پیچیدگی های حقوقی ناشی از تفکیک، تبدیل و تغییر کاربری اراضی و متعاقباً صدور اجاره نامه ها به ویژه در نمونه های واگذاری زمین های وقفی، مواجهه مدیریت شهری را چالش برانگیز و در عین حال، دچار تردید و مباحثات می کند (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱). البته در مقابل این نوع از تفکیک سوداگرانه زمین، رویکردهایی آمارانه با تمسک به حقوق و منافع عمومی برای اجرای طرح ها و پروژه های شهری نیز وجود دارند که به واسطه تجاوز به حقوق مالکانه و خصوصی، می توانند مصداق رفتار نوموتروپیک باشند. این رفتارها، ریشه در تعارض منافع، قوانین مبهم و ناقص و رویه های اجرایی غیر شفاف در سایه تسلط نگاه کالبدی و اقتصادی به توسعه شهری و بی توجهی به ابعاد اجتماعی داشته و اعیان سازی^۳ و تشدید در نابرابری فضایی به واسطه جابجایی و جدایی گزینی ناشی از تملک و تصرف قهری املاک به دنبال تعریف و احرا کلان پروژه های شهری،

تصویر ۱. مدل مفهومی پژوهش: فرایند ساخت و ساز شهری غیر مجاز از منظر مفهوم نوموتروپیسم



حدود ۷۶۰ هکتار را شامل می‌شود که از شمال به بزرگراه آیت‌الله سعیدی، از جنوب و غرب به بزرگراه آزادگان و از شرق به بزرگراه شهید کاظمی، محدود می‌گردد. کاربری غالب این محدوده از دیرباز به‌طور قانونی کشاورزی بوده است و به تدریج توسط گاراژهای ضایعاتی، تصرف و عمدتاً به‌طور غیرقانونی تغییر یافته است. ساخت‌وسازهای باکیفیت پایین، نداشتن سند مالکیت رسمی و کمبود سرانه‌های خدماتی، این بخش حاشیه‌ای تهران را به محیطی با مسائل کالبدی شدید تبدیل کرده است.

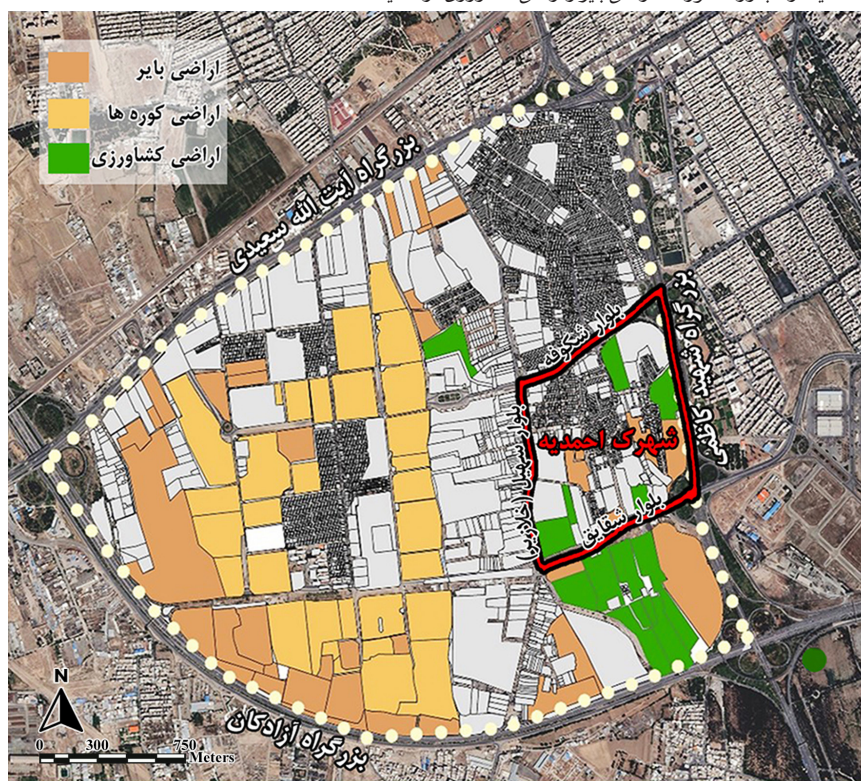
از مجموع ۷۶۰ هکتار مساحت ناحیه ۳، حدود ۴۳۰ هکتار اراضی تحت تولید مدرسه مروی قرار دارد که نیمه شرقی ناحیه را در قالب دو بخش به خود اختصاص می‌دهد. بخش اول شامل محله مسکونی نعمت‌آباد و محله شهید کاظمی که شهرک احمدیه با مساحت ۶۷ هکتار نیز واقع در آن است، می‌باشد. بخش دیگر، بازار ضایعات و گاراژهای خلل‌زیر با محوریت بلوار سهیل (خلل‌زیر) را شامل می‌شود که به سه قسمت خلل‌زیر شمالی، خلل‌زیر مرکزی و خلل‌زیر جنوبی، به ترتیب با ۲۵، ۳۶ و ۳۶ هکتار مساحت، تقسیم می‌شود (شهرداری منطقه ۱۹ تهران، ۱۴۰۱). قسمت‌های شمالی و مرکزی شامل اراضی با کاربری خدماتی و تجاری است. در قسمت جنوبی، علی‌رغم برنامه‌ریزی برای تثبیت جهت‌احداث پارک ۱۸۰ هکتاری موسوم به بوستان ایرانیان، به دلیل واگذاری‌ها و تفکیک‌های غیرمجاز و تبدیل اراضی کشاورزی به ساخت‌وساز غیرمجاز، مسائل متعددی وجود دارد. تصویر ۲، موقعیت شهرک احمدیه را در مجاورت کوره‌ها، اراضی بایر و اراضی کشاورزی، به ترتیب با ۱۴۲، ۸۸ و ۲۴ هکتار مساحت، در ناحیه ۳ منطقه ۱۹ نشان می‌دهد. این شهرک در حفاصل بزرگراه شهید کاظمی از سمت شرق، بلوار سهیل (خلل‌زیر) از سمت غرب، بلوار شکوفه از سمت شمال و بلوار شقایق از سمت جنوب قرار دارد. تصویر ۳، گویای

نوموتروپیک، مورد پس از تشکیل پرونده به کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری می‌رود^۲ و مشمول صدور ۳ دسته رأی، شامل رأی «جریمه» مبنی بر تخلفات قابل جبران با جریمه نقدی، رأی «اعاده» مبنی بر اصلاح (رفع) و بازگرداندن تخلفات به وضع قانونی و نیز رأی «قلع و قمع» مبنی بر تخریب کامل یا قسمتی از ساخت‌وساز به علت جدی و اساسی بودن تخلفات، خواهد بود. اجرای آرای اعاده و آرای قلع و قمع، ساخت‌وساز را به مسیر قانونی خود بازمی‌گرداند. در مقابل، در صورت انتظار عفو و اجرای آرای جریمه که خود به مثابه پذیرش مشروط و به نوعی عفو تخلف انجام شده است، همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، مفهوم نوموتروپسم، موضوعیت می‌یابد. بر این اساس، مواجهه و برخورد با ساخت‌وساز غیرمجاز دو حالت بیشتر ندارد؛ اصلاح یا تخریب و در غیر این صورت، عفو. این در حالی است که انتظار عفو یا عفو از مسیر اجرای آرای جریمه به جهت دامن زدن به مسئله پیچیده ساخت‌وساز شهری غیرمجاز و فراگیر یا متداول نمودن آن، راهکاری مذموم و در عین حال، ناکارآمد است.

محدوده مورد مطالعه

منطقه ۱۹ شهر تهران که بر اساس آخرین آمارنامه شهر تهران، ۲۰۳۶ هکتار مساحت و ۲۷۱۰۰۰ نفر جمعیت دارد (سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، ۱۴۰۴)، از مناطق مهم پهنه جنوبی شهر به شمار می‌آید. این منطقه از شمال به بزرگراه سعیدی و شهید چراغی، از جنوب و غرب به کمربندی آزادگان و از شرق به خیابان بهمنیار و محور وصال، محدود می‌گردد. منطقه ۱۹ دارای زمین‌های بایر بسیاری است که بیش از ۲۰۰ هکتار از مساحت آن را در برمی‌گیرند. در این اراضی که شامل بیش از ۳۰ کوره آجرپزی خاموش هستند، مسائل اجتماعی متعددی مانند کارتن‌خوابی و اجتماع معتادان، وجود دارد. ناحیه ۳ منطقه ۱۹، مساحتی

تصویر ۲. موقعیت شهرک احمدیه در مجاورت کوره‌ها، اراضی بایر و اراضی کشاورزی در ناحیه ۳ منطقه ۱۹



واکاوای ساخت‌وساز شهری غیرمجاز از منظر مفهوم نوموتروپیسیم: نمونه شهرک احمدیه در منطقه ۱۹ شهر تهران

تصویر ۳. حجم و توسعه ساخت‌وساز شهری غیرمجاز در شهرک احمدیه در بازه زمانی ۱۸ ماهه (مهرماه ۱۴۰۰ الی فروردین‌ماه ۱۴۰۲)



جدول ۳. فرایند زمانی تصمیمات و اتفاقات مؤثر بر مسئله ساخت‌وساز شهری غیرمجاز در شهرک احمدیه

تاریخ	تصمیمات و اتفاقات
۱۳۹۹/۰۵/۲۱	واگذاری و تفویض مسئولیت راهبردی تهیه طرح پهنه‌بندی عرصه‌های رهاشده ناحیه ۳ منطقه ۱۹ از طرف معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران به سازمان نوسازی شهر تهران
۱۴۰۰/۱۱/۲۷	ارسال گزارش و درخواست طرح موضوع در کمیسیون ماده ۵ شهرداری تهران از سوی سازمان نوسازی شهر تهران
۱۴۰۰/۱۲/۱۷	مکاتبه اداره کل شهرسازی و طرح‌های شهری با کمیسیون ماده ۵ شهرداری تهران و ارسال گزارش طرح امکان‌سنجی بازآفرینی عرصه رهاشده کوردهای آجرپزی ناحیه ۳ منطقه ۱۹
۱۴۰۱/۰۲/۲۶	مصوبه ۶۳۹ کمیسیون ماده ۵ شهرداری تهران (موافقت با کلیات طرح و الزام به رعایت سقف جمعیت‌پذیری و سرانه‌های خدماتی و سایر ضوابط و مقررات مربوطه و به همراه تهیه پیوست‌های اجتماعی، ترافیکی، اقتصادی و زیست‌محیطی) و آغاز فرصت قانونی ۶ ماهه تا جلسه بعدی
۱۴۰۱/۰۲/۲۸	همکاری و تفاهم میان سازمان اوقاف و شهرداری تهران پیرامون طرح جهاد مسکن
۱۴۰۱/۰۴/۲۸	امضا تفاهم‌نامه مشترک میان شهرداری تهران و تولیت مدرسه مروی
۱۴۰۱/۰۵/۱۱	ارسال مجدد طرح به دبیرخانه کمیسیون ماده ۵ شهرداری تهران
۱۴۰۱/۰۷	وقوع اعتراضات مهرماه در کشور
۱۴۰۱/۰۷	آغاز حجم عظیمی از تفکیک و بعضاً گودبرداری اراضی در محدوده مرکزی شهرک احمدیه (عمدتاً در پهنه S) به استناد تصاویر ماهواره‌ای
۱۴۰۱/۰۸/۰۹	استفساریه شهرداری تهران از معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی در خصوص مستثنی‌شدن کمیسیون ماده ۵ شهرداری تهران از نظارت شورایی شهرسازی و معماری کشور
۱۴۰۱/۰۹/۰۷	مصوبه ۶۵۱ کمیسیون ماده ۵ شهرداری تهران (تصویب طرح بازآفرینی عرصه‌های رهاشده کوردهای آجرپزی ناحیه ۳ منطقه ۱۹)
۱۴۰۱/۱۰	اعلام ضمنی و تلویحی شهرداری به متخلفان و سازندگان مبنی بر احتمال اعطاء عدم خلاف به ساخت‌وسازهای حداکثر ۴ طبقه
۱۴۰۱/۰۹/۱۴	دریافت پاسخ مثبت استفساریه شهرداری تهران در خصوص مستثنی‌شدن کمیسیون ماده ۵ شهرداری تهران از نظارت شورایی شهرسازی و معماری کشور و متعاقباً عدم نیاز به ارسال مصوبات کمیسیون مذکور به شورایی شهرسازی و معماری
۱۴۰۱/۱۰/۱۴	استفساریه دبیر وقت شورایی شهرسازی و معماری از معاونت حقوقی رئیس‌جمهور و متعاقباً تأکید معاونت مذکور بر لزوم ارسال مصوبات کمیسیون ماده ۵ شهرداری تهران به شورایی شهرسازی و معماری
۱۴۰۲/۰۵/۱۵	حادثه فوت ۶ نفر از مأموران نیروی انتظامی، آتش‌نشانی و شهرداری در حین تخریب ساخت‌وسازهای غیرمجاز در شهرک احمدیه (موارد متجاوز از ۴ طبقه)
۱۴۰۴/۰۴/۳۰	بررسی طرح یکپارچه بازآفرینی عرصه‌های رهاشده کوردهای آجرپزی و اطراف خلایزیر ناحیه ۳ منطقه ۱۹ شهر تهران در شورایی شهرسازی و معماری و ابلاغ طرح مصوب کمیسیون ماده ۵ شهرداری تهران با اعمال اصلاحات به مراجع ذی‌ربط

ساختمان‌ها با یکدیگر منجر به زیرآوارماندن و متأسفانه فوت چند نفر گردید. این اتفاق که موسوم به حادثه خلایزیر است، موجب موردتوجه قرار گرفتن بیش‌ازپیش شهرک احمدیه و مسئله شایع ساخت‌وساز شهری غیرمجاز در منطقه ۱۹ شهر تهران گردید.

یافته‌های پژوهش

همانطور که پیش‌ازاین نیز اشاره شد، از مجموع ۱۷ مصاحبه، ۷۵۰ کد

حجم و توسعه ساخت‌وساز شهری غیرمجاز در شهرک احمدیه در بازه زمانی ۱۸ ماهه در حدفصل مهرماه ۱۴۰۰ الی فروردین‌ماه ۱۴۰۲ است. جدول ۳ نیز فرایند زمانی تصمیمات و اتفاقات مؤثر بر مسئله ساخت‌وساز شهری غیرمجاز در شهرک احمدیه را ارائه می‌کند. در مردادماه ۱۴۰۲ بخشی از ساخت‌وسازهای غیرمجاز در این شهرک توسط شهرداری تهران با حکم مقام قضایی، تخریب شد. در جریان این تخریب غیراصولی، برخورد

اولیه استخراج شد که تعداد آن‌ها با حذف موارد تکراری به ۵۰۷ مورد، کاهش یافت. تصویر ۴، ابر کلمات مرتبط با ۴۵ کد اولیه با تکرار بیش از ۳ بار را ارائه می‌کند. در این میان، عدم ارجاع پرونده به شورایی عالی و قرائت اشتباه شهرداری از استثنا بودن تهران، بیشترین تکرار را به خود اختصاص می‌دهد. متعاقباً ۱۰۸ مقوله از میان کدهای اولیه، استخراج گردید که ۲۴ مورد به عنوان پرتکرارترین آن‌ها مبنی بر مهم‌ترین علل مسئله ساخت‌وساز شهری غیرمجاز در شهرک احمدیه به ترتیب فراوانی در تصویر ۵ منعکس

تصویر ۴. ابر کلمات کدهای اولیه (تکرار بیش از ۳ بار) در ارتباط با علل مسئله ساخت‌وساز شهری غیرمجاز در شهرک احمدیه

در ماده ۱۰۰ باید جرم اصلاح و جرم انگاری شود

کوتاهی شهرداری در عدم جلوگیری

موقوفه مستاجران را زیاد می‌کند

همزمان شدن با اعتراضات بهانه است

مداخله شورای تامین با در نظر نگرفتن روال های قانونی

تخلّف مدیریت شهری در عدم جلوگیری

رشوّه گرفتن نیروهای شهرداری

هدشار مدیریت شهری به کاهش طبقات به ۴ طبقه

مدیریت شهری از ساخت و ساز منفعت دارد

جولوگیری وظیفه شهرداری است

ضابط قضائی نبودن نیروهای شهرداری

ضوابط و مقررات مطابق نیاز نیست

با استفساریه از مجلس مصوبات ماده ۵ را به شورای عالی نفرستادند

عدم برگزاری ماده ۱۰۰ و تخریب یا مصوبه شورای تامین

هدشار شهرداری مبنی بر ساخت ۴ طبقه و طمع سازندگان و ساخت ۹۸ طبقه

بیش از آنکه نقض قانون باشد، نقض قانون است

اعتقاد و التزام به پروانه برای طرفین مهم نبوده

بخشی از علت مسائل اجتماعی در خلایزیر است

این چنین تغییر کاربری را خلاف منفعت عمومی است

فساد بنده اداری شهرداری

تخریب ناآپین و بروز حادثه

در خلایزیر راه بنداز و جا بنداز است

تخریب ناآپین و بروز حادثه

عدم ارجاع پرونده به شورای عالی و قرائت اشتباه شهرداری از استثنا بودن تهران

ایجاد حقوق مکنتسه در نتیجه عدم جلوگیری عدم توجه به طرح تفصیلی قلعلا ضعف مدیریت شهری هست ساخت و ساز با اعمال زور اتفاق اعتراضات سال ۱۴۰۱ موجی از ساخت و ساز ۷ و ۸ طبقه در منطقه ترک فعل شهرداری در عدم جلوگیری از ساخت و ساز غیرمجاز عدم بروز بودن قوانین و ضوابط شهری

به الحراف رفتن طرح ساماندهی نیروی انتظامی و مرجع قضایی پای کار نیستند عدم جلوگیری به هنگام و در زمان یکی از علت ها نبود درآمد پایدار در شهرداری ها است تمارش منابع بین شهرداری و متخلفین عدم توجه به تامین درآمد پایدار برای شهرداری از ابتدای تاسیس ریشه تاریخی ساخت و ساز غیرمجاز در محدوده به صورت تک و توک

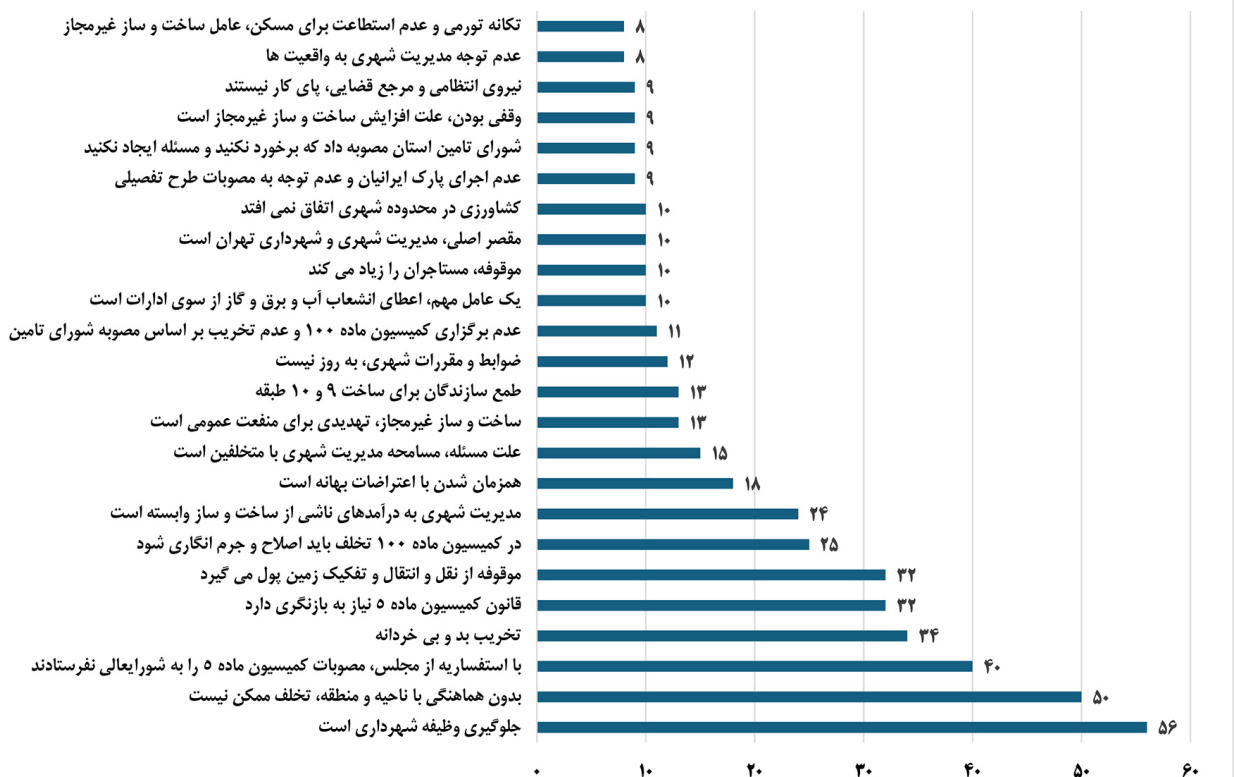
بدون هماهنگی با ناحیه و منطقه و فساد ممکن نیست موقوفه از انتقال اعیانی و تفکیک پول می گیرد عدم همکاری نیروی انتظامی و قوه قضائیه با شهرداری زمانی نیاز به پلیس هست که شما کار را از حد گذرانید و موضوع بیخ پیدا کرده بخش قابل توجهی از علل وقوع در خلایزیر مسائل اجتماعی است مدیریت شهری به درآمد های ساخت و ساز وابسته است

مدیریت شهری نباید ظرفیت های توسعه ای شهر را از بین ببرد طمع سازندگان برای ساخت ۹ و ۱۰ طبقه

یک عامل اعطای انشعاب آب و برق و گاز از سوی ادارات است

شورای تامین استان مصوبه داد که برخورد نکنید و مسئله ایجاد نکنید

تصویر ۵. فراوانی مهم‌ترین مقولات مستخرج در ارتباط با علل مسئله ساخت‌وساز شهری غیرمجاز در شهرک احمدیه



واکاوای ساخت‌وساز شهری غیرمجاز از منظر مفهوم نوموتروپیسم: نمونه شهرک احمدیه در منطقه ۱۹ شهر تهران

... قصور همکارهای منطقه و ناحیه است که باید برن اونجا جلوگیری کنند؛ اما چون درگیری و دعوا داره بالاخره، این‌ها کارشون رو انجام نمی‌دن. تو مرحله‌ای که داره ساخت‌وساز اتفاق می‌افتد می‌تونه بره جلوگیری بکنه؛ ولی وقتی به مرحله‌ای رسید که چنددفعه تخریب کردن، رفتن، اومدن، درگیر شدن و خانواده ساکن شد و ذی‌نفع بیشتر شد، نه. چون شهرداری ضابط قضائی نیست، نمی‌توانند مستقیماً ورود پیدا کنن و باید با حکم دادگاه و با ضابط قضائی بروند. ... اصلاً فرمت ساختش هم این‌طوری نیست که مثلاً بخوان گودبرداری کنند و قبلش، تخریب انجام شود. شب می‌خوان، صبح اسکلت می‌زنن؛ یعنی شما امروز بعدازظهر می‌ری، فردا صبح می‌بینی اسکلت زدن. ... بعضی‌هاش هم اسکلت رو که می‌زنه، می‌رن درگیر می‌شن. ولی خب حالا همکارهای ما پول می‌گیرند و این وسط، چشم‌پوشی می‌کنند. امروز باید بره، می‌اندازه شنبه صبح می‌ره و شما چند روز که به این‌ها فرصت می‌دی، می‌زنن می‌رن. تک‌خال‌جوش می‌زنن می‌رن و چیزی نیست. خیلی از موارد از قبل آماده شده و اسکلت معمولاً فزایه و پی و اصول مهندسی ندارد و همینجوری می‌زنن می‌ره بالا. به‌خاطر همین، ساختمان‌های پارسال دومینوار روی هم افتادند. (P05)

در مصاحبه‌ای با یک استاد دانشگاه دیگر، به عدم تعریف درست شورا و شهرداری و متعاقباً نبود نظارت و استحفاظ برای شهر که وظیفه جلوگیری و کنترل را انجام بدهد، اشاره می‌شود؛

شهر، پاسبان ندارد که بگه این شهر مال منه، چون ما مدیر شهر و شهرداری را با انجمن شهر اشتباه تعریف کردیم این ساخت‌وساز غیرمجاز مثل آبی است که ریخته. مدیریت شهری در موقعیتی بودند که جلوی آب رو بگیرند که نریزد. ریخته دیگر و همین بابشو به وجود میاد که الان اومده و هیچ چیز سر جایش نیست. (P11)

در عین حال، در مصاحبه با رئیس سابق کمیسیون ماده ۱۰۰، با استناد به متن ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مبنی بر «مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن باید قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک اراضی و شروع ساختمان از شهرداری پروانه اخذ نمایند. شهرداری می‌تواند از عملیات ساختمانی ساختمان‌های بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه به‌وسیله مأمورین خود اعم از آن که ساختمان در زمین محصور یا غیر محصور واقع باشد، جلوگیری نماید»، ماهیت فعلی جلوگیری، چالش برانگیز قلمداد می‌شود و بندهای این ماده قانونی نیز تحت‌الشعاع همین موضوع است؛

... خیلی از شهرداری‌ها اگر سالم برخورد بکنند می‌رن وارد ساختمانی می‌شن و بحث جلوگیری رو با قوه قهریه انجام می‌دن یا می‌رن مصالح پای کار رو جمع می‌کنند. باین وجود، این اقدام از نظر قانونی می‌تواند به‌عنوان سرقت تلقی شده و ابزار مناسبی نیست. این ماهیت جلوگیری و استناد به فعل «می‌تواند» همه بندهای بعدی قانون را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. (P02)

در کنار چالش برانگیز بودن ماهیت جلوگیری، ظاهراً یکی از علل تداوم ساخت‌وساز شهری غیرمجاز در شهرک احمدیه، در جریان بودن مصوبه‌ای^{۲۵} از سوی کمیسیون ماده ۵ شهرداری تهران با موضوع کوره‌های آجرپزی مبنی بر اختصاص بخشی از این اراضی به سرانه‌های شهری و مابقی به موضوع سکونت است که به‌صورت رسمی (در رسانه‌ها) یا غیررسمی (در اذهان عمومی) انتشار یافته است. این موضوع در مصاحبه با کارشناس بازرسی شهرسازی شهرداری تهران نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد؛

شهرداری منطقه ۱۹ قبلاً جلوی اونجا رو گرفته بود. ... پالس‌هایی هست

۱۰۰ قانون شهرداری از جمله سایر علل قابل توجه در این زمینه به شمار می‌روند. در جریان مصاحبه با شهردار سابق تهران، نیز مسئله جلوگیری و ضابط قضائی بودن به‌عنوان وظیفه قانونی شهرداری و در عین حال، در اختیار داشتن ابزار کافی در این زمینه، مطرح می‌شود؛

... شهرداری اگر واقعاً بخواهد جلوگیری کنه، ابزارش دستشه. (P01) آجر رو آجر تو ناحیه همیشه گذاشت الان. این حرف‌ها نیست. می‌تونه شهردار منطقه بره با دادستان صحبت کنه و بره جلوگیری کنه. ساخت‌وساز غیرمجاز همواره بوده و شهرداری هم وظیفه‌اش بوده که جلوگیری کنه. تخلفی هست از سوی مدیریت شهری. شهرداری اگر نواحی‌اش سالم باشه، برخورد می‌کنه و ابزار دستشه و این، وظیفه قانونی‌شون هست. تفکیک‌های قولنامه‌ای هم تخلف هست. (P01)

در مصاحبه با نماینده شورای شهر نیز به درستی به تناسب میان مسئولیت و پاسخگویی اشاره شده است؛

همچنان که به شما مسئولیت صدور پروانه دادن، پاسخگو هم باید باشی و جلوگیری هم بکنی تا این اتفاق انجام نشه. (P04)

در مصاحبه دیگری با معاون یکی از مناطق شهرداری تهران نیز اشاره می‌شود که عدم جلوگیری توسط شهرداری، مسئله‌ای است که صرفاً در نمونه شهرک احمدیه اتفاق افتاده است؛

باید جلوگیری کنند. این کار را باید کنند. این چیزی هست که شما در این نمونه به‌صورت مشخص و پررنگ می‌بینید. همه جا این‌طوری نیست. این همه ساختمان در شهر جلوگیری می‌شه و این جلوگیری و توقف، ابزاری است برای تأمین مالی خود بچه‌های شهرداری. اتفاقاً توقف خیلی راحت انجام می‌شه اما سهل‌انگاری و رهاشدگی هست که چرا در اینجا متوقف نمی‌شود. (P07)

همچنین در مصاحبه با یکی از استادان دانشگاه نیز عدم جلوگیری از تخلف، ترک فعل خوانده شده و خود به‌عنوان تخلف عنوان می‌شود. این مسئله می‌تواند باعث ایجاد حقوق مکسبه گردد و حق و حقوقی را برای سازندگان ایجاد کند؛

من می‌گویم تخلفات مدیریتی. مدیریت (شهری) ۱۰۰ درصد تخلف کرده و باید می‌رفت جلوگیری می‌کرد. (P09)

ترک فعل شده است. وقتی تخلفی اتفاق می‌افتد یک فرایندی در کمیسیون ماده ۱۰۰ داریم و باید جلوشو بگیرد و اگر جلوشو نگیرد، تخلف از سمت شهرداری هست و این تخلف می‌تواند باعث حقوق مکسبه گردد؛ یعنی الان می‌تونن ادعا بکنند سازندگان، فارغ از قانون مالکیت که ما ساختیم هرکی که مالک می‌تونه بگوید که من ساختم و داشتیم می‌ساختیم شهرداری نیامد جلوی من را بگیرد. دقیقاً در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ شهرداری می‌گوید، شهرداری باید جلوگیری بکنند. اول جلوگیری هست و بعد بیره کمیسیون ماده ۱۰۰. اونجا حالا احکام متفاوتی صادر میشه؛ جریمه است یا قلع و قمع یا ابقاء یا تثبیت. شهرداری وقتی این کار را نکرده، حقوق مکسبه ایجاد می‌کند و مردم می‌توانند مدعی شوند و بگویند اگر خلاف کرده بودم، خب شهرداری طبق قانون و ماده ۱۰۰ باید جلوی من را می‌گرفت و حالا که نگرفته، فکر کردم مشکلی نیست و ادامه دادم تا تکمیل شد. (P09)

در مصاحبه با بازرسی شهرداری نیز از عدم جلوگیری به‌عنوان قصور، یاد می‌شود؛

که مدیریت شهری می‌دهد به مردم، مردم حس می‌کنند این پالس‌ها رو و به‌هرحال، مشخص است وقتی مصاحبه و صحبت می‌کنن، جلسه می‌ذارن، عکس می‌گیرن، مردم حساس می‌شوند و می‌گویند قراره خبری بشه اینجا و کمیسیون تشکیل بشه. (P05)

از سوی دیگر، درباره عدم جلوگیری توسط شهرداری، کارشناس شهرسازی منطقه به تأثیر گذاری نهادهای سیاسی-امنیتی اشاره می‌کند؛ شورای تأمین نامه زد که تخریب نکنید و به خاطر اعتراضات، درگیری ایجاد نکنید. نیروی انتظامی هم نیرو نمی‌داد. بین خاک این منطقه هم یکم شل هست و اگر تو گودبرداری جلوشو بگیری، می‌ریزه میاد پایین. چون قبلاً کشاورزی بوده، خاکش اینطوری. الانم زلزله بیاد خیلی هاش خراب می‌شه. بدون مهندس ناظر همین‌طوری ساختن رفت. (P03)

در جریان مصاحبه با مدیر حوزه علمیه مروی و مجدداً کارشناس بازرسی شهرسازی شهرداری تهران نیز بر مصوبه شورای تأمین تأکید می‌شود. مصوبه مذکور با محدود کردن اختیار شهرداری برای جلوگیری، شرایط مساعدی را برای متخلفان رقم زده است؛

خود شهرداری مگر بگانه حفاظتش چقدر بود؟ با مصوبه شورای تأمین استانم که الان تا می‌توانید مواظب باشید و مسئله ایجاد نکنید، خب دست‌وپال همه بسته می‌شد. در ضمن، شهرداری نفر بخواد بفرسته جلو، اون طرف به موقع با سلاح سردی یا سلاح گرمی بخواد مقابله بکند، این هیچ کاری نمی‌تونه بکند. همه چی عملاً از نظر امنیتی به نفع متخلفان ساختمانی بود. (P12)

... به‌خاطر اون شلوغی‌ها و التهابات، مکاتباتی از شورای تأمین و قوه میاد که شهرداری تهران بدون مجوز از شورای تأمین، هیچ ملکی رو تخریب نکند، حتی اگر رأی ماده ۱۰۰ داره، چون ممکنه نارضایتی به وجود بیاد و مسئله ساز بشه. بالاخره افرادی که اونجا باندن و خبر دارن. این‌ها می‌فهمن که شهرداری‌ها نمی‌تونن تخریب کنن. (P05)

با این وجود، جلوگیری وظیفه قانونی شهرداری است و این جلوگیری مطابق متن ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، می‌تواند پیش از تفکیک اراضی و شروع ساختمان انجام شود. این موضوع در جریان مصاحبه با نماینده شورای شهر نیز منعکس می‌شود؛

... ساختن و شهرداری جلوگیری نکرد، حالا شما می‌گی تفکیک؟ ... بعد از اینکه ساخته شد، جلوگیری کردن فایده ندارد. ... یک سال (از مهرماه ۱۴۰۱ الی مردادماه ۱۴۰۲) فرصت دادن که بسازند و حاکمیت شهرداری، دنبال تخریبش نبود. من می‌گم انفعال حاکمیت شهرداری. (P04)

بنابراین، جلوگیری و به‌ویژه جلوگیری به‌موقع، واقعیتی است که موضوعیت دارد؛

قبل از اینکه این‌ها شکل بگیرد، باید برن سراغش. شهرداری دیر اقدام کرد و کار از حد گذشته بود. تو مراحل اولیه می‌شد، الان دیگر تمومه و بخوای بری تخریب کنی عملی نیست و می‌گن برو از خدا حکم بیا. طرف نمی‌ذاره تخریب کنی و تنها چیزیه که تو زندگی داره. خیلی از این‌ها، اقوام خاصی هستند، مهاجرن و از شهرستان اومدن و کل زندگی‌اش رو فروخته. ... الان شما می‌خوای اینو خراب کنی؟ مگر می‌ذاره خراب کنی؟ شده بمیره نمی‌ذاره خراب کنی. (P05)

از جنبه‌ای دیگر، مصاحبه با ساکنان نیز می‌تواند وجوهی دیگر از مسئله و علل وقوع آن را منعکس نماید. بر این اساس، عدم جلوگیری (به‌موقع)

همانطور که پیش‌تر نیز به‌عنوان وسیله‌ای برای ایجاد استنباط مبنی بر عدم اشکال داشتن تخلف و متعاقباً حقوق مکسسه ذهنی و عینی از ساخت‌وساز غیرمجاز و تثبیت آن عنوان شده بود، مجدداً مورد اشاره قرار می‌گیرد؛

شهرداری می‌اومد، می‌دید و می‌رفت. ... کاری نداشتن اول. (P15)

اگر می‌خواستن که نگذارند ما بسازیم، چرا از اول گذاشتند؟ چرا اوقاف ۳ میلیون تومان از ما گرفته؟ من برای ۳۰۰ متر، ۹۰۰ میلیون دادم به اوقاف. خب نمی‌داشت بسازیم. نمی‌داشت همه بسازند. (P13)

... ما فکر می‌کردیم می‌سازیم و شهرداری به چند سالی طول می‌کشد اقدام کنه و می‌ره و ما بالاخره تثبیت می‌کنیم؛ یعنی به ما این‌طوری گفته بودن و دید کلی این بود که اصلاً نگران نباشید، سرمایه‌گذاری کردیم و سه چهار سال طول می‌کشد تا به نتیجه برسه. فکر نمی‌کردیم هیچ‌وقت بیاد تخریب کنه. چرا از اولش جلوی همه رو نگرفتن؟ اوقاف چطوری پول گرفته سند برای ۳۰۰ متر صادر کرده پس؟ ما از اوقاف برگه رسمی داریم. ما اینجا مالکیم و خیابان رو که نساختیم زمین رو پولوشو دادیم، توی بنگاه هم دادیم. درسته قولنامه‌ایه، کل خانه‌های اینجا قولنامه‌ایه، حتی اونایی که قبلاً ساختن. (P16)

شایان ذکر است، مبلغ مورد اشاره از سوی ساکنان، مربوط به تفکیک و نقل‌وانتقالی است که مدیر حوزه علمیه مروی نیز به آن، اذعان دارد؛

... اون کسی که نسق کشاورزی مثلاً ۶۰۰ متر داشته، اومده تفکیک کرده و قولنامه‌ای فروخته و یکی ازش ۱۰۰ متر خریده و برای اینکه کارش راه بیفته، ما بهش برگه دادیم. ... از طرفی، زمین زراعی آخه مگه می‌شه ۱۰۰ متر؟ می‌گیم آقا این تو شهرداری زراعی ثبت شده و تغییر کاربری نداده. شهرداری می‌گه اول تو سندشو بفرست بیاره تا ببینم این از طرف تو مالک هست؟ (P12)

بحث

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها در ارتباط با نمونه شهرک احمدیه، تصویری پیچیده و چندلایه از ساخت‌وساز شهری غیرمجاز ارائه می‌دهد که به‌خوبی با مفهوم نوموترو پیسم قابل تبیین است. برخلاف نگاه سنتی که تخلف ساختمانی را صرفاً «قانون‌شکنی آشکار» تلقی می‌کند، آنچه در این نمونه مشاهده می‌شود، نوعی «عمل در پرتو قانون» است؛ جایی که کنشگران (سازندگان، مالکان و حتی نهادهای عمومی) قاعده را نادیده نمی‌گیرند، بلکه آن را محاسبه کرده و در سایه یا نسبت با آن، جهت‌دهی می‌شوند و «رفتار حسابگرانه» خود را بروز می‌دهند. مهم‌ترین یافته پژوهش حاضر، تأکید مکرر مصاحبه‌شوندگان بر عدم جلوگیری به‌موقع از سوی شهرداری است. این وضعیت، دقیقاً مصداق رفتار نوموترو پیک است؛ متخلفان نه به دلیل ناآگاهی یا فقر، بلکه به دلیل احتمال توقف، عفو یا قانونی‌سازی آتی، اقدام به ساخت کرده‌اند. عباراتی همچون «اگر می‌خواستند نگذارند، چرا از اول نگذاشتند؟» یا «فکر می‌کردیم سه چهار سال طول می‌کشد و بالاخره تثبیت می‌کنیم»، نشان‌دهنده انتظاری است که در عین حال، تحت تأثیر سکوت یا انفعال دستگاه‌های نظارتی، شکل گرفته است. این انتظار عفو احتمالی، خود یکی از مصادیق اصلی نوموترو پیسم است و در سایه یا نسبت به قانونی (ماده ۱۰۰ قانون شهرداری) شکل می‌گیرد که نه به‌عنوان مانع، بلکه به‌عنوان افق عمل، مورد توجه است. برخی مصاحبه‌شوندگان از «ترک فعل» و «انفعال حاکمیت شهرداری» سخن گفته‌اند. وقتی شهرداری به‌رغم آگاهی

آتی، جهت‌دهی می‌شوند. علاوه بر این، پژوهش حاضر مفهوم نوموتروپیسم را به سطح نهادی بسط داد و روشن کرد که نه تنها افراد، بلکه نهادهایی چون شهرداری (با ترک فعل)، شورای تأمین (با مصوبه منع تخریب)، کمیسیون ماده ۵ (با تصویب طرح‌های ناقص) و اوقاف (با تفکیک غیرمجاز و ایجاد امنیت تصدی کاذب) نیز می‌توانند از خود، رفتار نوموتروپیک نشان دهند. پژوهش با استناد به نمونه شهرک احمدیه، نشان داد که اصلاح صرف متن قوانین کافی نیست؛ بلکه بازنگری در سازوکارهای تصمیم‌گیری، شفاف‌سازی فرایندها و ایجاد بسترهای قانونی قابل‌دسترس برای تأمین مسکن، پیش‌شرط‌های اساسی کنترل مسئله ساخت‌وساز شهری غیرمجاز هستند. در این راستا و متناظر با عوامل و مصادیق شناسایی شده از منظر نوموتروپیسم، راهکارهای ذیل قابل‌ارائه است:

۱. تدوین قوانین با «پیوست نوموتروپیک»: پیش از تصویب هر طرح یا قانونی، آثار و انگیزه‌های بالقوه برای رفتار نوموتروپیک (مانند انتظار عفو، تفکیک سوداگرانه و سوء استفاده از زمان بر بودن فرایندها) ارزیابی و پیش‌بینی شود؛

۲. اصلاح سازوکار و رویه‌های کمیسیون ماده ۵ شهرداری: مصوبات کمیسیون ماده ۵ نباید بهانه‌ای برای ساخت‌وساز غیرمجاز (نظیر قانونی بودن تا دست کم ۴ طبقه در شهرک احمدیه) فراهم کنند. به علاوه، این کمیسیون موظف به شفاف‌سازی و برگزاری جلسات استماع، هم‌اندیشی با جامعه محلی و دانشگاهیان و نیز مطالعه اثرات اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی تصمیمات با عنایت به موضوع منفعت عمومی است. ارسال مصوبات کمیسیون به شورایی شهری سازی و معماری نیز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۳. اصلاح ماده ۱۰۰ قانون شهرداری: پیشنهاد می‌شود در متن این ماده، فعل «می‌تواند جلو‌گیری نماید» به «موظف به جلو‌گیری فوری است» تغییر یابد. ترک فعل شهرداری در جلو‌گیری به‌موقع، خود تخلف محسوب شده و زمینه‌ساز حقوق مکسبه برای سازندگان و متعاقباً انتظار عفو خواهد بود. جلو‌گیری از عادی‌سازی تخلفات پیش یا پس از صدور رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ نیز الزامی است؛

۴. مدیریت در آمد شهرداری از ساخت‌وساز: وابستگی مدیریت شهری به درآمدهای حاصل از ساخت‌وساز (صدر پروانه، اعطای تراکم، تغییر کاربری، عوارض، جریمه و ...) کنترل شود تا انگیزه نوموتروپیک «عفو با جریمه» کاهش یابد؛

۵. اصلاح و تسریع رویه‌های بروکراتیک: طولانی بودن فرایند اخذ مجوز، یکی از زمینه‌های اصلی روی آوردن به ساخت‌وساز غیرمجاز است. رویه‌ها در عین کارآمدی، باید شفاف، سیستمی و تسریع شوند؛

۶. اصلاح حداقل متراتر قابل‌ساخت و بازنگری در استانداردها: استانداردهای غیرواقع‌بینانه و بالا بودن حداقل مساحت قابل ساخت، بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد را به سمت ساخت‌وساز غیرمجاز سوق می‌دهد. بازنگری در این استانداردها با حفظ ایمنی، امکان ارائه مسکن قانونی و قابل‌دسترس را فراهم می‌کند؛

۷. اصلاح قوانین اعطای انشعابات: اعطای هرگونه انشعاب آب، برق و گاز به بنای غیرمجاز ممنوع شود. این اقدام، یکی از حلقه‌های کلیدی در تثبیت تخلف ساخت‌وساز غیرمجاز و ایجاد حقوق مکسبه است؛

۸. جلو‌گیری از نقل‌وانتقال و خریدوفروش ساخت‌وساز غیرمجاز:

از تخلف، از آن جلو‌گیری نمی‌کند، عملاً به سازندگان این پیام را می‌دهد که تخلف آن‌ها تحمل‌پذیر و احتمالاً قابل‌پذیرش و عفو است. این وضعیت، زمینه‌ساز «حقوق مکسبه ذهنی و عینی» می‌شود. در این شرایط، قانون از منظر نوموتروپیسم همچنان اثربخش است، اما نه از طریق اطاعت، بلکه از طریق اجتناب از مجازات و بازی با زمان.

در این میان، برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان به ماهیت معنایی و عملکردی «می‌تواند» در ماده ۱۰۰ قانون شهرداری اشاره کرده‌اند. اختیاری بودن این فعل، خود یک شکنندگی ساختاری ایجاد کرده است. در این شرایط، جلو‌گیری نه یک تکلیف قطعی که گزینه‌ای در اختیار شهرداری، تلقی می‌شود. این ابهام حقوقی، بستری را برای رفتارهای نوموتروپیک فراهم می‌کند، زیرا متخلف همواره این احتمال را در نظر می‌گیرد که شهرداری ممکن است فعلاً مداخله و جلو‌گیری نکند. به علاوه، یافته‌ها نشان می‌دهد مصوبه شورای تأمین به دلیل ملاحظات و شرایط زمانی و مکانی، عملاً اختیار جلو‌گیری شهرداری را محدود کرده است. این نیز یک نمونه از نوموتروپیسم در سطح نهادی است؛ قانون یا مصوبه رسمی، منع تخریب نمی‌کند، اما با ایجاد شرایط امنیتی و هزینه‌های سیاسی، عملاً رفتار دستگاه اجرایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به تعبیر دیگر، نهادهای بالادستی و فراشهرداری، بدون تغییر در متن قانون، رفتار شهرداری را در پرتو قانون، اما نه مطابق با آن، جهت‌دهی کرده‌اند.

از یافته‌های قابل‌توجه دیگر، اشاره ساکنان به دریافت «برگه رسمی از اوقاف» و پرداخت مبالغ قابل‌توجه برای تفکیک و نقل‌وانتقال است. این وضعیت، مصادیق آشکار «تفکیک سوداگرانه زمین» و «ایجاد حق» از سوی مالک قانونی است. از منظر نوموتروپیسم، در اینجا یک «حق ناقص» یا «مالکیت قولنامه‌ای» تولید شده است که فرایند تخریب و قلع‌و‌مع را به شدت پیچیده می‌کند. خریداران، احساس امنیت حقوقی کاذب دارند، زیرا تصور می‌کنند با نهادهای رسمی معامله کرده‌اند. بر این اساس، تمامی مصادیق پنج‌گانه رفتار نوموتروپیک در ساخت‌وساز شهری غیرمجاز در نمونه شهرک احمدیه واقع در ناحیه ۳ منطقه ۱۹ تهران، موضوعیت دارند. ساخت در شب و استفاده از زمین‌های بایر مجاور کوره‌ها (دلالت بر ساخت‌وساز پنهان)، اجرای فوری و بی‌وقفه اسکلت بدون رعایت اصول مهندسی (گویای ساخت‌وساز یک‌شبه)، رهاشدگی برخی از ساخت‌وسازها (مبنی بر ساخت‌وساز ناتمام)، ساخت‌وسازهای بالاتر از ۴ طبقه در مغایرت با تصمیم تلویحی و تصریح ضمنی شهرداری (نشان‌دهنده ساخت‌وساز مغایر) و فقدان پروانه ساختمانی (دلالت بر ساخت‌وساز بی‌مجوز)، از جمله ویژگی‌های مهم مسئله ساخت‌وساز شهری غیرمجاز در شهرک احمدیه هستند که وقفی بودن و تفکیک سوداگرانه و غیرقانونی زمین و نیز انتظار عفو به شکل مستقیم یا غیرمستقیم و تحت تأثیر مسکوت ماندن یا شیوه مواجهه را نیز باید به آن‌ها افزود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش برای نخستین بار مفهوم نوموتروپیسم را در واکاوی، تبیین و تحلیل ساخت‌وساز شهری غیرمجاز در ایران به کار گرفته است و نشان داد که این پدیده، برخلاف نگاه‌های سنتی، نه قانون‌شکنی محض که نوعی عمل حسابگرانه در پرتو قانون است. بر این اساس، با عبور از دوگانه قانونی-غیرقانونی، مشخص گشت که متخلفان قوانین را نادیده نمی‌گیرند، بلکه آن‌ها را محاسبه کرده و در نسبت با احتمالاتی چون توقف، عفو یا قانونی‌سازی

هرگونه معامله قولنامه‌ای بر روی املاک فاقد پروانه یا مغایر با پروانه، باطل تلقی شده و سامانه ثبت معاملات املاک و مستغلات متوجه این مسئله باشد؛

۹. **جلوگیری از تفکیک‌های غیرمجاز توسط موقوفه:** نهادهای متولی اراضی وقفی موظف شوند هرگونه تفکیک یا واگذاری را منوط به دریافت پروانه تفکیک از شهرداری کنند. امنیت تصدی کاذبی که با دریافت برگه رسمی از اوقاف ایجاد می‌شود، یکی از مهم‌ترین عوامل وقوع رفتار نوموتروپیک در نمونه شهرک احمدیه بوده است.

پژوهش با اتکا به مفهوم نوموتروپسم نشان داد که ساخت‌وساز شهری غیرمجاز، پدیده‌ای چندعلتی و محصول تعامل پیچیده قوانین، نهادها، منافع اقتصادی و رفتار حسابگرانه کنشگران است. عدم تصمیم‌گیری به‌موقع، وجود اراضی وقفی با تفکیک‌های غیرمجاز، ایرادات رویه‌ای کمیسیون ماده ۵ شهرداری، انتشار اطلاعات پیش از تصویب طرح‌ها، عدم ضمانت اجرایی در ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، وابستگی مالی شهرداری به ساخت‌وساز و استانداردهای سختگیرانه، همگی بستری برای عمل نوموتروپیک سودجویان فراهم کرده‌اند. از این رو، مدیریت شهری چاره‌ای جز هدایت رویه‌های غیررسمی به مسیر شفاف و قانونی یا ایجاد مسیرهای جدید قابل‌دسترس اما بدون ابهام به‌عنوان یک وظیفه اساسی و قانونی ندارد. این چنین، با درک عمیق‌تر سازو کارهای نوموتروپیک حاکم بر فرایندهای

ساخت‌وساز، قادر خواهد بود از تولید ناخواسته تخلف پیشگیری کرده و به‌سوی تحقق شهری فراگیرتر، قانونمندتر و پایدارتر گام بردارد. بر این اساس، محورهای ذیل می‌توانند به‌عنوان پیشنهاد برای انجام پژوهش‌های آتی با هدف تداوم و تدقیق سهم پژوهش حاضر، مورد توجه قرار گیرند؛

– انجام پژوهش تطبیقی میان شهرها و سکونتگاه‌های شهری برای تبیین و تحلیل مقایسه‌ای علل و مصادیق رفتارهای نوموتروپیک در ارتباط با ساخت‌وساز شهری غیرمجاز؛

– تحلیل کمی و کیفی حقوق مکسبه عینی و ذهنی و متعاقباً انتظار عفو در سایه رابطه میان نحوه مواجهه با ساخت‌وساز شهری غیرمجاز و حجم سرمایه‌گذاری متخلفان؛

– ارزیابی نقش رسانه و گفتمان عمومی در شکل‌گیری انتظارات و رفتارهای نوموتروپیک از سوی مالکان، سرمایه‌گذاران و سازندگان؛

– سنجش اثربخشی راهکارها از طریق انجام طرح‌های آزمایشی (برای مثال ایجاد سامانه شفاف و برخط گزارش‌دهی تخلفات ساختمانی، استقرار گشت فوری ضابط قضایی و تأثیر آن بر تغییر رفتار سازندگان و ...)

– واکاوی مفهوم نوموتروپسم در سایر عرصه‌های شهرسازی (تخلفات کاربری اراضی، ساخت‌وساز در حریم، تغییرات غیرمجاز در بافت تاریخی و ...).

پی‌نوشت‌ها

1. Construction Violations.
2. Illegal.
3. Unauthorized Construction.
4. Nomotropism.
5. Nomotropic.
6. Amedeo Giovanni Conte.
7. Unauthorized Settlements.
8. Neologism.
9. Acting in Light of Rules.
10. Effectiveness.
11. Expectation of Amnesty.
12. Hidden Construction.
13. Overnight Construction.
14. Gecekondü.
15. Unfinished Construction.
16. Non-Compliant Construction.
17. Unpermitted Construction.
18. Speculative Land Subdivision.
19. Illegal Lot Splitting.
20. Squatting.
21. Gentrification.
22. Fulfilment.
23. Conformity.

۲۴. تخلفات جزئی ساختمانی در مرحله پس از صدور پروانه و هنگام ساخت (معمولاً در رابطه با ساختمان‌های مسکونی تا حداکثر ۵ درصد از مساحت زیربنا و در مجموع تا سقف ۵۰۰ مترمربع بر اساس محدوده اختیارات فعلی)، به جای طرح در کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، در کمیسیون داخلی در شهرداری منطقه، مورد تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند. رویه این تصمیم‌گیری که معمولاً به پرداخت جریمه نقدی به مثابه پذیرش مشروط و به نوعی عفو تخلف می‌انجامد، چالش برانگیز بوده و خود بستری برای بروز رفتار نوموتروپیک در مسئله ساخت‌وساز شهری غیرمجاز به حساب می‌آید.

۲۵. شورایی‌عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه ۳۰ تیر ۱۴۰۴، «طرح یکپارچه بازآفرینی عرصه‌های ره‌اشده کوره‌های آجرپزی و اطراف خلایز ناحیه ۳ منطقه ۱۹ شهر تهران»، موضوع بند ۱ صورتجلسه شماره ۶۵۱، بند ۲۹ صورتجلسه ۶۸۱ و بند ۱۲ صورتجلسه ۷۰۰ کمیسیون ماده ۵ شهرداری تهران را مورد بررسی قرار داد و مقرر شد طرح مصوب کمیسیون ماده ۵ با اعمال اصلاحات به مراجع ذیربط ابلاغ شود. تا حداکثر ۵ درصد از زیربنا و در مجموع تا سقف ۵۰۰ مترمربع بر اساس محدودیت اختیارات فعلی.

References

Adeoye-Olatunde, O. A., & Olenik, N. L. (2021). Research and scholar-

ly methods: Semi-structured interviews [Tahlil va barrasi-ye elal-e takhallofat-e sakhtemani dar kalanshahrha ba ta'kid bar ghavanin va zavabet-e shahr-sazi (Motale'eh-ye moredi: Mantaghe-ye se va noh-e shahr-e Mashhad)]. *Journal of the American College of Clinical Pharmacy*, 4(10), 1358-1367. <https://doi.org/10.1002/jacs.1441>

Arifi, B., & Veseli, S. (2025). Illegal construction as a criminal offense in the Republic of North Macedonia: Legal analysis. *SEEU Review*, 20(1), 50-59. <https://doi.org/10.2478/seeur-2025-0032>

Ajza Shokouhi, M., Samadi, R., Goudarzi, N. A., & Ghanbari, M. (2017). Analysis and study of building violations' reasons in metropolises, with emphasis on urbanism laws and regulations (Case Study: Zones 3 and 9 of Mashhad). *Geography and Urban Space Development*, 3(2), 1-18. <https://doi.org/10.22067/gusd.v3i2.32114> (In Persian)

Arbab, P. (2022). Exploring the substantial reasons for the inefficiency of urban planning based on comprehensive plans approach (Case study: Nowshahr's Comprehensive Plan) [Vākāvi-ye elal-e mohtavaei-ye nākārāmadi-ye barnāme-rizi-ye shahri bar asās-e ruykard-e tarh-hā-ye jāme' (Motale'eh-ye moredi: Tarh-e jāme'-e Nowshahr)]. *Town and Country Planning*, 14(1), 61-93. <https://doi.org/10.22059/jtcp.2021.332798.670267> (In Persian)

Arbab, P., & Shabani, Z. (2023). Exploring affordable housing in urban regeneration plans (Case study: Hemmatabad neighborhood of Isfahan City) [Vākāvi-ye maskan-e ghābel-e esteta'at dar barnāme-hā-ye bāzāfarini-ye shahri (Motale'eh-ye moredi: Mahalleh-ye Hemmatābād-e shahr-e Esfahān)]. *Urban Economics and Planning*, 4(2), 176-191. <https://doi.org/10.22034/uep.2023.397976.1382> (In Persian)

Asadi, D. & Arbab, P. (2024). Developing a framework to identify wicked problems in urban planning [Tadvin-e chārchubi barā-ye shenāsāei-ye masāel-e boghranj dar barnāme-rizi-ye shahri]. *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 12(1), 21-41. <https://doi.org/10.22034/gupr.2024.12.1.21-41>

- [org/10.22059/jurbangeo.2024.369158.1904](https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2024.369158.1904) (In Persian)
- Bikdeli, S. (2025). Investigation of the key factors influencing the urban building code violations in Mashhad, Northeastern Iran (2002–2022). *City, Territory and Architecture*, 12(1), 5. <https://doi.org/10.1186/s40410-025-00256-w>
- Chiodelli, F., & Moroni, S. (2014). The complex nexus between informality and the law: Reconsidering unauthorised settlements in light of the concept of nomototropism. *Geoforum*, 51, 161-168. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2013.11.004>
- Chiodelli, F., Coppola, A., Belotti, E., Berruti, G., Marinaro, I. C., Curci, F., & Zanfi, F. (2021). The production of informal space: A critical atlas of housing informalities in Italy between public institutions and political strategies. *Progress in Planning*, 149, 100495. <https://doi.org/10.1016/j.progress.2020.100495>
- Connors, L. (2023). *Land tenure and the urban institutional politics of sustainability: How sustainability "lands" in the relationships between global North and South contexts*. [Doctoral dissertation, University of Louisville]. The University of Louisville's Institutional Repository. <https://ir.library.louisville.edu/etd/4111/>
- Conte, A. G. (2000). Nomotropismo: Agire in funzione di regole. *Sociologia Del Diritto*, 1, 7-33.
- Conte, A. G. (2003). Giocare con le regole. *Materiali Per Una Storia Della Cultura Giuridica*, 2, 281-334. <https://doi.org/10.1436/10886>
- Conte, A. G. (2011). *Sociologia filosofica del diritto*. Giappichelli.
- Diarian, N., & Nourian, F. (2022). Legalization: A look at the legitimization of violations in the construction phase (Case study: Megamalls in the city of Tehran, Iran) [Ghānuni-sāzi: Revāyat-e mashru'i-yat-bakhshi be takhallofat-e sakhtemāni (Motale'eh-ye moredi: Megāmāl-hā-ye shahr-e Tehran)]. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 27(3), 35-44. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2023.345103.672779> (In Persian)
- Di Lucia, P. (2024). Efficacy without fulfilment. An essay on the phenomenology of nomotropism. In P. Theodorou, P. M. S. Alves, & A. I. Baka (Eds.) *Phenomenology of Law and Normativity* (pp. 133-150). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-031-68705-1_6
- Erman, T. (2001). The politics of squatter (Gecekondü) studies in Turkey: The changing representations of rural migrants in the academic discourse. *Urban studies*, 38(7), 983-1002. <https://doi.org/10.1080/00420980120080131>
- Eskandari Einodin, H., Ghafari Gilandeh, A., & Nazmfar, H. (2023). Investigating the main factors affecting the occurrence of construction violations in urban constructions (Case study: Bostan Abad city) [Barrasi-ye avāmel-e asli-ye asargozār bar boruz-e takhallofat-e sakhtemāni dar sāxt-o-sāzhā-ye shahri (Motale'eh-ye moredi: Shahr-e Bostānābād)]. *Journal of Environmental Science Studies*, 8(1), 5883-5900. <https://doi.org/10.22034/jess.2022.355889.1843> (In Persian)
- Esmailpoor, N., Heravi, Z., & Heidari Hamane, E. (2019). Investigating the Causes of building breach in the Third district of Yazd [Barrasi-ye elal-e voghu'-e takhallofat-e sakhtemāni dar shahrhā-ye Irān ba ta'kid bar naghsh-ye shahrdāri (Motale'eh-ye moredi: Mahdudeh-ye mantaghe-ye 3-e shahr-e Yazd)]. *Motaleat-e Shahr*, 8(31), 17-30. <https://doi.org/10.34785/J011.2019.225> (In Persian)
- Forouhar, A. & Kheyroddin, R. (2016). The impact of commercialization on the spatial quality of residential neighbourhoods: Evidence from Nasr neighbourhood of Tehran [Tejāri shodan-e jedāreh-hā-ye shahri va ta'sir-e ān bar keyfiyat-e fazāei-ye mahallāt-e maskuni (Nemuneh-ye moredi: Kuy-e Nasr-e Tehran)]. *Geographical Planning of Space*, 6(20), 63-84. https://gps.gu.ac.ir/article_33182_198c57f156556c47df6f8486fbc4a87.pdf (In Persian)
- He, Y., Ma, W., Ma, Z., Fu, W., Chen, C., Yang, C. F., & Liu, Z. (2019). Using unmanned aerial vehicle remote sensing and a monitoring information system to enhance the management of unauthorized structures. *Applied Sciences*, 9(22), 4954. <https://doi.org/10.3390/app9224954>
- Hosseini, A., Maroofi, M., Maroofi, A., Habibi, K., & Sharifi, A. (2022). Problematic urban textures planning: An approach of stakeholder analysis and social network (Experimental example: Kholazir Jonoubi area in the 19th district of Tehran) [Sāmāndahi-ye bāft-hā-ye mas'aledār-e shahri ba ruykard-e tahlil-e zinef ān va shabakeh-ye ejtemā'i (Nemuneh-ye tajrobi: Mahdudeh-ye Khalāzir-e Jonubi dar mantaghe-ye 19-e Tehran)]. *Journal of Urban Social Geography*, 9(2), 25-46. <https://doi.org/10.22103/JUSG.2022.2073> (In Persian)
- Isabaeva, E. (2020). Squatters and the socialist heritage: A comparison of informal settlements in Kyrgyzstan and Kazakhstan. In U. Grashoff (Ed.), *Comparative Approaches to Informal Housing around the Globe* (pp. 95–109). UCL Press. <https://doi.org/10.2307/j.ctv13xpsrb.12>
- Kheyroddin, R. (2010). A geo-referential analysis on urban governance policies in Tehran Metropolis (The years 1993-2007): Toward urban integration or spatial segregation? [Tahlil-e zamin-marja'-e eghdāmāt-e modiriyat-e shahri-ye Tehran dar dowreh-ye 1372–1386: Be-su-ye yekpārchegi-ye shahri yā tashdid-e shekāf-e fazāei?]. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 2(42), 71-82. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286020.1389.2.42.7.6> (In Persian)
- Kheyroddin, R., Imani J., & Forouhar, A. (2013). An analysis of spatial consequences of urban management measures in old and new sections of the Metropolis of Tabriz [Tahlil-e payāmad-hā-ye fazāei-ye eghdāmāt-e modiriyat-e shahri dar bāft-hā-ye ghādim va jadid-e kalānshehr-e Tabriz]. *Journal of Urban Economics and Management*, 1(4), 93-109. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23452870.1392.1.4.7.9> (In Persian)
- Kheyroddin, R., Kamyar G., & Dalaei Milan, E. (2017). Balancing between property right and public interests in urban regeneration measures (from interests conflict to legal balance) [Ta'ādol-bakhshi beyn-e hoghugh-e mālekāneh va manāfe'-e 'omumi dar eghdāmāt-e nosāzāneh-ye shahri (Az ta'āroz-e manāfe' tā ta'ādol-e hoghugh dar ghavānin-e salb va ta'min-e hoghugh-e mālekāneh)]. *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 4(4), 22-39. <http://jria.iust.ac.ir/article-1-609-fa.html> (In Persian)
- Kojouri, M. K., Ghalehtemouri, K. J., & Kiadarbandsari, M. (2023). The role of building violations on urban spatial development in Iran: An emphasize on Tehran metropolis socioeconomic factors. *City and Built Environment*, 1(1), 20. <https://doi.org/10.1007/s44213-023-00025-w>
- Mahmoudzadeh, H., Eydi, A., & Jafari, F. (2025). Investigation of unauthorized urban constructions from floor area ratio and building facades perspective (case study: Valiasr and Abbasi neighborhoods) [Barrasi-ye sāxt-o-sāzhā-ye gheyr-e mojāz-e shahri az nazar-e trakom va namā (Motale'eh-ye moredi: Mantaghe-ye yek-e shahrdāri-ye kalānshehr-e Tabriz—Kuy-e Vali'asr va Bilānkūh)]. *Human Geography Research*, 57(1), 141-156. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2024.357158.1008590> (In Persian)
- Osyenko, K. (2025). Regarding definition of the concept of «object of unfinished construction» in forensic appraisal and construction en-

واکاوی ساخت‌وساز شهری غیرمجاز از منظر مفهوم نوموتروپیسیم: نمونه شهرک احمدیه در منطقه ۱۹ شهر تهران

کیفیت فضایی محلات مسکونی (نمونه موردی: کوی نصر تهران)، آمایش جغرافیایی
فضا، ۶(۲۰)، ۶۳-۸۴. https://gps.gu.ac.ir/article_33182_198c57f-156556c47dfe6f8486fbc4a87.pdf

محمودزاده، حسن، عیدی، اسماء و جعفری، فیروز. (۱۴۰۴). بررسی ساخت‌وسازهای غیرمجاز شهری از نظر تراکم و نما (مطالعه موردی: منطقه یک شهرداری کلان‌شهر تبریز - کوی ولیعصر و بیلاکوه). پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۵۷(۱)، ۱۴۱-۱۵۶. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2024.357158.1008590>

وحیدی برجی، گلдіس، نوریان، فرشاد و عزیزی، محمدمهدی. (۱۳۹۶). شناسایی علل عدم تحقق کاربری‌های پیشنهادی در طرح‌های توسعه شهری ایران با استفاده از نظریه زمینه‌ای. هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۲(۱)، ۵-۱۴. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2017.62261>

[Shahr/03N2-TehranStatisticalYearBook.pdf](#)

شهرداری منطقه ۱۹ تهران. (۱۴۰۱). گزارش مدیریتی ناحیه ۳ منطقه ۱۹ تهران. شهرداری منطقه ۱۹ تهران.

صارمی نوری، فریبرز، شجاعیان، خدیجه و استوار سنگری، کورش. (۱۴۰۱). چالش‌های حقوقی اخذ جرائم تخلفات ساختمانی در حیطه عمل کمیسیون ماده ۹۹. پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۴(۱۰)، ۲۶۱-۲۸۶. <https://doi.org/10.22034/mral.2021.535484.1206>

صالحی‌نژاد، زهره و المدرسی، سید علی. (۱۴۰۲). آنالیز سری زمانی تصاویر راداری پایش نیمه‌خودکار در نظارت بر ساخت‌وساز غیرمجاز شهری (منطقه مورد مطالعه: شهرک‌های مهرآوران، اندیشه و فراز یزد). سنجش از دور و GIS ایران، ۱۵(۲)، ۵۵-۷۳. <https://doi.org/10.48308/gisj.2023.102885>

فروهر، امیر و خیرالدین، رضا. (۱۳۹۵). تجاری‌شدن جداره‌های شهری و تأثیر آن بر

Explaining the Social Mechanisms of Architectural Taste Formation*

Abstract

The experience of architecture almost inevitably leads to aesthetic evaluation, yet the mechanisms underlying this process remain theoretically fragmented across philosophy, psychology, and sociology. Although taste has long been used to explain architectural evaluation, it has variously been understood as an individual disposition, a universal aesthetic faculty, or a socially conditioned preference. Consequently, no integrated conceptual framework adequately explains how architectural experience becomes aesthetic judgment through the interaction of individual agency, architectural objects, and social structures. This study therefore employs taste not as its primary object of inquiry, but as a theoretical concept for explaining this evaluative process. The study therefore aims to reconceptualize the notion of architectural taste by integrating philosophical, psychological, and sociological perspectives into a coherent conceptual model. More specifically, it addresses the following question: How does the experience of encountering architecture become transformed into aesthetic evaluation through the interaction among individual agency, architectural objects, and social structures? Answering this question requires moving beyond disciplinary boundaries and reconsidering taste not as an isolated mental property but as a multidimensional aesthetic practice emerging within lived experience. Methodologically, this study adopts a qualitative, interdisciplinary approach based on conceptual analysis and comparative review of theoretical literature. It synthesizes classical and contemporary scholarship in philosophical aesthetics, empirical aesthetics, environmental psychology, cognitive psychology, sociology of taste, and cultural theory. Philosophical perspectives are examined through debates on aesthetic judgment, psychological studies through perceptual, cognitive, emotional, and embodied processes, and sociological theories from Bourdieu's concept of social distinction to contemporary approaches emphasizing agency, practice, and embodiment. Particular attention is given to Arsel and Bean's Foucauldian concept of taste regimes as a framework for explaining the social production and reproduction of aesthetic norms. The analysis demonstrates that architectural taste cannot adequately be understood from any single disciplinary perspective. Philosophically, taste provides the conceptual conditions through which architecture becomes meaningful and aesthetically judged. Competing architectural theories and aesthetic traditions shape different criteria for evaluating architectural works and therefore influence the intellectual framework within which judgments are formed. Psychologically, taste is not merely a subjective preference but an embodied cognitive process involving perception, emotion, memory, prior experience, cultural background, and learned aesthetic competencies. Architectural evaluation emerges through the interaction between the perceiving individual, the physical environment, and contextual factors rather than from the architectural object alone. From a sociological perspective, the study argues that taste functions simultaneously as an aesthetic practice and as a social process. Earlier sociological theories, particularly Bourdieu's, interpreted taste primarily as a marker of social distinction and class position. Contemporary scholarship, however, increasingly shifts attention from asking what taste signifies toward examining how taste is socially produced and reproduced. Within this perspective, architectural taste develops through continuous interaction between individual agency and broader cultural structures rather than being determined exclusively by either. Individuals actively cultivate aesthetic competencies, while institutions, educational systems, media, markets, brands, digital platforms, and professional discourses collectively organize the conditions under which architectural judgments become possible. Drawing upon Arsel and Bean's interpretation of Foucauldian theory, the study further conceptualizes architectural taste through the notion of taste regimes. Taste regimes

Received: 21 Apr 2026

Received in revised form: 10 Jun 2026

Accepted: 22 Jun 2026

Fatemeh Mirzaie¹ [iD](#)

PhD Candidate in Architecture, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Art, Tehran, Iran. E-mail: f.mirzaee@student.art.ac.ir

Nadieh Imani² [iD](#) (Corresponding Author)

Professor, Department of Interior Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Art, Tehran, Iran. E-mail: imani@art.ac.ir

Hesam Salamat³ [iD](#)

PhD in Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Tehran University, Tehran, Iran.

E-mail: hesamsalamat61@gmail.com

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.412603.673177>

are understood as discursive, normative, and structural networks that organize aesthetic practice by defining desirable forms of perception, evaluation, and engagement with architectural objects. These regimes operate through interrelated mechanisms of problematization, ritualization, and instrumentalization, thereby transforming dispersed individual preferences into socially meaningful aesthetic practices. Rather than directly determining individual choices, taste regimes establish the conditions within which aesthetic agency is exercised. Consequently, architectural taste emerges through an ongoing reciprocal relationship among social structures, individual actors, and architectural objects, each continuously shaping and reshaping the others. The principal contribution of this study is the development of an integrated conceptual model that reconstructs architectural taste as a dynamic process rather than a fixed attribute of either individuals or buildings. The proposed framework identifies three inseparable dimensions of architectural experience: individual agency, architectural objects, and social structures. Architectural evaluation is interpreted as the outcome of the continuous interaction among these three dimensions, rather than the product of any single one of them. This reconceptualization expands the theoretical scope of architectural taste beyond traditional debates concerning beauty, preference, or social distinction by emphasizing aesthetic practice, embodied experience, and the social production of evaluation. The study concludes that architectural taste should not be understood simply as an individual's preference, a property of architecture, or a direct reflection of social class. Instead, it represents the aesthetic process through which architectural experience acquires meaning and value within specific social and cultural contexts. By integrating philosophical, psychological, and sociological approaches into a unified conceptual framework, the study provides a theoretical foundation for future empirical investigations of architectural taste and offers a broader understanding of contemporary architectural experience, particularly regarding the interaction between agency, materiality, and the social organization of aesthetic judgment.

Keywords: aesthetic action, aesthetic judgment, agency, architecture preference, structure, taste

Citation: Mirzaie, Fatemeh; Imani, Nadieh, & Salamat, Hesam. (2026). Explaining the social mechanisms of architectural taste formation. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 31(2), 79-92. (In Persian)



© Authors retain full copyright and publishing rights.

Publisher: University of Tehran Press.

*This article is derived from the second author's doctoral dissertation, entitled "Explaining the formation of social taste in the architecture of Tehran's Villas, 1932–1953", which is currently being conducted under the supervision of the first author and with consultation from the third author at the Iran University of Art.

تبیین سازو کارهای اجتماعی شکل‌گیری سلیقه معماری

چکیده

تجربه مواجهه با اثر معماری همواره به‌نوعی ارزیابی زیبایی‌شناختی می‌انجامد، اما سازو کار آن همچنان محل بحث است. «سلیقه»، به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در تبیین این فرایند، غالباً امری فردی تلقی شده است؛ حال آن‌که بررسی‌ها نشان می‌دهد سلیقه در بستر سازو کارهای اجتماعی، فرهنگی و گفت‌وگویی شکل می‌گیرد. مقاله حاضر با هدف بازخوانی مفهوم سلیقه معماری، در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان سازو کارهای شکل‌گیری سلیقه معماری را تبیین کرد. این تحقیق با بهره‌گیری از تحلیل مفهومی و بازخوانی تطبیقی

دیدگاه‌های فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، چارچوبی مفهومی برای تبیین شکل‌گیری سلیقه معماری صورت‌بندی می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سلیقه معماری نه صرفاً ویژگی‌ای ثابت در فرد یا اثر معماری و نه پیامدی منفعل از ساختارهای اجتماعی است؛ بلکه فرایندی پویا است که در تعامل مداوم میان عاملیت فردی، اثر معماری و ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد. پس سلیقه به‌مثابه کنشی زیبایی‌شناختی، چارچوبی مفهومی را برای تبیین چگونگی تبدیل تجربه مواجهه با معماری به ارزیابی زیبایی‌شناختی و معناگذاری اجتماعی فراهم می‌آورد و توجه را از ارزش‌گذاری انواع سلیقه به تحلیل سازو کارها و فرایندهای تولید و بازتولید آن معطوف می‌سازد. بدین ترتیب، مقاله با بازخوانی سلیقه معماری در پیوند میان تجربه، عاملیت و ساختار، مبنایی نظری برای تحلیل تجربه معماری و پژوهش‌های آتی در این حوزه فراهم می‌آورد.

واژه‌های کلیدی: رژیم سلیقه، ساختارهای اجتماعی، سلیقه معماری، کنش زیبایی‌شناختی، عاملیت فردی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

فاطمه میرزائی^۱: دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

E-mail: f.mirzaee@student.art.ac.ir

نادیه ایمانی^۲: نویسنده مسئول؛ استاد گروه معماری داخلی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

E-mail: imani@art.ac.ir

حسام سلامت^۳: دکتری جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

E-mail: hesamsalamat61@gmail.com

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.412603.673177>

استناد: میرزائی، فاطمه؛ ایمانی، نادیه و سلامت، حسام. (۱۴۰۵). تبیین سازو کارهای اجتماعی شکل‌گیری سلیقه معماری. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی،

۳۱(۲)، ۷۹-۹۹.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نگارندگان، حق تکثیر و امتیاز کامل انتشار مقاله خود را حفظ می‌کنند.



* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده دوم با عنوان «تبیین شکل‌گیری سلیقه اجتماعی در معماری ویلاهای تهران در سالهای ۱۳۱۱-۱۳۳۲» می‌باشد که با راهنمایی نگارنده اول و مشاوره نگارنده دوم در دانشگاه هنر ایران در حال انجام است.

مقدمه

سلیقه یکی از مفاهیم کلیدی در فهم تجربه مواجهه فرد با معماری است که تبیین نظری آن می‌تواند در تحلیل بسیاری از مسائل معماری - از جمله ترجیحات فضایی، الگوهای مصرف و ارزیابی‌های زیبایی‌شناختی - کاربرد داشته باشد. با این حال، در پیشینه موجود، سلیقه معماری اغلب از یک زاویه محدود بررسی شده است. مثلاً صرفاً با بررسی ترجیحات و علایق معماری افراد مطالعه شود (Kaplan & Kaplan, 1989; Nasar, 2010; Ipsos MORI, 2010) یا اینکه اثر عاملی بیرونی (مانند تحولات فرهنگی، نقش رسانه و یا قدرت سیاسی) بر سلیقه معماری پیگیری شود (Karimi, 2009; Arsel & Bean, 2013; Grior, 2005). با اینکه هر کدام از این تحقیقات نتایج ارزشمند خود را دارند، اما در مجموع، هنوز فهمی جامع از سلیقه معماری ارائه نمی‌دهند. در نتیجه، سلیقه معماری به امری کاملاً فردی فرو کاسته می‌شود یا صرفاً بازتابی از ساختارهای اجتماعی تلقی می‌شود. بر این اساس چالش برانگیز است: اگر سلیقه صرفاً امری فردی باشد، چگونه می‌توان الگوهای مشترک ترجیح، سبک‌های غالب، یا چرخه‌های مد در معماری را توضیح داد؟ و اگر کاملاً ساختاری و اجتماعی باشد، چه نسبتی با تجربه زیسته، ادراک فضایی و عاملیت افراد در مواجهه با معماری خواهد داشت؟ این پرسش‌ها در معماری اهمیت ویژه‌ای می‌یابند؛ زیرا معماری نه صرفاً یک اثر هنری، بلکه بستری برای تجربه روزمره، کنش اجتماعی و زیست انسانی است (وینترز، ۱۳۹۶/۲۰۰۷). از این رو، مسئله اصلی این تحقیق، بازاندیشی مفهوم سلیقه در تجربه معماری به مثابه پدیده‌ای پویا - و نه صرفاً فردی یا کاملاً اجتماعی - است که در تعامل مداوم میان فرد، ساختارهای اجتماعی و اثر معماری شکل می‌گیرد.

منظور از «سلیقه معماری» در این تحقیق، سلیقه‌ای است که در جریان تجربه معماری و در بستر زندگی اجتماعی، پیوسته شکل می‌گیرد و بازتولید می‌شود. چنین نگاهی سلیقه و انتخاب فرد را در معماری فراتر از یک گزینش ساده و طبیعی بررسی می‌کند و فرایند، انگیزه‌ها، دلایل و زمینه‌های پشت انتخاب را می‌کاود. چنین برداشتی امکان بازخوانی سلیقه‌ها را به جای پذیرش آن‌ها به عنوان امری بدیهی و مسلم - فراهم می‌کند و به فهم چگونگی تولید و بازتولید آن در چرخه زیست اجتماعی و عوامل شکل‌دهنده آن یاری می‌رساند. از این منظر، پرسش اصلی تحقیق آن است که: چگونه می‌توان سازوکارهای شکل‌گیری سلیقه معماری را تبیین کرد؟ هدف این مقاله ارائه نسخه‌ای هنجاری از «سلیقه درست» در معماری نیست بلکه تبیین ابعاد گوناگون سلیقه معماری و همچنین سازوکارهای شکل‌گیری، تثبیت و تحول آن در بستر اجتماعی-فرهنگی است. برای رسیدن به این هدف، مقاله با بازخوانی تحول تاریخی مفهوم سلیقه، تلفیق دیدگاه‌های فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، مدلی نظری برای تبیین شکل‌گیری سلیقه معماری پیشنهاد می‌کند. این چارچوب می‌تواند افق تازه‌ای در برای مطالعات نظری معماری فراهم آورد و مبنایی مفهومی برای تحلیل تجربه معماری و پژوهش‌های آتی در این حوزه فراهم کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، کیفی و از نظر استراتژی تحقیق، مبتنی بر «استدلال منطقی» است. استراتژی استدلال منطقی با اتکا به تحلیل‌های

قیاسی-استقرایی و ترکیب سازه‌های نظری، به دنبال صورت‌بندی سامانه‌های مفهومی شفاف با توان تبیین‌گری بالا است (گروت و وانگ، ۱۳۹۶/۲۰۰۲). پژوهش حاضر نیز با اتکا به تحلیل مفهومی و بازخوانی تطبیقی مبانی نظری زیبایی‌شناسی، زیبایی‌شناسی تجربی و جامعه‌شناسی سلیقه می‌کوشد چارچوبی مفهومی برای تبیین سازوکارهای اجتماعی شکل‌گیری سلیقه معماری ارائه دهد.

فرایند پژوهش در سه گام عملیاتی طی شده است. در گام نخست، متون نظری منتخب در سه حوزه یادشده - بر اساس ارتباط آن‌ها با مسئله پژوهش - گردآوری و مطالعه شد. در گام دوم، مفاهیم و گزاره‌های کلیدی هر حوزه استخراج و بر پایه اشتراک‌ها و تمایزهای مفهومی مقایسه و سازمان‌دهی شد. در گام سوم، با بازخوانی تطبیقی این مفاهیم و تحلیل روابط میان آن‌ها، چارچوب مفهومی پژوهش صورت‌بندی و در قالب مدلی تحلیلی ارائه گردید.

برای صورت‌بندی و تبیین روابط میان مفاهیم، از نمودار (دیاگرام) بهره گرفته شده است (گروت و وانگ، ۱۳۹۶/۲۰۰۲). این نمودارها با نمایش ارتباط میان مفاهیم و سازمان‌دهی ساختار مفهومی پژوهش، به انسجام مفهوم‌سازی و شفافیت استدلال کمک می‌کنند (Buckley & Waring, 2013). در این تحقیق نیز نمودارها در تقطیر مفاهیم اصلی و سنتز مجدد آن‌ها به منظور ایجاد نوعی سامانه مفهومی نقشی ایفا کرده‌اند.

پیشینه پژوهش

می‌توان پیشینه نظری تئوری‌های مرتبط با ذوق را تا لحظه‌ای که نحوه مواجهه انسان با آثار هنری/معماری (به مثابه مواجهه سوژه با ابژه) به مسئله تبدیل شد، پی‌جویی و بررسی کرد. هرچند توافقی بر تاریخ دقیق این لحظه وجود ندارد (Vercelloni, 2016)، با این حال مقام سوژه در ادراک آثار هنری پس از انقلاب فکری-فلسفی دکارت اهمیت یافت؛ به گونه‌ای که مفهوم ذوق (برای مخاطب اثر هنری/معماری و مفاهیم نبوغ و خلاقیت برای هنرمند به کار گرفته شد (پازوکی، ۱۳۸۱). از آن پس مفهوم ذوق در تئوری‌های غربی چنان اهمیت یافت که به سبب کثرت نظریات ذوقی در قرن هجدهم به آن لقب «قرن ذوق» داده‌اند (دیکی، ۱۳۹۶/۱۹۹۶). بدین ترتیب، مفهوم ذوق از آغاز با مسئله نسبت میان انسان و اثر هنری پیوند خورد و بعدها در حوزه‌های گوناگون دانش، از منظرهای متفاوت بازخوانی شد.

با وجود اهمیت دیرینه سلیقه برای فلسفه و هنر، مطالعه علمی آن نسبتاً جدید است. حدود ۱۵۰ سال پیش گوستاو تئودور فخنر (۱۸۰۱-۱۸۸۷)، فیلسوف و روانشناس آلمانی، با کتاب پیش‌مکتب زیبایی‌شناسی (۱۸۷۱) بنیان زیبایی‌شناسی تجربی را گذاشت (Leder & Nadal, 2014, p. 443). این اثر نقطه عطفی بود که مطالعه سلیقه و زیبایی از تأملات فلسفی صرف فراتر رفت و امکان بررسی تجربی فرایندهای ادراک و ترجیح فراهم شد. البته تا حدود یک سده بعد از فخنر، با وجود مطالعات برخی مکاتب روان‌شناسی (مانند روان‌شناسی گشتالت)، هنوز نظامی جامع از زیبایی‌شناسی تجربی شکل نگرفته بود (Nadal & Vartanian, 2022).

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ م، دانیل برلین (۱۹۲۴-۱۹۷۶)، نقش مهمی در احیای مطالعات زیبایی‌شناسی تجربی داشت؛ طوری که امروزه از او به عنوان نقطه آغاز زیبایی‌شناسی تجربی معاصر یاد می‌کنند (Nadal & Vartanian, 2022, p. 11). از این دوره به بعد، زیبایی‌شناسی تجربی به یکی از مهم‌ترین

بسترهای روان‌شناختی مطالعه سلیقه تبدیل شد.

از بعد اجتماعی سلیقه، پیشینه نشان می‌دهد که زمینه نفوذ مفهوم سلیقه درون علوم اجتماعی را از دو مسیر می‌توان دنبال کرد: نخست، از مسیر جامعه‌شناسی؛ یعنی در امتداد تلاش اندیشمندانی همچون تونیس، زیمل و بعدها وبلن و بودریار بازخوانی کرد که در پی تبیین نسبت میان فرد و جامعه بودند؛ مسئله‌ای که در پی دگرگونی‌های مناسبات زندگی اجتماعی پدید آمده بود. اگرچه این جریان‌ها از سنت‌های نظری متفاوتی برخاسته‌اند، همگی در فهم پیوند میان انتخاب‌های فردی و ساختارهای اجتماعی نقش داشته‌اند. با وفور کالاها، تغییر رابطه فرد-کالا و شکل‌گیری «مصرف نمایشی» به تدریج، تحلیل رفتار مصرفی افراد امکان درک وضعیت اجتماعی را به دست داد. دوم، از مسیر مطالعات مصرف و بازار که در امتداد مباحث مربوط به تولید، کار و سرمایه، به تدریج مصرف را به موضوعی مستقل برای تحلیل اجتماعی تبدیل کرد (Wherry & Ian, 2019). هر دو مسیر در نهایت به این پرسش مشترک می‌رسند که انتخاب‌های ظاهراً فردی چگونه با ساختارهای اجتماعی پیوند می‌یابند؟ از این منظر، «سلیقه» به یکی از مفاهیم بنیادین علوم اجتماعی تبدیل شد؛ مفهومی که از خلال آن می‌توان پیوند میان انتخاب‌های فردی و ساختارهای اجتماعی را تفسیر کرد. این مفهوم عمدتاً از زمان مطالعات پی‌یر بوردیو (۱۹۳۰-۲۰۰۲) به مفهوم اصلی در تحقیقات مصرف تبدیل شد. او با طرح مفاهیمی چون عادت‌واره، سرمایه فرهنگی و تمایز، نشان داد که سلیقه صرفاً انتخابی فردی نیست بلکه در بستر ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد و بازتولید می‌شود (Wherry & Ian, 2019, p. 8). بدین ترتیب، سلیقه در علوم اجتماعی به مفهومی کلیدی برای تبیین رابطه میان انتخاب‌های فردی و نظم اجتماعی تبدیل شد. گسترش مطالعات سلیقه در دهه‌های اخیر، این مفهوم را به یکی از موضوعات پژوهشی در حوزه‌های گوناگون، از جمله معماری و معماری داخلی، تبدیل کرده است. از منظر نوع مواجهه با مسئله سلیقه، تحقیقات مرتبط را در دو دسته کلی می‌توان جای داد: نخست تحقیقاتی که مصداق مشخصی از سلیقه معماری را توصیف، تحلیل و یا سنجیده‌اند. دوم تحقیقاتی که تحلیل نظری بر سلیقه معماری انجام داده‌اند. همچنین ممکن است تحقیقی هم تحلیل نظری و هم تحقیق کاربردی انجام داده باشد. هر یک از این دو دسته، جنبه متفاوتی از سلیقه را روشن می‌کنند؛ نخست در فهم مصداق و دوم در فهم سازوکارهای نظری آن. باین حال تمرکز عمده پژوهش‌ها بر یکی از این دو دسته بوده است.

عمده تحقیقات در حوزه سلیقه در معماری معمولاً بر مصداقی خاص متمرکز بوده‌اند، نه بر ارائه چارچوبی نظری برای تبیین سلیقه. به عبارت دیگر، بیشتر سلیقه معماری در همان موقعیت توصیف شده است. این تحقیقات با وجود نتایج ارزشمند درباره همان مصداق، قابلیت تعمیم نظری محدودی دارند. مثلاً به تحقیقات متعددی در ایران می‌توان اشاره کرد که تغییرات سلیقه اجتماعی ایرانیان در دوره پهلوی نسبت به دوره قاجار را بررسی کرده‌اند و نمود آن سلیقه و سبک زندگی جدید را در معماری مسکونی رصد کرده‌اند؛ مانند قدردان قراملکی و همکاران (۱۴۰۳) و یا عالقدر (۱۳۹۸). در برخی نیز، در رابطه با چگونگی شکل‌گیری سلیقه، بعضی از عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز ذکر شده است؛ مانند دهقان و انصاری (۱۴۰۰). در این مطالعات، اگرچه به برخی عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اشاره شده است، اما رابطه نظری میان این عوامل و

سازوکار شکل‌گیری سلیقه به روشنی تبیین نشده است؛ از این رو، امکان تعمیم یا انتقال این تحلیل‌ها به موقعیت‌های مشابه محدود می‌شود.

تحلیل‌های نظری سلیقه معماری به‌طور عام و صرف نظر از مصداق، می‌تواند به تبیین نظری بسیاری از معضلات و دغدغه‌های اجتماعی معماران مرتبط با انتخاب‌ها و ترجیحات عموم در معماری کمک کند. باین حال تعداد این تحقیقات بسیار محدود و انگشت‌شمار است؛ به‌ویژه تحقیقاتی که نگاه همه‌جانبه و فارغ از هرگونه ارزش‌گذاری، به‌کم و کیف سلیقه توجه کرده باشند. عمده تحقیقات نظری در این حوزه معمولاً از یک زاویه مشخص و به‌طور عمیق موضوع را بررسی کرده‌اند. مثلاً آرسل و بین (۲۰۱۳) یا امینیان (۱۴۰۰) هر یک تنها بر یکی از ابعاد سلیقه - آن هم در نسبت با یک مصداق معماری - متمرکز شده‌اند. از معدود تحقیقات نظری جامع، رساله هورن (۲۰۱۹) است که با تلفیق مرور نظری و مطالعه تجربی، چارچوبی برای تحلیل تفاوت سلیقه میان معماران و عموم مردم ارائه می‌کند. مزیت مضاف این تحقیق این است که ورای یافته‌های آن درباره مصداق تحقیق به‌طور خاص، به‌طور عام و نظری نیز نشان می‌دهد که دلایل روان‌شناختی و اجتماعی تفاوت‌های ممکن میان سلیقه عامه مردم با سلیقه معماران چیست.

مرور پیشینه نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌های پیشین از منظرهای فلسفی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و نیز مطالعات معماری، هر یک بخشی از پدیده سلیقه معماری را روشن کرده‌اند، هنوز چارچوبی نظری برای تبیین شکل‌گیری سلیقه معماری ارائه نشده است. این مقاله در امتداد مقاله‌های مبادی سلیقه در معماری (۱۳۹۳) و تبارشناسی مفهوم سلیقه در معماری (۱۴۰۱)، تلاش می‌کند تا زمینه نظری را توسعه بدهد و مبنایی برای تحقیقات عملی شود. دو مقاله مذکور بیشتر چستی و لایه‌های معنایی مفهوم سلیقه در معماری را تشریح کرده‌اند؛ اما این تحقیق نخست بابا از خوانی تحول تاریخی مفهوم سلیقه، سپس با تلفیق دیدگاه‌های فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در قالب مدلی سه‌سطحی و در نهایت با تبیین سازوکار اجتماعی شکل‌گیری سلیقه در قالب مفهوم «رژیم سلیقه» می‌کوشد گامی در توسعه چارچوب نظری مطالعات سلیقه در معماری بردارد.

مبانی نظری پژوهش

سلیقه معماری

بر اساس صورت‌بندی نظری این تحقیق، منظور از پدیده «سلیقه معماری»، تجربه مواجهه انسان با بنای معماری - خواه تمام یا بخشی از معماری و معماری داخلی باشد - است و حالت لذت/انزجاری که به وی دست داده و ارزیابی‌ای که در پی آن انجام می‌دهد. در این چارچوب، سلیقه معماری را صرفاً امری ذاتی یا واکنشی طبیعی نیست، بلکه پدیده‌ای است که در جریان زندگی اجتماعی و در بستر تعاملات، قراردادهای و توافق‌های انسانی شکل می‌گیرد و تثبیت می‌شود. از این منظر، سلیقه صرفاً واکنشی فردی به ویژگی‌های کالبدی بنا نیست، بلکه کنشی است که در زمینه‌ای اجتماعی تحقق می‌یابد.

با این تعریف، بحث درباره سلیقه معماری، در اصل بحث درباره کم و کیف مواجهه انسان با بنای معماری است. از این رو، این موضوع، به دلیل آن که مرتبط با پدیده‌ای انسانی است، دانش و حرفه معماری را به گستره‌ای از دانش در رشته‌های گوناگون متصل می‌کند. هورن (۲۰۱۹)

و اسکروتون، ۱۳۹۷/۲۰۰۲، ۷۹). پس در رابطه با سلیقه معماری می‌توان گفت که فلسفه بیشتر بنیان مفهومی فهم و معیار ارزش‌گذاری معماری را برای ما فراهم می‌کند.

در سنت فلسفه هنر، تجربه زیبایی‌شناختی بر محور رابطه میان سوژه و ابژه زیبایی‌شناختی فهم می‌شود. سوژه^۲ همان صاحب قوه ذوق است. و رای اینکه ماهیت این قوه را باید چگونه تعریف کرد، به واسطه این قوه است که فرد توانایی تشخیص امر زیبا و یا عدم آن را پیدا می‌کند (بلخاری قهی، ۱۴۰۰، ۱۸۹). از آنجا که موضوع این تحقیق تجربه انسان از معماری است، «اثر معماری» در این سطح در قالب «ابژه مفهومی زیبایی‌شناختی»^۴ - و نه صرفاً یک شیء مادی - تلقی می‌شود؛ ابژه مفهومی زیبایی‌شناختی، ممکن است با ابژه مادی متمایز باشد؛ ابژه مفهومی پاره‌ای از حالات ذهن است و حال آنکه ابژه مادی همواره وجود مستقل (و عینی) دارد. از این رو، بیان «ابژه زیبایی‌شناختی» با توجه به ساختار مفهومی حاصل می‌شود و مطالعه ابژه زیبایی‌شناختی نه تنها مطالعه مجموعه مستقل و موجود از اشیاء، بلکه مطالعه خود تجربه زیبایی‌شناختی است (هاسپرز و اسکروتون، ۱۳۹۷/۲۰۰۲، ۸۲).

حاصل این تجربه صرفاً به احساس لذت یا انزجار محدود نمی‌شود، بلکه فرایندی است که به شکل‌گیری داوری درباره اثر نیز می‌انجامد. موضوعی که اسکروتون چنین توصیف می‌کند: این تجربه زیبایی‌شناختی از یک سو، منشأ در لذت حسی بلافصل از خود ابژه به واسطه عمل ادراک دارد و از سوی دیگر به نظر می‌رسد که فراتر از این لذت رفته که نشانی از قوه‌های تعلیلی دارد و سنجش را از درون آن‌ها بیرون می‌کشد. (هاسپرز و اسکروتون، ۱۳۹۷/۲۰۰۲، ۸۸-۸۹)

بنابراین، در این مواجهه، حاصل تجربه زیبایی‌شناختی علاوه بر «علقه زیبایی‌شناختی»^۵ «داوری زیبایی‌شناختی»^۶ را نیز شامل می‌شود؛ اما چگونه؟ چرا حاصل ارزیابی‌های افراد باهم متفاوت است؟ افراد چگونه ارزیابی می‌کنند و ملاک چیست؟ در اینجا لازم به تذکر است که تلقی از ماهیت سلیقه، تاثیر زیادی در

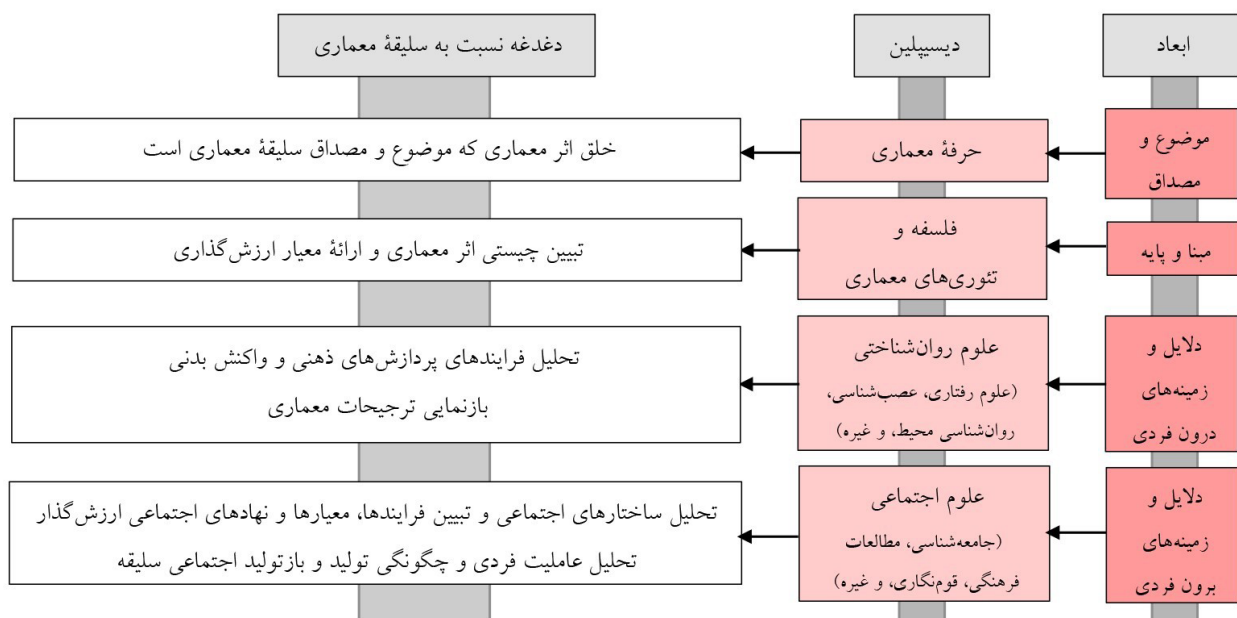
نشان می‌دهد که دانش‌های مرتبط با سلیقه معماری را در چهار گروه کلی می‌توان دسته‌بندی کرد. نخست، خود حرفه معماری که عرصه ظهور و تجلی سلیقه است. دوم، فلسفه و تئوری‌های معماری که ناظر بر چیستی و ماهیت سلیقه معماری است و حوزه‌هایی همچون فلسفه ذوق، زیبایی‌شناسی معماری و تاریخ معماری را شامل می‌شود. سوم، علوم روان‌شناختی و عصب‌شناختی که زمینه‌ها، دلایل و چرایی و چگونگی سلیقه معماری درون فرد را بررسی می‌کند. رشته‌هایی همچون روان‌شناسی اجتماعی، زیبایی‌شناسی تجربی، زیبایی‌شناسی محیطی و روانشناسی محیطی در این حیطه کارآمد هستند. دسته آخر، علوم اجتماعی است که حوزه‌هایی مانند جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، مردم‌نگاری و بازاریابی می‌توانند در فهم چرایی و چگونگی و دلایل بیرونی اثرگذار بر سلیقه معماری کمک کنند (Horn, 2019) (نمودار ۱). از آنجایی که این تحقیق بر فهم اجتماعی سلیقه معماری تأکید دارد، پس هسته اصلی نظری این تحقیق را علوم اجتماعی، به‌ویژه جامعه‌شناسی، تشکیل می‌دهد. در ادامه به‌طور مفصل فهمی که هر یک از این حوزه‌ها درباره سلیقه معماری به دست می‌دهند، ارائه خواهد شد.

سلیقه معماری در حوزه‌های گوناگون دانش

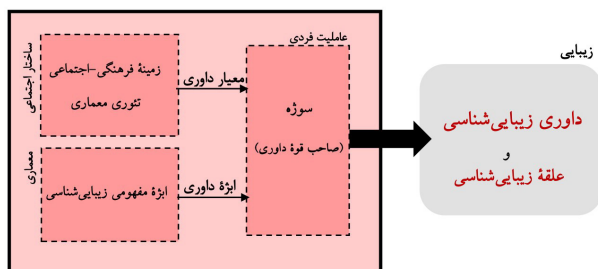
سلیقه معماری در فلسفه و تئوری‌های معماری

چنان که بسیاری از پرسش‌های بنیادی معماری را از فلسفه می‌توان پرسید، در اینجا نیز می‌توان این پرسش را مطرح کرد: مواجهه فرد با بنای معماری را در فلسفه و تئوری‌های معماری چگونه می‌توان فهمید؟ در اینجا دانش زیبایی‌شناسی^۲ راهگشاست: شاخه‌ای از فلسفه هنر که بررسی واکنش فرد در برابر ابژه (که به زبان زیبایی‌زشتی بیان می‌شود) را شامل می‌شود (هاسپرز و اسکروتون، ۱۳۹۷/۲۰۰۲، ۷۷). البته [این بررسی] با بررسی علم تفاوت دارد؛ زیرا فلسفه در پی کشف سازوکارهای علی نیست. هدف فیلسوف ارائه توصیف عالی درباره خود اشیاء است تا آنجا که بستر چگونگی فهم آن‌ها و ارزش‌گذاری آن‌ها را برای فرد فراهم کند (هاسپرز

نمودار ۱. شبکه دانش در نسبت با سلیقه معماری (با تلخیص از Horn, 2019)



نمودار ۲. سلیقه معماری از بُعد فلسفی (یافته‌های پژوهش)



سلیقه معماری در علوم روان‌شناختی

اگر در سطح فلسفی، مسئله چگونگی تبدیل تجربه معماری به داوری معماری مطرح شد، در سطح روان‌شناختی پرسش این است که درون انسان چه اتفاقی رخ می‌دهد. در این حوزه مواجهه با اثر هنری/معماری به مثابه «تجربه زیبایی‌شناختی»^۷ در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی «فرایند شناختی که همواره با واکنش‌های عاطفی همراه است» (Leder, 2004, p. 493). مطالعه تجربه زیبایی‌شناختی در روانشناسی عمدتاً ذیل زیبایی‌شناسی تجربی^۸ صورت می‌گیرد؛ شاخه‌ای که از روش‌های علمی برای مطالعه زیبایی‌شناسی [داوری ذوقی] استفاده می‌کند (Nadal and Vartanian, 2022, p. 4). این حوزه می‌کوشد پیچیدگی و تنوع واکنش‌های زیبایی‌شناختی را توضیح بدهد. پس اگر معماری را به مثابه اثری هنری بپذیریم، تحقیقات عمومی درباره تجربه زیبایی‌شناختی می‌تواند برای ما سودمند باشند؛ اما معماری تنها مانند شیء هنری تجربه نمی‌شود؛ بلکه هم‌زمان تجربه محیطی نیز پدید می‌آورد. همین امر بحث را به سمت زیبایی‌شناسی محیطی^۹ می‌کشاند؛ حوزه‌ای میان‌رشته‌ای که پیوندی میان زیبایی‌شناسی تجربی و روان‌شناسی محیط ایجاد می‌کند. از این رو، در ادامه، عمدتاً از این دو حوزه، برای فهم سلیقه معماری استفاده خواهد شد.

در نخستین پژوهش‌های زیبایی‌شناسی تجربی، تمرکز عمدتاً بر ویژگی‌های عینی آثار هنری و نحوه ادراک آن‌ها بود. با گسترش هنر مدرن و تنوع سبک‌های هنری، روشن شد که ویژگی‌های صوری اثر به تنهایی قادر به تبیین واکنش‌های زیبایی‌شناختی نیستند^{۱۰} (Leder, 2004; Leder & Nadal, 2014). از این رو، پژوهش‌ها به تدریج از مطالعه ویژگی‌های بصری آثار به تحلیل تجربه زیبایی‌شناختی و فرایندهای شناختی و عاطفی شکل‌دهنده آن معطوف شدند (Leder, 2004; Leder & Nadal, 2014; Chatterjee, 2004; Locher et al, 2010). این تغییر رویکرد نقطه عطفی در روان‌شناسی هنر بود؛ زیرا به جای پرسش از اینکه چه ویژگی‌هایی زیبا هستند، این پرسش را مطرح کرد که تجربه زیبایی‌شناختی چگونه در ذهن انسان شکل می‌گیرد؛ در ادامه، شاخص‌ترین یافته‌های این رویکرد مرور می‌شود.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای روان‌شناسی معاصر این است که تجربه زیبایی‌شناختی را حاصل تعامل سه مؤلفه می‌داند. از دید این حوزه، هر تجربه زیبایی‌شناختی از سه جزء اصلی تشکیل می‌شود: ۱. «ابژه» (محرک) که ارزیابی می‌شود، ۲. «شخص» (فردی که ارزیابی می‌کند) و ۳. «زمینه» (شرایط اجتماعی-محیطی که ارزیابی در آن رخ می‌دهد) (Nadal & Vartanian, 2022, p. XI). تحقیقات اولیه بیشتر بر محرک متمرکز بودند؛ با این فرض که ویژگی(هایی) در محرک سبب برانگیختگی عاطفی و در

نحوه پاسخ‌گویی به پرسش‌های بالا دارد. در سنت فکری غرب، هم اعتقاد به نوعی امر «پیشینی» دیده می‌شود که سلیقه را حاصل فرایند مدنی‌شدن آداب و رسوم، فرهنگ و هنر می‌داند؛ و هم فرض «پیشینی» وجود یک قوه ضروری و جهان‌شمول که مقدم بر هر تجربه‌ای است، به چشم می‌خورد (Vercelloni, 2016). پرسش این تحقیق، با توجه به این که فرض را بر تجربی بودن و اجتماعی بودن سلیقه معماری می‌گذارد، به دیدگاه اول نزدیک‌تر است؛ به‌ویژه به آرای فیلسوفان تجربه‌گرایی همچون دیوید هیوم (۱۷۱۱-۱۷۷۶) که نوعی نسبی‌گرایی تاریخی و فرهنگی سلیقه در اندیشه او دیده می‌شود. وی به روشنی توضیح می‌دهد که چگونه آداب و رسوم و عقاید گوناگون در هر عصر و سرزمینی می‌تواند بر تجربه ذوقی اثر بگذارد (هیوم، ۱۳۸۸/۱۷۶۰). به عبارت دیگر، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در تعیین تلقی افراد از زیبایی-به‌عنوان معیار برای داوری ذوقی-نقش دارد. از این منظر، سلیقه اگر چه در تجربه فردی تحقق می‌یابد، اما معیارهای آن در خلأ شکل نمی‌گیرند.

به‌طور اخص درباره تجربه زیبایی‌شناختی و ارزیابی در معماری لازم است به تئوری‌های معماری توجه شود. در این باره، وینترز نشان می‌دهد که تلقی فرد از ماهیت معماری مستقیماً بر نحوه داوری او اثر می‌گذارد. به عنوان مثال، اگر کسی قائل به تمایز ذاتی میان معماری و سایر هنرها باشد، معیارهای متفاوتی برای ارزیابی در نظر خواهد گرفت؛ و برعکس، اگر معماری و مجسمه‌سازی را تا حدی هم‌پوشان بداند، آثار «مجسمه‌گون» را ستایش خواهد کرد. برای نمونه، وینترز به آثار زها حدید اشاره می‌کند که جنبه‌های مجسمه‌وار دارند؛ بر اساس تعریف متفاوت ماهیت معماری، چنین آثاری هم شایسته تحسین‌اند و هم نقد برانگیزند (وینترز، ۲۰۰۷/۱۳۹۶). این موضوع نشان می‌دهد که پاسخ به پرسش‌های بنیادین درباره چیستی معماری تا چه حد می‌تواند معیارهای ستایش و نقد را تعیین کند. وی همچنین نشان می‌دهد که چگونه تفاوت‌های هستی‌شناسی مکاتب فکری گوناگون درباره معماری به تعریف‌های متفاوت و در نتیجه به معیارهای متفاوت منجر شده است (وینترز، ۲۰۰۷/۱۳۹۶). از طرفی، تفسیر و معیار ارزیابی زیبایی به مکاتب فکری‌ای که در هر دوران برای ارزیابی برمی‌گزینیم نیز وابسته است؛ لذا می‌توان آن را همچون عاملی بیرونی در نظر گرفت که به فرد معیار زیبایی‌شناختی می‌دهد و از منظر فکری-فلسفی، معین می‌کند که در هر دوران چه چیزی می‌تواند زیبا تلقی شود.

پس می‌توان گفت که در مواجهه با اثر معماری، آن اثر را می‌توان همچون ابژه مفهومی زیبایی‌شناختی تصور کرد که مستقل از وجود مادی آن، در تجربه ذوقی سوز حضور دارد. فرد نیز به مثابه سوز صاحب قوه داوری، در پی این مواجهه، تجربه زیبایی‌شناختی را از سر می‌گذراند. حاصل این مواجهه شکل‌گیری علاقه زیبایی‌شناختی و داوری زیبایی‌شناختی است. این داوری، از یک سو، به تلقی فرد از ماهیت معماری و معیارهای برخاسته از تئوری‌ها و مکاتب فکری وابسته است. از سوی دیگر، از پیشینه فرهنگی-اجتماعی او تأثیر می‌پذیرد (نمودار ۲). از این منظر، مسئله سلیقه در معماری را می‌توان در گام نخست، مسئله چگونگی تبدیل «تجربه معماری» به «داوری معماری» دانست؛ فرایندی که در سطح فلسفی، مبانی مفهومی و معیارهای این داوری را روشن می‌سازد و زمینه را برای بررسی سازوکارهای روان‌شناختی و اجتماعی شکل‌گیری سلیقه فراهم می‌کند.

منتی بر پاسخ لذت (انزجار) به محرک است. دوم، پردازش کنترل‌شده. نوع اخیر پردازش بیشتر متکی بر ادراک‌کننده است و نیازمند انگیزه و تلاش است. در حالت نخست، محرک‌هایی که به سهولت پردازش می‌شوند، معمولاً لذت بیشتری ایجاد می‌کنند. در حالت دوم، محرک‌های پیچیده و چالش‌برانگیز پس از پردازش شناختی، می‌توانند تجربه‌ای لذت‌بخش برای فرد ایجاد کنند (Nadel & Vartanian, 2022). این تفاوت در شیوه پردازش، یکی از دلایل اختلاف ترجیحات میان گروه‌های مختلف است. مثلاً در رابطه با نمای ساختمان‌ها، دلون و نسر (۱۹۹۸) نشان داده‌اند عموم مردم نماهای متقارن را ترجیح می‌دهند، حال آنکه معماران بیشتر به احجام پیچیده و بدیع گرایش دارند. این مطلب تأثیر دانش تخصصی در ادراک و سیستم‌های شناختی، در نتیجه تفاوت شیوه‌های پردازش و نهایتاً اختلاف ترجیح بناهای معماری گوناگون را نشان می‌دهد.

نظریه کانمن نیز این نتیجه را تأیید می‌کند. تحقیقات وی نشان می‌دهد که چگونه این توانایی ساده‌سازی اطلاعات حسی دریافت‌شده توسط مغز انسان (به لحاظ شناختی) می‌تواند احساس خوشایندی و لذت را ایجاد کند. فرآیندهای ذهنی ناخودآگاهی که تداعی‌کننده معنا و هنجارهای مورد انتظار است، می‌تواند نواقص اطلاعات دریافتی را کامل کند و حس انسجام را در چارچوب‌های ذهنی فرد ایجاد نماید. در این فرایند، «خاطرات» و «آشنایی» نقش مهمی در ایجاد احساس سهولت [دریافت] ایفا می‌کنند (Kahneman, 2012). یافته‌های هورن (۲۰۱۹) نیز این موضوع را در معماری تأیید می‌کند. او نشان می‌دهد که عموم مردم انگلستان نماهای سنتی انگلیسی را بیش از نماهای ناآشنا ترجیح می‌دهند؛ زیرا آشنایی با آن‌ها احساس ثبات و امنیت را ایجاد می‌کند. این اثر به‌ویژه در میان افرادی که دانش تخصصی معماری ندارند، پررنگ‌تر است (Horn, 2019). بنابراین، ارزیابی زیبایی‌شناختی نه صرفاً محصول ویژگی‌های محرک (بنا)، بلکه نحوه پردازش محرک در ذهن هم مؤثر است؛ پردازشی که خود متأثر از تجربه‌های پیشین، حافظه، آشنایی و زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی است.

آنچه از مجموع این مباحث برمی‌آید آن است که سلیقه معماری، از منظر روان‌شناختی، همان تجربه زیبایی‌شناختی فرد در برابر اثر معماری است. فرد در این معادله، فعال است؛ تجربه او صرفاً واکنشی منفعلانه به ویژگی‌های بنا نیست. حالات عاطفی پیشین، ویژگی‌های شخصیتی، ادراک و سیستم شناختی فرد در این تجربه سهم‌اند. بنای معماری در قالب محرک شناخته می‌شود. کیفیت‌ها و مشخصه‌های آن نیز در افراد به‌صورت متفاوت از هم در ذهن پردازش می‌شوند. مؤلفه آخر، زمینه اجتماعی-فرهنگی، دانش تخصصی، تجربیات پیشین و محیط اطراف است: این زمینه‌ها در فرآیند پردازش مغز و ادراک و سیستم شناختی فرد نقش دارند، حافظه را شکل می‌دهند تا آنجا که آشنایی و خاطرات در تجربه زیبایی‌شناختی نقش مهمی ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، دانش تخصصی نیز بر این فرایند اثر می‌گذارد. تحقیقات نشان می‌دهد که شیوه پردازش مغز در مواجهه با محرک هنری/معماری برای عموم مردم و متخصصان متفاوت است. همچنین کیفیت‌ها و مشخصه‌های محیطی که محرک هنری/معماری را در بر گرفته‌اند، نیز بر این فرایند اثر می‌گذارد. در نهایت ماحصل این تجربه زیبایی‌شناختی، خروجی‌های متنوعی است که مهم‌ترین آن‌ها «برانگیختگی عاطفی» و «ارزیابی زیبایی‌شناختی» است.

نتیجه واکنش ذوقی می‌شود. مثلاً کاپلان‌ها بررسی کردند که مردم کدام ویژگی‌های محیط طبیعی را بیشتر ترجیح می‌دهند (Kaplan & Kaplan, 1989)؛ اما بعدها روشن شد که واکنش ذوقی را نمی‌توان صرفاً با ویژگی‌های محرک توضیح داد. یکی دیگر از مؤلفه‌های تجربه زیبایی‌شناختی، خود «شخص»ی است که ارزیابی می‌کند؛ مانند تحقیقاتی که به نقش عواملی مانند توجه، حافظه، سن، تخصص و ویژگی‌های شخصیتی پرداخته‌اند. پیش فرض این تحقیقات این است که ادراک زیبایی‌شناختی فرآیندی فعال است و توسط بسیاری از ویژگی‌های شخصی تعدیل می‌شود. مؤلفه سوم، «زمینه»ای که ارزیابی در آن رخ می‌دهد. این مؤلفه بر این تأکید دارد که شناخت انسان در خلأ رخ نمی‌دهد. پیشرفت‌های اخیر در روانشناسی شناختی و علوم اعصاب نشان داده است که شناخت تا حد قابل توجهی به منابع سازمان‌دهنده موجود در محیط اطراف متکی است. همچنین ادراک و حافظه انسان به شدت وابسته به بستر محیطی است. پژوهش‌هایی در موزه‌ها و گالری‌ها نشان دادند که چیدمان آثار، نوع اطلاعات همراه و حتی فضای معماری می‌تواند ارزیابی زیبایی‌شناختی را تغییر دهد. پس خلاف آزمایشگاه‌های ایزوله، زندگی واقعی نشان می‌دهد که تجربه زیبایی‌شناختی همیشه در دل شبکه‌ای اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد (Nadal & Vartanian, 2022). بنابراین، از منظر روان‌شناسی، سلیقه را نمی‌توان به ویژگی‌های اثر، ویژگی‌های فرد و یا شرایط محیطی به‌تنهایی فروکاست، بلکه حاصل تعامل این سه مؤلفه در جریان تجربه زیبایی‌شناختی است؛ اما این سه مؤلفه چگونه با یکدیگر تعامل می‌کنند و در نهایت به شکل‌گیری سلیقه می‌انجامند؟ مدل‌های روان‌شناختی معاصر کوشیده‌اند به این پرسش پاسخ دهند.

مدل‌های روان‌شناختی معاصر چگونگی تعامل این سه مؤلفه را بر اساس نحوه پردازش اطلاعات در ذهن توضیح می‌دهند. نتایج تحقیق پلوسکی و دیگران (۲۰۱۶) که هفت مدل زیبایی‌شناختی مطرح در سال‌های اخیر را به‌صورت تطبیقی بررسی کرده‌اند، نشان می‌دهد: در طی تجربه زیبایی‌شناختی، مغز انسان اطلاعات حسی دریافتی از محرک را با توجه به «فاکتورهای درونی (مانند ویژگی‌های شخصیتی و حالات عاطفی قبلی)» و «فاکتورهای بیرونی (مانند زمینه فرهنگی-اجتماعی، ویژگی‌های محیطی، دانش تخصصی و یا تجربیات پیشین)» پردازش می‌کند. در نهایت این مدل «خروجی»‌هایی دارد: برخی اثرات آن کوتاه‌مدت هستند؛ مانند برانگیختگی عاطفی و یا واکنش بدنی (مانند تغییر مردمک چشم) و برخی اثرات بلندمدت هستند؛ مانند اثرات اجتماعی و یا تأثیری که بر سلامت فرد در درازمدت می‌تواند داشته باشد. در میان این‌ها، دو واکنش «برانگیختگی عاطفی»^{۱۱} و «ارزیابی زیبایی‌شناختی»^{۱۲} بنیادی‌اند و نشان می‌دهد تجربه زیبایی‌شناختی فرایند شناختی است که با واکنش‌های عاطفی نیز همراه است (Pelowski et al., 2016). پس سلیقه را نمی‌توان صرفاً امری شناختی و یا تنها واکنشی عاطفی خواند.

این مدل‌ها همچنین نشان می‌دهند که ادراک و سیستم‌های شناختی افراد در نحوه پردازش اطلاعات مؤثر است و سبب برداشت‌های متفاوت از محرک یکسان می‌شود. به عبارت ساده‌تر، شیوه پردازش اطلاعات در ذهن افراد یکسان نیست و همین تفاوت می‌تواند به تفاوت ترجیحات معماری بینجامد. برای مثال، گراف و لندور (۲۰۱۷)، دو شیوه پردازش را از یکدیگر متمایز می‌کنند: نخست، پردازش خودکار؛ که سریع، محرک‌محور و عمدتاً

(بورديو، ۱۳۹۹/۱۹۷۶، ۲۴). با این حال، هرچند نظریه بورديو نقطه آغاز مهمی برای فهم اجتماعی سلیقه است، این پرسش باقی می ماند که آیا در جوامع معاصر نیز سلیقه همچنان به همان اندازه نشانه طبقه اجتماعی است یا دلالت های تازه ای یافته است؟

مطالعات متأخر جامعه‌شناختی سلیقه نشان می‌دهند که دگرگونی‌های جامعه‌ی معاصر -به‌ویژه گسترش فرهنگ مصرف، رسانه‌های نوین و تنوع سبک‌های زندگی- محدودیت‌های خواش کلاسیک بوردیو را آشکار کرده است (Peterson & Kern, 1996; Featherstone, 2007; Wherry, 2019). چنان‌که فیدرستون استدلال می‌کند؛

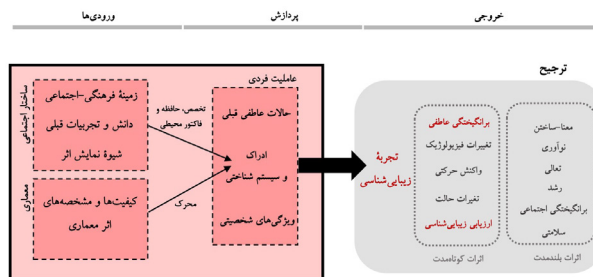
داریم به سمت جامعه‌ای با گروه‌هایی بدون منزلت / اجتماعی / ثابت حرکت می‌کنیم که در آن پذیرش سبک‌های زندگی (در انتخاب لباس، فعالیت‌های اوقات فراغت، کالاهای مصرفی، تمایلات بدنی آشکار می‌شوند) مختص گروه‌های خاص، از بین رفته است. این حرکت آشکار به سمت «فرهنگ مصرفی پست‌ملرن» مبتنی بر انبوهی از اطلاعات و تکثیر تصویری است که نمی‌تواند در نظامی با تقسیم‌بندی‌های اجتماعی ثابت به صورت سلسله‌مراتبی جای بگیرد؛ این بیشتر نشان‌دهنده بی‌اهمیت شدن تقسیم‌بندی‌های اجتماعی است. ... در واقع، پایان رابطه جبری بین جامعه و فرهنگ است و نویدبخش پیروزی «فرهنگ دلالتی»^{۱۴} [بر «فرهنگ تعین»] است. (Featherstone, 2007, p. 81)

این تحول پیامدهای مهمی را برای مفهوم‌سازی در جامعه‌شناسی سلیقه دارد. در فرهنگ مصرف پست‌مدرن، مصرف‌کننده برای لذت مصرف می‌کند؛ نیت او از مصرف، برآوردن آرزوها، خواسته‌ها و امیال فردی است، نه دستیابی به پایگاه اجتماعی مشخص (Featherstone, 2007). در چنین فرهنگی، مفهوم «سبک زندگی» اهمیتی تازه می‌یابد و دلالت بر «فردیت، خودبیانگری و خودآگاهی سبکی»^{۱۵} دارد. بدن، پوشاک، گفتار، سرگرمی‌های اوقات فراغت، ترجیحات غذایی، خانه، خودرو و حتی نحوه گذراندن تعطیلات، همگی به‌منزله «شاخص‌های فردیت سلیقه و بیان حس سبکی مالک/مصرف‌کننده»^{۱۶} تلقی می‌شوند. این معنای تازه از سلیقه و سبک زندگی پیش‌تر سابقه نداشته است.^{۱۷} (Featherstone, 2007). باین‌حال هرچند در جامعه پست‌مدرن سلیقه دیگر بازتاب مستقیم طبقه اجتماعی نیست، اما همچنان نقشی تعیین‌کننده در سازمان‌دهی مصرف و هدایت زندگی اجتماعی در قرن بیست‌ویکم ایفا می‌کند (Wright, 2015, p. 39). پس می‌توان گفت سلیقه همچنان کارکرد خود به‌نشان اجتماعی دارد، اما دلالت آن تغییر کرده است: به‌جای آنکه مستقیماً نشانه طبقه اجتماعی باشد، بیش‌ازپیش بیانگر سبک زندگی فردی و خودبیانگری است.

در مجموع می‌توان گفت، سلیقه همچنان در تولید و بازتولید نابرابری اجتماعی نقش دارد و به‌مثابه «نشانه اجتماعی» برای فهم ساختارهای اجتماعی و هویت فردی بازخوانی می‌شود؛ اما دلالت آن، متناسب با تغییر ساختارهای اجتماعی، دگرگون شده است. در جوامع مدرن با ساختار طبقاتی و سلسله‌مراتب فرهنگی، سلیقه نشانه تمایز طبقاتی است؛ اما در جامعه پست‌مدرن با ساختاری ضد طبقه‌بندی و نوعی بی‌نظمی فرهنگی، سلیقه بیش از آنکه نشانه طبقه باشد، بیانگر سبک زندگی فردی و ابزار خودبیان‌گری است. همچنین اگر در نظریه‌های اولیه سه‌ویژه‌خوانش بوردویو- سلیقه عمدتاً برآمده از ساختار اجتماعی تصور می‌شد، در

نمود بیرونی این فرایند در معماری، در قالب «ترجیح» آشکار می‌شود (نمودار ۳). با وجود این، روان‌شناسی بیشتر سازوکارهای درونی شکل‌گیری این تجربه را توضیح می‌دهد و کمتر به منشأ اجتماعی عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد. در بخش بعد و از منظر جامعه‌شناختی، به عوامل بیرونی پرداخته شده است.

نمودار ۳. سلیقه معماری از بُعد روان‌شناختی (یافته‌های پژوهش)



سلیقه معماری در علوم اجتماعی

در سطح جامعه‌شناختی، مسئلهٔ دیگر صرفاً این نیست که فرد چگونه معماری را ادراک یا ارزیابی می‌کند، بلکه چرایی شیوه‌های متفاوت ارزش‌گذاری افراد و گروه‌های اجتماعی و چگونگی شکل‌گیری این تفاوت‌ها موضوعیت می‌یابد. جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که سلیقه صرفاً حاصل ترجیح فردی نیست، بلکه در بستر روابط اجتماعی، نهادهای فرهنگی، الگوهای مصرف و شیوه‌های زندگی ساخته و بازتولید می‌شود. از این منظر، سلیقه مفهومی محوری برای فهم پیوند میان انتخاب‌های فردی و ساختارهای اجتماعی است. به همین دلیل، یکی از مهم‌ترین ابزارها برای تبیین انتخاب‌های معماری افراد به شمار می‌آید. بر همین اساس، در ادامه تحول مفهوم سلیقه در جامعه‌شناسی، از خوانش کلاسیک بوردیو تا رویکردهای معاصر، بررسی می‌شود.

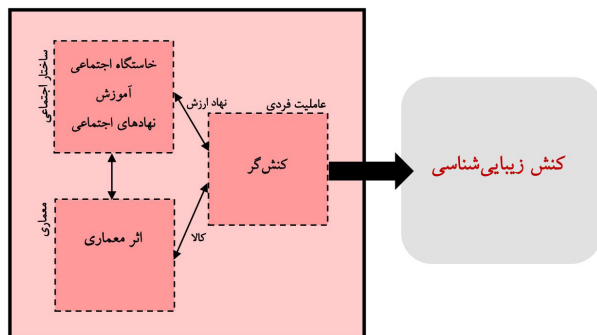
در فهم جامعه‌شناختی سلیقه، یکی از نظریات کلاسیک بسیار مهم که همچنان به آن ارجاعاتی داده می‌شود، نظریات پی‌ری بوردیو است. او توانست به روشی تجربی و از رهگذر سنجش‌پذیر کردن مفاهیمی چون مصرف و سلیقه، تبیینی از ساختار اجتماعی فرانسه در قرن بیستم ارائه دهد. در دستگاه فکری او، «سلیقه» به‌منزلهٔ ابزاری برای سنجش این کنش‌ها و بازنمایی ساختار طبقاتی جامعه عمل می‌کند (Wright, 2015). بوردیو با مفاهیمی چون میدان، سرمایه و عادت‌واره توضیح داد که هر کنش اجتماعی -از جمله کنش‌های فرهنگی یا داور سلیقه‌ای- تحت تأثیر فضای اجتماعی که فرد در آن جای دارد (میدان) و ترکیبی از انواع منابع و ظرفیت‌هایی که در اختیار دارد (سرمایه) و گرایش‌ها و تمایلات درونی‌شده‌ای [که حاصل تاریخ زیسته و تربیت اجتماعی‌اند] (عادت‌واره) شکل می‌گیرد (Wright, 2015, p. 29).

از این منظر، سلیقه به مثابه سازوکار تولید و بازتولید تمایز اجتماعی عمل می‌کند: «سلیقه عامل واقعی تبدیل کردن هر چیز به نشانه‌های تشخیص و تمایز است. ... [با این سازوکار که] سلیقه کردوکارهای عیناً طبقه‌بندی‌شده را به کردوکارهای طبقه‌بندی‌کننده بدل می‌سازد و به جلوهٔ نمادین موقعیت طبقاتی تبدیل می‌شود» (بورديو، ۱۳۹۹/۱۹۷۶، ۲۴۴). به بیان دیگر، سلیقه محل بروز «تمایز طبقاتی» است و به یکی از بنیادی‌ترین تَرهای او می‌انجامد: «سلیقه به مثابه نشانهٔ طبقه عمل می‌کند»

در این چارچوب، هر دو مفهوم «حسانیت» و «مهارت» بر جنبه‌های اجرایی، بدنمند و تجربی سلیقه تأکید دارند. در واقع، با این برداشت از سلیقه، تأکید از «انتخاب‌ها و تجمیع آن‌ها به متغیرهای وابسته در توضیح ساختار طبقاتی» به «آنچه مردم انجام می‌دهند و نحوه مدیریت و درک پاسخ‌های حسی بدن خود را در حین انجام کاری که انجام می‌دهند» منتقل می‌شود. به بیان دیگر، «کنش سلیقه» از «موضوع سلیقه» مهم‌تر می‌شود: «دوست داشتن قرقاول یا خروس اهمیت کمتری دارد از توانایی استفاده صحیح از چاقو و چنگال» (Wright, 2019, p. 473). پس با این دید نظری، سلیقه اجتماعی در معماری را می‌توان فارغ از «ارزش‌گذاری» و «برچسب‌زنی» بررسی کرد. حتی شاید بهتر بتوان پیوستگی‌های پایدار مرتبط با آن «برچسب» را آشکار کرد. اصلاً این پرسش پیش می‌آید که آیا واقعاً باید به دنبال «برچسب»‌ها باشیم یا خیر (Wright, 2019, p. 483). به عبارت دیگر، شاید اصلاً نیازی به ارزش‌گذاری سلیقه نباشد یا ارزش‌گذاری به شکل دیگری تغییر کند. پس در رابطه با گفتمان‌های حول سلیقه و انتخاب معماری در ایران، با توجه به شنیده‌شدن برچسب‌هایی مانند بی‌هویتی در معماری، سلیقه توده‌ای یا عامه‌پسند در معماری، کج‌سلیقگی و مصرف‌گرایی در معماری - لازم است در بنیان‌های اندیشه و شیوه فکر کردن به سلیقه معماری در سطح اجتماعی بازنگری اساسی و جدی صورت بگیرد. از این منظر، تحلیل سلیقه معماری بیش از آن‌که متوجه ارزش‌گذاری یا برچسب‌گذاری انواع سلیقه باشد، لازم است معطوف به فهم فرایندهای اجتماعی و عملی شکل‌گیری آن باشد. در این باره، در بخش بعدی بیشتر شرح داده خواهد شد.

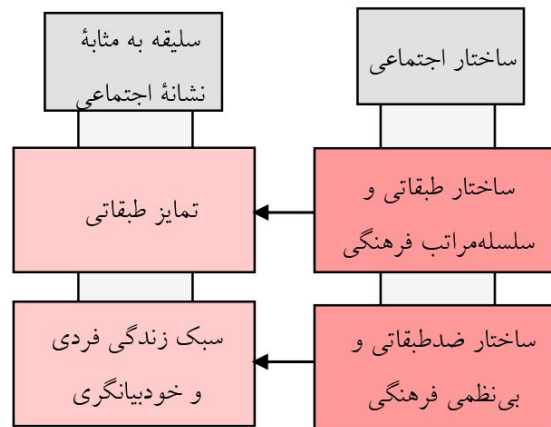
آنچه از مجموع این مباحث برمی‌آید آن است که سلیقه معماری، از بعد جامعه‌شناختی، صرفاً یک ارزیابی فردی یا واکنش ذهنی به اثر معماری نیست. کنشی زیبایی‌شناختی است که در تعامل دائم میان فرد، ساختارهای اجتماعی و اثر معماری بر ساخته می‌شود. ساختارهای اجتماعی در این فرایند، در اصل بسترهای فرهنگی، نهادهای مرجع و نظام‌های ارزش‌گذاری را فراهم می‌کنند و معیار زیبایی را تعریف می‌کنند. در مقابل، فرد نیز آگاهانه و عامدانه در این معادل حضور دارد و انتخاب می‌کند. اثر معماری نیز نمود عینی و بیرونی سلیقه معماری است که ارزش اجتماعی آن از تعامل میان ساختارهای اجتماعی و عاملیت فردی و خود اثر شکل می‌گیرد (نمودار ۵)؛ بنابراین، مسئله اصلی جامعه‌شناسی سلیقه دیگر صرفاً این نیست که سلیقه نشانه چه چیزی است، بلکه آن است که سلیقه معماری چگونه در بستر زندگی اجتماعی تولید و بازتولید می‌شود. این فرایند در بخش بعدی با جزئیات بیشتری بررسی خواهد شد.

نمودار ۵. سلیقه معماری به مثابه کنش زیبایی‌شناسی (یافته‌های پژوهش)



رویکردهای جدیدتر به عاملیت فردی توجه بیشتری شده است. خلاصه این بحث در نمودار ۴ مشاهده می‌شود.

نمودار ۴. کارکرد سلیقه در نشان‌دادن موقعیت اجتماعی (یافته‌های پژوهش)



چنان‌که گفته شد در این خوانش تازه از مصرف، مفهوم «سبک زندگی» به عرصه‌های اصلی ظهور سلیقه تبدیل شده‌اند. این تحول در معماری و معماری داخلی نیز به روشنی مشاهده می‌شود. برای نمونه، شرکت‌هایی مانند ایکیا صرفاً تولیدکننده مبلمان و لوازم خانگی نیستند. آن‌ها با عرضه طیف گسترده‌ای از محصولات و امکان شخصی‌سازی انتخاب‌ها، در شکل‌دادن به الگوهای مصرف و ترجیحات زیبایی‌شناختی ایفای نقش می‌کنند^{۱۸} (هارتمن، ۲۰۰۷ و چمبرز، ۲۰۲۰/۱۴۰۰). این خود به‌منزله دادن فرصت‌های زیاد انتخاب مبلمان و دکور بر اساس سلیقه است که امکان شخصی‌سازی مصرف را به فرد می‌دهد. در این شبکه تولید ارزش زیبایی‌شناختی معماری، نقش رسانه‌های اجتماعی تصویرمحور - مانند پینترست و اینستاگرام - را نباید از یاد برد. این رسانه‌ها از طریق الگوریتم‌های شخصی‌سازی شده، این ترجیحات را به‌طور مستمر بازتولید و تقویت می‌کنند (چمبرز، ۲۰۲۰/۱۴۰۰)؛ بنابراین، سلیقه معماری دیگر صرفاً بازتاب موقعیت طبقاتی نیست، بلکه در شبکه‌ای پیچیده‌تر از نهادهای اقتصادی، رسانه‌ای و فرهنگی تولید و بازتولید می‌شود.

این تحول نشان می‌دهد که مسئله اصلی، دیگر تفسیر سلیقه نیست و فهم سازو کارهای تولید آن به دغدغه اصلی تبدیل شده است. نسل جدید جامعه‌شناسی سلیقه، ضمن حفظ اهمیت ساختارهای اجتماعی، بر فرایند شکل‌گیری، تجربه‌شدن و پرورش سلیقه متمرکز اند (Hennion, 2005; 2007; Arsel & Bean, 2013; Wright, 2015; Frederick & Ian, 2019). از این منظر، فرد «کنش‌گر»ی فعال و نه «مصرف‌کننده منفعل» یا «معتاد فرهنگی» است که آگاهانه در «بر ساخته شدن سلیقه» و «مصرف زیبایی‌شناختی» مشارکت می‌کند (Hennion, 2005). به عبارت دیگر، سلیقه نوعی «فرایند بدنمند و اجتماعی» است که در متن زندگی پیوسته شکل می‌گیرد و دگرگون می‌شود (Hennion, 2005). از دید رایت، بُعدهای «حسی» و «مهارتی» سلیقه - دو بُعد کمتر دیده‌شده آن - هر دو بر عاملیت فرد در کنش زیبایی‌شناختی صحنه می‌گذارند. «حسانیت» سلیقه تأکیدی بر این است که سلیقه در بدن رخ می‌دهد و نه صرفاً فقط در ذهن. «مهارتی بودن» آن بدین معنا است که مهارتی آموزش‌دانی و پرورش‌دانی است. به عبارت دیگر، ظرفیتی آموختنی برای داوری و انتخاب آگاهانه است (Wright, 2019).

سازوکار شکل دهنده و شکل پذیرنده سلیقه معماری

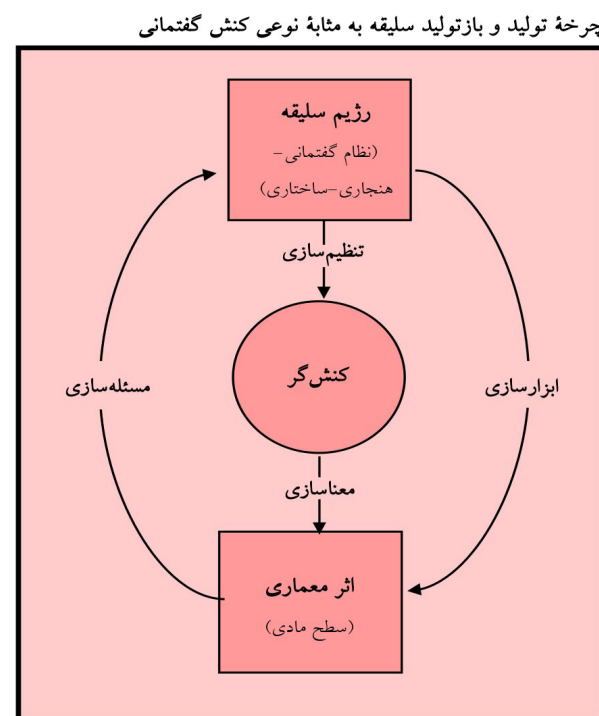
چنانچه در بخش قبل گفته شد، در نظریه‌های جدید، بیش از آنکه معنای اجتماعی سلیقه اهمیت داشته باشد، چگونگی تولید و بازتولید آن اهمیت دارد. اگر نظریه‌های پیشین بیشتر به «دلالیت اجتماعی سلیقه» می‌پرداختند، رویکردهای متأثر از فوکو امکان تحلیل «سازوکارهای تولید سلیقه» را فراهم می‌کنند. از همین رو، برخی جامعه‌شناسان معاصر برای تبیین فرایند شکل‌گیری سلیقه از مفاهیم فوکویی بهره گرفته‌اند (Wright, 2019; Arsel & Bean, 2013). یکی از این مفاهیم «رژیم کنش» است. فوکو این مفهوم را برای توصیف نظام‌هایی به کار می‌برد که از طریق فرایندهای تنظیم، معیارها و دلایل و شیوه‌های خاص کنش را تولید و تثبیت می‌کند (Foucault, 1991, p. 75). آرسل و بین (۲۰۱۳) با الهام از این ایده، مفهوم «رژیم سلیقه» را به‌منزله نظامی گفتمانی-ساختاری-هنجاری معرفی می‌کنند که کنش زیبایی‌شناختی را سازمان می‌دهد. رژیم سلیقه می‌تواند یک نهاد مرجع باشد یا شبکه‌ای از نهادهای گوناگون باشد که به‌واسطه اشاعه نوعی حساسیت زیبایی‌شناسی، به یکدیگر پیوند خورده‌اند (Arsel & Bean, 2013, p. 899-900). از این منظر سلیقه نه صرفاً ویژگی افراد، بلکه محصول شبکه‌ای از نهادها و گفتمان‌هایی است که شیوه‌های دیدن، انتخاب کردن و ارزش‌گذاری را سازمان می‌دهند؛ اما چگونه؟

رژیم سلیقه با ایجاد تعامل مداوم و عادت‌وار با فرد است که چنین فضای کنش زیبایی‌شناختی را برای او ایجاد می‌کند (Arsel & Bean, 2013). به عبارت دیگر، رژیم سلیقه به‌واسطه نقش «تنظیم‌کنندگی» که بر عهده دارد، تعیین می‌کند: چه چیزی زیباست، چه چیزی باید تغییر کند و چگونه باید با اشیاء و فضاها تعامل داشت. این خود از سه فرآیند بنیادی تشکیل می‌شود: «مسئله‌سازی، آیین‌سازی و ابزارسازی»^{۱۶}. در اصل، رژیم سلیقه ابژه زیبایی‌شناختی را «مسئله‌دار» می‌کند؛ با طرح پرسش‌هایی دائمی مبنی بر اینکه چگونه ابژه می‌تواند با معنای اصلی رژیم همسو شود؟ به بیان دیگر، هر کدام از ابژه‌های معماری، منبع بالقوه مسئله‌دار معرفی می‌شود تا کاربران دائماً درگیر اصلاح و بهبود زیبایی محیط شوند. منظور از «آیین‌سازی»، اثرگذاری بر شیوه‌ای که فرد با ابژه معماری برخورد می‌کند، است. رژیم سلیقه می‌تواند کنش‌های زیبایی‌شناختی را به عادت‌های بدنی و روانی تبدیل کند. «ابزارسازی» نیز آن فرایندی است که رژیم معنایی را به ابژه نسبت می‌دهد. به عبارت دیگر، ابژه‌های معماری به ابزارهایی برای دستیابی به معناهای مطلوب تبدیل می‌شوند (Arsel & Bean, 2013). این سه رویه، رفتارهای پراکنده و انتزاعی مصرف را به شبکه‌ای از کنش‌های منسجم و معنادار بدل می‌کنند. در نتیجه، رژیم سلیقه نوعی نظم زیبایی‌شناسی مشترک تولید می‌کند که هم بر چگونگی استفاده از اشیاء و هم بر معنای و ارزش‌های آن‌ها اثر می‌گذارد (Arsel & Bean, 2013). خلاصه این سازوکار و رابطه میان مؤلفه‌های آن در نمودار ۶ آمده است.

نمودار ۶ نشان می‌دهد که رژیم سلیقه به‌واسطه نقش تنظیم‌کنندگی، ارزش‌هایی را تعریف می‌کند: اینکه چه چیزی زیباست، چه چیزی باید تغییر کند و چگونه باید با اشیاء و فضاها تعامل داشت. فرد کسی است که درون رژیم کنش زیبایی‌شناسی دارد. فرد از رژیم یاد می‌گیرد چگونه سلیقه را به مثابه نوعی کنش تأثریکال به اجرا بگذارد؛ یعنی چگونه ببیند، بیندیشد، انتخاب کند و اشیاء/فضاها را سامان بدهد؛ اما فرد منفعل نیست؛ او فعالانه و آگاهانه سلیقه را در طی کنش روزمره

بازتولید می‌کند. اشیاء/فضاها همان عناصر مادی و نمود عینی مصرف است؛ آن‌ها صرفاً و فقط کالبد معماری نیستند، بلکه حامل معنا و واسطه شکل‌گیری سلیقه هستند. این چرخه نشان می‌دهد: سلیقه نه ویژگی فرد یا اثر معماری، بلکه محصول شبکه‌ای پیچیده از روابط میان رژیم سلیقه (نظام گفتمانی-هنجاری-ساختاری)، کنشگر (عاملیت فردی) و اثر معماری (اشیاء/فضاها) است. پس این نمودار در سه سطح شبکه تولید و بازتولید سلیقه را توضیح می‌دهد: نخست سطح هنجاری-گفتمانی است؛ نظامی از هنجارها که توسط نهادهای فرهنگی، اجتماعی و آموزشی (مانند آموزش رسمی، رسانه‌ها، بازارها و برندها) برساخته می‌شود. دوم در سطح کنش فردی به عاملیت فردی در تولید سلیقه توجه می‌شود که چگونه دست به کنش زیبایی‌شناختی می‌زند. سوم سطح مادی و عینی سلیقه معماری است.

نمودار ۶. چرخه تولید و بازتولید سلیقه در معماری (با تلخیص از Arsel & Bean, 2013)



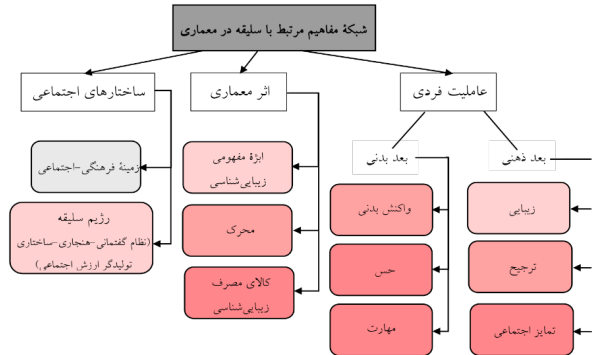
اهمیت این مدل زمانی آشکار می‌شود که برای تحلیل معماری معاصر به کار گرفته شود. در شرایطی که نهادهای فرهنگی، رسانه‌های اجتماعی، برندهای جهانی و بازارهای مصرف بیش از هر زمان دیگری در شکل‌دهی ترجیحات زیبایی‌شناختی نقش دارند، سلیقه معماری نیز در شبکه‌ای از روابط اجتماعی و گفتمانی تولید می‌شود. سیاست‌های برند ایکیا در شخصی‌سازی انتخاب‌های مصرف‌کنندگان و همچنین تحلیل آرسل و بین (۲۰۱۳) از وبگاه آپارتمان‌تراپی نمونه‌هایی از همین سازوکار هستند. چنین نمونه‌هایی نشان می‌دهند نهادهای فرهنگی چگونه با تولید معنا و تنظیم شیوه‌های مصرف، در شکل‌گیری سلیقه معماری مشارکت می‌کنند. از این منظر، مفهوم رژیم سلیقه چارچوبی مناسب برای تحلیل سازوکارهای معاصر تولید و بازتولید سلیقه معماری فراهم می‌کند.

جمع‌بندی بحث

چنانچه از مجموع مباحث این پژوهش برمی‌آید، سلیقه معماری

این تجربه در قالب مفاهیمی چون زیبایی، ترجیح و یا تمایز اجتماعی صورت‌بندی می‌شود. البته تجربه سلیقه صرفاً نوعی داوری ذهنی نیست؛ بلکه نوعی کنش زیبایی‌شناختی بدنمند نیز هست که از طریق حس، تجربه و مهارت تحقق می‌یابد؛ بنابراین، سلیقه نه فقط امری شناختی، بلکه قابلیت آموختنی و پرورش یافتنی است که در بستر تجربه‌های مکرر رشد می‌کند.

نمودار ۹. شبکه مفاهیم مرتبط با سلیقه در معماری (یافته‌های پژوهش)



اثر معماری نیز در این شبکه مفهومی صرفاً یک شیء مادی نیست، بلکه هم‌زمان دارای سه وجه است. نخست، به لحاظ مشخصه‌های کالبدی می‌تواند موضوع ترجیحات معماری باشد. دوم، به مثابه اثر زیبایی‌شناختی که معنای آن صرفاً از ویژگی‌های مادی ناشی نمی‌شود، بلکه در چارچوب نظام‌های مفهومی و تفسیری شکل می‌گیرد. سوم، به عنوان کالای مصرفی و نشانه اجتماعی است که در تعامل با ساختارهای اجتماعی و عاملیت فردی معنا و ارزش پیدا می‌کند. از این رو، اثر معماری هم موضوع کنش زیبایی‌شناختی است و هم یکی از عناصر سازنده آن (نمودار ۹).

ساختارهای اجتماعی نیز در این مدل از دو جهت اهمیت دارند: نخست زمینه اجتماعی-فرهنگی است که سلیقه معماری در آن شکل می‌گیرد و تجربه زیبایی‌شناختی را ممکن می‌سازد. این زمینه در سطح فلسفی، بر مبنای سنت تجربه‌گرایی ذوق، منشأ شکل‌گیری معیارهای زیبایی‌شناختی تلقی می‌شود و در سطح روان‌شناختی نیز به صورت پیشینه‌های فرهنگی و اجتماعی بر ادراک و پردازش‌های ذهنی اثر می‌گذارد. دوم رژیم سلیقه‌ای است که درون این ساختار اجتماعی در حال تنظیم کنش زیبایی‌شناختی افراد است (نمودار ۹). این رژیم با ایجاد نظام گفتاری-هنجاری-ساختاری معیارهای زیبایی را تنظیم و بازتولید می‌کند. در این چارچوب، هر نهاد، رسانه، گروه، آموزش و یا ابزار فرهنگی که در تعریف و اشاعه ارزش‌های زیبایی‌شناختی نقش داشته باشد، می‌تواند بخشی از رژیم سلیقه حساب شود. از این رو، رژیم سلیقه نه مستقیماً بلکه با فراهم کردن شرایط، هنجارها و امکان‌های کنش، زمینه شکل‌گیری سلیقه معماری را فراهم می‌کند. بر این اساس، سلیقه معماری نه محصول اراده کاملاً آزاد افراد است، نه نتیجه‌ای کاملاً جبری از ساختارهای اجتماعی و نه صرفاً برخاسته از ویژگی‌های ذاتی اثر معماری؛ بلکه در تعامل پیوسته عاملیت فردی، اثر معماری و ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد.

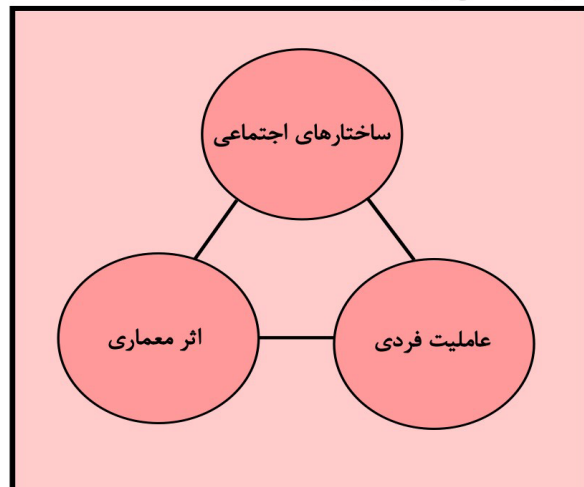
پیشنهادهای

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از تحلیل مفهومی و بازخوانی تطبیقی مبانی نظری، چارچوبی مفهومی برای تبیین سازوکارهای شکل‌گیری

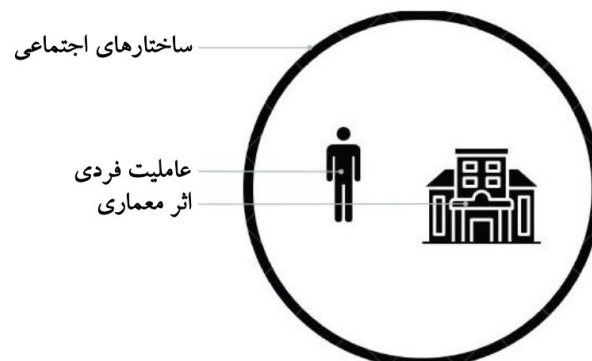
نه ویژگی ذاتی فرد است، نه خصوصیتی ذاتی در اثر معماری و نه صرفاً محصول ساختارهای اجتماعی؛ بلکه در تعامل پویای این سه جزء شکل می‌گیرد و بازتولید می‌شود. از این رو سه مؤلفه تحلیلی سلیقه معماری عبارت‌اند از: نخست فرد که با عاملیت خود، در فرایند ادراک، ارزیابی و انتخاب مشارکت می‌کند. دوم اثر معماری که توسط فرد ارزیابی می‌شود و معنای خودش را در تعامل با فرد و ساختارهای اجتماعی به دست می‌آورد. سوم ساختار اجتماعی که بستر شکل‌گیری، هدایت و بازتولید سلیقه را فراهم می‌کنند (نمودار ۷-۸). البته این تقسیم‌بندی صرفاً ابزاری تحلیلی برای فهم بهتر سازوکارهای شکل‌گیری سلیقه معماری است و نه ادعایی مبنی بر استقلال این مؤلفه‌ها. از منظر این پژوهش، سلیقه معماری پدیده‌ای است که تنها در تعامل مداوم میان عاملیت فردی، اثر معماری و ساختارهای اجتماعی معنا پیدا می‌کند. بر پایه این سه مؤلفه، می‌توان سلیقه معماری را از منظر فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بازخوانی و تبیین کرد.

نمودار ۷. سه جزء جدایی‌ناپذیر سلیقه اجتماعی در معماری (یافته‌های پژوهش)

سلیقه اجتماعی در معماری



نمودار ۸. انسان، جامعه و محیط اطراف آن و معماری (یافته‌های پژوهش)



همان‌طور که در نمودار ۹ مشاهده می‌شود، شبکه مفاهیم مرتبط با سلیقه معماری را در قالب سه مؤلفه اصلی می‌توان بازخوانی کرد: عاملیت فردی، اثر معماری و ساختارهای اجتماعی. در این میان، فرد صرفاً ناظر یا دریافت‌کننده منفعل اثر معماری نیست، بلکه کنشگری است که با مشارکت ذهن و بدن، تجربه سلیقه را شکل می‌دهد. به لحاظ ذهنی،

سلیقه معماری ارائه کرد. از این رو، نخستین مسیر پیش روی پژوهش‌های آتی، آزمون تجربی و ارزیابی کارآمدی این چارچوب در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی گوناگون است. همچنین، این مدل می‌تواند مبنایی برای مطالعات تاریخی درباره شکل‌گیری و تحول سلیقه معماری در دوره‌های گوناگون و نیز پژوهش‌های میدانی درباره نقش عاملیت فردی، ویژگی‌های اثر معماری و ساختارهای اجتماعی در شکل‌گیری و بازتولید سلیقه معماری باشد.

تحقیق حاضر سلیقه معماری را به عنوان امری اجتماعی بررسی کرد که در بستر جامعه تولید و بازتولید می‌شود. همچنین چگونگی شرایط ظهور و شکل‌گیری آن را در قالب نظریه‌هایی بررسی کرد که نگاهی فوکویی دارند؛ اینکه چگونه یک نظام گفتگویی می‌تواند ارزش زیبایی‌شناختی معماری را به شکل هنجاری در جامعه رواج بدهد؛ اما این تنها شیوه فکر کردن درباره سازوکار سلیقه در معماری نیست و نگاه‌های دیگر نیز می‌توانند سودمند باشند؛ مثلاً می‌توان سازوکار شکل‌گیری سلیقه را با الویت تجربه زیسته بررسی کرد. در این صورت مطالعه ترجیحات افراد در معماری مهم‌تر می‌شود. پس پژوهش‌های آتی می‌توانند سازوکارهای شکل‌گیری سلیقه معماری را از منظرهای متفاوت بررسی کرده و نتایج آن را با مدل مفهومی این پژوهش مقایسه کنند. همچنین، این چارچوب می‌تواند در تحلیل موضوعاتی همچون شکل‌گیری معیارهای زیبایی در معماری، الگوهای مصرف معماری، نقش رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی در هدایت سلیقه معماری و فرایندهای مشروعیت‌بخشی به ارزش‌های زیبایی‌شناختی نیز به کار گرفته شود.

نتیجه‌گیری

بررسی و تلفیق مبانی نظری این پژوهش نشان داد که سلیقه معماری را نمی‌توان صرفاً از منظر فلسفی، روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی تبیین کرد؛ زیرا هر یک از این حوزه‌ها تنها بخشی از سازوکارهای شکل‌گیری آن را آشکار می‌کنند. دستاورد اصلی این پژوهش، صورت‌بندی چارچوبی مفهومی است که این سه منظر را در قالب مدلی واحد به یکدیگر پیوند می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

- اصطلاح «تیسست» (taste) در زبان فارسی هم با واژه «سلیقه» و هم با واژه «ذوق» معادل گرفته شده است. البته این دو واژه با وجود قرابت معنایی زیاد، تفاوت‌هایی باهم دارند که در این تحقیق مدنظر نیست.
- Aesthetic.
- Subject.
- Conceptual aesthetic object.
- Aesthetic Interest.
- Aesthetic Judgment.
- Aesthetic experience.
- Empirical aesthetic.
- Environmental Aesthetic.
۱۰. زیرا با زیاد شدن تنوع سبک‌های هنری در اواخر قرن نوزدهم و قرن بیستم، دیگر آثار هنری را نمی‌شد با ویژگی سبکی و ظاهری آنان همچون گذشته دسته‌بندی کرد؛ حتی مرز میان هنر و غیرهنر نیز مبهم شد (Leder, 2014, p. 444). به عنوان نمونه از این دست آثار هنری، به اثری با عنوان جعبه‌های صابون بریلو (۱۹۶۴م) از اندی وارهول (۱۹۲۸-۱۹۸۷) و اثر چشمه (۱۹۱۷م) از مارسل دوشان (۱۹۰۷-۱۹۸۷) می‌توان اشاره کرد. در خصوص چگونه هنر دانستن این آثار، دیدگاه دانتو قابل توجه است: آرتور دانتو (۱۹۲۴-۲۰۱۳)، فیلسوف و منتقد هنر، استدلال می‌کند که ابژه‌های هنری الزاماً به دلیل ویژگی‌های بصری‌شان هنری محسوب نمی‌شوند؛ چرا که همان ویژگی‌ها در اشیای غیرهنری نیز وجود دارد. او معیار هنر را «تجسم بخشی معنا»

در این چارچوب، فلسفه مبانی مفهومی و معیارهای ارزیابی معماری را روشن می‌کند، روان‌شناسی سازوکارهای ادراک و تجربه زیبایی‌شناختی را تبیین می‌کند و جامعه‌شناسی، فرایندهای اجتماعی تولید، بازتولید و مشروعیت‌یابی سلیقه معماری را توضیح می‌دهد. از رهگذر تلفیق این سه سطح، این تحقیق سلیقه معماری را به یکی از این سه مؤلفه تحویل نمی‌کند، بلکه آن را به مثابه پدیده‌ای برساخته در تعامل میان عاملیت فردی، اثر معماری و ساختارهای اجتماعی مفهوم‌سازی می‌کند؛ بنابراین، تحلیل سلیقه معماری تنها با تمرکز بر اثر معماری یا ویژگی‌های فردی ممکن نیست، بلکه مستلزم تحلیل هم‌زمان عاملیت فرد، ویژگی‌های اثر و سازوکارهای اجتماعی تولید ارزش زیبایی‌شناختی است.

بر این اساس، نوآوری این تحقیق نه در ارائه تعریفی تازه از سلیقه معماری، بلکه در صورت‌بندی تجربه معماری بر پایه مفهوم سلیقه است. در این چارچوب، سلیقه دیگر صرفاً یک ویژگی فردی یا معیاری برای طبقه‌بندی ترجیحات نیست، بلکه فرایندی است که طی آن تجربه مواجهه با اثر معماری، در تعامل میان عاملیت فرد، ویژگی‌های اثر معماری و ساختارهای اجتماعی، به ارزیابی زیبایی‌شناختی و معناگذاری اجتماعی می‌انجامد. از این منظر، مفهوم سلیقه از موضوعی صرف برای مطالعه فراتر رفته و به ابزاری نظری برای تحلیل تجربه معماری تبدیل می‌شود. این جابه‌جایی در نحوه صورت‌بندی مسئله، امکان تحلیل سلیقه معماری را از سطح داوری‌های ارزشی به سطح تبیین فرایندهای اجتماعی تولید و بازتولید آن منتقل می‌کند. بر این مبنا، سهم اصلی این پژوهش، ارائه چارچوبی مفهومی برای تبیین سازوکارهای شکل‌گیری سلیقه معماری است؛ چارچوبی که به جای تمرکز بر ارزش‌گذاری انواع سلیقه، توجه را به شرایط، سازوکارها و فرایندهای تولید و بازتولید آن معطوف می‌کند. چنین برداشتی می‌تواند زمینه نظری برای تحلیل مسائل معاصر معماری، از جمله شکل‌گیری معیارهای زیبایی، الگوهای مصرف معماری و نقش نهادهای اجتماعی و فرهنگی در هدایت سلیقه معماری فراهم آورد و راه را برای فهم تجربه معماری به مثابه فرایندی اجتماعی و زیبایی‌شناختی هموار سازد.

می‌داند؛ مثلاً معنای مجسم در جعبه بریلوی وارهول، نقد فرهنگ مصرفی جامعه آمریکایی بود، در حالی که جعبه بریلوی معمولی تنها غایتی کارکردگرایانه داشت و در خدمت این فرهنگ بود (دانتو، ۲۰۱۳/۱۴۰۱).

در مجموع، این گسترش مرز آثار هنری و تعریف هنر باعث شد پژوهش‌های تجربی هنر-صرفاً متکی بر ویژگی‌های بصری-با چالش روبرو شوند. از این پس تنها اندازه‌گیری ویژگی‌های فیزیکی آثار کافی نبود و نیاز به بررسی فرایندهای شناختی پدید آمد (Lader, 2004).

11. Aesthetic Emotion.
2. Aesthetic Evaluation.
۱۳. منظور از «آشنایی» (familiarity) به امری اطلاق می‌شود که آن را می‌دانیم (know) یا فکر می‌کنیم که می‌دانیم. [آشنایی داشتن با چیزی] سبب می‌شود پاسخ شناختی حاصل شود، حتی اگر مطمئن نباشیم بر چه اساسی واکنش نشان می‌دهیم. ما تمایل به باور چیزهایی داریم که بیاد می‌آوریم (Horn, 2019).
۱۴. در جامعه شناسی، دو اصطلاح «جامعه دلالی» (signify society) و «جامعه تعیینی» (determinative society) مفاهیمی‌اند که برای تمایز میان دو نوع منطق سازماندهنده زندگی اجتماعی به کار می‌روند. جامعه تعیینی به نوعی از سازمان اجتماعی اشاره دارد که در آن روابط اجتماعی براساس عقلانیت ابزاری، تقسیم کار، بوروکراسی، بازار و نهادهای کلان سازمان می‌یابد؛ اما جامعه دلالی متکی بر نشانه‌ها، تصاویر، سبک‌ها، رسانه‌ها و بازنمایی‌های چندلایه است (تارنمای انجمن

- Foucault, M. (1991). Questions of method. In G. Burchell, C. Gordon, & P. Miller (Eds.), *The Foucault effect: Studies in governmentality* (pp. 73–86). Harvester Wheatsheaf. <https://doi.org/10.1017/S0829320100002507>
- Grigor, T. (2005). Recultivating “good taste”: The early Pahlavi modernists and their society for national heritage. *Iranian Studies*, 38(1), 17–45. <https://doi.org/10.1080/0021086042000232929>
- Groat, L., & Wang, D. (2017). *Architectural research methods* [Raveshay-e tahghigh dar me'mari] (A. Aeini-Far, Trans.). University of Tehran Press. (Original work published 2002) (In Persian)
- Hartman, T. (2007). On the Ikeaization of France. *Public Culture*, 19(3), 483–498. <https://doi.org/10.1215/08992363-2007-006>
- Hennion, A. (2005). Pragmatics of taste. *The Blackwell companion to the sociology of culture*, 131–144. [10.1002/9780470996744.ch9](https://doi.org/10.1002/9780470996744.ch9)
- Hennion, A. (2007). Those Things That Hold Us Together: Taste and Sociology. *Cultural Sociology*, 1(1), 97–114. <https://doi.org/10.1177/1749975507073923>
- Horn, G. (2019). *Unpopular taste: Formulating a framework for discussing taste with reference to English volume-built housing and the schism in visual preferences between the lay public and the architectural elite* [Doctoral dissertation, University of Sheffield]. White Rose eTheses. <https://etheses.whiterose.ac.uk/25483>
- Hospers, J., & Scruton, R. (2018). *Philosophy of art and aesthetics* [Falsafeh-ye honar va ziba'ishenasi] (Y. Azhand, Trans. & Comp.). University of Tehran Press. (Original work published 2002) (In Persian)
- Hume, D. (2009). *Of the standard of taste and tragedy* [Dar Bab-e me'yar-e zowgh va terajedi] (A. Salmani, Trans.). Farhangestan-e Honar Publication. (Original work published 1760) (in Persain)
- Imani, N., & Mirzaei, F. (2022). Genealogy of Taste in Art and Architecture [Tabarshenasi-ye Mafhum-e Saligheh dar Honar va Me'mari]. *Andishnāmeḥ-ye Me'māri-ye Dāxeli*, 2(2), 29–45. <https://doi.org/10.30480/intand.2023.1251> (In Persian)
- Imani, N., & Zafarmandi, S. (2017). Orgins of Taste in Architecture [Mabadi-ye saligheh dar me'mari]. *Bagh-e Nazar*, 14(53), 33–42. https://www.bagh-sj.com/article_51267.html (In Persian)
- Ipsos MORI. (2010). *People and places: Public attitudes to beauty*. <https://www.ipsos.com/sites/default/files/publication/1970-01/sri-public-attitudes-to-beauty-2010.pdf>
- Kahneman, D. (2011). Thinking, Fast and Slow. *Stat Papers* 55, 915 (2014). <https://doi.org/10.1007/s00362-013-0533-y>
- Kaplan, R., & Kaplan, S. (1989). *The experience of nature: A psychological perspective*. Cambridge University Press. <https://dokumen.pub/qdownload/the-experience-of-nature-a-psychological-perspective-1nbsped-0521349397-9780521349390.html>
- Karimi, Z. P. (2009). *Transitions in domestic architecture and home culture in twentieth century Iran* [Doctoral dissertation, Massachusetts Institute of Technology]. <https://dspace.mit.edu/entities/publication/4c949c7c-1ba1-4629-8676-469f873444f2>
- Leder, H., & Nadal, M. (2014). Ten years of a model of aesthetic appreciation and aesthetic judgments: The aesthetic episode—Developments and challenges in empirical aesthetics. *British journal of psychology*, 105(4), 443–464. [10https://doi.org/10.1111/bjop.12084](https://doi.org/10.1111/bjop.12084)
- Leder, H., Leder, H., Belke, B., Oeberst, A., & Augustin, M. D. (2004). A model of aesthetic appreciation and aesthetic judgments. *British Journal of Psychology*, 95(4), 489–508. <https://doi.org/10.1348/0007126042369811>
- Locher, P., Overbeeke, K., and Wensveen, S. (2010). *Aesthetic interaction:* جامعه‌شناسان آمریکا).
15. Individuality, self-expression, and a stylistic self-consciousness.
16. Indicators of the individuality of taste and sense of style of the owner/consumer.
۱۷. مفهوم سبک زندگی در نسل اول جامعه‌شناسی سلیقه، معنای جامعه‌شناختی محدودتری دارد و اشاره به سبک زندگی متمایز گروه‌های خاص اجتماعی دارد (Featherstone, 2007).
۱۸. برند ایکیا در رسانه‌های تصویرمحور مانند پینترست، اینستاگرام و تیک‌تاک محتوایی تصویری را با عنوان «ترفندهای ایکیا» (IKEA hacks) منتشر می‌کند که در واقع کالاها و الگوهای چیدمان مشخصی را برای زیباسازی و بهسازی فضای معماری پیشنهاد می‌دهد. این محتواها صرفاً مجموعه‌ای از ایده‌های خلاقه برای استفاده از محصولات ایکیا نیست، بلکه بخشی از یک منطق فرهنگی مصرفی است که به طور غیرمستقیم، مصرف را هدایت، معناگذاری و کنترل می‌کند (Hartman, 2007).
۱۹. «مسئله‌سازی» (problematization)، «آیین‌مندسازی» (Ritualization) و «ابزارسازی» (Instrumentalization). برای توضیحات بیشتر به اصل مقاله رجوع شود (Arsel & Bean, 2013).

References

- Arsel, Z., & Bean, J. (2013). Taste regimes and market-mediated practice. *Journal of Consumer Research*, 39(5), 899–917. <https://doi.org/10.1086/666595>
- Bolkhari Ghehi, H. (2021). *On beauty: aesthetics in islamic wisdom and west philosophy* [Dar bab-e ziba'i: Ziba'ishenasi dar hekmat-e eslami va falsafeh-ye gharbi]. University of Tehran Press. (In Persian)
- Bourdieu, P. (1399). *Distinction* [Tamayoz] (H. Chavoshian, Trans.). Sales Publication. (Original work published 1976) (In Persian)
- Buckley, C. A., & Waring, M. J. (2013). Using diagrams to support the research process: Examples from grounded theory. *Qualitative Research*, 13(2), 148–172. <https://doi.org/10.1177/1468794112472280>
- Chambers, D. (2021). *Cultural ideals of home: the social dynamics of domestic space* [Ide-al-hay-e Farhangi-ye khaneh: Puyayi-hay-e egte'mai-ye fazay-e khanegi] (A. Mashhadi, Trans.). Yazdan Publication. (Original work published 2020) (In Persian)
- Chatterjee, A. (2004). Prospects for a cognitive neuroscience of visual aesthetics. *Bulletin of Psychology and the Arts*, 4, 55–60. <https://doi.org/10.1037/e514602010-003>
- Commission for Architecture and the Built Environment. (2010). *Simpler and better: Housing design in everyone's interest*. https://www.designcouncil.org.uk/fileadmin/uploads/dc/Documents/simpler-and-better_2.pdf
- Danto, A. C. (2022). *What art is* [An cheh honar ast] (F. Farnoudfar, Trans.). Gilgamesh Publication. (Original work published 2013) (In Persian)
- Devlin, K., & Nasar, J. L. (1989). The beauty and the beast: Some preliminary comparisons of 'high' versus 'popular' residential architecture and public versus architect judgments of same. *Journal of environmental psychology*, 9(4), 333–344. [https://doi.org/10.1016/S0272-4944\(89\)80013-1](https://doi.org/10.1016/S0272-4944(89)80013-1)
- Dickie, G. (2016). *The century of taste: the philosophical odyssey of taste in the eighteenth century* [Ghar-n-e Zowgh, Odiseh-ye falsafi-ye zowgh-dar ghar-n-e hijdaham] (D. Mirzaei & M. Nourian, Trans.). Hekmat Publication. (Original work published 1996) (In Persian)
- Featherstone, M. (2007). *Consumer culture and postmodernism*. SAGE Publications Ltd. <https://doi.org/10.4135/9781446212424>

- a framework. Des. Issues 26, 70–79. <https://doi.org/10.2307/20749943>
- Nadal, M., & Vartanian, O. (Eds.). (2022). *The Oxford handbook of empirical aesthetics*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780198824350.001.0001>
- Pazouki, S. (1381). The Influence of Descartes' Thought on the Emergence of New Artistic Theories [Ta'sir-e tafakkor-e Descartes dar zohur-e nazariyat-e jadid-e honari]. *Khiyal-e Bahar*, 1(10), 98–107. <http://noo.rs/ZiyaL> (In Persian)
- Pelowski, M., Markey, P. S., Luring, J. O., & Leder, H. (2016). Visualizing the impact of art: An update and comparison of current psychological models of art experience. *Frontiers in Human Neuroscience*, 10, 1–15. <https://doi.org/10.3389/fnhum.2016.00160>
- Peterson, R. A., & Kern, R. M. (1996). Changing highbrow taste: From snob to omnivore. *American Sociological Review*, 61(5), 900–907. <https://doi.org/10.2307/2096460>
- Vercelloni, L. (2016). *The invention of taste: A cultural history of desire, delight and disgust in fashion, food and art* (K. Singleton, Trans.; 1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003087021>
- Wherry, F. F., & Woodward, I. (Eds.). (2019). *The Oxford handbook of consumption*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780190695583.001.0001>
- Winters, E. (2017). *Aesthetics and architecture* [Ziba'ishenasi va me'mari] (A. Salarvand, Trans.). Naghsh-e Jahan Publication. (Original work published 2007) (In Persian)
- Wright, D. (2015). *Understanding cultural taste: sensation, skill and sensibility*. Palgrave Macmillan. <https://doi.org/10.1057/9781137447074>
- Wright, D. (2019). Taste, sensation, and skill in the sociology of consumption. In D. Miller (Ed.), *The Oxford handbook of the sociology of consumption*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780198824350.001.0001>
- ایمانی، نادیه و ظفرمندی، سویل. (۱۳۹۶). مبادی سلیقه در معماری. باغ نظر، ۱۴ (۵۳)، ۴۲–۳۳. https://www.bagh-sj.com/article_51267.html
- ایمانی، نادیه و میرزائی، فاطمه. (۱۴۰۱). تبارشناسی مفهوم سلیقه در هنر و معماری. اندیشنامه معماری داخلی، ۲۹ (۲)، ۴۵–۲۹. <https://doi.org/10.30480/in-tand.2023.1251>
- بلخاری قهی، حسن. (۱۴۰۰). در باب زیبایی: زیبایی‌شناسی در حکمت اسلامی و فلسفه غربی دانشگاه تهران.
- بوردیو، پییر. (۱۳۹۹). تمایز (حسن چاوشیان، مترجم). نشر ثالث. (چاپ اثر اصلی ۱۹۷۶)
- پازوکی، شهرام. (۱۳۸۱). تأثیر تفکر دکارت در ظهور نظریات جدید هنری. خیال بهار، ۱ (۱۰)، ۹۸–۱۰۷. <http://noo.rs/ZiyaL>
- چمبرز، دیورا. (۱۴۰۰). ابده‌آل‌های فرهنگی‌خانه: پویایی‌های اجتماعی فضای خانگی (علی مشهدی، مترجم). نشر یزدان. (چاپ اثر اصلی ۲۰۲۰)
- دانتو، آرتور کلمن. (۱۴۰۱). آن چه هنر است (فریده فرنودفر، مترجم). نشر گیلگمش. (چاپ اثر اصلی ۲۰۱۳)
- دیکی، جورج. (۱۳۹۶). قرن ذوق، اودیسه فلسفی ذوق در قرن هجدهم (داوود میرزایی و مانیا نوریان، مترجم). نشر حکمت. (چاپ اثر اصلی ۱۹۹۶)
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید. (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق در معماری (علیرضا عینی‌فر، مترجم). نشر دانشگاه تهران. (چاپ اثر اصلی ۲۰۰۲)
- وینترز، ادوارد. (۱۳۹۶). زیبایی‌شناسی و معماری (عبدالله سالاروند، مترجم). نشر نقش جهان. (چاپ اثر اصلی ۲۰۰۷)
- هاسپرز، جان و اسکروتن، راجر. (۱۳۹۷). فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی (یعقوب آژند، مترجم و گردآورنده). نشر دانشگاه تهران. (چاپ اثر اصلی ۲۰۰۲)
- هیوم، دیوید. (۱۳۸۸). در باب معیار ذوق و تراژدی (علی سلمانی، مترجم). نشر فرهنگستان هنر. (چاپ اثر اصلی ۱۷۶۰)

From Fragmented Space to Integrated Perception: A Framework for "Spatial Coherence" in Educational Environments for Children with Autism Utilizing Spatial Sequencing Geometry*

Abstract

Accurate environmental perception constitutes a fundamental prerequisite for adaptive behavior in architectural settings. Rather than functioning as a neutral physical container, the built environment actively shapes perception, cognition, and behavioral responses through the organization of sensory stimuli and spatial relationships. This issue is particularly significant for children with Autism Spectrum Disorder (ASD), whose atypical sensory processing and cognitive characteristics may alter how environmental information is perceived, organized, and interpreted. Difficulties in filtering sensory inputs, distinguishing figure from background, integrating fragmented perceptual cues, and constructing coherent mental representations may prevent these children from understanding the functional meaning of spaces. Consequently, environments that are manageable for neurotypical users may become confusing, stressful, or behaviorally challenging for children with autism. Although previous studies have emphasized sensory-friendly environments and architectural interventions, limited attention has been devoted to explaining the cognitive mechanism through which architectural organization transforms fragmented sensory experiences into meaningful environmental perception. Addressing this theoretical gap constitutes the primary motivation of this research. Accordingly, this study investigates how architectural environments can be systematically organized according to the sensory and cognitive characteristics of children with autism to facilitate meaningful environmental perception and promote adaptive behavioral responses. The research examines how environmental stimuli may be calibrated for conditions of both sensory hypersensitivity and hyposensitivity while supporting perceptual integration, environmental comprehension, orientation, and behavioral regulation. Rather than proposing isolated design recommendations, the study develops a process-oriented framework explaining the relationship between sensory inputs, cognitive processing, spatial organization, environmental meaning, and behavioral outcomes. The research adopts a qualitative descriptive-analytical methodology based on an extensive review and synthesis of interdisciplinary literature in environmental psychology, cognitive psychology, autism studies, neuroscience, and architectural design. Behavioral characteristics associated with autism were comparatively analyzed alongside theoretical concepts concerning environmental perception, Gestalt psychology, environmental affordances, classical conditioning, behavioral settings, person-environment fit, spatial legibility, and sensory processing. Through analytical cross-comparison, behavioral impairments were categorized into three interconnected domains: sensory-motor, communicative-social, and cognitive-perceptual. These categories served as the basis for identifying architectural challenges and extracting design principles capable of reducing perceptual disturbances while supporting participation, learning, and adaptive behavior. The findings indicate that behavioral challenges experienced by children with autism can be systematically addressed through three complementary architectural principles. The first, sensory-oriented spatial design, focuses on regulating environmental stimuli through balanced lighting, calibrated color intensity, acoustic control, tactile materials, visual complexity, and separation of sensory zones, thereby reducing sensory overload and cognitive burden. The second, spatial patterning, emphasizes the controlled simulation of familiar behavioral settings, such as home, school, and everyday environments, to develop stable cognitive representations supporting social participation, learning, and behavioral generalization. The third, spatial sequencing, organizes spaces into predictable and progressively structured sequences that guide children through sensory, functional, and social transitions. The conceptual synthesis of these three principles leads to the introduction of spatial coherence as the theoretical

Received: 09 Apr 2026

Received in revised form: 12 Jun 2026

Accepted: 22 Jun 2026

Maryam Kalami¹  (Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Engineering, University of Zanjan, Zanjan, Iran.

E-mail: kalami@znu.ac.ir

Faezeh Fazaeli² 

Master in Architectural Engineering, Department of Architecture, Faculty of Engineering, University of Zanjan, Zanjan, Iran.

E-mail: fazaf12@gmail.com

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.416662.673215>

contribution of the study. Spatial coherence is defined as an architectural condition in which sensory regulation, spatial organization, functional clarity, and cognitive predictability collectively facilitate Gestalt environmental perception. Instead of treating sensory stimulation, behavioral training, and spatial organization as independent concerns, the proposed framework demonstrates that these components operate synergistically within a continuous perceptual process. In this perspective, architecture becomes an active mediator that supports cognitive organization, environmental learning, and behavioral adaptation rather than merely accommodating behavioral needs. To operationalize this framework, the study proposes linear spatial organization as an architectural strategy for therapeutic and educational environments designed for children with autism. Linear organization provides a clear and sequential spatial structure that minimizes perceptual ambiguity and supports environmental adaptation. The sequential arrangement of private, semi-private, and public spatial zones allows sensory intensity, complexity, and social interaction to increase or decrease progressively according to users' perceptual capacities. Transitional spaces can prepare children for changes in sensory stimulation or social demands. This organization enables children to construct coherent environmental meanings step by step, transforming isolated sensory experiences into integrated cognitive representations while reducing anxiety associated with unpredictable environmental transitions. The principal innovation of this research lies in establishing a process-based theoretical framework that translates the cognitive characteristics of autism into coherent architectural design principles. By integrating sensory-oriented design, spatial patterning, and spatial sequencing within the overarching concept of spatial coherence, the study explains the cognitive mechanism through which architectural environments influence perception and adaptive behavior. Consequently, architecture is redefined as an educational and therapeutic medium capable of facilitating cognitive development, environmental comprehension, behavioral regulation, and independent functioning. The proposed framework provides practical guidance for architects, educators, therapists, and rehabilitation specialists seeking to create inclusive environments that respond to sensory profiles while improving spatial understanding, behavioral adaptation, independent functioning, and participation in everyday activities. Furthermore, it establishes a foundation for future interdisciplinary research and evidence-based architectural design strategies aimed at enhancing environmental perception and quality of life for children with ASD.

Keywords: children with autism, environmental sensory stimuli, meaningful perception, spatial coherence, spatial sequence geometry

Citation: Kalami, Maryam, & Fazaeli, Faezeh. (2026). From fragmented space to integrated perception: A framework for "spatial coherence" in educational environments for children with autism utilizing spatial sequencing geometry. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 31(2), 93-105. (In Persian)



© Authors retain full copyright and publishing rights.

Publisher: University of Tehran Press.

*This article is derived from the second author's master's thesis, entitled "Designing a learning and rehabilitation centre for autistic children in Zanjan aimed at improving the perception of environment disorder" under the supervision of the first author at the University of Zanjan.

از کالبد منقطع تا ادراک یکپارچه: تدوین چارچوب «انسجام فضایی» در محیط‌های آموزشی کودکان دارای اوتیسم بر پایه هندسه توالی فضا*

چکیده

ادراک صحیح و معناشناختی محیط، شرط اساسی شکل‌گیری رفتارهای سازگارانه در فضا است؛ باین حال، کودکان دارای اوتیسم به دلیل اختلال در پردازش محرک‌های حسی و فرایندهای شناختی، فضا را به صورت مجموعه‌ای منقطع و فاقد معنای گشتالتی تجربه می‌کنند. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان از

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۱/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۲۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

مریم کلامی^۱ (نویسنده مسئول): استادیار گروه معماری، دانشکده مهندسی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.
E-mail: kalami@znu.ac.ir

فائزه فضائلی^۲: کارشناس ارشد مهندسی معماری، گروه معماری، دانشکده مهندسی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.
E-mail: fazaf12@gmail.com

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.416662.673215>

طریق سازمان‌دهی هدفمند مؤلفه‌ها و محرک‌های محیطی، فرایند ادراک کل منسجم را در این کودکان تسهیل کرد. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش توصیفی - تحلیلی بر روی اسناد متون روان‌شناسی و معماری انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با تحلیل سه لایه اختلالات رفتاری این کودکان (حسی - حرکتی، ارتباطی - اجتماعی و شناختی - ادراکی)، می‌توان به سه وجه متناظر شامل «حسی بودن فضا»، «الگوسازی در فضا» و «توالی فضایی» دست یافت. تحلیل این اصول آشکار می‌سازد که فصل مشترک آن‌ها در کانسپت «انسجام فضایی» تجلی می‌یابد که قابلیت عینی‌سازی از طریق «سازمان‌دهی خطی در معماری» را می‌تواند داشته باشد. براین اساس، طراحی باتکیه بر هندسه توالی فضا و عرصه‌بندی سه گانه مسیر (خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی) به همراه ایجاد روندهای حسی صعودی یا نزولی، بار شناختی ذهن کودک را کاهش می‌دهد. در نهایت، این چارچوب فرایندمحور، ادراک کودک را از تجربه‌ای ناخوشایند به سوی درک معنادار محیط هدایت کرده و زمینه استقلال رفتاری و یادگیری مؤثر را تقویت می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ادراک معنایی، انسجام فضایی، کودکان دارای اوتیسم، محرک‌های حسی محیطی، هندسه توالی فضا

استناد: کلامی، مریم و فضائلی، فائزه. (۱۴۰۵). از کالبد منقطع تا ادراک یکپارچه: تدوین چارچوب «انسجام فضایی» در محیط‌های آموزشی کودکان دارای اوتیسم بر پایه هندسه توالی فضا. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۳۱(۲)، ۹۳-۱۰۵.

مقدمه

ادراک محیطی یکی از عوامل بنیادی در شکل‌گیری رفتار، یادگیری و تعاملات اجتماعی افراد است؛ فرایندی مبتنی بر دریافت محرک‌های حسی، پردازش شناختی و تفسیر معنای محیط که بستر اصلی ارتباط انسان با دنیای پیرامون را فراهم می‌سازد. در کودکان دارای اختلالات طیف اوتیسم، نقص در پردازش یکپارچه محرک‌های حسی و محدودیت در توانایی‌های شناختی، مانع از شکل‌گیری ادراک منسجم و معنادار از فضا می‌شود. این اختلال ادراکی طبق گفته‌های ناصح (۱۳۸۸) اغلب به واکنش‌های رفتاری نامناسب، رفتارهای کلیشه‌ای، آسیب در عملکرد اجتماعی و سردرگمی در تشخیص بخش‌های اصلی محیط از محرک‌های پس‌زمینه‌ای منجر می‌گردد. از این رو کیفیت محرک‌های محیطی، سازمان‌دهی فضایی و پیش‌بینی‌پذیری فضاها، تأثیری مستقیم بر تعدیل این واکنش‌ها و ارتقای رفتارهای سازگارانه کودکان دارد (Tola et al., 2021; Rios-Vega et al., 2024; Li et al., 2025).

در باب ضرورت این پژوهش، طراحی محیط‌های آموزشی و توان‌بخشی متناسب با ویژگی‌های حسی و ذهنی این کودکان، نه یک امر رفاهی، بلکه نیازی حیاتی برای تسهیل فرایند رشد، آموزش و جامعه‌پذیری آن‌هاست. کشف وجوهی از فضا که بتواند مأمونی برای نیازهای حسی متفاوت این افراد باشد، نقشی تعیین‌کننده در کاهش اضطراب، افزایش تمرکز و ارتقای کیفیت زندگی آنان ایفا می‌کند. باتوجه به دشواری این کودکان در سازمان‌دهی و یکپارچه‌سازی محرک‌های محیطی، بررسی چگونگی نقش سازمان‌دهی و توالی فضایی و ترکیب تدریجی محرک‌های حسی در شکل‌گیری ادراک یکپارچه و گشتالتی محیط، حائز اهمیت ویژه‌ای است. این مطالعه به دنبال تبیین رابطه متقابل میان ساختار فضایی و فرایند ادراک معنایی است تا چارچوبی فرایندی و مبتنی بر انسجام ادراکی برای طراحی محیط‌های آموزشی و توان‌بخشی ارائه دهد. منظور از ادراک معنایی در این پژوهش، ادراکی در سطح بازنمایی شناختی و درک کارکردی/گشتالتی محیط توسط کاربر است تا بتواند تعریف عملکرد و توانش‌های محیط را بشناسد. در راستای تحقق این هدف، این مطالعه به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات است که سازمان‌دهی فضایی و توالی محرک‌های محیطی چگونه و با چه سازوکاری بر ادراک معنایی و گشتالتی کودکان دارای اوتیسم تأثیر می‌گذارد؟ کدام راهبردهای طراحی معماری بیشترین نقش را در ایجاد انسجام فضایی و بهبود رفتارهای سازگارانه این کودکان ایفا می‌کنند؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، در زمره پژوهش‌های بنیادی-کاربردی و از نظر ماهیت و روش، در دسته‌بندی پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی قرار می‌گیرد. راهبرد اتخاذشده در این مطالعه، استدلال منطقی و تحلیل محتوای کیفی است که باهدف تدوین یک چارچوب مفهومی-فرایندی برای طراحی کالبدی محیط‌های هدفمند انجام شده است.

فرایند استخراج چارچوب انسجام فضایی این پژوهش، طی چهار گام اصلی عملیاتی شده است؛

• **نخست؛ واکاوی و عارضه‌یابی ادراک و رفتار:** در این مرحله، با استفاده از مرور تحلیلی اسناد روان‌شناسی شناختی و راهنمای تشخیصی

و آماری اختلالات روانی (DSM-5-TR)^۱، ویرایش بازنگری‌شده پنجم، (۲۰۲۲)، ویژگی‌های رفتاری کودکان دارای اوتیسم استخراج گردید. این ویژگی‌ها در سه مؤلفه اصلی اختلالات «حسی-حرکتی»، «ارتباطی-اجتماعی» و «شناختی-ادراکی» دسته‌بندی شدند.

• **گام دوم؛ بازخوانی قابلیت‌های محیطی و معماری:** با متقاطع‌سازی یافته‌های گام اول با نظریه‌های روان‌شناسی محیطی، مؤلفه‌های کالبدی فضا که مستقیماً بر سیستم عصبی و ادراکی کاربر اثر می‌گذارند، شناسایی شدند.

• **گام سوم؛ استخراج اصول سه گانه متناظر:** در این گام، از طریق تکنیک نگاشت مضمونی، میان اختلالات سه گانه کودک و قابلیت‌های فضا، تناظر یک‌به‌یک برقرار شد. حاصل این فرایند قیاسی، استخراج سه اصل کالبدی متمایز بود:

۱. اصل «حسی بودن فضا» (متناظر با اختلال حسی-حرکتی)

۲. اصل «الگوسازی در فضا» (متناظر با اختلال ارتباطی-اجتماعی)

۳. اصل «توالی فضایی» (متناظر با اختلال شناختی-ادراک گشتالتی)

• **گام چهارم؛ تدوین چارچوب نهایی و عینی‌سازی کالبدی:** در مرحله نهایی، با تحلیل فصل مشترک این سه اصل، مفهوم «انسجام فضایی» به‌عنوان هسته مرکزی چارچوب شناسایی شد. در مرحله عینی‌سازی، با بررسی قربات ویژگی‌های این مفهوم با رویکردهای طراحی محیطی، انسجام فضایی در قالب «سازمان‌دهی خطی فضا» و «عرصه‌بندی سه گانه مسیر» به مؤلفه‌های کالبدی ترجمه‌شده در نهایت، مدل فرایندی پیشنهادی پژوهش برای تبدیل محرک‌های محیطی به ادراک یکپارچه‌تر و تسهیل رفتارهای سازگارانه کودک ارائه گردید.

پیشینه پژوهش

با بررسی مطالعات نظری در حوزه روان‌شناسی، می‌توان گفت ادراک محیطی در روان‌شناسی محیطی فرایندی فعال و شناختی است که طی آن فرد، داده‌های حسی دریافتی از محیط را سازمان‌دهی، تفسیر و معنابخشی می‌کند. این فرایند تنها متکی بر ویژگی‌های فیزیکی محیط نیست، بلکه تحت تأثیر تجربه‌های پیشین، یادگیری، نیازها و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی فرد شکل می‌گیرد. از این رو، محیط ساخته‌شده زمانی برای کاربران معنادار می‌شود که بتواند از طریق ساختار فضایی و نشانه‌های خود، الگوی قابل‌فهمی برای ادراک و تفسیر فراهم آورد و واکنش‌های رفتاری متفاوتی را در افراد مختلف برانگیزد (امام‌قلی و همکاران، ۱۳۹۱؛ ایروانی و خداپناهی، ۱۳۹۴). نظریه‌های مبتنی بر انسجام و خوانایی محیط نشان می‌دهند که زمانی ادراک معنادار شکل می‌گیرد که عناصر محیطی در قالب یک کل منظم، قابل‌پیش‌بینی و سازمان‌یافته ادراک شوند. در همین راستا، برخی چارچوب‌های نظری نیز تلاش کرده‌اند رابطه بین محرک‌های محیطی و الگوهای حسی کودکان دارای اوتیسم را تبیین کنند؛ چراکه در مورد کودکان دارای اختلالات طیف اوتیسم، اختلال در پردازش حسی و انسجام مرکزی موجب می‌شود که محیط به‌صورت مجموعه‌ای از اجزای منفک و ناخوانا ادراک شود و دستیابی به معنای کلی فضا با دشواری همراه باشد (American Psychiatric Association [APA], 2022). مدل‌های طراحی آموزشی برای کودکان اوتیسم پیشنهاد می‌دهند که مفاهیم «راحتی» و «برانگیختگی» باید در ارزیابی کیفیت محیط به‌عنوان معیاری برای بهینه‌سازی این فضاها لحاظ شوند، به‌ویژه با توجه به حساسیت‌های بیش/کم حسی در این گروه‌ها (Ahn, 2018). پژوهش‌های شناختی بیان می‌کنند

که این کودکان در ترکیب محرک‌های چندگانه و تشخیص ارتباط زمینه و پس‌زمینه با محدودیت مواجه‌اند که به سردرگمی و بروز رفتارهای نامتناسب می‌انجامد. بر این اساس، طراحی محیطی که از طریق سازمان‌دهی تدریجی محرک‌ها و تقویت انسجام فضایی، فرایند ادراک را هدایت کند، از منظر نظری قابل توجیه است.

در یک مطالعه تجربی در زمینه طراحی محیط‌های بازی ویژه کودکان اوتیستیک، پژوهشگران با استفاده از روش‌های کمی مانند فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی و تحلیل رابطه خاکستری، نشان دادند که عوامل مرتبط با ایمنی و طراحی دوستدار حواس از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار هستند، در حالی که ابعاد فضا و شخصی‌سازی کمتر اهمیت داشته‌اند (Chen et al., 2025). همچنین مصطفی^۲ (۲۰۰۸) نشان داده است که تنظیم هدفمند محرک‌های حسی و ایجاد ساختار بصری مشخص در فضاهای آموزشی و درمانی می‌تواند اضطراب را کاهش داده و تمرکز و مشارکت کودکان را افزایش دهد. نتایج او تأکید می‌کند که ناسازگاری محرک‌های محیطی با توان ادراکی کودک منجر به رفتارهای اجتنابی و سردرگمی می‌شود. طراحی حسی، ساختار فضایی قابل پیش‌بینی، سازمان‌دهی محیطی و تطبیق محرک‌ها با الگوهای ادراکی خاص افراد دارای اوتیسم می‌تواند نتایج مثبت بیشتری در شناسایی و بهبود ادراک محیط داشته باشد. این پیشینه نظری و تجربی، بستر مناسبی برای این پژوهش فراهم می‌آورد تا اصول طراحی محیطی قابل اعتماد و اثربخش در جهت بهبود ادراک کودکان دارای اوتیسم را به صورت چارچوبی یکپارچه بر اساس رابطه میان محرک‌های حسی، ادراک گشتالتی و سازمان فضایی متوالی، تحلیل و ارائه نماید.

با توجه به تنوع پژوهش‌های یادشده که پایه‌های محکمی را در شناسایی معیارهای حسی و فیزیکی فضا فراهم کرده‌اند، زمینه برای برداشتن گام‌های تکمیلی در جهت تبیین تأثیر هم‌افزای کالبد بر ذهن کودک مهیا به نظر می‌رسد. در واقع بررسی نحوه پیوند میان ویژگی‌های شناختی کودکان دارای اوتیسم به ویژه «نقص انسجام مرکزی (ادراک جزئی‌نگر و عدم تمایز زمینه از پس‌زمینه)» با «ساختار هندسی و توالی فضایی معماری» می‌تواند به عنوان یک مفصل جدید، مسیر تبدیل محرک‌های حسی به یک «ادراک کل‌نگر و گشتالتی از محیط» را شفاف‌تر ترسیم کند. رویکرد نوآورانه پژوهش حاضر، ارائه یک چارچوب فرایندی مبتنی بر مفهوم انسجام فضایی بر پایه روان‌شناسی شناختی و کانسپت‌های کالبدی معماری است؛ به عبارتی ساخت یک زنجیره کامل نظری از «محرک حسی» تا «ادراک گشتالتی» و سپس «رفتار سازگارانه».

مبانی نظری پژوهش

مروری بر اختلال اوتیسم و آسیب‌شناسی ادراک اوتیستیک

در معماری، محیط تنها بستری خنثی برای حضور انسان نیست، بلکه طبق نظر مطلبی (۱۳۸۰) نقشی فعال در شکل‌گیری و هدایت رفتارهای کاربران ایفا می‌کند. محیط مطلوب بایستی بتواند متناسب با الگوهای رفتاری و نیازهای افراد طراحی شود و با خصوصیات کالبدی خود، شرایط ادراک مؤثر و بروز فعالیت‌های مناسب را فراهم آورد. همان‌گونه که هال و همکاران (۱۳۹۴/۱۹۹۴) بیان می‌کنند، معماری زمانی معنا می‌یابد که تمام محرک‌های حسی و عناصر کالبدی در پیوستاری واحد در هم بیامیزند و کلیت منسجم یا «گشتالت» محیط را شکل دهند. از این رو محیط

طراحی شده می‌تواند با ایجاد قابلیت‌ها و محدودیت‌هایی خاص، امکان یا احتمال بروز رفتارهای گوناگون را افزایش یا کاهش دهد و حتی احساسات و هویت درونی کاربران را تحت تأثیر قرار دهد. اهمیت این موضوع در مواجهه با گروه‌های خاص کاربران، به‌ویژه کودکانی که دارای اختلالات ادراکی و شناختی هستند، دوچندان می‌شود؛ چرا که در مقایسه با دیگران ارتباطی متفاوت با محیط برقرار می‌کنند.

از جمله این افراد، کودکان دارای اختلالات طیف اوتیسم هستند. اوتیسم یک اختلال رشدی و عصبی است که تأثیر عمده‌ای بر توانایی‌های شناختی، ادراکی و اجتماعی کودکان دارد. آن‌ها ممکن است در زمینه ورودی‌های حسی با دو نوع واکنش متفاوت مواجه باشند: برخی نسبت به محرک‌های محیطی، مانند صدا، نور یا لمس، حساسیت بالایی دارند؛ یعنی دچار بیش‌حسی (پرکاری حواس^۳) هستند و این محرک‌ها می‌توانند باعث ناراحتی، اضطراب یا اجتناب از محیط شوند. در مقابل، برخی دیگر نسبت به محرک‌های مشابه واکنش کم یا ضعیف نشان می‌دهند و ممکن است نسبت به درد، دما یا محرک‌های لمسی کم‌توجه باشند؛ یعنی دچار کم‌حسی (کم‌کاری حواس^۴) هستند. این دو الگوی حسی می‌توانند بر توانایی‌های فرد در فعالیت‌های روزمره و تعامل با محیط تأثیر بگذارند (ناصح، ۱۳۸۸؛ APA, 2022). کودکان دارای اوتیسم در فرایندهای شناختی و نیز تحریک‌پذیری حواس، دچار اختلال هستند که پایه‌های اصلی ادراک را تشکیل می‌دهند. در توضیح علت دسته‌بندی و تحلیل ویژگی‌ها از دو دریچه فوق، بایستی به این دو نکته اشاره کرد:

یک: حواس از اصلی‌ترین و ابتدایی‌ترین تفاوت‌های این کودکان با افراد عادی است. علاوه بر نقش کلیدی حواس در فرایند ادراک، دلیل اهمیت بحث حواس در موضوع طراحی، ارتباط آن با محرک‌های حسی است که شکل‌دهنده محیط طراحی هستند.

دو: اختلال در فرایندهای شناختی و پردازش‌های مغز، آن‌ها را در مرحله دوم ادراک یعنی پردازش دریافت‌های حسی اولیه محیط برای رسیدن به معنای واحد آن، دچار نقص می‌کند. اهمیت بحث فرایندهای شناختی در موضوع طراحی، ارتباط مستقیم با نحوه ادراک عناصر فیزیکی و روشن‌سازی خط‌مشی طراحی محرک‌های فیزیکی محیط است، طوری که بتواند ادراک را تحت تأثیر قرار دهد.

اگرچه نمی‌توان بحث حواس در این کودکان را محدود به دو حس کرد، ولی عمده‌ترین تأثیر مربوط به حس بینایی و شنوایی است (Hedge, 2015). این دو حس به علاوه حس لامسه، در عوامل مؤثر بر طراحی محیط موردنظر بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد چون می‌توانند با عوامل کالبدی محیطی به صورت مستقیم تحت تأثیر قرار گیرند.

در مورد اختلال دوم نیز آن‌ها اغلب قادر به ترکیب محرک‌های مختلف محیطی برای ایجاد ادراک یکپارچه نیستند. ناتوانی آن‌ها در تمایز بین زمینه و پس‌زمینه منجر به عدم تشخیص محرک‌های مربوط به هم از محرک‌های غیرمرتبط با موضوع می‌شود. آن‌ها هر چیزی را بدون انتخاب می‌بینند و مثلاً جدا کردن جزء اصلی تصویر از بقیه آن برایشان مشکل است (ناصح، ۱۳۸۸). چنین ادراک سازمان‌نیافته‌ای راه را برای پیدایش معنای مجموعه محرک‌های محیط ناهموار می‌کند. با مقایسه این ویژگی با اصول نظریه گشتالت در روان‌شناسی محیطی، می‌توان اظهار کرد که کودکان دارای اوتیسم در ادراک گشتالتی یا ادراک کل یکپارچه محیط

پاسخ را به دست می‌آورد (Spielman et al., 2020) که معمولاً غیرارادی، بازتابی و بدون تصمیم آگاهانه فرد بروز می‌کند. شرطی‌سازی کلاسیک^۱ نقش مهمی در شکل‌گیری برخی واکنش‌های هیجانی و فیزیولوژیک انسان دارد (APA, n.d.). شکل‌گیری پاسخ شرطی و یادگیری پایدارتر، تنها به هم‌زمانی محرک‌ها وابسته نیست، بلکه پیش‌بینی‌کنندگی محرک شرطی درباره وقوع یک رویداد معنادار، نقش مهمی دارد (پدیده تعمیم محرک). تعمیم هنگامی رخ می‌دهد که پاسخ شرطی علاوه بر محرک شرطی اصلی، در برابر محرک‌های مشابه نیز ظاهر شود. شباهت بیشتر محرک‌ها، احتمال بروز پاسخ شرطی را افزایش می‌دهد (Spielman et al., 2020). پس شرطی‌سازی کلاسیک یکی از سازوکارهای بنیادین یادگیری است که شناخت آن امکان بهره‌گیری در تعدیل واکنش‌های هیجانی و رفتاری را فراهم می‌کند. در نتیجه می‌توان با استفاده از محرک‌های متناسب با شرایط ذهنی مخاطبان، آن‌ها را در تطابق هرچه بیشتر با محیط و شکل‌دهی به واکنش‌های مثبت یاری کرد.

روانشناسی شناختی فرض می‌کند که بین محرک/ورودی و پاسخ/خروجی یک فرایند میانجی رخ می‌دهد که می‌تواند شامل حافظه، توجه یا حل مسئله باشد. این موارد به‌عنوان رویدادهای میانجی یا فرایندهای شناختی معرفی می‌شوند؛ زیرا بین محرک و پاسخ واسطه می‌شوند (McLeod, 2026). مک‌اندرو (۱۹۹۳/۱۳۸۷) با ارجاع به نظریه ادراک آگون برونسویک^۲ توضیح می‌دهد که ادراک محیط حاصل بازتاب مستقیم واقعیت نیست، بلکه فرد از طریق سازمان‌دهی نشانه‌های پراکنده حسی به درکی منسجم از محیط دست می‌یابد؛ فرایندی که در قالب مدل عدسی چشم یادوربین توصیف می‌شود. محیط مملو از محرک‌های گوناگون است و سازوکاری انتخابی، به نام توجه، امکان تمرکز بر بخشی از این محرک‌ها و نادیده گرفتن سایر اطلاعات حسی را فراهم می‌کند. انسان قادر نیست

به‌عنوان مفهومی واحد با معنایی مشخص، اختلال دارند. ویژگی‌های عمده این کودکان برگرفته از مرجع استاندارد راهنمای تشخیص اختلالات روانی (DSM-5-TR)، ویرایش بازنگری شده پنجم، (۲۰۲۲)، در جدول ۱ قابل‌دسته‌بندی است.

فضای معماری و کیفیت ادراک

در روان‌شناسی، محرک به هر عامل درونی یا بیرونی گفته می‌شود که بتواند توسط سیستم‌های حسی دریافت شده و منجر به پردازش ذهنی یا پاسخ رفتاری در یک موجود زنده شود. محرک نقش بنیادی در آغاز تعامل موجودات با محیط دارد. محرک‌ها را می‌توان در دو دسته عمده محیطی (بیرونی^۳) و غیرمحیطی (درونی^۴) طبقه‌بندی کرد. محرک‌های بیرونی از محیط خارجی ناشی می‌شوند و از طریق حواس دریافت می‌گردند، مانند نور، صدا، دما یا تماس فیزیکی، و عمدتاً در هدایت رفتارهای سازگارانه با محیط نقش دارند. محرک‌های درونی از درون موجود زنده سرچشمه می‌گیرند و شامل حالات فیزیولوژیک و روان‌شناختی مانند گرسنگی، تشنگی، هیجان یا نیازهای زیستی هستند که به حفظ تعادل درونی کمک می‌کنند (Looti, 2026). محرک‌های اجتماعی یا انسانی را نیز می‌توان در دسته محرک‌های بیرونی قرار داد که شامل تأثیر متقابل افراد جامعه (مثل ایجاد انگیزش برای یکدیگر)، تعاملات اجتماعی و عوامل فرهنگی مؤثر در رفتارهای اجتماعی می‌شوند.

در نظریه پاولوف^۵، محرک پدیده‌ای است که موجودات زنده را به واکنش وامی‌دارد. طبق نظریه «شرطی‌شدن کلاسیک»^۶، وی، موجودات یاد می‌گیرند به یک محرک خنثی مفهومی مثبت (پاداش) یا منفی (تنبیه) نسبت بدهند (سید محمدی، ۱۳۹۴) و معنای محرک‌های محیط را بشناسند. در این فرایند، یک محرک خنثی در نتیجه همراهی مکرر با یک محرک غیرشرطی که به‌طور طبیعی پاسخ معینی را برمی‌انگیزد، توانایی ایجاد آن

جدول ۱. دسته‌بندی ویژگی‌های (اختلال‌های) کودکان دارای اوتیسم (یافته‌های پژوهش بر اساس APA, 2022)

ویژگی کودک دارای اوتیسم	نمود رفتاری	زمینه مشترک آسیب
الگوهای حرکتی کلیشه‌ای و تکراری - واکنش بیش‌ازحد یا کم واکنشی به محرک‌های حسی - مشکلات هماهنگی و برنامه‌ریزی حرکتی	تکان دادن انگشتان، راه‌رفتن روی پنجه - واکنش شدید به صدا، بافت، نور یا بی‌تفاوتی نسبت به درد/دما - رفتارهای خود آسیب‌رسان (کوبیدن سر، گازگرفتن)	اختلال در مهارت‌های حسی و حرکتی
نقص در توجه، ارتباط غیرکلامی و تعامل اجتماعی/هیجانی - ناتوانی در ایجاد، حفظ و درک روابط	مکالمه یک‌طرفه، فقدان رفت‌وبرگشت گفتگویی - تماس چشمی ضعیف یا غیرعادی - ناتوانی در بازی تخیلی مشترک - دشواری در دوست‌یابی یا فقدان علاقه به هم‌سالان	اختلال در مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی
ضعف در انسجام مرکزی - پردازش جزئی‌نگر به‌جای کل‌نگر - نقص در کارکردهای اجرایی (برنامه‌ریزی، تفکر انعطاف‌پذیر)	تمرکز افراطی بر جزئیات و ناتوانی در دیدن «تصویر کلی» - دشواری در درک بافت موقعیت‌های اجتماعی - مقاومت شدید در برابر تغییر روال‌ها و آیین‌های ثابت - علائق محدود و شدید	اختلال در مهارت‌های شناختی و ادراک گشتاتی

نمودار ۱. دسته‌بندی پیشنهادی برای انواع محرک‌های مؤثر بر ادراک و رفتار (یافته‌های پژوهش)



وسیع، به میزان وضوح و خوانا بودن ساختار فضایی آن‌ها بستگی دارد (لینچ در مرتضوی، ۱۳۸۰). رویکرد نوین معماری عصبی^{۱۷} نیز بر طراحی فضاهایی تمرکز دارد که تأثیر مثبت بر مغز و روان انسان دارند. بر اساس یافته‌های سانتوس^{۱۸} (۲۰۲۳)، ادراک فضایی افراد، تحت تأثیر تجربیات و خاطرات قبلی، به صورت ناخودآگاه بر احساسات، رفتار و سلامت آن‌ها اثر می‌گذارد. هر فرد به طور منحصر به فرد محرک‌های محیطی را دریافت و رمزگشایی می‌کند؛ بنابراین طراحی محیط باید محرک‌های بصری، لمسی، شنوایی و بویایی را به کار گیرد.

با بررسی نظریه‌های بنیادین نایسر^{۱۹} (۱۹۶۷)، می‌توان دریافت که با تداوم و پیچیده‌تر شدن فرایندهای ذهنی، سطحی پیشرفته‌تر از پردازش اطلاعات شکل می‌گیرد که در آن فرد توانایی انجام عملیات شناختی پیچیده‌تری مانند تحلیل، قضاوت، حل مسئله و ارزیابی پدیده‌ها را به دست می‌آورد. در این سطح، ذهن قادر است بازنمایی‌هایی درونی از تجربه‌های پیشین ایجاد، نگهداری و بازیابی کند. این بازنمایی‌های ذهنی مبنای شکل‌گیری حافظه محسوب می‌شوند و امکان پردازش فعال اطلاعات را فراهم می‌کنند. با سازمان‌دهی و تعامل مستمر آن‌ها، فرد قادر به انتزاع و ویژگی‌های مشترک تجارب و شکل‌دهی معنا و مفاهیم کلی می‌شود؛ فرایندی که زیربنای تفکر، یادگیری و شناخت پیچیده انسانی را تشکیل می‌دهد. معنا را می‌توان مجموعه تصورات در ذهن انسان پس از برخورد با یک محرک در محیط دانست که از صافی فرهنگ و ارزش‌های افراد عبور کرده باشد (کلالی و مدیری، ۱۳۹۱). شرایط متنوع برداشت افراد، در کنار عوامل فیزیکی، فردی و مشترک اجتماعی، عوامل تعریف‌کننده معنای محیط را شکل می‌دهند. در چارچوب نظری احساس و ادراک (ایروانی و خداپناهی، ۱۳۹۴)، در صورتی که فرایند ادراک از آغاز مرحله احساس تا عبور از مرحله پردازش‌های ذهنی به درستی و بدون اختلال طی شود، فرد قادر به دریافت معنای محیط خواهد بود. سپس با تلفیق این آگاهی حسی و ادراک، در سطحی بالاتر شناختی عمیق‌تر پدید می‌آید که به شکل‌گیری ادراک معنادار منجر می‌شود (کلالی و مدیری، ۱۳۹۱). این شناخت در نهایت منجر به تشخیص توانش‌ها و رفتار متناسب با محیط در فرد می‌شود. فرایند ادراک محیط را می‌توان در قالب نمودار ۲ درک کرد.

کودکان اوتیسم با اختلال در این مراحل، معنای محیط را درک نکرده و دچار سردرگمی و عدم تشخیص رفتار مناسب می‌شوند. نحوه ادراک این کودکان در نمودار ۳ نمایش داده شده است.

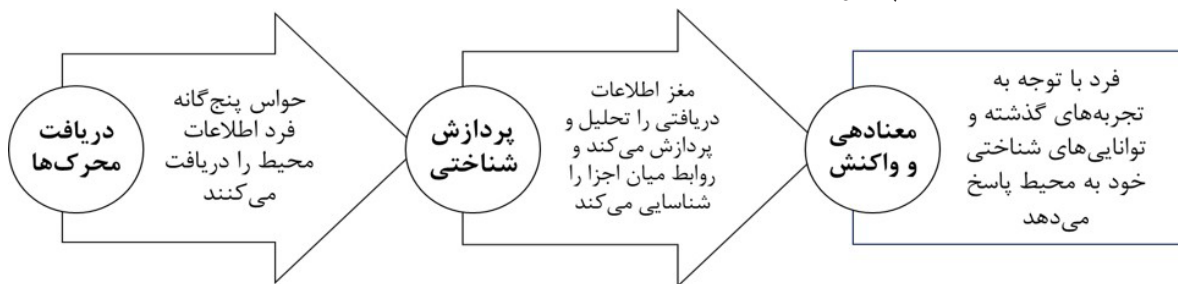
ناترازی دریافت حسی در مرحله دریافت محرک‌های محیطی، اختلال ایجاد می‌کند. در مرحله دوم (پردازش شناختی)، مغز قادر به تحلیل و سازمان‌دهی صحیح اطلاعات دریافتی نیست. در مرحله آخر، معنایی واضح و منسجم از محیط و توانش‌های آن در ذهن کودک شکل نمی‌گیرد و ادراک مختل می‌شود. برخی سطوح معنایی محیط مستقیماً به عوامل فیزیکی و کارکردهای کالبدی آن مربوط‌اند و طراح می‌تواند با کنترل محرک‌های حسی محیطی بر این سطوح اثر بگذارد. باقی سطوح معنایی به صورت غیرمستقیم با عوامل درون فردی ادراک‌کننده‌ها در ارتباط است که باید به تأثیر محرک‌های حسی محیطی بر فرایندهای شناختی توجه کرد، مانند؛

• استفاده از محرک‌هایی متناسب با شرایط روحی و ذهنی مخاطبان که سازگاری بیشتر با محیط و شکل‌گیری رفتارهای متناسب را تسهیل

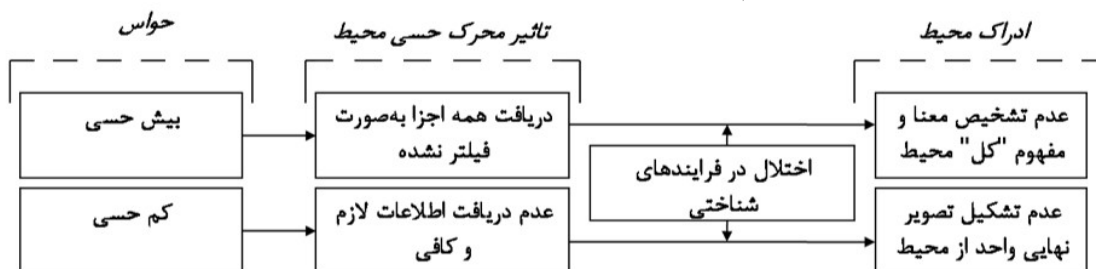
همه محرک‌های محیط را هم‌زمان پردازش کند؛ از این رو، توجه انتخابی^{۲۰} تعیین می‌کند کدام اطلاعات برای پردازش ادراکی برگزیده شوند. در ادراک بصری، این گزینش عمدتاً از طریق هدایت حرکات چشم و تمرکز دیداری بر عناصر برجسته‌تر محیط صورت می‌گیرد (Nolen-Hoekse, 2009). ویژگی‌های ذاتی و فیزیکی محرک‌های حسی محیط (مثل شدت و ضعف) در ایجاد رجحیت‌های گزینش محرک‌ها مؤثر است و می‌توانند در جهت‌دهی به مفهوم مورد نظر محیط به کار آیند. از طرفی توقعاتی که بر اساس تجربه در ذهن شکل گرفته‌اند، ادراک محیطی را تکمیل می‌کند؛ پس فرهنگ و ارزش‌های فکری فرد بر این روند مؤثر است (امام‌قلی و همکاران، ۱۳۹۱). بر این اساس ترکیب فرایند توجه انتخابی به برخی محرک‌ها و تجربه محرک‌های مشابه، در طراحی کالبدی محیط جهت ایجاد واکنش‌های بهبود یافته، مؤثر به نظر می‌رسد.

در صورت عدم وجود توانش‌های قابل‌درک محرک‌ها، محیط غیرعملکردی می‌شود و می‌تواند موجب سردرگمی و اضطراب شود. در این زمینه، نورمن^{۲۱} (۲۰۱۳) با معرفی مفهوم توانش محیطی^{۲۲} آن را دستورالعمل کاربری محیط و حاصل رابطه میان ویژگی‌های محیط با توانایی‌های کاربران می‌داند. او تأکید می‌کند طراحی مؤثر باید به گونه‌ای باشد که کاربران بدون نیاز به دستورالعمل‌های پیچیده، عملکردهای مورد نظر را به صورت شهودی درک و اجرا کنند. برای مثال، در طراحی فضاهای مناسب برای افراد مبتلا به زوال عقل، عواملی مانند نور طبیعی و مصنوعی مناسب، کاهش خیرگی، کنترل صداهای مزاحم، استفاده از نشانه‌گذاری بصری واضح، تضاد رنگی هدفمند، و مصالح قابل لمس می‌توانند استقلال، ایمنی و آرامش افراد را تقویت کنند. این ویژگی‌ها با تأثیر مستقیم بر کیفیت زندگی افراد با اختلال شناختی، نمونه‌هایی از توانش‌های محیطی هستند که کنش‌های روزمره را تسهیل می‌کنند (Quirke et al., 2023). با بررسی الگوهای رفتاری افراد در محیطی خاص یا افرادی با نیازهای خاص، می‌توان به روابط بین محیط و رفتار مخاطب پی برد که در روان‌شناسی محیطی تحت عنوان قرارگاه رفتاری^{۲۳} شناخته می‌شود. هر محیط بر اساس ویژگی‌های رفتاری افراد، ورودی‌های متفاوتی ارائه می‌دهد که در پاسخ به رفتار کاربران تغییر می‌کنند؛ بنابراین محیط به صورت پویا با رفتار افراد تعامل می‌کند که پایه‌ای برای شکل‌گیری قرارگاه‌های رفتاری است (Scho-ggen, 1989). شناخت قرارگاه‌های رفتاری در طراحی محیطی فضاهای توان‌بخشی اهمیت زیادی دارد. با در نظر گرفتن توانش‌ها و محدودیت‌های شناختی افراد می‌توان محیطی ساخت که رفتارهای مطلوب را تسهیل و از بروز سردرگمی یا اضطراب جلوگیری کند. این مفهوم با یکی دیگر از مفاهیم کلیدی در ادراک، به نام تناسب محیط هم‌خوانی دارد. در روان‌شناسی، نظریه تناسب فرد و محیط^{۲۴} به درجه سازگاری میان ویژگی‌های فرد (نظیر نیازها، اهداف و توانایی‌ها) و ویژگی‌های محیطی اشاره دارد؛ هرچه این سازگاری بیشتر باشد، احساس رضایت، رفاه و عملکرد فرد بهبود یافته و در صورت عدم تناسب، استرس و ناراضی‌ت افزایش می‌یابد (Van Vianen, 2018). به گفته لینچ^{۲۵} (۱۹۶۰)، ادراک محیط وابسته به میزان خوانایی^{۲۶} و تناسب عناصر محیطی با تجارب فرد است. محیط‌های خوانا و مناسب به افراد کمک می‌کنند تصویر ذهنی منسجم‌تری از آن بسازند و احساس تسلط، کنترل و تعلق بیشتری داشته باشند. وی در نظریه اصل وضوح بر این باور است که توانایی افراد در درک، سازمان‌دهی و جهت‌یابی در فضاهای

نمودار ۲. مراحل ادراک (معنای) محیط (یافته‌های پژوهش)



نمودار ۳. مدلواره فرایند ادراک محیطی کودکان دارای اوتیسم (یافته‌های پژوهش)



حسی، قابل فهم بودن ساختار و پیش‌بینی پذیری محیط، از طریق سازمان دهی اطلاعات حسی، فراهم سازی نشانه‌های راه یابی و استفاده هدفمند از نور، رنگ، بافت و عناصر طبیعی می‌تواند عملکرد ادراکی و مشارکت افراد در آموزش را بهبود بخشد (Li et al., 2025; Rios-Vega et al., 2024; Tola et al., 2021). طراحی داخلی چندحسی نیز با در نظر گرفتن نیازهای ویژه حسی کودکان اوتیستیک، می‌تواند مهارت‌های حرکتی، توجه و رفتارهای مثبتشان را ارتقا دهد (Habbak & Khodeir, 2023)؛ تبیین شناختی این امر نشان می‌دهد که تنظیم کالبدی محرک‌های چندحسی، مانع از آشفتگی سیستم توجه انتخابی کودک شده و با فیلتر کردن نویزهای محیطی، فشار شناختی ذهن او را کاهش می‌دهد.

نوع رفتار کاربران یا الگوهای شاخص رفتاری، یکی از عناصر قرارگاه رفتاری محیط است که در مورد کودکان دارای اوتیسم با تفاوت‌های عمده‌ای همراه است. آن‌ها اغلب با مشکلاتی در هماهنگی حسی - حرکتی و برنامه‌ریزی حرکت مواجه هستند که کنترل حرکات را برایشان دشوار می‌کند (Fournier et al., 2010). این ویژگی بر تعامل و انطباق با محیط، کسب مهارت‌های جدید و مشارکت فعال در جامعه و فضاهای آموزشی اثر گذار است (Catama, 2024). اختلالات حرکتی، نیز موجب کاهش توانایی انجام فعالیت‌های روزمره، ورزشی و تفریحی شده و موقعیت تعاملات اجتماعی را محدود می‌کند؛ در نتیجه کودک دچار انزوا، اضطراب و مشکلات عاطفی می‌شود (Hilton et al., 2012). این مسئله به‌ویژه در حضور محرک‌های آزاردهنده محیطی، تشدید می‌گردد و کودک قادر به حفظ توجه و تمرکز نخواهد بود که به بروز رفتارهای تدافعی و نامناسب می‌انجامد.

چارچوب نظری این پژوهش فرض می‌کند با کنترل شدت و توالی محرک‌ها، کالبد فضا می‌تواند به مثابه یک «محرک شرطی مثبت» عمل کند تا پاسخ‌های بازتابی و رفتارهای تدافعی کودک تعدیل شود. همان‌طور که در بخش پیش اشاره شد، مدل عدسی برونسویک بیان می‌کند که

می‌کند که با نظریه شرطی سازی کلاسیک هم خوانی دارد.

• تغییر ویژگی‌های فیزیکی محرک‌های حسی محیطی که با کمک فرایند توجه، به دریافت مفهوم محیط جهت می‌دهد.

نقش فضای معماری در تعدیل اختلال ادراک

رفتار مستقل از محیطی که فرد در آن حضور دارد قابل بررسی نیست؛ یعنی محیط خود یکی از پایه‌های شیوه رفتار انسان‌هاست. آلتمن (۱۳۸۲/۱۹۷۵) معتقد است رفتار انسان به‌طور مستقیم از محیط نشئت نمی‌گیرد، بلکه در فرایندی تعاملی با محیط شکل می‌گیرد و باید در بستر شرایط محیطی و اجتماعی تبیین شود. انسان‌ها برای تنظیم تعامل خود با محیط از مفاهیمی مانند فضای شخصی، قلمرو و حریم شخصی بهره می‌برند تا بتوانند تعامل اجتماعی و رفتار خود را کنترل و مدیریت کنند. به بیان دیگر، محیط نه تنها رفتار فرد را محدود می‌سازد، بلکه ابزاری برای تنظیم و سازمان دهی الگوهای رفتاری فراهم می‌آورد. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد کیفیت‌های محیطی فضاهای آموزشی و توان بخشی کودکان، از جمله وجود بازشوها با دید به مناظر طبیعی و ارتباط بصری با فضاهای سبز، نقش بسزایی در کاهش استرس، بهبود ارتباطات اجتماعی و ارتقای رفتارهای سازگارانه کودکان ایفا می‌کنند. مجموع یافته‌های ری و همکاران^{۲۰} (۲۰۲۳)، کاوازا^{۲۱} (۲۰۲۱) و لیندمن - ماتیس و همکاران^{۲۲} (۲۰۲۲) بیانگر آن است که استفاده از طراحی زیست دوست^{۲۳} و حضور گیاهان در فضاهای داخلی می‌تواند موجب افزایش تمرکز، بهبود توجه و کاهش مشکلات شناختی - رفتاری در کودکان شوند و از سلامت روان آنان حمایت کنند. از سوی دیگر، در محیط شهری نیز ویژگی‌هایی مانند پوشش گیاهی و امکانات بازی با بهبود رفتار بازی و تعاملات اجتماعی آن‌ها مرتبط است (Wu et al., 2022). پس حضور مؤثر در محیط یادگیری مستلزم کیفیت مناسب محرک‌های کالبدی (مانند پنجره‌ها جهت تعریف میزان و نحوه ورود نور و دید به بیرون) و عوامل ارتباط با طبیعت است. برآیند مطالعات اخیر نشان می‌دهد که توجه ویژه به کیفیت جنبه‌های

نایسر، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که محدودیت در کارکردهای اجرایی و انعطاف‌پذیری شناختی، فرایند معنادهی به فضا را در کودکان دارای اوتیسم مختل می‌کند. برای جبران این گسست شناختی و پاسخ‌گویی به دسته‌بندی سه گانه اختلالات رفتاری (ارائه‌شده در جدول ۱)، چارچوب مفهومی پژوهش یک ساختار کالبدی سه‌وجهی را پیشنهاد می‌دهد: ابتدا از طریق «حسی بودن فضا» ورودی‌های اولیه حسی تعدیل می‌شوند، سپس از طریق «الگوسازی در فضا» بازنمایی‌های درونی شکل می‌گیرند و در نهایت از طریق «توالی فضایی»، ذهن کودک به سطح تحلیل و پیش‌بینی‌پذیری محیط دست می‌یابد. در ادامه، مؤلفه‌ها و راهکارهای عملیاتی این سه وجه تبیین می‌گردد:

وجه نخست: حسی بودن فضا (تعدیل اختلال در مهارت‌های حسی و حرکتی)

هدف نخستین لایه مداخله کالبدی، ایجاد تعادل حسی میان محرک‌های کالبدی محیط و طراحی فضایی همساز با حواس، یعنی بر اساس ظرفیت دریافت‌های حسی کاربران است. تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بهره‌گیری از راهکارهای کالبدی زیر، صرفاً یک اقدام تزیینی نیست، بلکه ابزاری برای مدیریت توجه انتخابی و هدایت فرایند میانجی‌ذهنی است که نایسر و نولن - هوکسما نیز به آن اشاره کرده‌اند (از طریق حذف رقابت

ادراک، حاصل سازمان‌دهی نشانه‌های پراکنده حسی در قالب یک کل منسجم است. اهمیت این نظریه در تبیین ادراک کودکان دارای اوتیسم آن است که این کودکان به دلیل تمرکز افراطی بر جزئیات، در لایه میانی این عدسی (پردازش و سازمان‌دهی) متوقف می‌شوند. آن‌ها نشانه‌های پراکنده فضا (یافت زمین، پنجره، صدای محیط) را به‌صورت اجزای منفک و بدون ارتباط دریافت می‌کنند. در نتیجه، مدل مفهومی این تحقیق استدلال می‌کند که معماری باید با حذف محرک‌های مزاحم، نقش یک عدسی اصلاح‌کننده یا واسطه کالبدی منسجم را ایفا کند تا ذهن کودک بتواند زمینه را از پس‌زمینه تمییز دهد.

بحث و یافته‌های پژوهش

مهم‌ترین عوامل مؤثر در طراحی فضا برای کاهش اختلال ادراک تحلیل اختلالات ادراکی و رفتاری کودکان دارای اوتیسم نشان داد که الزامات طراحی محیط را می‌توان در قالب سه اصل کالبدی تبیین کرد که مبنای چارچوب مفهومی و فرایندی پژوهش (نمودار ۴) را تشکیل می‌دهند. طراحی فضاهای آموزشی و توان‌بخشی باید به گونه‌ای باشد که محرک‌های حسی، متناسب با ظرفیت ادراکی کودک ارائه شوند تا از تشدید مشکلات حسی و رفتاری جلوگیری شود. با اتکا به مبانی شناختی

نمودار ۴. مدل فرایندی انسجام فضایی در طراحی برای اوتیسم (یافته‌های پژوهش)

ورودی محیطی: مجموعه محرک‌های حسی و کالبدی فضا		
لایه اول: آسیب‌شناسی شناخت و ادراک کودک (DSM-5)		
الف: اختلال حسی - حرکتی (بیش‌حسی و کم‌حسی شدید)	ب: اختلال ارتباطی - اجتماعی (انزوای فضایی و عدم تعامل)	ج: اختلال شناختی - گشتالتی (نقص انسجام مرکزی/ جزئی‌نگری)
لایه دوم: نظریه‌های پشتیبان روان‌شناسی محیطی		
توانش‌های محیطی (تورمن) توجه انتخابی (نولن هوکسما) مدل عدسی (برونسویک)	قرارگاه رفتاری (بارکر/ شوگن) تناسب فرد - محیط (ون‌ویانن) شرطی‌سازی کلاسیک (پاولوف)	ادراک گشتالتی (هال) خوفناهی فضا (لینچ) ثبات ادراکی و تعمیم ذهنی (اسپلمن)
لایه سوم: اصول سه‌گانه طراحی کالبدی (یافته‌ها)		
۱. حسی بودن فضا • تعدیل و کنترل محرک‌ها • تفکیک زون بیش‌اکم حسی	۲. الگوسازی در فضا • شبیه‌سازی تدریجی جامعه • ایجاد پناهگاه‌های حسی	۳. توالی فضایی • ریتم و سلسله‌مراتب صعودی و نزولی در شدت محرک‌ها
لایه چهارم: کانسپت کالبدی و فصل مشترک معماری		
انسجام فضایی (تحقق از طریق «سازمان‌دهی خطی فضا» و عرصه‌بندی سه‌گانه مسیر)		
خروجی نهایی: تبدیل کالبد متقطع به ادراک یکپارچه / تسهیل رفتارهای سازگارانه و استقلال کودک		

• **آموزش از طریق محرک‌های دیداری کنترل‌شده:** آموزش فعالیت‌ها در قالب عناصر تصویری و محرک‌های بصری کنترل‌شده، می‌تواند در آموزش قالب‌های تعامل با اجتماع (در مقیاسی جزئی‌تر از جامعه واقعی) یاری‌گر باشد.

از آنجا که کودک دارای اوتیسم به دلیل نقص در تئوری ذهن و ضعف در تعمیم شناختی، قادر به انتقال رفتارهای آموخته‌شده از یک محیط به دیگری نیست، طراح می‌تواند با بهره‌گیری از پدیده ثبات ادراکی و تکرار عناصر و فرم‌های آشنا، یک بستر ایمن واسط ایجاد کند. حضور در این فضاهای شبیه‌سازی‌شده با درجات متغیر (از ضعیف به قوی)، به ذهن وی کمک می‌کند فرایند انتزاع مفاهیم اجتماعی را به صورت شهودی طی کرده، رفتارهای سازگاران را درونی کند و تعاملات اجتماعی‌اش را به جامعه واقعی پل بزند.

وجه سوم: توالی فضایی (تعدیل اختلال در مهارت‌های شناختی و ادراک گشتالتی)

پس از تعدیل ورودی‌های حسی و شکل‌گیری الگوی اولیه شناختی، سازمان‌دهی آن‌ها در قالب یک ادراک کل‌نگر در قالب این وجه پیش‌بینی می‌گردد. توالی فضایی با ایجاد ریتم، نظم و پیش‌بینی‌پذیری فرایند جهت‌یابی و درک کل محیط را تسهیل می‌کند؛

• **شکاف‌اندن کالبد فضا به واحدهای معنادار حسی:** طراحی فضاها با سطوح متغیر محرک‌های محیطی و خردکردن مجموعه عناصر به اجزای معنادار، می‌تواند به شکل‌گیری ادراک گشتالتی کمک کند. برای تطابق هر چه بیشتر این افراد با تغییرات محرک‌ها یا ویژگی‌های مربوط به آن‌ها، بایستی تغییرات به صورت تدریجی اتفاق بیفتد. همچنین در راستای جلوگیری از فیلتر ذهنی این افراد در مواجهه با دریافت‌های حسی (و برگزیدن تنها بخشی از این دریافت‌ها)، زمینه آموزش جهت تجزیه مجموعه حسی دریافت‌شده به واحدهای معنادار فراهم می‌شود.

• **ایجاد روندهای حسی صعودی و نزولی:** مجموعه‌های محرک حسی به صورت سلسله‌مراتب خطی سازمان‌دهی می‌شوند. در روند صعودی (ویژه کودکان بیش‌حس)، فضا با کمترین تعداد محرک و ابعاد کوچک‌تر آغاز می‌شود (مانند بازوهای کوچک، رنگ‌های ملایم و عایق‌بندی صوتی قوی) و با حرکت به فضاهای بعد، تعداد، ابعاد و شدت محرک‌ها افزایش می‌یابد (برای جلوگیری از تغییرات ناگهانی در بار شناختی). در روند نزولی (ویژه کودکان کم‌حس) این فرایند برعکس خواهد بود.

• **تثبیت تدریجی قابلیت تعمیم ذهنی:** حرکت در این فضاهای متوالی سبب می‌شود کودک ابتدا مجموعه‌های ساده‌تر محرک‌ها را در ابتدای مسیر بازشناسی کند و معنای منسجم آن را دریابد؛ سپس با حرکت در طول مسیر و ثبت تجارب قبلی، مقدمات ادراک مجموعه پیچیده‌تر بعدی را که متشکل از تجربه قبلی اوست، به دست آورد. درواقع جهت تقویت ادراک گشتالتی، تجاربی تکرارشونده، تعمیم‌پذیر و سلسله‌مراتبی در ذهن ایجاد می‌شود. مؤلفه‌ها و راهکارهای محیطی پیشنهادی سه وجه فضایی معرفی شده برای بهبود اختلالات رفتاری کودکان اوتیسم در نمودار ۵ آورده شده است.

تحلیل تطبیقی سه اصل پیشنهادی نشان می‌دهد که اگرچه هر یک از آن‌ها بخشی متفاوت از اختلال ادراکی کودک را هدف قرار می‌دهند، اما همگی در یک هدف مشترک همگرا می‌شوند؛ بازگرداندن توانایی ادراک

محرک‌های پس‌زمینه و هدایت تمرکز کودک بر عملکرد اصلی فضا؛

• **تنظیم محرک‌های بصری و کنترل نور:** برای تنظیم شدت نور ورودی به فضا و جلوگیری از خیرگی در کودکان بیش‌حس، بهره‌گیری از سطوح نیمه‌شفاف و نورگیرهای نزدیک به سقف پیشنهاد می‌شود تا نور به صورت غیرمستقیم وارد فضا شود. این امر می‌تواند بار شناختی سیستم دیداری را که به دلیل عدم فیلتر محرک‌های مزاحم بصری ایجاد می‌شود، کاهش دهد.

• **کدگذاری رنگی (تنظیم فام و غلظت رنگ) بر اساس ظرفیت حسی:** جهت هدایت ترجیحات گزینش ادراکی، برای تحریک بصری افراد کم‌حس از فام‌های گرم و اشباع (مانند قرمز) با شدت بالاتر، و برای آرامش بخشی به افراد بیش‌حس از رنگ‌های ملایم، سرد و کم‌رنگ (مانند سبز و آبی) در سطوح معماری پیشنهاد می‌شود.

• **آکوستیک کالبدی:** استفاده از دیوارهای متخلخل و عایق‌های آکوستیک برای کنترل شدت صوت، همچنین طراحی فضای سبز پیرامون حضور درختان، هیاهوی شهری را دور کرده و محرک‌های صوتی مزاحم را فیلتر می‌کند.

• **توانش بساوایی مصالح:** به کارگیری مصالح با بافت‌های متنوع (زبر، نرم، برجسته) متناسب با توان حسی کودکان، در راستای هم‌سازی با حس بساوایی و تقویت و آموزش تعامل حسی با محیط عمل می‌کند.

• **تفکیک کالبدی زون‌های حسی:** این کودکان به فضایی نیاز دارند که بتوانند از لحاظ شدت و میزان دریافت‌های حسی در امان باشند و دریافت‌های بیش از ظرفیت را به نوعی تخلیه کنند. طبق مفهوم توانش‌های محیطی نورمن، یک فضای واحد با محرک‌های کنترل‌نشده، برای کودک بیش‌حس تولید اضطراب و برای کودک کم‌حس تولید انزوا می‌کند که فضا را غیرعملکردی می‌سازد؛ لذا تفکیک دو زون کالبدی مشخص شامل «زون کم‌حس» و «زون بیش‌حس»، پاسخی معمارانه به نظریه تناسب فرد و محیط است که با ایجاد انطباق میان ظرفیت حسی هر گروه و توانش تعاملی فضا، احساس تسلط و راحتی جایگزین رفتارهای تدافعی می‌شود.

• وجه دوم: الگوسازی در فضا (تعدیل اختلال در مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی)

راهبرد کلیدی این وجه، بازآفرینی مصنوع و کنترل‌شده‌ای از محرک‌ها و مجموعه‌های سازمان‌یافته روزمره جامعه (خانه، مدرسه، پارک) در محیط داخلی است. این راهکار بر پایه شکل‌دهی به یک الگوی شناختی برای زندگی در جامعه واقعی استوار است تا با کمک پدیده شرطی‌سازی کلاسیک، فرایند انتزاع مفاهیم (هنگام مواجهه با شرایط واقعی) در ذهن کودک تسهیل شود؛

• **شبیه‌سازی تدریجی قرارگاه‌های رفتاری:** فضاها می‌توانند در قالب سطوح شبیه‌سازی ضعیف تا قوی و در موضوعاتی با شباهت به طبیعت، فضای خانه، مدرسه و فضاهای باز شهری طراحی شوند. شبیه‌سازی تدریجی فضاها (از خانه تا مدرسه و فضاهای شهری) در یک محیط کنترل‌شده، به عنوان یک بستر قرارگاه رفتاری عمل می‌کند.

• **نقش‌آفرینی در حاشیه امن کالبدی:** کودکان با حضور در این فضاها در امنیت و آرامش، نقش‌آفرینی کرده، به مرور نحوه برخورد با موقعیت‌های مشابه در دنیای بیرون را درونی می‌کنند و زمینه کاهش انزوای اجتماعی فراهم می‌شود.

نمودار ۵. مؤلفه‌ها (راست) و راهکارهای (چپ) محیطی سه وجه اصلی فضای مورد طراحی برای کودکان اوتیستیک (یافته‌های پژوهش)

حسی بودن فضا	نورگیرهای نیمه‌شفاف و نور غیرمستقیم- رنگ‌های تند برای کم‌حس‌ها و رنگ‌های ملایم برای بیش‌حس‌ها- دیوارهای متخلخل و عایق- فضای سبز و حضور درختان- مصالح با بافت‌های متنوع	○ تعادل حسی میان محرک‌های حسی و همساز با حواس ○ تقویت ارتباط حسی و آموزش نحوه تعامل حسی با محیط ○ در امان بودن از لحاظ شدت و میزان دریافت‌های حسی ○ طراحی محرک‌ها بر اساس ظرفیت حسی کاربران	مهارت‌های حسی و حرکتی
الگوسازی در فضا	ایجاد محرک‌های مصنوعی سازمان‌یافته مشابه محیط واقعی جامعه- شبیه‌سازی فضاهای روزمره (خانه، مدرسه، طبیعت، فضاهای شهری) با شدت شبیه‌سازی ضعیف تا قوی- ایجاد امنیت و آرامش برای تمرین نقش‌آفرینی و درونی‌سازی رفتارهای اجتماعی	○ شکل‌دهی به یک الگوی شناختی برای نحوه زندگی در جامعه واقعی ○ محیط واسطه آموزش تعامل با جامعه واقعی ○ شباهت فضاها به فضاهای موجود در محیط زندگی روزمره ○ آموزش تعامل اجتماعی با عناصر تصویری و محرک‌های بصری کنترل‌شده	مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی
توالی فضایی	ریتم مشخص و قابل پیش‌بینی در چیدمان فضاها و دسترسی به آن‌ها- استفاده از مجموعه محرک‌های ساده‌تر و کمتر در فضاهای ابتدایی و افزایش تدریجی پیچیدگی محرک‌ها در فضاهای بعدی؛ یعنی طراحی محرک‌های حسی با سطوح سلسله‌مراتبی (با روند صعودی برای بیش‌حس و نزولی برای کم‌حس)	○ سازمان فضایی شفاف، ساده و قابل پیش‌بینی ○ منطق، نظم و ریتم در سازمان‌دهی فضا ○ شکاندن مجموعه عناصر محیط به اجزای معنادار ○ ایجاد تجاربی تکرارشونده، تدریجی و سلسله‌مراتبی	مهارت‌های شناختی و ادراک گشتالتی

• سازمان‌دهی‌های مرکزی و شعاعی: به دلیل ایجاد زون‌های چندگانه پیرامونی و تلاقی مسیرها در یک هسته مشترک، معمولاً واجد درهم‌تنیدگی حسی و گستردگی محرک‌های متقاطع هستند که این امر می‌تواند توجه انتخابی کودک بیش‌حس را دچار آشفتگی کند.

• سازمان‌دهی‌های خوشه‌ای و مجموعه‌ای: هرچند انعطاف‌پذیری بالایی دارند، اما به دلیل ماهیت تضاد و غیر صلب خود، پتانسیل بالایی در ایجاد ابهام فضایی و ضعف در خوانایی (جهت‌یابی) برای ذهن جزئی‌نگر کودک دارند.

در میان این الگوها، «سازمان‌دهی خطی»^{۲۴} به‌عنوان یکی از الگوهای بهینه و واجد اولویت (نه تنها پاسخ کالبدی) تبیین می‌شود. این الگوی هندسی به دلیل تعریف یک محور صریح و پیش‌بینی‌پذیر، توالی ریتمیکی از فضاها را فراهم می‌کند که می‌تواند موجب عرصه‌بندی سه‌گانه مسیر بر اساس ظرفیت حسی و توانایی تعامل اجتماعی کودکان شود؛

۱. **عرصه خصوصی:** این عرصه در ابتدای مسیر (بخش‌های امن فضا) قرار دارد و شامل فضاهای اختصاصی آموزشی و توان‌بخشی انفرادی با کمترین میزان محرک‌های مخل و بالاترین کنترل محیطی است؛

۲. **عرصه نیمه‌خصوصی:** در گام بعدی توالی قرار دارد و برای حضور کودکان دارای اختلال در کنار یکدیگر و یا در کنار والدین طراحی می‌شود تا تعامل در مقیاس کوچک شکل گیرد؛

۳. **عرصه عمومی:** در انتهای مسیر خطی قرار دارد و شامل فضاهای جمعی، بازی و شبیه‌سازی‌های جامعه واقعی با گستردگی

محیط به‌عنوان یک کل معنادار. از این رو، مفهوم انسجام فضایی به‌عنوان برآیند و فصل مشترک سه اصل پیشین مطرح می‌شود. ویژگی اصلی این فصل اشتراک، ادراک کل محیط با کمک مجموعه محرک‌هایی است که در بخش‌های مجزا اما در طول یک توالی منظم سازمان‌دهی شده‌اند. حرکت در این سیر متوالی، مجموعه‌های مجزای محرک‌ها و عرصه‌های عملکردی را در قالب یک محیط منسجم و طبیعی به ذهن کاربر می‌رساند. درواقع فردی که قادر به ادراک محیط به‌صورت یک مجموعه منسجم با معنا و کارکردی خاص نیست، به دنبال ادراک جزئی کوچک‌تر از مجموعه آن محیط می‌گردد. خرد کردن یک محیط با محرک‌های سطح عادی به مجموعه‌ای از فضاهای متوالی با محرک‌های افزاینده یا کاهنده، تطبیق بر نحوه ادراک کودکان اوتیستیک را فراهم می‌آورد و موجب می‌شود جزء را در خدمت کل درک کند. امکان شناخت مرحله به مرحله محیط از سطح ابتدایی (محرک‌هایی محدود با شدت کم) تا سطح پیشرفته (محرک‌های واقعی و شبیه‌سازی‌شده زندگی روزمره)، مزیتی است که در راستای فراهم‌سازی شرایط آسایش کودک اوتیستیک و تثبیت تدریجی آموخته‌های وی (از تعریف محرک‌های یک محیط)، عمل می‌کند.

در نظریه‌های نظام فضایی معماری، الگوهای متعددی برای انتظام بخشی به فضاها وجود دارند که هر یک توانش‌های محیطی متفاوتی ارائه می‌دهند. در طراحی برای کودکان اوتیسم، گزینش الگوی هندسی فضا باید مستقیماً پاسخ‌گوی نیاز به پیش‌بینی‌پذیری و کاهش فشار شناختی باشد. در یک تحلیل مقایسه‌ای؛

و انزوای او را کاهش می‌دهد، ۳. توالی فضایی: که با خرد کردن کالبد فضا به روندهای حسی صعودی و نزولی تدریجی و قابل پیش‌بینی، امکان تعمیم شناختی و درک گشتالتی محیط را برای کودک جزئی‌نگر ممکن می‌سازد. فصل اشتراک این ویژگی‌ها، با عنوان انسجام فضایی، درصدد ایجاد ادراک کل یکپارچه و منسجم محیط است. با جزئی‌نگری این کودکان، ادراک منسجم و گشتالتی دچار اختلال می‌شود و زمینه بر پس‌زمینه ارجحیت می‌یابد. چنین شرایطی نیازمند یک عنصر یکپارچه‌کننده است که توسط محیط آموزش داده می‌شود. مدل عملیاتی این چارچوب در قالب هندسه سازمان‌دهی خطی به‌عنوان یکی از ساختارهای کالبدی مناسب می‌تواند عینی‌سازی شود. تحلیل و مقایسه نظریه‌های انتظام فضایی نشان داد که انطباق این سازمان‌دهی با عرصه‌بندی سه‌گانه مسیر (خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی)، در مقایسه با الگوهای پیچیده‌تری چون سازمان‌دهی مرکزی یا خوشه‌ای، پتانسیل بالاتری برای ایجاد یک پیوستار ریتمیک، منظم و پیش‌بینی‌پذیر دارد. این هندسه اضطراب محیطی را تعدیل کرده و فرایند تبدیل تجارب منقطع حسی به یک ادراک گشتالتی و معنادار از کل محیط را تسهیل می‌نماید. نوآوری عملیاتی پژوهش صرفاً ارائه مجموعه‌ای از توصیه‌های طراحی نیست، بلکه تبیین چارچوب فرایندی و سازوکار شناختی اثرگذاری کالبد معماری بر فرایند ادراک و رفتار کودکان اوتیسم است؛ از طریق متقاطع‌سازی لایه‌های اختلال شناختی با اصول سه‌گانه کالبدی (حسی بودن، الگوسازی، توالی) و تجسم آن در قالب نظام هندسی سازمان‌دهی خطی و عرصه‌بندی سه‌گانه مسیر. درواقع رویکردی است که معماری را از یک پوسته فیزیکی صرف، به یک واسطه آموزشی و تسهیلگر فرایندهای ادراک شناختی ارتقا می‌دهد.

با این حال، هر پژوهش علمی واجد محدودیت‌های ساختاری در فرایند تعمیم‌دهی است. محدودیت پژوهش حاضر، متوجه ماهیت چندگانه، پویا و سیال اختلال طیف اوتیسم است؛ از آنجاکه پاسخ‌های حسی و ادراکی این کودکان به کالبد فضا، می‌تواند تحت تأثیر فاکتورهای غیرمحیطی (مانند نوسانات خلقی روزانه، میزان داروهای مصرفی و شرایط بیولوژیکی کودک در لحظه حضور در فضا) قرار گیرد، فرموله کردن یک چارچوب هندسی ثابت برای تمام زیرطیف‌ها با چالش همراه است. علاوه بر این، عدم امکان سنجش واکنش‌های فیزیولوژیک عینی کودکان (نظیر ردیابی چشمی یا پایش ضربان قلب) در مواجهه با ماکت‌ها یا فضاهای شبیه‌سازی شده خطی، از دیگر محدودیت‌های توسعه عملیاتی این چارچوب به شمار می‌رود. در نهایت، با توجه به محدودیت‌های فوق و از آنجاکه الگوهای حسی در طیف اوتیسم بسیار متنوع است، پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی به بررسی لایه‌بندی عرصه‌های فضایی (خصوصی تا عمومی) با تمرکز بر متغیرهای تعدیل‌کننده نظیر «گروه‌های سنی مختلف (پیش‌دستانی در برابر نوجوان)» و «شدت سطح اختلال (سطح ۱ تا ۳ بر اساس DSM-5)» بپردازند تا چارچوب خطی ارائه‌شده برای هر گروه بهینه‌سازی و شخصی‌سازی شود. از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر نیز ماهیت نظری و چارچوب‌ساز آن است. در این پژوهش، مدل پیشنهادی بر پایه تحلیل منابع، مبانی روان‌شناسی شناختی و اصول طراحی محیطی تدوین شده و امکان ارزیابی آن در قالب یک نمونه اجراشده یا مطالعه تطبیقی میان پروژه‌های معماری فراهم نبوده است. از این رو پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، چارچوب ارائه‌شده در پروژه‌های آموزشی

محرك‌های حسی است.

همچنین فضاها را به تدریج با محرك‌های حسی کم به زیاد (و برعکس برای کودکان کم‌حس) در قالب سازمانی خطی از آغاز ورود به محیط طراحی شده تا انتهای مسیری که کاربر در آن حرکت می‌کند، می‌توان قرار داد. در پاسخ به پرسش پژوهش، این لایه‌بندی فضایی متوالی به کاربر اجازه می‌دهد که گام به گام از حاشیه امن فضا (عرصه خصوصی با کمترین بار شناختی) به سوی فضاهای تعاملی‌تر (عرصه عمومی) حرکت کند.

پیوند میان کانسبت سازمان‌دهی خطی چینگی و بهبود ادراک گشتالتی در ذهن کودک بدین گونه تحلیل می‌شود که وقتی فضاها در یک سیر متوالی و ریتمیک (صعودی یا نزولی) سازمان‌دهی می‌شوند، فضا ویژگی خوانایی مدنظر لینگ را به دست می‌آورد. این هندسه خطی با کاهش نقاط تصمیم‌گیری در مسیر حرکت، پتانسیل کالبدی مناسبی را برای کاهش ابهام فضایی فراهم می‌کند و به‌عنوان یک ساختار میانجی، فرایند جهت‌یابی را کاملاً پیش‌بینی‌پذیر می‌کند. حرکت در این توالی خطی به کودک اجازه می‌دهد تا محیط را نه به صورت تکه‌های منقطع، بلکه به‌عنوان یک پیوستار واحد (گشتالت محیطی) ادراک کند.

نتیجه‌گیری

محیط معماری با تأثیر بر احساسات و حس هویت‌مندی افراد، بستری برای بروز رفتارها و واسطه‌ای برای رشد، یادگیری و تعامل کاربران است. معماری زمانی معنا می‌یابد که تمام عناصر محیطی در کالبدی یکپارچه، معنایی واحد را به ادراک مخاطب برسانند. با تحلیل نحوه تأثیرگذاری ارکان اصلی ادراک محیط بر آن مشخص گردید حواس و فرایندهای شناختی تحت تأثیر محرك‌های حسی محیطی و نیز عوامل غیرمحیطی و ذهنی در شکل‌دهی به ادراک معنایی از محیط مؤثرند. فرایند ادراک معنایی و تشخیص رفتارهای متناسب با کارکرد فضا، زمانی کامل می‌شود که ارکان ادراک سالم عمل کنند. اختلال در حواس پنج‌گانه و فرایندهای شناختی، فرایند ادراک را مختل می‌کند و شناخت محیط ناقص می‌ماند. کودکان دارای اوتیسم با اختلال در دو رکن فوق، ادراکی متفاوت از افراد عادی تجربه می‌کنند. اختلال در مهارت‌های پایه می‌تواند به صورت اختلال در مهارت‌های حسی و حرکتی، اجتماعی و ارتباطی، شناختی و ادراک گشتالتی تقسیم‌بندی شود که منجر به بروز رفتارهایی خاص در آن‌ها می‌گردد. با بررسی رفتارهای فضایی و طراحی محیطی که توانش‌های محیطی مؤثری برای این کودکان ارائه دهد، می‌توان ریشه اختلالات ادراکی و بالطبع رفتاری را بهبود بخشید.

یافته‌های پژوهش نشان داد که با متقاطع‌سازی اختلالات رفتاری این کودکان با قابلیت‌های کالبدی فضا، می‌توان سه وجه اصلی و متناظر را استخراج و عملیاتی نمود. وجه ۱. حسی بودن فضا: که از طریق راهکارهای عینی همساز با حواس، نظیر کنترل غیرمستقیم نور (نورگیرهای سقفی پیرامونی)، کدگذاری غلظت‌مبانی رنگ‌ها (فام‌های تند برای تحریک کم‌حسی و ملایم برای آرامش‌بخشی به بیش‌حسی)، عایق‌بندی صوتی جداره‌ها و تکنیک فیزیکی زون‌های حسی، بار شناختی سیستم توجه انتخابی را تعدیل می‌کند، ۲. الگوسازی در فضا: که از طریق شبیه‌سازی تدریجی قرارگاه‌های رفتاری زندگی روزمره (خانه، مدرسه و جامعه) در سطوح ضعیف تا قوی، بستری ایمن برای نقش‌آفرینی اجتماعی کودک فراهم کرده و به کمک پدیده ثبات ادراکی، الگوی رفتاری در ذهنش شکل داده

و توان بخشی ویژه کودکان دارای اوتیسم به صورت مطالعات موردی، پژوهش‌های تطبیقی یا ارزیابی پس از بهره‌برداری مورد آزمون قرار گیرد تا میزان کارآمدی عملی مؤلفه‌های پیشنهادی سنجیده شود.

بیانیه استفاده از هوش مصنوعی

در طول تهیه این اثر، نویسندگان از ابزارهای Gemini و ChatGPT و Google برای ویرایش زبان، نگارش و اصلاح دستور زبان به منظور افزایش شفافیت و وضوح متن، بهبود کیفیت نگارشی، افزایش تنوع واژگان و ارتقای انسجام زبانی متن بهره‌برده‌اند. پس از استفاده از این ابزارها، نویسندگان به بررسی و ویرایش محتوا پرداخته‌اند. همچنین به عنوان دستیار در ترجمه متون فارسی به انگلیسی یا بالعکس، جستجوی سریع در متون مقالات بر

اساس اهداف نویسندگان و جستجوی منابع مرتبط با موضوعات نیز گاهی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در مواردی که نیاز به خلاصه‌سازی متن بوده است نیز این ابزارها به کار برده شده‌اند. در تمام این مراحل، صحت و اعتبار محتوای علمی، منابع و عملکرد این ابزارها در خروجی ارائه شده به دقت مورد بررسی قرار گرفته‌اند، جستجوی مجدد توسط نویسندگان برای کسب اطمینان انجام و تا حد نیاز ویرایش یا اصلاحات اعمال شده‌اند؛ در نتیجه مطالب علمی و زیربنای چارچوب ارائه شده حاصل پژوهش نویسندگان و مورد تأیید آن‌هاست و داده ساختگی احتمالی توسط ابزارهای هوش مصنوعی در پژوهش به کار برده نشده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. کتاب *DSM-5-TR مخفف Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fifth Edition, Text Revision* و عنوان ویرایش بازنگری شده پنجم «راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی» است که توسط انجمن روان‌پزشکی آمریکا در سال ۲۰۲۲ منتشر شده است.

- | | |
|-------------------------------|----------------------------|
| 2. Mostafa. | 3. Hyper Sensitivity. |
| 4. Hypo Sensitivity. | 5. External Stimuli. |
| 6. Internal Stimuli. | 7. Ivan Petrovitch Pavlov. |
| 8. Classical Conditioning. | 9. Egon Brunswik. |
| 10. Selective Attention. | 11. Norman. |
| 12. Environmental Affordance. | 13. Behavior Setting. |
| 14. Person-Environment Fit. | 15. Lynch. |
| 16. Legibility. | 17. Neuroarchitecture. |
| 18. Santos. | 19. Neisser. |
| 20. Rhee et al.. | 21. Kavaz. |
| 22. Lindemann-Matthies et al. | 23. Biophilic Design. |

۳۴. توالی خطی از فضاهای تکرارشونده و یا مجموعه فضاهایی با تفاوت در اندازه، فرم یا عملکرد است و لزوماً متشکل از مجموعه‌ای فضاست که در امتداد طولی سازمان قرار گرفته‌اند (چینگ، ۱۹۷۹/۱۳۹۴، ۲۱۸).

References

- Ahn, K. (2018). *Theoretical Paradigm Adapted for School Design for Children with Autism Spectrum Disorder*. The shared behavioral outcomes conference, Academy of neuroscience for architecture, United States of America. <https://drive.google.com/file/d/1rYZhp-MynkiRfGfGicafjKXsvIb1b6w5P/view>
- Altman, I. (2003). *The environment and social behavior: Privacy, personal space, territory, and crowding* [Mohit va raftare ejtemaei: Khalvat, fazaye shakhsi, ghalamro va ezdeham] (A. Namazian, Trans.). Shahid Beheshti University. (Original work published 1975) (In Persian)
- American Psychiatric Association. (2022). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders* (5th ed., text rev.).
- American Psychological Association. (n.d.). Classical conditioning. In *APA dictionary of psychology*. Retrieved December 31, 2025, from <https://dictionary.apa.org/classical-conditioning>
- Catama, B. V. (2024). Motor impairments in autism spectrum disorder: Implications for intervention and research. *North American Academic Research*, 7(7), 97–108. <https://doi.org/10.5281/zenodo.13239488>
- Chen, J., Ismail, A. S., & Xie, X. (2025). Comparative evaluation of play environment design elements in autism schools using AHP and GRA. *Scientific Reports*, 15, Article 43207. <https://doi.org/10.1038/s41598-025-27376-0>
- Ching, F. D. K. (2015). *Architecture: Form, space, and order* [Memari: Form, faza va nazm] (Z. Qaraguzlu, Trans.). University of Tehran. (Original work published 1979) (In Persian)
- Emamgholi, A., Ayvazian, S., Zadeh Mohammadi, A., & Eslami, S. G. R. (2012). Environmental psychology: A common field between architecture and behavioral sciences [Ravanshenasi-ye mohiti: Arse-ye moshtarek-e memari va olum-e raftari]. *Behavioral Sciences Quarterly*, 4(14), 23–44. <https://sid.ir/paper/190530/fa> (In Persian)
- Fournier, K. A., Hass, C. J., Naik, S. K., Lodha, N., & Cauraugh, J. H. (2010). Motor coordination in autism spectrum disorders: A synthesis and meta-analysis. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 40(10), 1227–1240. <https://doi.org/10.1007/s10803-010-0981-3>
- Habbak, A. L. Z., & Khodeir, L. (2023). Multi-sensory interactive interior design for enhancing skills in children with autism. *Ain Shams Engineering Journal*, 14(8), Article 102039. <https://doi.org/10.1016/j.asej.2022.102039>
- Hedge, A. (2015). Sensory sensitivity and the built environment. *LD+A Magazine*, 45(1), 56–60. <https://doi.org/10.1177/036063251504500116>
- Hilton, C. L., Zhang, Y., Whilte, M. R., Kloth, C. L., & Constantino, J. (2012). Motor impairment in sibling pairs concordant and discordant for autism spectrum disorders. *Autism*, 16(4), 430–441. <https://doi.org/10.1177/1362361311423018>
- Holl, S., Pallasmaa, J., & Pérez-Gómez, A. (2015). *Questions of perception: Phenomenology of architecture, along with three other essays by the authors* [Porsesh-haye edrak: Padidar-shenasi-ye memari be hamrah-e se maghale-ye digar az nevisandegan] (A. Akbari & M. A. Sharifian, Trans.). Parham-Naghsh. (Original work published 1994) (In Persian)
- Iravani, M., & Khodapanahi, M. K. (2015). *Psychology of sensation and perception* [Ravanshenasi-ye ehsas va edrak]. SAMT. (In Persian)
- Kalali, P., & Modiri, A. (2012). Explaining the role of meaning in the process of sense of place formation [Tabyin-e naghsh-e moalef-eye mana dar farayand-e sheklgiri-ye hess-e makan]. *Honar-Haye Ziba: Memari va Shahrsazi*, 17(2), 43–52. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2012.30159> (In Persian)
- Kavaz, M. (2022). Biophilic design and individuals on autism spectrum disorder. In E. Sönmez, & H. Gözlükaya (Eds.), *Architectural sciences and spatial design* (pp. 144–168). Iksad.
- Li, Z., Lee, J. H., Yao, L., & Ostwald, M. J. (2025). Impact of built environments on human perception: A systematic review of physiological

- measures and machine learning. *Journal of Building Engineering*, 104, Article 112319. <https://doi.org/10.1016/j.jobe.2025.112319>
- Lindemann-Matthies, P., Benkowitz, D., & Hellinger, F. (2021). Associations between the naturalness of window and interior classroom views, subjective well-being, and attention in primary school children. *Landscape and Urban Planning*, 214, Article 104146. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2021.104146>
- Looti, M. (2026). Stimulus: How Your Brain Decodes Reality. *Encyclopedia of psychology*. <https://encyclopedia.arabpsychology.com/stimulus/>
- Lynch, K. (1960). *The image of the city*. MIT Press.
- McAndrew, F. T. (2008). *Environmental psychology* [Ravanshenasi-ye mohit] (G.-R. Mahmoudi, Trans.). Zarbaf Asl. (Original work published 1993) (In Persian)
- McLeod, S. (2026). Cognitive approach in psychology. *Simply psychology*. <https://www.simplypsychology.org/cognitive.html>
- Mortezaei, S. (2001). *Environmental psychology and its applications* [Ravanshenasi-ye mohit va karbord-e an]. Shahid Beheshti University. (In Persian)
- Mostafa, M. (2008). An architecture for autism: Concepts of design intervention for the autistic user. *Archnet-IJAR: International Journal of Architectural Research*, 2(1), 189–211. <https://doi.org/10.26687/archnet-ijar.v2i1.182>
- Motalebi, G. (2001). Environmental psychology: A new science in the service of architecture and urban design [Ravanshenasi-ye mohiti: Daneshi no dar khedmat-e memari va tarahi-ye shahri]. *Honar-Haye Ziba*, 10, 52–67. <https://sid.ir/paper/5650/fa> (In Persian)
- Naseh, H. (2009). *Along with autism: From diagnosis to treatment* [Hamrah ba autism: Az tashkhis ta darman]. Danjeh. (In Persian)
- Neisser, U. (1967). *Cognitive psychology*. Appleton-Century-Crofts.
- Nolen-Hoeksema, S., Fredrickson, B. L., Loftus, G. R., & Wagenaar, W. A. (2009). *Atkinson & Hilgard's introduction to psychology* (15th ed.). Cengage Learning.
- Norman, D. A. (2013). *The design of everyday things: Revised and expanded edition*. Basic Books.
- Quirke, M., Bennett, K., Chau, H.-W., Preece, T., & Jamei, E. (2023). Environmental design for people living with dementia. *Encyclopedia*, 3(3), 1038–1057. <https://doi.org/10.3390/encyclopedia3030076>
- Rhee, J. H., Schermer, B., Han, G., Park, S. Y., & Lee, K. H. (2023). Effects of nature on restorative and cognitive benefits in indoor environment. *Scientific Reports*, 13, Article 13199. <https://doi.org/10.1038/s41598-023-40408-x>
- Rios-Vega, L., Carroll, A., Dumont, R., TreadwellDeering, D., Fields, M., & Schaaf, R. (2024). Designing sensory adaptive environments to enhance participation in healthcare for autistic children. *Discover Psychology*, 4, Article 22. <https://doi.org/10.1007/s44202-024-00118-5>
- Santos, V. (2023). Neuroarchitecture: How the built environment influences the human brain. *Revista Científica Multidisciplinar Núcleo do Conhecimento*, 3(7), 96–113. <https://doi.org/10.32749/nucleodoconhecimento.com.br/architecture/neuroarchitecture>
- Schoggen, P. (1989). *Behavior settings: A revision and extension of Roger G. Barker's ecological psychology*. Stanford University Press.
- Seyedmohammadi, Y. (2015). *Psychology of learning* [Ravanshenasi-ye yadgiri]. Ravan. (In Persian)
- Spielman, R. M., Jenkins, W. J., & Lovett, M. D. (2020). *Psychology 2e*. Openstax. <https://openstax.org/details/books/psychology-2e>
- Tola, G., Talu, V., Congiu, T., Bain, P., & Lindert, J. (2021). Built environment design and people with autism spectrum disorder (ASD): A scoping review. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(6), Article 3203. <https://doi.org/10.3390/ijerph18063203>
- Van Vianen, A. E. M. (2018). Person–environment fit: A review of its basic tenets. *Annual Review of Organizational Psychology and Organizational Behavior*, 5, 75–101. <https://doi.org/10.1146/annurev-orgpsych-032117-104702>
- Wu, S., Pan, C., Yao, L., & Wu, X. (2022). The impact of the urban built environment on the play behavior of children with ASD. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(22), Article 14752. <https://doi.org/10.3390/ijerph192214752>
- آلتمن، ایروین. (۱۳۸۲). محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام. (علی نمازیان، مترجم). دانشگاه شهید بهشتی. (چاپ اثر اصلی ۱۹۷۵)
- امامقلی، عقلی؛ آیوازیان، سیمون؛ زاده محمدی، علی و اسلامی، سید غلامرضا. (۱۳۹۱). روان‌شناسی محیطی: عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری. فصلنامه علوم رفتاری، ۴(۱۴)، ۳۳–۴۴. <https://sid.ir/paper/190530/fa>
- ایروانی، محمود و خدایناهی، محمدکریم. (۱۳۹۴). روان‌شناسی احساس و ادراک. سمت. چینگ، فرانسیس دی. کی. (۱۳۹۴). معماری: فرم، فضا و نظم (زهره فراگز، مترجم). دانشگاه تهران. (چاپ اثر اصلی ۱۹۷۹)
- سید محمدی، یحیی. (۱۳۹۴). روان‌شناسی یادگیری. روان. کلالی، پریسا و مدیری، آتوسا. (۱۳۹۱). تبیین نقش مؤلفه معنا در فرایند شکل‌گیری حس مکان. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۱۷(۲)، ۴۳–۵۲. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2012.30159>
- مرتضوی، شهرناز. (۱۳۸۰). روان‌شناسی محیط و کاربرد آن. دانشگاه شهید بهشتی. مک‌اندرو، فرانسیس تی. (۱۳۸۷). روان‌شناسی محیط (غلامرضا محمودی، مترجم). زرباف اصل. (چاپ اثر اصلی ۱۹۹۳)
- مطلبی، قاسم. (۱۳۸۰). روان‌شناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. نشریه هنرهای زیبا، ۱۰(۱)، ۵۲–۶۷. <https://sid.ir/paper/5650/fa>
- ناصح، هما. (۱۳۸۸). همراه با اتیسم: از تشخیص تا درمان. دانژه. هال، استیون؛ پالاسما، یوهانی و پرز-گومز، آلبرتو. (۱۳۹۴). پرسش‌های ادراک، پدیدارشناسی معماری به همراه سه مقاله دیگر از نویسندگان (علی اکبری و محمدامین شریفیان، مترجمان). پرهام‌نقش. (چاپ اثر اصلی ۱۹۹۴)



Journal of Architecture and Urban Planning

University of Tehran

Vol. 31, No. 2, Summer 2026

License Holder: University of Tehran Press

ISSN: 2228-6020

Director-in-Charge: **HAMED MAZAHERIAN**

Editor-in-Chief: **ESFANDIAR ZEBARDAST**

Publisher: **UNIVERSITY OF TEHRAN PRESS**

Editorial Board (in alphabetical order):

BEHNAZ AMINZADEH GOHARRIZI

Professor, School of Urban planning, College of Fine Arts, University of Tehran

MOHAMMAD TAGHI PIRBABAEI

Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University

MAHMOUD REZA SAGHAFI

Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Isfahan University of Art

PIROOZ HANACHI

Professor, Department of Restoration, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran

SHAHIN HEIDARI

Professor, Department of Architecture Technology, Faculty of Architecture, Faculty of Fine Arts, University of Tehran

MOHAMMAD HOSSEIN SHARIFZADEGAN

Professor, Department of Urban and Regional Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

ALIREZA EINIFAR

Professor, Department of Architecture, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran

ALI OMRANI POUR

Associate Professor, Department of Architectural Engineering, Faculty of Architecture and Art, University of Kashan

ALI GHAFARI

Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Shahid Beheshti

MOHAMMAD TALEGHANI

Assistant Professor, University of Salford Manchester

MOHAMMAD GHARI POUR

Distinguished Professor, Association of Collegiate Schools of Architecture University of Maryland, USA

Executive Director: **Narges Yarchini**

Specialized Editor: **Mehdi Fallahi Takan Tappeh**

Cover Design: **Morteza Momayez**

Bismillah Design and Logo Type: **Sedaghat Jabbari**

Address: College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran-Iran

E-mail: fineartj@ut.ac.ir

Website: <http://JFAUP.ut.ac.ir>

Phone: (+98-21) 66415282

Fax: (+98-21) 66415282